

مازندران
در
روزنامه وقایع اتفاقیه

بمون تپوری (ح.ص)

تبرستان 2015 / 1394

مازندران در روزنامه وقایع اتفاقیه

بمون تیوری (ح.ص)

چاپ و پخش: تبرستان

1394 خ/ 2015 م

167 رویه

www.tabarestan.info

bamun@tabarestan.info

سخن آغاز

برای شناخت درست از رویدادهای هر دوره، نیاز به سند های به جا مانده از آن زمان است. وقایع اتفاقیه از اسناد ارزنده روزگار ناصرالدین شاه قاجار است. از همین رو، دوره روزنامه وقایع اتفاقیه را پالیدم و هر آنچه را که از مازندران و مازندران در آن یافتم، سوا نمودم و پیش روی خواستاران تاریخ این سرزمین نهادم.

در بزرگداشت این روزنامه، در یادکردهای کاغذی و اینترنت، بسیار نوشته اند. برای شناخت درست این سند برجسته، همین بس که نخستین روزنامه دولتی ایران به شمار می رود. در تاریخ مطبوعات، سومین نشریه ای است که در ایران چاپ شد و تا شماره 471 رسید.

بر پایه داشته ها، ناصرالدین شاه، پادشاه خودکامه، ظل الله قاجاری، بر آن شد رسانه ای ملی پدید آورد. باصدر اعظمش، امیرکبیر نوگرا، که خودی می نمود و گوش به فرمان شاه بود، در میان نهاد. بزرگمرد دینی و سیاسی، با این امید که روزنه تازه ای رو سوی غرب بگشاید. دین و دانش بیروورد و نیز داد و ستد بازرگانی و صنعتی بگسترده، به خرسندی و خوش دلی، خود راهبری نخستین هفته نامه را به دست گرفت. بدین گونه امیرکبیر، تا آخرین روز نخست وزیری اش (1277)، مدیر مسئول وقایع اتفاقیه یا همان گزارش دربار و دستگاه ناصرالدین شاه هم بود.

نخستین شماره این روزنامه 5 ربیع الاول 1267 ه.ق پخش شد. این شماره با نام "روزنامه اخبار دارالخلافة تهران" چاپ شد. از شماره 2 نام "وقایع اتفاقیه" را برگزیدند. شماره پایانی تاریخ 5شنبه 28 محرم 1277 ه.ق دارد. ناگفته نماند از میانه کار، زمان چاپ و پخش، بیش از یک هفته است.

*آنچه که پیش رو نهادم، گزارش رویدادهای مازندران و شناخت مازندرانی هایی هستند که در روزنامه یادشد. به یاد بیاورم که پیگیر زندگی و کارنامه سپاهیان و کار بدستان مازندرانی، مانند عباس قلی خان لاریجانی، در دیگر جای ها نیز شدم. برای پویندگانی که جویای کارنامه چنین کسانی هستند. نام و برگ شمار آنان را در برچیده ها آوردم.

*باید گفت که نمایه های پایانی دوره چهارجلدی وقایع اتفاقیه کاستی چشمگیر دارند. ترکمن را آگاهانه در فهرست نگنجاندم زیرا در آن روزگار قلمرو جابجایی ترکمنان بیشتر از استان نوساخته گلستان امروزی بود. به دو نمونه فیروزکوه و دارالمرز بسنده می کنم. نخست فیروزکوه.

تا جایی که تاریخ سینه به سینه به یاد می آورد فیروزکوه بخشی از تبرستان بوده است. رویکردهای تاریخی و فرهنگی نیز گواه این پیوستگی هستند. با استان سازی های تازه، پیکره جغرافیای مازندران را برپند و فیروز کوه را تهرانی ساختند!! از آنجا که نخواستیم استان گلستان نخوانده را در این گزارش بیاورم بهتر آن دیدم که فیروزکوه را هم ننگارم و به آوردن نمایه فیروزکوه و فیروزکوهی بسنده کنم. به هررو گمان دارم با خواندن و روبرو نهادن آنچه که در پایانی دوره 4جلدی روزنامه آورده اند و گرد آورده این قلم، به خوبی نشان می دهند که در این دست پویش ها نمی باید به نمایه های پایانی چنین گنجینه هایی، دل خوش داشت.

بی تردید شناختن یکایک مازندرانی هایی که در روزنامه از آنان نام برده شده، کار دشواری است. کوشیده ام که دست کم نام جای ها را به درستی بیابم و نشان دهم. امید که تاریخ نگاران بیسندند و بهره به جا برند.

فیروز کوه بر پایه نمایه کتاب:

اکرم خان فیروزکوهی 303

قاسم خان (سر هنگ فوج فیروز کوهی) 1144، 2622، 2655

فیروزکوه: فوج- 97، 161، 728، 2632، 2655، 2744 ترکمنان- 512

بی گمان " ترکمنان- 512" نادرست است. در گزارش درگیری نیروهای دولتی با ترکمنان که در استرآباد روی داده بود، آورده اند که: " ترکمنان را شکست داد و تا فیروزآباد آنها را تعاقب نموده..." نامی از فیروزکوه مازندران در میانه نیست! (نگ ش 86 (پنجشنبه هشتم ذیحجه 1268) 4. * (512/1)).

همچنین آنچه را که من یافته ام ، بایدبر نمایه فیروزکوه و فیروزکوهی ، افزود:

باباخان فرزند سید حسین خان فیروزکوهی ازدانشجویان دارالفنون 1728، 2668

سید علی خان سرتیپ فوج فیروز کوهی و حکومت آن جا 2744

سیدمحسن خان سرهنگ فیروزکوهی 58

فیروزکوه . فیروزکوهی (فوج . سرباز) 58، 531، 392، 664، 999، 1693، 1029،
1728، 2192، 1836

قاسم خان (سرهنگ فوج فیروز کوهی) 2732

نمونه دیگر از کاستی نمایه های چاپ دوم ، دارالمرز است که اشاره به گیلان ومازندران دارد. آماج روزنامه نگاران به یکی از دو سامان است که در جای خود نوشته ام.

در نمایه تنها دو بار از اینجا یاد شد:

دارالمرز: 1319 مالیات در- 3020.

حال آن که بارها از دارالمرز یاد شد که در برجیده هایم می خوانید.

جز از این باید اشاره کنم برخی آبادی ها، مانند اشرف (بهشهر امروزی)، افرابیل، بندپی، چهاردانگه، زاغمرز ، شیرگاه ، علی آباد (در گذر زمان شاهی واکنون قائم شهر)، کارکنده، کجور، کلباد و نور را در نمایه جای نمی یابیم.

* هر جا که کاستی دیدم میانه [] افزودم.

* واژه هایی چون تعین و جهت را تعیین وجهت نگاشتم. همچنین چاپارخانهها، رودخانهها وماننده ها را به شیوه امروزی چاپارخانه ها ، رودخانه ها آوردم.

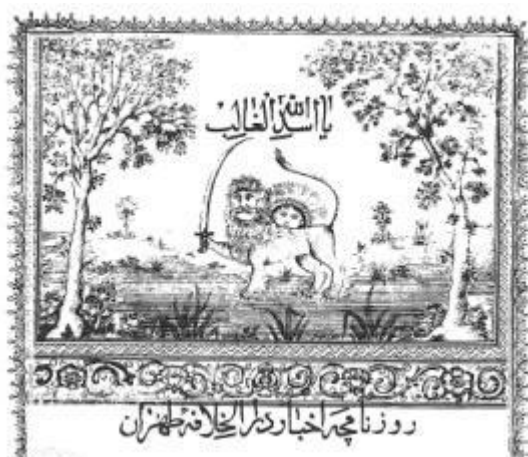
*پایان سخن این که دوره چهار جلدی روزنامه وقایع اتفاقیه در تبرستان جا ی دارد. در رویه هایی، نشانه و اشاره هایی به مازندران ، گیلان و گلستان امروزه کرده ام.

<http://www.tabarestan.info/iran/i12r.html>

روزنامه وقایع اتفاقیه 4 جلد. [471 شماره. از 5 ربیع الاول 1267 تا 28 محرم 1277 ه.ق.].

بمونی تپوری (ح.ص)

بهار 1394 خ / 2015 م



قرارداد جدیدی که اولیای دولت قاهر گذاشتند این است که در اول ماه و پانزدهم، چاپارها از دارالخلافه به ممالک ذیل: آذربایجان، فارس، رشت، کرمان، استرآباد، مازندران،

خراسان، کرمانشاهان بروند و در چهاردهم و بیست [و] نهم دو دفعه وارد شوند مگر کرمان، چون که دور است، ماهی یک چایار در پنجم می رود. از اول ماه صفر قرار بر این شده است¹ که در چاپارخانه ها، اسب را فرسخی ده شاهی کرایه بگیرند و اسب بدهند. اگر از تجار و غیره بخواهند با اسب چایاری به هر جا بروند با اذن و حکم دیوان، در هر جا اسب به آنها می دهند و هر قدر اسب بخواهند حاضر است.

... میرزا قوما که در بهبهان بود چند سال در آن جا خودسری می کرد، این روزها عالیجاه عباس قلی خان سردار لاریجانی، او را گرفته با مالیات دیوانی که به خزانه عامره می آوردند، روانه دارالخلافه نموده....

... سابقا حکم شده بود که نواب شاهزاده مهدی قلی میرزا حاکم مازندران، اشخاصی را که قابل هستند تربیت و ترغیب نماید که شکر مازندران را مانند شکر هندوستان سفید نمایند. در [۱]ین روزها استاد عبدالحمید نام مامور شده رفت و در [۱]ین هفته به قدر سی من شکر آن جا را که سفید کرده بود آوردند مانند شکر هندوستان است و از هر قسم حلویات از [۱]و ساختند و بسیار خوب شده بود و آن بهتر از شکر جزایر ینگنی دنیا، که هند العربی می نامند، است و حکم شد که باز هم درست نمایند و چون که به عمل آمدن این شکر نفع ممالک ایران [۱]ست. در جاهای دیگر هم که ممکن است به عمل بیاید. قرار شده است که سعی نموده به عمل بیاورند از آن جمله در خوزستان نیز که سابقا شکر آن جا مشهور بود حکم شده است که باز بکارند و شکر سفید به عمل بیاورند.

1- در روزنامه: شده ا شده است.

ش 1 (پنجشنبه پنجم ربیع الثانی 1267) 3-2 * 3-2/1.

در مازندران شال چوخای پشمین به جهت ملبوس خود می بافند و چندان در جای دیگر به فروش نمی رسد و آن قدر خوب هم نبود. لکن اولیای دولت قاهره حکم فرمودند که به اهتمام نواب مهدی قلی میرزا حاکم مازندران از آن شال بسیار خوش قماش و زیاد بافته، سرمه [ای] رنگ کرده؛ ملبوس برای قشون نظامی دوخته. قماش و رنگ او به نوعی است که در قماش همه کس تصدیق بر این دارد که از ماهوت های وسط پر دوام ترو لطیف تر است و در رنگ مطلقا معلوم نمی شود که ماهوت است یا شال. تا حال به قدر دو هزار ثوب کلیچه نظامی از [۱]ین شال دوخته شده و حکم شد که سالی پانزده هزار ثوب کلیچه نظام از شال مزبور بدوزند و قیمت آن به همه به جهت ثوبی چهار هزار دینار چیزی بالا می شود.

... عالیجاه محمد حسن خان نوری، به حکومت مشکین و ایلات آن جا مامور شد.

ش 2 (جمعه یازدهم ربیع الثانی 1267) * 8/1.

مازندران و استرآباد - در صفحات مازندران و استرآباد کمال امنیت حاصل است و مردم نهایت آسایش را دارند. نواب شاهزاده مهدی قلی میرزا، حاکم مازندران، هم در انتظام امورات ولایات متعلقه به خود، بسیار سعی می باشند. سواره عبدالملکی و خواجه وند و نوکر طالش را این روزها به ساری احضار نموده؛ سان دیده، مواجب داده، مرخص نمود.

ش 2 (پنجشنبه یازدهم ربیع الثانی 1267) * 10/1.

[در زمینه بیماری آبله در ایران و دارالمرز آوردند]:
در ممالک محروسه ناخوشی آبله عمومی است که اطفال را عارض می شود که اکثری را هلاک می کند یا کور و معیوب می شوند. چنان که بسیار دیده شده و حالا می شود اشخاصی که در کودکی این آبله را بیرون نیاورده اند، در بزرگی بیرون می آورند به هلاکت می رسند [به] خصوص اهل دارالمرز، که در همین دارالخلافه ملاحظه می شود که از قشون قراول آنها در سن پنجاه سالگی، آبله بیرون آورده و بعضی هلاک می شوند....

ش 3 (جمعه نوزدهم ربیع الثانی 1267) * 13/1.

در اخبار فارس نوشته بودند که عباس قلی خان لاریجانی حاکم بهبهان، در آن صفحات بسیار با نظم و تسلط راه می رود و آن صفحات را خیلی امن کرده است. محمدباقر خان نونی که از جمله خوانین الوار پشت کوه و سابقه خیانت و جنایت که به اقتضای خباثت فطری نسبت به دولت در ذمه او بود، در قلعه محکم صعبی که داشت، متحصن شده و به خدمت دیوان اقدام نمی کرد. مالیات دیوان را نمی داد و منشأ فتنه و فساد و قتل نفس شده بود. عباس قلی خان سردار لاریجانی حاکم بهبهان از نوکر لاریجانی و صاحب منصبان آنها که به پشت کوه مامور کرده بود به آنها حکم داده بود که قلعه محمدباقر خان را به غلبه گرفته و خودش رازنجیر کرده، پیش عباس قلی خان آوردند و به پاداش خلاف و خیانت های سابق و تمرد و سرپیچی و شیطننت که این روزها داشت، عباسقلی خان او را به سیاست رسانده است.

ش 5 (جمعه سیم جمادی الثانی 1267) * 24/1.

[ناصرالدین شاه] مقرب الخاقان عزیز خان آجودان باشی را به جهت نظم قشون و شهرو ارک دارالخلافه باهره معین فرمودند و افواج متوقف دارالخلافه کمافی السابق هر روزه مشغول مشق می باشند و افواج متوقف این اوقات از این قرارند
افواج سمنانی و دامغانی ابوابجمع عالیجاه پاشا خان سرتیپ فوج سوادکوهی. قراول عمارات مبارکه ابوابجمع عالیجاه علی خان سوادکوهی...

ش 14 (جمعه هفتم رجب 1267) 1. * 67/1.

در باب مال بارکش مازندرانی ولاریچانی و لواسانی و شمیرانی و سایر حول و حوش دارالخلافه که همیشه بار برنج و ذغال و غیره می آوردند و باعث ارزانی اجناس دارالخلافه می شد، چون گاهی اوقات دیوان به جهت حمل و نقل قورخانه و غیره مال های آنها را می گرفتند با اینکه کرایه بیشتر از سایرین می دادند باز موجب توهم آنها شده، چندی بار به شهر آوردن را موقوف می کردند و گرانی در اجناس به هم می رسید. مراتب به کارگذاران دولت علیه عرض شده، مقرب الخاقان آجودان باشی حکم نظامی دادند که احدی از دیوانیان به جهت حمل و نقل قورخانه و غیره متعرض این اشخاص نشوند و حکم مزبور را به درواز[ه]های شهر رسانده، قدغن نمودند و به این سبب برنج و ذغال و غیره که چند روزگراں شده بود، باز مثل اول ارزان گردید.

ش 17 (پنجشنبه بیست و هفتم رجب 1267) 2. * 82/1.

امورات قشونی
سربازان فوج سوادکوهی را که نواب مهدی قلی میرزا فرستاده بودند عالیجاهان میرزا عنایت الله لشکر نویس، محمود خان نایب اول آجودان باشی، در هفته گذشته سان دیدند.

ش 18 (پنجشنبه پنجم شعبان 1267) 2. * 88/1.

اسرایی که ترکمانان از کنار دریای مازندران از اهل آن جا برده بودند، چهارده نفر را صحیحا سالما آورده به محمد ولی خان بیگلر بیگی استرآباد دادند و چند نفر هم که قرار است بیاورند.

ش 18 (پنجشنبه پنجم شعبان 1267) 3-4. * 90-89/1.

جمعی از سادات تنکابن از دست هادی خان سرهنگ تنکابنی به شکایت آمده بودند که نسبت به آنها بی اعتدالی کرده است. اولیای دولت علیه، محصل تعیین کردند که رفته، به صوابدید نواب شاهزاده مهدی قلی میرزا، خسارت آنها را از مرتکبین گرفته، به صاحبانشان رد نمایند و مرتکبین را نیز تنبیه بلیغ بکنند.

امورات قشونی :

سیصد نفر نوکر دودانگه را از قراری که در روزنامه اردوی همایون نوشته اند نواب مهدی قلی میرزا حاضر کرده و سان دیده نفر به نفر آنها را خود موجب داده، لباس و اوضاعشان را درست کرده، مرخص نموده اند و در انتظام امر نوکر بسیار اهتمام دارند. فوج جدید خواجه وند عبدالملکی را به قدر هفت صد و پنجاه نفر تا بیستم ماه رجب در ساری حاضر کرده بودند و نواب شاهزاده همه را جیره و ملبوس داده صبح و شام مشغول مشق بوده اند لکن از قراری که نوشته بودند به طوری که نواب شاهزاده در گرفتن این فوج ساعی بوده اند البته تا حال تمام کرده خواهند بود. خانکشی بیک حاکم اشرف را نواب مهدی قلی میرزا منصب یوزباشی گری داده و سلطان حسین میرزا پسر مرحوم ملک آرا را که بسیار با سلوک و رفتار است به حکومت اشرف مامور نموده اند و مردم آن جا از رفتار او کمال رضامندی را دارند.

ش 21 (پنجشنبه بیست و ششم شعبان 1267) 2،3 * 100/1 - 101.

از قراری که از مازندران نوشته اند، امسال باران در آن جا مثل هر سال نیامده و برای آب مردم زیاد در اضطراب بوده اند. شاهزاده مهدی قلی میرزا، میراب های چند بر سر رودخانه ها گذاشته اند که حقا به هر کسی را موافق معمول بدهند که زیادتی به یکدیگر نکنند که باعث فساد و نزاعی بشوند. کربلانی عوز 1 محمد آبله کوب که حسب الامر اولیای دولت علیه مامور صفحات مازندران بود از قراری که نوشته اند متجاوزانه سی صد [و] چهار نفر را آبله کوبیده است و خوب شده اند و از این جهت که دیده اند بسیار فایده بخشیده، مردم زیاده طالب و راغب شده اند.

1- از نام های ترکی. اوز، عوض و عیوض نیز نوشته می شود. (گزارنده)
ش 22 (پنجشنبه سوم رمضان 1267) 2-3 * 105-104/1.

فوج خواجه وند و عبدالملکی که حسب الامر مقرر شده بود گرفته شود، محمود خان سرهنگ فوج مزبور را گرفته و به درالخلافه آورده است. فوج خوب و جوان های نمایان اند.

ش 23 (پنجشنبه دهم رمضان 1267) * 108/1.

جميع ممالک محروسه بحمدالله درکمال امنیت و آسایش می باشند و ازقراری که در روزنامه استرآباد نوشته بودند، عالیجاه محمولی خان بیگلربیگی استرآباد با قشون در میان طایفه خواجه نفس ترکمان می باشند و در آن جا چهار عراده توپ و هزار نفر سواره از غلامان قاجار و سواره استرآبادی و مازندرانی و هزار و پانصد نفر پیاده استرآبادی و هزار جریبی بوده اند. سواى قشونی که همراه عالیجاه جعفر قلی خان میرپنجه رفته اند و در آن جا به جهت سد شرارت ترکمان، قلعه بنا کرده اند. حال طایفه ترکمانیه وسایط و وسایل برانگیخته اند که به عفو و اغماض از آنها بگذرند که آنها هم مانند سایر رعایای ممالک محروسه آمده، به کار رعیتی خود اقدام نمایند و اسیری که طایفه ضاله ترکمان برده بودند، قدری از آنها را رد کرده اند و باقی آنها را هم متعهد شده اند که رد نمایند و همچنین اموال و اسرای استرآبادی و مازندرانی آنچه آن طایفه برده بودند رد کرده و می کنند و متعهد دادن گروهی و پیشکش و مالیات شده اند. بسیار از امنیت آن جا نوشته اند که سابق بر این هیچ عهدی به این امنیت نبوده است. از اتفاقات نوشته بودند که محمد حسین بیگ، آدم عالیجاه جعفر علیخان میرپنجه، برای بردن خبر قشون به تنهایی رفته بوده، راه را گم کرده و از میان طایفه ترکمانیه آن جا سر در آورده و آنها اوبه به اوبه او را مهمانداری کرده و آدم همراه نموده تا آورده به اردوی عالیجاه محمد ولی خان بیگلربیگی رسانده بودند.

عالیجاه جعفر قلی خان میرپنجه در روز جمعه سیزدهم شهر شعبان با قشون ابوابجمعی خود وارد گرمادشت، که چهار فرسخی استرآباد است، گردیده و هم چنین هادی خان تنکابنی نیز با نوکر تنکابن، ابوابجمعی خود، وارد استرآباد شده است.

ش 24 (پنجشنبه هفدهم رمضان 1267) * 114/1.

در مازندران امسال به سبب نیامدن باران مردم بسیار مضطرب بوده اند به طوری که دست از زراعت برداشته بوده اند لکن در اواخر ماه شعبان بحمدالله بارانی آمده است که رفع اضطراب رعایای آن جا گردیده و امیدواری به هم رسانده اند.

در روزنامه مازندران نوشته اند که از دهات علی آباد، شخصی به جهت آوردن هیزم تیر برداشته و به جنگل رفته بوده تا دو روز پیدا نشده. بعد از دو روز، که کسانش به تجسس او به جنگل رفته اند، او را در جنگل یافته اند که تیر را در زیر سر خود گذاشته و شال کمر خود را نیز حلقه کرده و بر روی تیر گذاشته و سر بر روی آنها نهاده، چنانکه شخصی بخوابد، خوابیده است. نزدیک که رفته اند او را مرده یافته اند و جانورها نیز مطلقاً به او نزدیک نرفته بوده اند و آثار اذیت جانور در بدن او هیچ نبوده است و سبب فوت او معلوم نشده.

مرگ مفاجات امسال در بعضی جای ها زیاد شده است از جمله اشرف سلطان لاریجانی و یک نفر دختر دیگر به مرگ مفاجات بدون ناخوشی و مرضی دیگر در لاریجان وفات یافته اند.

ملا اسماعیل نامی مازندرانی در یکی از قراء لاهیجان، در خانه ملا علی نام معلم اطفال بوده است. صاحب خانه به جهت دریافت وجه طلبی او را به قریه دیگر روانه نموده، معلم مذکور در حضور جمعی چاقویی از جیب خود بیرون آورده و خواسته است گلوی خود را ببرد. کسانی که آن جا بوده اند، او را ممانعت نموده و دستش را گرفته به خانه ملا علی آورده اند و سبب این حرکت را هر چه از او جویا شده اندف حرفی نزده است. مردم احتمال داده اند که شاید به دختر ملا علی میل به هم رسانده باشد. ملا علی گفته بوده است که اگر بخواهی دختر خود را به تو می دهم؛ باز هم جوابی نداده بوده و شب که همه خوابیده بوده اند و چاقو و کاردی در نزد معلم مزبور نگذاشته بوده اند نصف شب برخاسته و با داسی که درخت با اومی اندازندف پیدا کرده و حلق خود را بریده است و خون بسیاری از او جاری شده و قریب به هلاکت بوده. در آن بین فریادی زده صاحب خانه مطلع گردیده است که آخوند معلم سر خود را بریده. همان شبانه آدم به نزد میرزا محمد علی خان، حاکم لاهیجان، فرستاده؛ عالیجاه مشارالیه صبح دو نفر جراح روانه نمود و حلق او را بخیه زده اند. پانزده بخیه خورده و دو روز او را در همان جا متوجه بوده اند و بعد از آن او را به لاهیجان آورده اند. همین که فی الجمله به هوش آمده باز بخیه های زخم خود را شکافته. از او سوال کرده اند که تو را چه می شود؟ گفته است که باید خود را هلاک نمایم! عالیجاه میرزا محمد علیخان مستحفظ به جهت او قرار داده است که دست های او را بسته اند و زخم او را مرهم می گذارند که التیام به هم رساند و هنوز به مداوای او مشغول بوده اند.

...

میرزا محمد نام تاجر بارفروشی با مال التجاره عزیمت حاجی ترخان داشته است. حاجی ملا علی بارفروشی، پسر میرزا محمدعلی میاشر، تذکره نوشته است که میرزا محمد بارفروشی مدیون من است اگر بخواهد تذکره بگیرد به او تذکره ندهید تا عمل مرا تمام نماید. میرزا محمد که پی تذکره آمده بود مباشر تذکره او را با یک نفر آدم خود به نزد حاجی مزبور فرستاد که حساب خود را با او بپردازد، بعد از آن بیاید تذکره بگیرد. از فواید تذکره که معلوم می شود یکی این فقره است که کسی تنخواه و طلب کسی را بی استحصار و استرضای صاحب طلب نمی تواند برداشته به ولایتی دیگر برود و یا به دولتی دیگر فرار بکند تا قرار درستی در طلب او نگذارد.

1- در روزنامه: برخواسته.
ش 25 (پنجشنبه بیست و چهارم رمضان 1267) 3-4 * 122-121/1.

امورات قشونی:

حسب الحکم دیوانیان عظام یک فوج سرباز از طایفه خواجه وند و عبدالملکی گرفته و برای سان به طهران آوردند. چون فوج مزبور در بیلاقات مازندران بار آمده اند و در [ا]ین موسم طهران کمی گرم بود، بسیاری ناخوش شدند و محمود خان، سرهنگ فوج مزبور، به همین ناخوشی فوت شد. لهذا به جهت محافظت قشون نظام، مقرب الخاقان اجودان باشی عالیجاه نورالله خان نایب خود را مامور پرستاری مریض های فوج مزبور نموده؛ قرار دادند که طبیب و چادر و سایر لوازمات آنها را مهیا نموده به بیلاقات شمیران ببرند و مشارالیه در نزدیکی تجریش به جهت آنها چادر زده و از وقتی که به آنجا رفته اند اکثری صحت یافته اند و مابقی را نیز معالجه می نمایند.

از قراری که از انزلی گیلان خبر رسید ملا رسول باد کوبه [ای] از مازندران به قدر ده هزار تومان مال التجاره از حاجی ملاعلی اصغر و کینیار تاجر دولت روس و سایرین بار بسته و باد کوبه رفته بود. در نزدیکی بادکوبه طوفان شدید شده، ضرب امواج کشتی را وارونه کرده هر چه جنس و اسباب داشت غرق گردیده اما اهل کشتی به لنگه نشسته، به سلامت در آمده اند.

ش 27 (پنجشنبه نهم شوال 1267) 3 * 131/1.

نواب مهدی قلی میرزا در [ا]ین روزها از حکومت مازندران معزول گردیده و به دارالخلافه طهران آمده اند.
مقرب الخاقان جان محمد خان قاجار به حکومت مازندران مباحی و مامور گردیده اند.

...

فوج بندپئی که در یزد بوده اند یاورشان وفات کرده است. امنای دولت علیه شیرعلی سلطان مرندی را به منصب یوری برقرار و روانه یزد فرموده اند که مرتبه امور سرباز مزبور باشند.
از سلوک و رفتار فوج بندپئی نیز نوشته بودند که اهل یزد بسیار رضامندی از آنها دارند.

ش 29 (پنجشنبه بیست و سوم شوال 1267) 2،5 * 142/1، 145.

عالیجاه طامسین صاحب بزرگ نایب اول جناب جلالت مآب ایلیچی مخصوص و وزیر مختار دولت بهیه انگلیس که مامور مازندران اند، در روز دوشنبه گذشته از دارالخلافه روانه مقصد شدند.

نواب مهدی قلی میرزا حاکم سابق مازندران در [۱] این روزها روانه اردوی همایون گردیده اند.

مقرب الخاقان جان محمد خان نایب الحکومه مازندران در [۱] این اوقات محل ماموریت خود وارد شده اند و مشغول انتظام امورات دیوانی آن جا می باشند.

...

امورات قشونی

فوج خواجه وند و عبدالملکی چنانکه در روزنامه سابق نوشته شده بود به جهت اینکه در سردسیرات مازندران پرورش یافته بودند، گرمای تابستان دارالخلافه طهران مناسب مزاج آنها نبود و بسیاری ناخوش شده بودند. مقرب الخاقان آجودان باشی، فوج مزبور را به دهات شمیران روانه کردند و در آن جا مریض های فوج معالجه و مداوا شدند و در هوای خوب شمیرانات اکثرشان به حال آمدند و خوب شدند. در [۱] این اوقات حکم شده که به دارالخلافه طهران مراجعت بکنند و در بالای باغ ایلیخانی چادر بزنند.

ش 30 (پنجشنبه سلخ شوال 1267) 2،3 * 148،149/1.

در روزنامه های سابق نوشته شده بود که یک کشتی از اهل بادکوبه که از مازندران بار تجارتي می برده است، در نزدیکی بادکوبه طوفان او را وارونه کرده بود. در [۱] این روزها اهل بادکوبه جمعیت کرده، کشتی مزبور را بیرون آورده اند و لکن از اموال تجارتي که در او بوده، چیزی بدست نیامده.

...

امورات قشونی

فوج خواجه وند و عبدالملکی که در هفته گذشته نوشته شده بود اغلب مریض های آنها در شمیرانات صحت و بهبودی یافته الان در بالای نگارستان اردو زده اند و همه روزه صبح و عصر مشغول مشق اند.

ش 31 (پنجشنبه هفت ذیقعه 1267) 3. * 155/1.

[درس سخن شماره 33 از کوشش کارگزاران برای گردآوری خبر و پخش روزنامه از " حکام مازندران و استرآباد و بعضی ولایات دیگر " یاد کردند.]

ش 33 (پنجشنبه بیست و یکم ذیقعه 1267) 1-2. * 166-165/1.

نواب مصطفی قلی میرزا را که سابقا حاکم ارومی آذربایجان بود به حکومت دارالمرز مازندران مامور و خلعت حکومت مرحمت نمودند. در این روزها روانه خواهند شد.

ش 36 (پنجشنبه سیزدهم ذیحجه 1267) * 184/1.

[ناصرالدین شاه پس از آن که از سفر درون کشور به تهران بازگشت ، شماری از کارگزاران را خلعت بخشید. از آن میان چند تن را مازندرانی یافتیم که در آن روزگار در تهران کار می کردند:]
در وجه متوفقین دارالخلافة
عالیجاه علی خان سرهنگ سوادکوهی را جبه کرمانی اهلی مرحمت گردید.
عالیجاه لطف علی خان کلبادی را شال ابره مرحمت شد.
عالیجاه محسن خان سورتی را شال ابره مرحمت شد.
عالیجاه شکرالله خان نوایی را شال ابره مرحمت شد.

...
نواب شاهزاده مصطفی قلی میرزا که در هفته گذشته نوشته شده بود که مامور حکومت مازندران گردیدند نظر به اینکه در ایام حکومت ارومی کمال حسن سلوک و رعیت داری و نظم ایشان ملحوظ نظر اولیای دولت علیه گردیده، لهادر[1] این اوقات ایشان را به حکومت مازندران سرافراز فرمودند و یک ثوب جبه ترمه از ملبوس و تن مبارک به جهت افتخار ایشان مرحمت گردیده و در[1] این روزها به مقر حکومت روانه خواهند گردید.

ش 37 (پنجشنبه بیست ذیحجه 1267) * 191-190/1.

[درگزارشی از استرآباد و گرگان آورده اند]
... مقرب الخاقان جان محمد خان نیز به قدر هزار سوار در توابع اشرف جمع و آماده کرده بوده است که اگر لازم باشد به طرف گرگان روانه نماید. تا حال به سواره مزبور احتیاج نیفتاده و همان قشون متوقف گرگان خوب از عهده بر آمده اند.

ش 38 (پنجشنبه بیست هفتم ذیحجه 1267) * 196/1.

امورات قشونی

فوج خواجهوند و عبدالملکی، که مدتی بود در رکاب مشغول مشق و قراولی بودند، از رکاب همایون مرخص خانه شدند.

ش 39 (پنجشنبه چهارم محرم 1268) 3. * 203/1.

عالیجاه نورالله خان شاطرانلو، نایب مقرب الخاقان آجودان باشی را به سرهنگی فوج خواجهوند و عبدالملکی منصوب و خلعت و حکم مرحمت فرمودند.

ش 40 (پنجشنبه یازدهم محرم 1268) 2. * 208/1.

نواب مصطفی قلی میرزا حاکم ارومی را که به حکومت مازندران مامور فرمودند. عالیجاه جان محمد خان که در مازندران نایب الحکومه بود، نظر به اینکه خوب از عهده خدمات آن جا برآمده و مراتب شایستگی و قابلیت خود را ظاهر ساخت، لهذا اعلیحضرت پادشاهی او را به حکومت ارومی منصوب و فرمان و خلعت مرحمت فرمودند.

ش 41 (پنجشنبه نوزدهم محرم 1268) 2-3. * 213-212/1.

امورات قشونی

افواج حاضر رکاب ظفر انتساب همایون که در خارج شهر در میدان مشق هر روزه با کمال انتظام مشغول مشق نظام می باشند یازده فوج اند از این قرار فوج سوادکوهی ...

ش 42 (پنجشنبه بیست و ششم محرم 1268) 2. * 218/1.

امورات قشونی

در روز دوشنبه سلخ محرم سواره مقدم را لشکرنویسان عظام سی صد و سی و هفت نفر سان دیدند

ملازم اشرف و توابعی مازندران در یوم بیست و نهم محرم بدین موجب ملازم اشرفی به سرکردگی رضا قلی سلطان صدو بیست نفر ملازم طالبی به سرکردگی خان بابا خان پنجاه نفر ملازم عمرانلو به سرکردگی شاهقلی خان صدنفر ملازم یخ کشی سی نفر

حاضر رکاب همایون گردیده به جهت مستحفظی درواز[ه]های شهر دارالخلافه برقرار شدند.

در یوم سلخ محرم نوکر ابوابجمعی محسن خان سورتیچ و لطف علی خان کلبادی و شکرالله خان نوایی و چلاوی که مستحفظ درواز[ه]ها بودند، مرخص خانه گردیدند.

ش 43 (پنجشنبه سوم صفر 1268) 2-3 * 224/1-225.

امورات قشونی

افواج حاضر دارالخلافه طهران از قدیم و جدید به اینکه فصل زمستان است اما چون هوای دارالخلافه خوش می گذرد هر روزه دو ساعت بدین موجب به مشق حاضر می شوند ... فوج سوادکوه ...

ش 49 (پنجشنبه شانزدهم ربیع الاول 1268) 3 * 261/1.

پیشتر در بلوک نایبج مازندران، آهن را به قدری که بعضی اسباب و آلات آهنی به جهت مصارف زراعتی و رعیتی و غیره از آن ساخته شود، صاف می کردند ولی به آن مرتبه و درجه نرسیده بود که به مصارف کلیه اسباب آهنی از قبیل تفنگ و سایر اسباب حرب برآید. این اوقات به اهتمام امنای دولت علیه، آهن نایبج را مثل آهن حاجی ترخان تخته کرده و به دارالخلافه طهران آورده اند و از قرار تصدیق عالیجاه حاج محمدحسین جبه دارباشی از آهن حاجی ترخان نرم تر و به استعمال نزدیک تر است و از آهن مزبور تفنگ هم در جبه خانه دارالخلافه طهران ساخته شده و بسیار ممتاز و خوب درآمده. امنای دولت علیه قرار دادند که چند نفر استاد قابل در نایبج مشغول صاف نمودن آهن گردیده و تا شب عید چندین خروار آهن صاف و تخته نموده به دارالخلافه طهران بفرستند و امید هست که از [این آهن منافع کلی به جهت دولت علیه ایران حاصل شود و بعد از خوب به عمل آوردن آهن مزبور مستغنی از خریدن آهن از حاجی ترخان و غیره باشند و هر چه اسباب آهنی از آلات حرب و غیره که در دولت علیه ایران لازم باشد از آهن همان جا بسازند چون که معادن آهن در آن جا بسیار است. اگر خوب به راه بیفتد بیش از قدر کفایت به عمل خواهد آمد.

و هم چنین کارخانه های شکرریزی که شکر مازندران را مانند شکر خوب صندوقی سفید می نمایند، نوشته بودند که از اهتمام نواب شاهزاده والا تبار مصطفی قلی میرزا صاحب اختیار مازندران کارخانه های متعدد در کارند و نیشکر بسیار به کارخانه های مزبور آورده اند به قدری که ازین کارخانه ها زیاد آمده و می باید کارخانه های دیگر به راه بیفتد و استاد عبد الحمید قنادی که استادی قابل و حسب الحکم امنای دولت علیه مشغول صاف

کردن شکر و ریختن قند می باشند، اهتمام کامل در انتظام کارخانه های مزبور دارد و انشاءالله عنقریب به قدر کفایت این دولت علیه قند و شکر سفید از آنجا به عمل خواهد آمد. مدتی بود که در مازندران بارندگی نشده بود و زراعت کاران آن جا از [1] این مرحله در تشویش بودند از قراری که نوشته اند، در آخر ماه صفر باران نافع فراوان در مازندران و بلوکات و توابع آمده و زارعین همه حاصل دیمی خود را کاشتند. در روزنامه مازندران نوشته بودند که در یکی از قراء بارفروش زنی وضع حملش شده به یک شکم دو پسر و یک دختر زاییده و یکی سقط گردیده است. دیگر نوشته بودند که دلاکی در خانه خود شام خواسته بود زنش غذا آورده. چند لقمه که صرف کرده بود درد شدید به شکم او پیچیده، بنیاد فریاد کرده بود همسایه هایش آمده او را به چرخ بسته تاب داده بودند بعد از قی بسیار فی الجمله تخفیفی در وجع او حاصل شده اما به همان درد درگذشته است و از قراری که میگفته اند زنش غذای او را مسموم کرده است.

ش 49 (پنجشنبه شانزدهم ربیع الاول 1268) 4. * 262/1.

نواب مستطاب شاهزاده مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران چون بعد از ماموریت خود امر آن جا را بیش از پیش منتظم و مضبوط داشته است، مراتب اهتمامات او، در انتظام مهام ولایت و رعیت، به عرض پیشگاه حضور اقدس همایون پادشاهی رسیده. مستحسن افتاده، مستوجب شمول مرحمت شاهانه آمده بود، لهذا یک ثوب جبه ترمه اعلی با فرمان مرحمت نشان به افتخار نواب معزی الیه مرحمت و این روزها ارسال شد.

ش 50 (پنجشنبه بیست و سوم ربیع الاول 1268) 1. * 265/1.

امورات قشونی
نظر به لیاقت و شایستگی عالیجاه نصرالله خان پسر میرزا اسماعیل بندپنی، این روزها اولیای دولت قاهره حسب الاشاره العلیه او را به سرهنگی فوج بندپی سر افراز فرمودند.

ش 53 (پنجشنبه چهاردهم ربیع الثانی 1268) 2. * 284/1.

[در گزارشی از عربستان، خوزستان امروزی، آمد]:

از قراری که در روزنامه آن جا نوشته شده است، نواب مستطاب احتشام الدوله خانلر میرزا حسب الحکم اولیای دولت علیه از مازندران فرستاده بودند، نی شکر برده و در بلوک شوشتر که موسوم به عقلی است، داده اند کاشته اند و امسال نیشکرها هر یک به قدر سه ذرع شده اند و به حسب اندازه نیم ذرع از نیشکر مازندران بلندتر شده اند و تا به حال قریب بیست بار از آنها به عمل آمده و این بیست بار را در زیر خاک پنهان کرده اند که در سال آینده بکارند و انشاءالله حاصل شکر در آن ولایت خوب به عمل خواهد آمد و از اهتمامات اولیای دولت علیه، عربستان، شکرستان خواهد شد.

ش 55 (پنجشنبه بیست و هشتم ربیع الثانی 1268) * 297/1.

[در گزارشی از امورات قشونی در تهران، روز 12 ج 1، از سپاهیان " اشرف توابعی" و "فوج سوادکوهی" یادکردند.]

اشرف [و] توابعی
عمرانلو، هشتادونه نفر
اشرفی، صدونوزده نفر
طاهر [شاید. نتوانستم به درستی بخوانم]، چهل و پنج نفر
یخ کشی، سی نفر

...
فوج سوادکوهی، چهارصد و هفتاد و دونفر

...
ش 58 (پنجشنبه نوزده جمادی الاول 1268) * 314/1.

مازندران- این اوقات از اهتمامات امنای دولت علیه و حسن مراقبت و سعی نواب شاهزاده مصطفی قلی میرزا حاکم مازندران، شکران جا را به طوری خوب سفید کرده اند که مثل شکر لاهور است و همیشه از آن شکر به کارخانه مبارکه می آوردند و از بس که خیلی خوب سفید کرده اند نزدیک [1] است که به ولایات بعیده نیز برای فروش ببرند .
از قراری که در روزنامه مازندران نوشته بودند، اهالی آن جا به سبب قلت بارندگی اضطراب و تشویش داشته اند و لکن این روزها از تفضل خداوندی بارندگی زیاد شده است و تشویشی که مردم از [1] این رهگذر داشته اند رفع گردیده و غلات آن جا از قبیل گندم و جو و باقلا، خوب به عمل آمده است.

ش 66 (پنجشنبه شانزدهم رجب 1268) * 370/1.

عالیجاه مقرب الخاقان محمد یوسف خان سرتیب افواج خواجه وند و عبدالملکی در روز نوزدهم این ماه از رکاب نصرت انتساب جهت گرفتن باقی سرباز و پادار نمودن سواره خواجه وند و رساندن مواجب آنها مرخصی حاصل ساخته و روانه شد.

ش 67 (پنجشنبه بیست و سوم رجب 1268). 3. * 377/1.

چون که منظور اعلحضرت پادشاهی از راه انداختن این روزنامه ها در دولت علیه ایران استحضر و آگاهی اهالی ممالک محروسه از احکام دیوانی و مناصب و ماموریت و عزل و نصب حکام و اخبار داخله و خارجه است و در باب انتظام کار روزنامه به کرات فرمایش ملوکانه فرموده اند. لهذا اولیای دولت قاهره حسب الاشاره العلیه مقرر داشتند که هر یک از حکام ولایات که تقویت در پیشرفت کار روزنامه ها کرده باشند اسامی آنها بخصوصه در [] این روزنامه ها نوشته شود از جمله نواب شاهزاده مهدی قلی میرزا در ایام حکومت مازندران در رساندن تنخواه روزنامه و زیاد نمودن صاحبان روزنامه اهتمام نموده اند و هم چنین نواب مصطفی قلی میرزا در مازندران و عالیجاه میرزا محمدعلی درگیلان و نواب سیف الله میرزا در همدان و حکام شاهرود و بسطام و سمنان و دامغان، به محض ملاحظه قبض مباشر روزنامه تنخواه آن را بدون معطلی داده اند. ولایت گروس با اینکه چندان وسعتی ندارد و در اول راه افتادن این روزنامه ها پنج نفر بیشتر روزنامه نداشتند حال از اهتمام عالیجاه زین العابدین خان حاکم گروس، قریب سی نفر در آن جا روزنامه می برند. اگر هر یک از حکام و صاحب اختیاران ممالک محروسه مانند این اشخاص تقویت در کار روزنامه می کردند هم باعث تربیت خلق و آگاهی آنها و هم نفع دیوان اعلی و انتظام کار روزنامه بود.

ش 70 (پنجشنبه چهاردهم شعبان 1268). 2. * 400/1.

چون همواره اوقات منظور نظر اولیای دولت قاهره این است که هر یک از حکام و مباشرین ولایات محروسه ایران که در خدمات دیوان به خوبی و درستی از عهده بر آیند که هم منال دیوان بدون عیب و نقص به حیطة وصول برسد و هم رعیت مورد رعایت گردد، او را مورد اعطاف خسروانی سازند و بر عزت و احترامش بیفزایند بنابراین نواب شاهزاده مهدی قلی میرزا حاکم سابق مازندران که این روزها، با دیوانیان عظام حساب سه ساله خود را پرداخت، به طریقی که مورد تحسین همه مستوفیان و امنای دیوان قضا بنیان گردیده، مورد اشفاق سرکار اقدس شهریاری شد لهذا برای استحضر همه حکام و مباشرین ولایات محروسه، این مراتب مسطور آمد که هر کس از عهده خدمت دیوان خوب

برآید و در محاسبه باقی نداشته باشد پاداش اعطاف و اشفاق خسروانی خواهد دید و هر کس اغفال نماید مستوجب سخط و مواخذة خواهد شد.

ش 71 (پنجشنبه بیست و یکم شعبان 1268) 2-1 * 408-407/1.

جناب جلالت مآب ایلچی مخصوص و وزیر مختار دولت بهیه انگلیس 1 با بعضی از صاحب منصبان سفارتخانه، در روز سه شنبه هفته گذشته به سمت آب گرم اسک لاریجان روانه شدند و چند وقت در آن جا توقف خواهند داشت .

1-آماجش تامسن است . برای آگاهی از وی و گزارش دیدارش از مازندران به پیوست بنگرید.

ش 75 (پنجشنبه بیست رمضان 1268) 3. * 441/1.

مازندران- از قراری که در روزنامه مازندران نوشته بودند، امر آن جا انتظام و انضباط دارد و نواب شاهزاده مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران به جهت حصول رفاه و امنیت رعیت بامور عامه مردم رسیدگی می نمایند و خود بنفسه دقت و غوررسی می کنند از قراری که نوشته بودند به جهت نیامدن باران زراعت کاران در تشویش بوده اند. نواب معزی اغلب روزها به سر رود تجن می روند و آب را موافق عدالت به زراعت آنها تقسیم می نمایند که کسی زیادتی به کسی نکند.

و هم چنین به جهت کمی آذوقه و غله نان در شهر ساری یک من به یک هزار دینار شده بود. مراتب به عرض نواب معزی الیه رسیده، صنف خباز را خواسته، بعد از تحقیق و مواخذة نانواها متعهد و ملتزم گردیده اند که تا رفع محصول نان را دومن و نیم به یک هزار دینار بفروشند و بعد از رفع محصول سه من یک هزار دینار بدهند و نیز به جهت کمی محصول که تشویش گرانی و عسرت به جهت اهل آن ولایت بود قرار دادند که شلتوک و غیره به خارج آن و لایت فروخته نشود و در خود آن ولایت به مصرف برسد که اهل آن جا در تنگی و عسرت نباشد مگر اگر زیاده از قدر مصارف خود داشته باشند به دارالخلافه طهران اذن دارند که حمل و نقل نمایند و بفروشند و به جای دیگر اذن فروش ندارند.

نواب معزی الیه نواب مسعود میرزا را بر حسب استدعای اهل شهر بارفروش، حاکم آن جا کرده و روانه نموده اند.

عالیجاه مقرب الخاقان محمد یوسف خان سرتیپ که به جهت ترتیب و انتظام ملازم خواجه وند و عبدالملکی و رساندن موجب آنها از دربار همایون پادشاهی مامور گردیده بود، از قراری که در روزنامه آن جا نوشته بودند، در وقت ورود به آن جا نواب شاهزاده مصطفی قلی میرزا جمعی را به استقبال فرستاده و لوازم اعزاز و احترام را معمول داشته اند و تنخواهی که از دیوان اعلی به جهت مواجب ملازم مزبور حواله مازندران

بود، تمام و کمال موجود و کارسازی کرده اند و مقرب الخاقان مشارالیه رخصت حاصل نموده و به میان ملازم مزبور رفته است که امر آنها را انتظام داده، موجبشان را برساند. در باب کارخانه های شکرریزی که حسب الامر اولیای دولت قاهره مقرر شده بود که در مازندران متعدد در شهرهای ساری و بارفروش ساخته شود؛ از قراری که این روزنامه ها نوشته بودند کارخانه شهرساری، که در میدان ارک واقع و جای با صفایی [1] است، در [1] این روزها به اتمام رسیده و بسیار خوب و بزرگ است و در اوایل ماه شعبان، قند سفیدی که از شکر سرخ آن جا ریخته شده بوده است، با قند کنارسکه و روسی چندان تمیز داده نمی شده است و به جهت فروش در دکان آقا محمد اسماعیل نامی بنکدار گذاشته اند که هر کس بخواهد یک من پنج هزار دینار بخرد و کارخانه شهر بارفروش نیز از قراری که نوشته بودند در [1] این روزها نزدیک به اتمام است .

ش 75 (پنجشنبه بیست رمضان 1268) 3-4 * 442-441/1.

در روز دوشنبه غره این ماه، که در روز عید ماه مبارک رمضان بود، اعلیحضرت پادشاهی به قاعده معمولی این دولت علیه، در عمارت جدید سلطانی نیاوران سلام عید فرمودند و امان و اعیان و چاکران دربار شوکتمدار به حضور مهرظهور خسروانی شرفیاب گردیده، هر یک در جای خود قرار گرفتند و شلیک توپ و زنبورک به جهت عید، چنانچه در دولت علیه ایران رسم و متداول [1] است، نمودند و جناب جلالت مآب وزیرمختار دولت بهیه روس و عالیجاه بلند جایگاه عاصم بیک، مصلحتگذار دولت علیه عثمانیه، نیز به جهت مبارکبادی عید صیام شرفیاب حضور شاهنشاهی گردیدند و جناب جلالت مآب ایچی مخصوص وزیرمختار دولت بهیه انگلیس، چون در [1] این اوقات به جهت گردش به سمت اسک لاریجان و آب گرم آن جا رفته بودند، در روز عید رمضان، در حضور اعلحضرت پادشاهی حاضر نبودند.

ش 77 (پنجشنبه چهارم شوال 1268) 1 * 447/1.

استرآباد- از قراری که در روزنامه آن جا نوشته شده بود، این روزها یک شبانه روز بارندگی زیاد در مازندران و استرآباد شده است به طوری که در هیچ وقت چنین بارندگی در آن جا مشاهده نشده بوده است و آب رودخانه های آن جا نیز ف به سبب این بارندگی زیادتیر گردیده است .

ش 77 (پنجشنبه چهارم شوال 1268) 5 * 450/1.

مازندران- چون نواب شاهزاده مصطفی قلی میرزا، حکمران مازندران، بعد از ماموریت به مازندران از عهده تقدیم خدمات محوطه به طور خوب برآمده و امر ولایت و نوکران حدود را به طوری که منظور نظر اقدس اعلیحضرت پادشاهی و اولیای دولت قاهره بود، منتظم و مضبوط داشته بود، خاصه در امر شکر مازندران که بسیار اهتمام نموده شکر را خوب به عمل آورده و بسیار نمودند. بنابراین در ازاء خدمات نواب معزی الیه یک قطعه نشان از مرتبه اول سرهنگی و یک بند حمایل سفید، که مخصوص این مرتبه است، به افتخار نواب معزی الیه مرحمت و عنایت شد و به شمول این موهبت عظمی، قرین مفاخرت و اعزاز آمد.

ش 79 (پنجشنبه هیجدهم شوال 1268) 4. * 466/1.

[در گزارشی از سرکوب بابیان در تهران، از کارزار بابیان در مازندران هم یاد کردند همچنین رفیع نوری را از کشته شدگان بابی در تهران نوشتند]:
میرزا رفیع نوری را سواره نظام با طپانچه و غداره، ب[ه] درک واصل کردند.

ش 82 (پنجشنبه دهم ذیقعدہ 1268) 3. * 482/1.

از قراری که در روزنامه مازندران نوشته شده بود، از اهتمامات اولیای دولت قاهره و حسن مراقبت نواب شاهزاده والاتبار مصطفی قلی میرزا، حکمران مازندران، امر آن جا در کمال نظم و انضباط است و بعد از رسیدن مژده صحت وجود مسعود اعلیحضرت شاهنشاهی نواب معزی الیه و اهالی آن ولایت عموماً به شکرانه این نعمت عظمی و بشارت کبری بساط عشرت و انبساط منبسط داشته جشن و شادمانی نمودند و نواب معزی الیه حکم کردند که سه شبانه روز شهر و بازار را آیین بسته چراغان نمایند. مردم هم از روی کمال شوق و رغبت به تهیه اسباب شادمانی و آتش بازی و چراغانی مشغول شده و قواعد انبساط و عشرت معمول داشتند و چند نفر از محبوسین را که تقصیر کلی نداشتند، به شکرانه صحت و سلامت وجود فایض الجود از محبس مرخص نمودند.
و همچنین از قراری که نوشته بودند، این روزها نواب شاهزاده مصطفی قلی میرزا سان نوکر سواره مازندران را دیده و به نوکر پیاده هم اخبار کرده اند که به شهر ساری آمده سان بدهند. چون اندک ناتمامی در نوکر طایفه سواره مدانلو بود که بعد از مراجعت از سفر گرگان اسب اکثر آنها اسقاط و تلف شده بود، التزام از جمیع سرکردگان گرفته اند که در دوازدهم ماه ذیقعدہ الحرام در صحرای سرخه کلا، نوکر را با تفنگ و پراک و اسب و لباس خوب حاضر نمایند که هر کس اسب نداشته و مجدداً گرفته است داغ شود.
دیگر از قراری که نوشته بودند، امسال از ولایت مازندران قریب به ده هزار نفر زوار به زیارت مشهد مقدس رفته اند و این روزها همگی وارد شاهرود گردیده اند.

ش 82 (پنجشنبه دهم ذیقعدہ 1268) 4. * 483/1.

امورات قشونی
نوکر تنکابنی به جهت قراولی درواز[ه]های دارالخلافة طهران چهارصد نفر حاضر رکاب مبارک شده و مقرر شده است که سان آنها دیده شود. یکصد و هشتادو دو نفر از نوکر لاریجانی حاضر رکاب مبارک شده اند که قرار نوکر آنها داده شود.

ش 85 (پنجشنبه اول ذیحجه 1268) * 502/1.

امورات قشونی
نوکر پیاده تنکابنی را به تاریخ بوم دوشنبه پنجم ماه ذیحجه مقرب الخافان لشکر نویس باشی و امین لشکر و لشکر نویسان، در نگارستان حاضر نموده و سان آنها دیده شده. سی صد و هفتاد و هفت نفر حضری آنها بود.

ش 86 (پنجشنبه هشتم ذیحجه 1268) * 510/1.

از قراری که در روزنامه قزوین نوشته بودند، حاجی نصیر نامی از اهل قزوین که در بدو ادعای بایبه خود را سرخیل این طایفه ضاله می دانست و از قرار مذکور اول هم به شیراز عقب باب او رفته بوده است و در دعوی بایی در مازندران هم بوده است. چون شخص مزبور در [این باب معروف و مشهور بوده است بعد از ظهور تهور و جسارت این فرقه ضاله، مقرب الخاقان خسرو خان والی، مشارالیه را در قزوین حکم کرده است گرفته اند و الان در آن جا محبوس است.

ش 89 (پنجشنبه بیست و نهم 1268) * 532/1.

در روز شنبه غره ماه صفر اعلیحضرت پادشاهی به میدان مشق بیرون دروازه دولت، که کل قشون حاضر رکاب همایون حاضر بودند، تشریف بردند و به مشق یکان یکان توپچی و افواج حاضر میدان و ارسی فرمودند و بدین موجب توپچی و افواج ... فوج سوادکوهی ... حاضر میدان مشق بودند و در کمال آراستگی و انتظام مشق در حرکت نمودند. اعلیحضرت پادشاهی درباره هر یک مرحمت و التفات نمودند.

ش 94 (پنجشنبه ششم صفر 1269). 1. * 553/1.

مازندران - از قراری که در روزنامه آن جا نوشته بودند، نواب شاهزاده والاتبیار مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران در انتظام امور ولایت و رفاه رعیت لازمه اهتمام را دارند و این اوقات به سان دستجات سواره کرد و ترک متوقف آن جا رسیدگی نموده اند. به قدر دویست نفر که اسبهاشان داغ نداشته است قدغن کرده بود که اسب های خود را داغ نموده با لباس های الوان و شلوارهای نو که برای خود ترتیب داده بودند، مجدداً به سان حاضر شده و هزار نفر یک دفعه با اسباب تمام و اسب های داغ کرده سان دادند و هم چنین دو باب کارخانه شکرریزی که حسب الحکم مقرر شده بود یکی دربارفروش و یکی در ساری ساخته شود، این اوقات به اهتمام نواب معزی الیه با تمام رسیده و همچنین چاپارخانه [ای] که در ساری و اشرف حکم شده بود ساخته شود، این اوقات معماران طرح آنها را ریخته اند و بنا و عمله در کارند که به اتمام برسانند.

ش 95 (پنجشنبه سیزدهم صفر 1269). 3. * 563/1.

معلم علم معادن موسیو چرنطای نمساوی و مترجم میرزا رضای کاشانی [است بعد از دو ماه از تعلیم شاگردان خودمامور به بازدید معادن شد و شاگردان خود را همراه برد و از دولت علیه مخارج زیاد و انعام به آنها مرحمت شد و اکنون سنگ های گوناگون از معادن دماوند و مازندران آورده اند و می خواهند در دارالخلافه امتحان نمایند تا هر یک مقرون به صرفه باشد در آن معدن کار نمایند و شاگردان مشار الیه پنج نفرند.

ش 98 (پنجشنبه پنجم ربیع الاول 1269). 3. * 583/1.

دارالمرز - در [این هفته از مازندران و گیلان اخباری که در روزنامه نوشته شود، نبود.

ش 101 (پنجشنبه بیست و پنجم ربیع الاول 1269). 3. * 607/1.

[از میان دانشجویان رشته پزشکی دارالفنون، چند دانشجوی کوشا را نام بردند که یکی تنکابنی است:]
میرزا محمد حسین، ولد میرزا احمد تنکابنی، بسیار خوب است.

ش 102 (پنجشنبه سیم ربیع الثانی 1269). 3. * 611/1.

مازندران و گیلان- در [۱]ین هفته اخباری از [۱] ین ولایت نرسیده است.

ش 102 (پنجشنبه سیم ربیع الثانی 1269). 4. * 612/1.

چون عالیجاه احمدخان نوایی، کارپرداز سابق تفلیس، در اوقات ماموریت آن جا از عهده خدمات محوله به خود خوب برآمده و بطریق معقولیت و حسن سلوک رفتار نموده بود و خدمات او مقبول و مستحسن خاطر اعلیحضرت پادشاهی افتاده، درین اوقات از جانب سنی الجوانب همایون یک ثوب جبه ترمه خلعت، در حق عالیجاه مشارالیه، مرحمت و عنایت گردید.

ش 103 (پنجشنبه دهم ربیع الثانی 1269). 2. * 618/1.

کرمانشاهان- دیگر نوشته بودند که برنج عنبربو در کرمانشاهان تا حال نکاشته بودند و نمی دانستند که به عمل می آید. در [۱]ین اوقات نواب عمادالدوله از مازندران فرستاده، برنج عنبربو برده و در آن جا کاشته اند و بسیار خوب به عمل آمده است و از نمونه آن قدری به نزد اولیای دولت قاهره فرستاده بودند. در این جا طبیح کردند. به مراتب از جمیع برنج های خوب مازندران بهتر شده بود....

ش 103 (پنجشنبه دهم ربیع الثانی 1269). 4. * 620/1.

دارالمرز- مازندران- از قراری که در روزنامه مازندران نوشته شده بود، این اوقات نواب مستطاب شاهزاده مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران، به جهت انتظام مهمات دیوانی و امور ولایتی، از بلده ساری عزیمت بارفروش و محالات بلده آمل کرده بودند که در امور آن جا نظمی کامل بدهند و قریب پانزده روز در آن جاها توقف کرده اند و بعد از ورود به بلده آمل به سر معادن آن جا تشریف برده، کدخدایان نایب و مباشرین گلوله را حاضر نموده اند که در حضور نواب معزی الیه گلوله بریزید. از قراری که نوشته بودند به طوری گلوله ریخته بودند که هیچ تفاوت با گلوله فرنگستان، که به درجه کمال ریخته می شود، نداشت. نواب معزی الیه به عمله و مباشرین انعام خلعت داده و امر گلوله ریزی را از هر جهت منتظم و مضبوط کرده اند و از کدخدایان و مباشرین التزام گرفته اند که در ریختن گلوله و خوبی آن، اهتمام تمام به عمل آورند و از قراری که نوشته شده بود، از اهتمامات اولیای دولت علیه، امر گلوله ریزی آن جا، بسیار ترقی کرده است.

ش 104 (پنجشنبه هفدهم ربیع الثانی 1269) 3. * 623/1.

میرزا [محمد] حسین ولد مرحوم میرزا احمد [تنکابنی] که شاگرد خوب حکیم پولاک معلم طب است در [این هفته به تعلیم معلم کتابی درمعالجه وبا نوشته، به حضور اقدس همایون برده، بسیار مستحسن افتاده. پانزده تومان انعام به او مرحمت شد.

ش 105 (پنجشنبه بیست و چهارم ربیع الثانی 1269) 2. * 630/1.

مازندران - از این ولایت نیز در [این هفته اخباری نرسیده است.

ش 105 (پنجشنبه بیست و چهارم ربیع الثانی 1269) 3. * 631/1.

دارالمرز - در [این هفته از [این ولایت اخباری نبود که در روزنامه نوشته شود.

ش 106 (پنجشنبه غره جمادی الاول 1269) 2. * 638/1.

دارالمرز - در [این هفته از مازندران و گیلان، اخباری نبود که در روزنامه نوشته شود.

ش 107 (پنجشنبه هشتم جمادی الاول 1269) 3. * 643/1.

[در گزارشی از تهران آمد:]
عالیجاه عبدالحسین خان اشرفی، این اوقات به منصب نیابت ایشک آقاسی باشی، سرافراز گردیده، یک طاقه شال ابره و یک ثوب قبای پولک، در وجه او، خلعت مرحمت فرمودند.

...
دارالمرز - همچنین از مازندران و گیلان نیز در [این هفته اخباری نرسیده.

ش 108 (پنجشنبه پانزدهم جمادی الاول 1269) 2. * 650/1.

تفصیل مختصر افواج حاضر رکاب همایون و سایر که مشغول مشق شده، اذن مرخصی از رکاب همایون به خانه های خودشان حاصل خواهند کرد، از [این قرار است

سواره به انضمام پیاده لاریجانی ...
افواج ترک و کرد مازندران...
خواجه وند...
لاریجانی...
فوج خاجه وند...1
فوج بنده پی...2

1- خاجه وند /خواجه وند.

2- تاکنون جایی بندپی را "بنده پی" ندیده ام.

ش 109 (پنجشنبه بیست و دوم جمادی الاول 1269). * 658/1.

دارالمرز- مازندران- از قراری که در روزنامه این ولایت نوشته بودند، درعشراول شهرجمادی الاول در آن جا بارندگی زیاد شده به قسمی که کوهستان های بیلاقی آن جا جمیعا از برف و باران زیادی که آمده است، مایه دار شده و از رودخانه های آن جا سیل آمده و آب انبارهای منازل آن جا مملو از آب شده و برای زارعین از [ا]ین رهگذر رفاه و آسودگی حاصل است و امید دارند که در سال آینده حاصل زراعتشان انشاءالله بسیار خوب بشود.

دیگر از قراری که نوشته بودند، نواب شاهزاده والاتبار مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران در آبادی ولایت، خاصه در آباد داشتن دهات خالصه دیوانی، کمال اهتمام دارند و رعایایی که در سنوات سابقه از دهات خالصه متفرق شده به جای دیگر رفته بودند، همه را قدغن کرده اند که آمده در خالصه جات آن جا مشغول رعیتی و زراعت باشند و در محل زراعت قدیمی خود زراعت کنند که روزبه روز خالصه جات دیوانی آباد و معمور شود و هم چنین در امر شکر ریزی مازندران کمال اهتمام را دارند که این اوقات شکر مازندران را مثل شکر لاهور درست می نمایند و از کارخانه نیشکرریزی درهر ماهی هزار من شکر به دارالخلافه طهران حمل و نقل می شود. از جمله در این ماه ده خروار شکر آن جا را به دارالخلافه آوردند و تجار و اصناف به طور رغبت خریداری نمودند.

ش 110 (پنجشنبه بیست و نهم جمادی الاول 1269). 3-2. * 663-662/1.

امورات قشونی

چون رای جهان آرای ملوکانه به سان عساکر قاهره ملترمین رکاب همایون قرار یافته بود لهذا در روز سه شنبه بیست و هفتم ماه جمادی الاول، امیر الامراء العظام اجودان باشی و مقرب الخاقان لشکر نویس باشی و امین لشکر و سایر لشکر نویسان عظام، در میدان مشق حاضر شده از این قرار سان آنها را دیدند

... فوج سوادکوهی . فوج فندرسکی . تفنگچی تنکابانی. 1

...

آذربایجان و دارالمرز و فارس- در [1] این هفته از [1] این ممالک نبود.

1- بیشتر تنکابن پس از چندی شهسوار و اینک به هر دو نام می خوانندولی این گونه (تنکابانی) دیده نشد!

ش 111 (پنجشنبه ششم جمادی الثانی 1269). 3 * 671/1.

دارالمرز- از [1] این مملکت در [1] این هفته اخباری نبود که در روزنامه نوشته شود.

ش 112 (پنجشنبه سیزدهم جمادی الثانی 1269). 3 * 679/1.

دارالمرز- در [1] این هفته از [1] این ولایت اخباری به مباشرین روزنامه نرسیده است.

ش 113 (پنجشنبه بیستم جمادی الثانی 1269). 3 * 683/1.

دارالمرز- در [1] این هفته اخباری از [1] این ولایات به مباشرین روزنامه نرسیده است.

ش 114 (پنجشنبه بیست و هفتم جمادی الثانی 1269). 3 * 687/1.

دارالمرز- از [1] این ولایات در [1] این هفته اخباری نبود که در روزنامه نوشته شود.

ش 115 (پنجشنبه پنجم رجب 1269). 3 * 695/1.

نظر به وفورمراحم ملوکانه درباره نواب شاهزاده مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران و ظهور مراتب خدمتگذاری و صداقت نواب معزی الیه، اعلیحضرت پادشاهی از ابتدای هذا السنه اودئیل مبلغ پانصد تومان بر مواجب او علاوه فرمودند که در انتظام امر ولایت و رعیت مراتب اهتمامات خود را بیش از پیش ظاهر سازد.

ش 116 (پنجشنبه دوازدهم رجب 1269). 1 * 701/1.

دارالمرز - در [۱] این هفته نیز از [۱] این ولایت اخباری نبود که در روزنامه نوشته شود.
ش 116 (پنجشنبه دوازدهم رجب 1269) 3. * 703/1.

دارالمرز - در [۱] این هفته نیز از [۱] این ولایت اخباری نبود که در روزنامه نوشته شود.
ش 117 (پنجشنبه نوزدهم رجب 1269) 3. * 711/1.

دارالمرز - گیلان و مازندران - از [۱] این دو ولایت در [۱] این هفته اخباری نبود.
ش 119 (پنجشنبه سوم شعبان 1269) 3. * 727/1.

امورات قشونی

در [۱] این اوقات مرحوم علی خان سوادکوهی به جوار رحمت الهی پیوسته و نواب مستطاب شاهزاده والایبار اردشیر میرزا حکمران دارالخلافة طهران حکم نمودند که نعش او را با کمال اعزاز و احترام بردارند و چاکران دیوان و میر پنجه گان و سرتیپان و سرهنگان و سایر صاحب منصبان نظامی در تشییع جنازه او حاضر گردیده و لوازم احترام را معمول داشتند و نظر به خدمات مرحوم مشارالیه، اولیای دولت قاهره حسب الاشارة العلیه عالیجاه میرزا کریم خان را که به سرهنگی فوج سوادکوهی سرافراز بود، به جای مرحوم مشارالیه رابرقرار نمودند و دستخط مبارک به جهت سرافرازی و مباحات و امیدواری او شرف صدور یافته و یک ثوب قبای زری و یک طاقه شال ترمه به رسم خلعت به مشارالیه مرحمت و عنایت گردیده و مقرر شد که خدماتی که به مرحوم علی خان محول بود از قبیل قراولی عمارات ارک سلطانی و خزانه و حفظ وجود مبارک، کماکان به عالیجاه میرزا کریم خان محول باشد و هم چنین محل سرباز و مواجب و تیول، که در حق مرحوم مزبور برقرار بود، در وجه عالیجاه مشارالیه مرحمت و واگذار باشد و کمال التفات و دلجویی از جانب اولیای دولت قاهره حسب الاشارة العلیه در حق او مبذول آمد.

در اوایل بروزکردن ناخوشی و با چنانچه در روزنامه سابق نوشته شده است امنای دولت قاهره چند فوج را که در دارالخلافة متوقف بودند ماذون نمودند که به جاهای خوش و خرم، که نزدیک به دارالخلافة باشد، رفته اردو بزنند. از [۱] این افواج حالا اکثر شان مرخص شده اند و از قشون متوقف دارالخلافة ... فوج سوادکوهی چنانچه نوشته شد قراول عمارات مبارکه ارک و خزانه و غیره می باشند ...

ش 123 (پنجشنبه غره رمضان 1269) 2-3. * 755-754/1.

[در پیدایی وبا در تهران و دیگر آبادی ها]
در بعضی از سایر ممالک محروسه ایران نیز می گویند که این ناخوشی بروز کرده است از جمله در قم و کاشان و اصفهان و مازندران و در مملکت مازندران چند وقت سابق کمال شدت را داشته است و تفصیلی غیر از اینکه نوشته شده هنوز به مباشرین روزنامه نرسیده است.

ش 124 (پنجشنبه هشتم رمضان 1269) 1-2. * 762-761/1.

مازندران- از قراری که در روزنامه این ولایت نوشته شده بود، خلعت عیدی نواب مستطاب شاهزاده والاتبار مصطفی والاتبار قلی میرزا حکمران مازندران که از دربار همایون مرحمت و ارسال شده بود به قریه سرخ کلا که در دو فرسخی شهر واقع است رسیده نواب معزی الیه با جمیع اعیان و اشراف و عمال به استقبال خلعت رفته، در قریه مزبوره خلعت مهر طلعت را به احترام و توقیر تمام پوشیده، مراجعت به شهر ساری کرده اند و در باغ ملک آرا صرف شربت و شیرینی نموده، انواع تهنیت و شادمانی را معمول داشته اند و لازمه توقیر و احترام را از خلعت همایون به عمل آورده، زیب برو دوش اعتبار و افتخار خود ساخته اند.

ش 125 (پنجشنبه پانزدهم رمضان 1269) 3. * 771/1.

[در پیدایی و گسترش وبا در آبادی های ایران]
از مازندران هم نوشته بودند که این ناخوشی در آن جا نیز بوده و به اکثر جای های آن ولایت افتاده بود ولیکن مانند سال های پیش شدت نداشته است.

ش 126 (پنجشنبه بیست و دوم رمضان 1269) 1. * 777/1.

مازندران- در روزنامه این ولایت نوشته اند که چون در عشر آخر شعبان آثار ناخوشی وبا در ساری مازندران به ظهور رسیده، نواب شاهزاده مصطفی قلی میرزا عزیمت بیلاق آن جا نموده، محمد حسن خان آدم خود را به جای خود نایب کرده اند که مشغول انتظام امر ساری باشد.

ش 127 (پنجشنبه بیست و نهم رمضان 1269) 3. * 783/1.

دارالمرز - و همچنین از [۱] این ولایت نیز در [۱] این هفته اخباری نبود.

ش 128 (پنجشنبه هفتم شوال 1269) 2. * 790/1

دارالمرز - از [۱] این ولایت نیز در [۱] این هفته اخباری نرسیده است.

ش 129 (پنجشنبه چهاردهم شوال 1269) 32. * 795/1

دارالمرز - از [۱] این ولایت نیز در [۱] این هفته اخباری به مباشرین روزنامه نرسیده است.

ش 130 (پنجشنبه بیست و یکم شوال 1269) 3. * 803/1

دارالمرز - از [۱] این ولایت در [۱] این هفته اخباری نبود که در روزنامه نوشته شود.

ش 131 (پنجشنبه بیست و هشتم شوال 1269) 3. * 811/2

[در گزارشی از تیپ سواره نظام دامغان و سمنان ، به فرماندهی پاشا خان سرتیپ، آوردند که "هزار کرد و ترک مازندران" را هم بر سپاهیان او افزودند].

ش 132 (پنجشنبه پنج ذی‌قعدة 1269) 3. * 819/2

چنانچه در روزنامه هفته گذشته اجمالاً در باب خلعت اشخاصی که در غیبت موکب همایون مصدر خدمات شده بودند، نوشته شده بود؛ در [۱] این هفته مفصلاً مسطور می گردد. هنگام حرکت موکب همایون از این قرار خلعت و نشان به اشخاص مفصلاً ذیل مرحمت گردیده است...

عالیجاه حبیب الله سرتیپ تنکابنی نشان سرتیپی با حمایل
عالیجاه میرزا کریم خان سرهنگ فوج سوادکوهی شال کرمانی
یاور فوج سوادکوهی یک طاقه شال کرمانی

ش 135 (پنجشنبه بیست و ششم ذی‌قعدة 1269) 3-1. * 839-837/2

دارالمرز- از قراری که در روزنامه مازندران نوشته بودند، نواب شاهزاده والاتبار مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران، که به سبب ناخوشی آن جا به بیلاقات هزار جریب رفته بودند، این اوقات در محالات چهاردانگه هستند و باحکام و مباشرین جزو قرار داده و قدغن کرده اند که از رعایای آن جا به هیچ وجه به اسم اخراجات نواب معزی الیه و همراهانش چیزی مطالبه نکنند مگر این که خودشان بعضی جزییات به طیب نفس بدهند و آنچه اخراجات گرفته می شود، قبض داده، به خرج رعیت بیاورند که رعایا از [1] این رهگذر آسوده باشند و اهالی آن جا از حسن سلوک نواب معزی الیه کمال رضامندی دارند. حالات غریبه از چشمه سورت مازندران در روزنامه آن جا نوشته اند که چشمه مزبوره در قله یکی از کوه های سورت هزار جریب واقع است و از میان آن کوه جوشیده جاری می شود و آنچه جاری می شود به فاصله سی صد قدم منجمد شده، به مثل نمک سنگ می شود و به روی هم بالا آمده می بندد و شور هم است و همین که در نزدیکی چشمه کسی صدا بلند کند، قریب نیم ذرع آبش بلند شده به هیجان می آید و هر وقت خاک بر او بپاشند، به تلاطم آمده و جوشیده، آن قدر بلند می شود تا آن خاک را بر طرف کند و بعد از آن فرو می نشیند.

ش 136 (پنجشنبه چهارم ذیحجه 1269) * 846/2.

مازندران- از قراری که از [1] این ولایت نوشته بودند، نواب شاهزاده والاتبار مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران در انتظام امر آن ولایت نهایت اهتمام را دارند و در [1] این اوقات به جهت سان دیدن و روانه کردن سواره کرد و ترک مازندران، به شیرگاه آمده بوده اند و در آن جا سواره مزبور راسان دیده اند و با کمال ارادتگی و تهیه و تدارک تمام آنها راروانه رکاب نصرت انتساب اعلیحضرت پادشاهی نموده و از آن جا به شهر ساری مراجعت کرده اند و در انتظام امر ولایت و حصول رفاه و آسودگی رعیت و انجام خدمات دیوانی سعی و اهتمام تمام دارند و عموم اهالی و سکنه آن جا از حسن سلوک و رفتار نواب معزی الیه، راضی و شاکر و دعاگوی این دولت قوی شوکت علیه اند و کسی مصدر حرکت خلاف حساب و تعدی نسبت به احدی نمی تواند بشود.

ش 138 (پنجشنبه هیجدهم ذیحجه 1269) * 860/2.

ناخوشی و با چنانچه در روزنامه های گذشته نوشته شده حال چندی [1] است که الله الحمد از دارالخلافه طهران به کلی رفع گردیده و مطلقاً ظهوری ندارد و در [1] این ایام ناخوشی بعضی اشخاص که در طبابت تربیت شده بودند بسیار به کار خلق از نظام و غیر نظام و نوکر و رعیت آمده و خیلی مردم را معالجه کرده اند از جمله میرزا محمد 1 پسر بزرگ مرحوم میرزا احمد تنکابنی ...

...

عالیجاه قنبرعلی خان ، که دیوان بیکی و حاکم شهر تبریز بود، احضار به رکاب همایونشده. عالیجاه احمدخان نوائی، که دیوان بیکی اردوی همایون بود، در جای او برقرار و مامور و روانه شد.

1- نام وی به درستی محمد حسین است.
ش 140 (پنجشنبه دوم محرم 1270) 2، 3. * 874/2، 875.

چون نواب مستطاب شاهزاده والاتبارمصطفی قلی میرزا حکمران مازندران، در انتظام امر آن ولایت و انجام خدمات دیوانی اهتمام نموده و نوکر مازندرانی را با تهیه و تدارک تمام زود و خوب روانه دربار همایون نموده بود، خدمات نواب معزی الیه مقبول و مستحسن خاطر اقدس همایون افتاده در این اوقات یک توب کلیجه ملبوس تن مبارک به رسم خلعت به جهت مزید مفاخرت و مباهات نواب معزی الیه مرحمت و ارسال گردید. امورات قشونی

یک هزار نفر سواره کرد و ترک مازندران که در [۱] این اوقات به رکاب مبارک احضار شده بودند در روز سه شنبه چهاردهم این ماه، امیرالامراء العظام سردار کل عساکره قاهره به نگارستان رفته و سوار را خواسته، در حضور لشکر نویسان به سان آنها رسیدگی کرده؛ همه سوار با کمال آراستگی و اسب و اسلحه شایسته از سان گذشته و مرخص خانه شدند. چون فوج خواجه وند و عبدالملکی از دربار معدلت مدار مستدعی شدند که در سلک سواره برقرار شوند و بر اولیای دولت قاهره محقق شد که در خدمت سواری بهتر به کار خدمت و جان نثاری می آیند لهذا آنها را از سرباری اخراج کرده و در سلک سوار منسلک و برقرار فرمودند.

از قراری که در روزنامه مازندران نوشته بودند، در اواخر ماه ذیحجه الحرام به سبب انقلاب هوا و کثرت بارندگی ناخوشی معروف باز در شهرسازی جسته ، بروز کرده است.

مازندران- از قراری که نوشته بودند نواب شاهزاده مصطفی قلی میرزا این اوقات از شهر ساری به سمت علیا و شیرگاه رفته و شب در آن جا توقف نموده و به جمیع خوانین که نوکر را خوب آراسته ساخته بودند، خلعت داده اند.

دیگر نوشته بودند که یک نفر از رعا [یا] ی افرایل من اعمال کار کننده مازندران، شب را صحیحا و سالما به خانه خود رفته بوده و صبح او را نیافته بودند و در مقام تفتحص برآمده، او را در میان چاهی مقتول دیده بودند. مراتب به عرض نواب شاهزاده رسیده بود. اهالی قریه مزبوره را برای تحقیق این مطلب احضار کرده بودند. زوجه مقتول اسناد قتل را به شخصی که شب به خانه شوهرش آمده بوده است، داده بود که شوهرم در مقام دفع او برآمده و او شوهرم را به قتل رسانده است. شخص مزبور جواب داده بود که مباشر و متصدی قتل خود این ضعیفه است و بر من تهمت و افترا می زند. به جهت رفع غائله، که مابین این ضعیفه و شوهرش اتفاق افتاده بود، به خانه آنها رفتم که اصلاح نمایم. شوهرش را مقتول دیدم. نواب معزی الیه در جواب آن شخص گفته بودند که اگر مصلح بودی نعش مقتول بیچاره را چرا از خانه اش بیرون برده به چاه انداختی؟ بالجمله بالاخره، معلوم شده

بود که زوجه مقتول و آن شخص هر دو در قتل او شریک بوده اند. لهذا نواب معزی الیه هم به ملاحظه اینکه قاتل بسیار بی بضاعت بوده است، در عوض دیه، انعام و احسانی از خود به ورثه مقتول کرده و آن شخص قاتل را به سزای عمل خود رسانیده بودند.

ش 142 (پنجشنبه شانزدهم محرم 1270) 2-3. * 887-886/2.

دارالمرز - از [ا] بن ولایات در [ا] بن هفته اخباری نبود که در روزنامه نوشته شود.
ش 143 (پنجشنبه بیست و سوم محرم 1270) 2. * 894/2.

مازندران- از قراری که در روزنامه این ولایت نوشته اند، نواب مستطاب شاهزاده و الاتبار مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران در انتظام امر ولایت و رفاه حال رعیت کمال اهتمام دارند از جمله به عرض نواب شاهزاده رسیده بود که عالیجاه میرزا اسمعیل خان دو هزار گوسفند از رعایای آمل و توابع گرفته است. نواب معزی الیه به مجرد استحضار، تفنگداری تعیین کرده اند و رفته؛ به حقیقت رسیده و گوسفندهای رعایای مزبور را گرفته، به صاحبانشان رد نموده است و رعایای مزبور کمال شکرگذاری از عاطفت این دولت علیه نموده اند.

ش 145 (پنجشنبه هشتم صفر 1270) 2. * 908/2.

مازندران- از قراری که در روزنامه این ولایت نوشته اند، ناخوشی و با که در آن جا بروز کرده بود از غره ماه صفر بالمره رفع گردیده است و نواب مستطاب شاهزاده و الاتبار مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران، که به سبب ناخوشی به سرحدات و بیلاقات رفته بود، در دویم این ماه به جهت پوشیدن خلعت همایون، که به افتخار نواب معزی الیه از دربار جهانمدار ارسال شده بود، به قصبه اشرف آمده و خلعت مهر طلعت پادشاهی را استقبال نموده و لوازم احترام را معمول داشته اند و در قصر صفی آباد خلعت پوشیده و صرف شربت و شیرینی نموده اند.

دیگر نوشته اند که در ششم این ماه، که عید مولود اعلیحضرت پادشاهی بود، نواب شاهزاده مصطفی قلی میرزا حکم نمودند که در جمیع شهرها و بلوکات مازندران چراغان نموده و آیین بسته و همه مردم به لوازم عیش و شادمانی پرداخته اند.

ش 148 (پنجشنبه بیست و نهم صفر 1270) 3. * 932/2.

مازندران- از قراری که در روزنامه این ولایت نوشته اند، نواب مستطاب شاهزاده مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران، در انجام خدمات دیوانی اهتمامی کامل دارند از جمله نوکر اشرف و توابعی و سورتی و یخ کشی را که احضار به دربار همایون شده بودند، تدارکات لازمه آنها را تمام و کمال سرانجام و سان آنها را دیده، روانه رکاب نصرت انتساب همایون داشته اند و همچنین نوکر عمرانلو را تدارک دیده، به سرحد استر آباد فرستاده اند و نوکر عرب را نیز تدارک دیده به ساخلوی بار فروش فرستاده اند. دیگر نوشته اند که ناخوشی و با که دربار فروش باز بروز کرده و شدت به هم رسانده بود در [این] اوقات تخفیف کلی یافته است و بعضی مردم که از آن جا متفرق شده بودند، حال اطمینان از کم شدن ناخوشی مزبور به هم رسانده و به اوطان خود مراجعت کرده اند. دیگر نوشته بودند که در [این] اوقات در مازندران چهار روز و چهار شب بارندگی شدید شده و به طوری برف آمده است که در شهر ساری و در بعضی جای های کنار دریا تا نیم ذرع برف به زمین افتاده است و هوای آن جاها در [این] اوقات نهایت برودت را دارد.

ش 158 (پنجشنبه یازدهم جمادی الاول 1270) 3. * 1006/2.

مازندران - از قراری که در روزنامه این ولایت نوشته اند، در زمستان امسال در آن ولایت نیز بارندگی زیاد شده و برف بسیار آمده و هوا به شدتی تا چند روز سرد شده بوده است که اکثر درخت های نارنج و لیمو و سایر مرکبات را سرما ضایع کرده و راه های مازندران به سمت دارالخلافه همه جا تا سرخ حصار برف سنگین بوده و در گردنه فیروزکوه چند نفر مکاری را با چند راس قاطر سرما و بوران و کولاک تلف نموده بوده است.

ش 161 (پنجشنبه دویم جمادی الثانی 1270) 2. * 1029/2.

مازندران - از قراری که در روزنامه این ولایت نوشته اند، ناخوشی و با که در شهر بار فروش بروز و اشتدادی داشته است در غره جمادی الاول موقوف و بالمره تمام شده است و باینکه امسال به واسطه ناخوشی و با، که متوالی در آن ولایت بروز کرده بود، مردم زراعت درستی مانند سال های سابق نکرده بودند، مع ذلک هر چیزی کمال و فور و ارزانی را دارد.

دیگر نوشته بودند که در یازدهم ماه گذشته، نواب مستطاب شاهزاده و الاتبار مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران، به سمت بندر مشهد سررفته و به امورات آن جا رسیدگی نموده و انتظام کامل داده اند و امرگمرکخانه آن جا را مضبوط نموده و به مباشرگمرکخانه آن جا نیز خلعت داده اند.

دیگر نوشته بودند که در اوقات توقف نواب شاهزاده مصطفی قلی میرزا در مشهد سر، رعایای قریه ملاکلای دابو، تیولی عالیجاه میرزا محمد خان قاجار، به نزد نواب شاهزاده

آمده از تعدیات علی محمدخان نام، ضابط قریه مزبوره، شاکی شدند که یک نفر را در زیر چوب مقتول نموده و نهایت اجحاف و تعدی با سایر رعایا و سکنه آن جا نیز کرده است. نواب معزی الیه او را احضار و بعد از تحقیق معلوم نمودند که عرض عارضین مقرون به صدق است. اولاً او را از ضابطی قریه مزبوره معزول و قریه مزبوره را برحسب استدعای اهالی آن جا به نواب اسدالله میرزا واگذار نمودند که درصدد آبادی آن جا برآمده و به حسن سلوک تفرقه آن جا را جمع آوری نموده رفع شکستگی و پریشانی رعایا و سکنه آنجا را نماید و ثانیاً درباب قتل یک نفر از اهالی آن جا نیز حکم فرمودند که علی محمدخان باورثه مقتول به محکمه حاکم شرع حاضر شده؛ در صورت رضایت ورثه مقتول به دیه بگذرانند و بعد از [۱] بن علی محمدخان ملتزم خدمت نواب شاهزاده بوده به قریه مزبوره و آن اطراف مطلقاً رجوعی و سرو کاری نداشته باشد. دیگر نوشته اند که در [۱] این اوقات که نواب شاهزاده به مشهد سرآمده بودند حکومت بار فروش را برحسب استدعای اهالی بار فروش حکومت را به عالیجاه قهارقلی خان مفوض و خلعت حکومت او را داده، روانه نمودند.

ش 162 (پنجشنبه نهم جمادی الثانیه 1270-2-3. * 1036-1035/2.

چون نواب مستطاب شاهزاده والاتبیار مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران، در انتظام امور ولایت و انجام خدمات دیوانی مراتب اهتمامات خود را مشهود رای امنای دولت علیه داشته و خاطر اقدس همایون را از حسن اهتمامات خود خورسند داشته بود، لهادبه ملاحظه کفایت و کفالت و حسن خدمتگذاری و صداقت نواب معزی الیه، در این اوقات از جانب سنی الجوانب ملوکانه یک قطعه نشان سرتیپی از مرتبه اول باحمایل مخصوص این مرتبه، مرحمت و فرمان مهرلمعان مبارک مبنی بر التفات بهسرافرازی نواب معزی الیه شرف صدور یافته، ارسال گردید.

مازندران- از قراری که در روزنامه این ولایت نوشته اند، نواب شاهزاده و الاتبیار مصطفی قلی میرزاحکمران مازندران در اوقاتی که به سمت مشهد سرآمده بودند، از آن جا به معادن گلوله ریزی نابیچ رفته و امر گلوله ریزی معادن مزبور را انتظام کامل داده اند که کارخانه های گلوله ریزی همیشه در کار باشند و معطلی در کار آنها روی نهد و خود نواب معزی الیه به سرکارخانه ها رفته و رسیدگی درکار آنها نموده؛ گلوله ریزها درحضور نواب شاهزاده گلوله و ساچمه توپ ریخته بودند و بسیار صاف و خوب و بی عیب ریخته شده بود. به هر یک از آنها انعام و خلعت مرحمت نموده اند.

دیگر نوشته اند که در ایام شدت و با چند نفر دزد به هم رسیده، در آمل دوسه خانه را بریده بودند. در [۱] این اوقات که نواب شاهزاده به آمل آمده اند سه نفر از دزدهای مزبور به دست آمده؛ حسب الحکم نواب معزی الیه آنها را زنجیر نموده به ساری فرستاده اند که بعد از استرداد اموال مسروقه حکم به سیاست آنها بشود.

دیگر نوشته اند که نواب شاهزاده کمال اهتمام و رسیدگی به جزیی و کلی امور آن ولایت دارند. از جمله قاپوچی را از درب دیوانخانه برداشته و قدغن کرده اند که هر کس عرضی

داشته باشد از اعالی و ادانی بدون ممانعت و مزاحمت حاجب و دربان آمده، به خود نواب معزی الیه عرض نماید که درکار عارض از روی حقیقت و غوررسی رسیدگی نموده، به اقتضای عدالت و احقاق حق حکم آن را نمایند و روزها، از صبح تا دو ساعت به غروب آفتاب مانده، اوقات خود را صرف رسیدگی به عرایض مردم و انتظام امور ولایتی می نمایند.

ش 163 (پنجشنبه شانزدهم جمادی الثانی 1270) 2. * 1043/2.

[در گزارشی از " فوج سدهی ابواب جمعی مقرب الخاقان محمد ابراهیم خان سرتیپ نوری" یاد شد که به تهران آمد.]
ش 165 (پنجشنبه غره رجب 1270) 1. * 1056/2.

مازندران- در روزنامه این ولایت نوشته اند که فرمان همایون که به جهت عید مولود جناب ولایت ماب، به افتخارنواب شاهزاده والا تبارمصطفی قلی میرزا حکمران مازندران، شرف صدور یافته بود. فرمان مبارک را زیارت و به جناب حاجی ملامحمد تقی مجتهد داده، در بالای منبر مضمون آن را گوشزد خاص و عام اهالی آن ولایت کرده، کمال شکرگذاری را به عمل آورده اند و در روز سیزدهم، کل اهالی آن جا عید گرفته و اظهار مسرت و شادمانی بسیار نموده اند.

ش 168 (پنجشنبه بیست و دوم رجب 1270) 2. * 1077/2.

مازندران- از قراری که در روزنامه این ولایت نوشته اند، نواب مستطاب شاهزاده و الاتبار مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران، درانتظام امر نوکرو رعیت و انجام خدمات دیوانی اهتمام تمام دارند و از حسن مراقبت نواب معزی الیه، کمال امنیت در آن ولایت حاصل است و عموم سکنه آن جا در نهایت آسودگی و امیدواری به عواطف این دولت علیه مشغول رعیتی و کار و کسب خود می باشند و نواب معزی الیه در جزیی و کلی امور آن ولایت رسیدگی کامل دارد.
دیگر نوشته بودند که نشانی که از جانب سنی الجوانب ملوکانه به نواب معزی الیه مرحمت شده بود. یک روز به عید نوروزمانده، نشان مرحمتی به آن جا رسیده و نواب معزی الیه لوازم استقبال و توقیر و احترام را به عمل آورده، نشان مزبور را زیب پیکر افتخار خود نموده اند.

ش 169 (پنجشنبه بیست و نهم رجب 1270) 2. * 1083/2.

و هم در [۱] این روزها که آب رودخانه جاجرود شدت دارد شخصی تاجر، بار تجارتي داشته و از مازندران به دارالخلافه می آمده است و چند کیسه پول نیز به رسم امانت از تجار دیگر در میان بار او بوده. در عبور از رودخانه بار او را آب برده و به دست نیآورده بود. چون ایل هداوند، که ابواب الجمع عالیجاه حاجی مبارک خان سرتیپ می باشند، در اطراف رودخانه مزبورسکنی دارند از گذارش مستحضر شده، آدم به میان ایل مزبور فرستاده بود. اموال آن شخص را نقداً خپسا از میان آب بیرون آورده، تماماً به صاحبش تسلیم و قبض رسید از او دریافت کرده بودند.

...

مازندران- از قراری که در روزنامه مازندران نوشته اند، نواب شاهزاده والاتبار مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران، در انتظام امر ولایت و تقدیم مهمات آن جا کمال اهتمام را دارند و خلعتی که از جانب سنی الجوانب اعلیحضرت پادشاهی به افتخار نواب معزی الیه مرحمت شده بود، در اواسط شعبان مژده آن به شاهزاده رسیده. روز هفدهم برای خلعت پوشان ساعت سعد تعیین کرده با جمعی از خوانین و سرکردگان برای حفظ شرایط احترام خلعت آفتاب طلعت، تا دو فرسخ به استقبال رفته. بعد از ادای لوازم جشن و شادی خلعت همایون را زیب دوش خود ساخته، معاودت به شهر کرده بودند.

از قراری که نوشته بودند، در هذ السنه به قدر سه چهار هزار من شکر در کارخانه های دولتی بلده ساری و بارفروش سفید شده و به مصرف رسیده است و شکر مزبور رواجی تام تمام در آن ولایت دارد و مردم با میل و رغبت به اطراف می برند.

از قراری که نوشته بودند یک نفر از جماعت اوصانلو به نواب شاهزاده عرض کرده بود که بعضی اجناس از دارالخلافه ابتیاع کرده، آورده بودم که در بلده ساری به فروش رسانیده منتفع شوم. شب را در بازار توقف کردم. اسباب مزبور را از من سرقت کرده، تمام و کمال برده اند. نواب معزی الیه نیز بعد از استحضار براین معنی محصلی معین کردند که رفته مال را از داروغه بازار گرفته به صاحبش ردکنند. محصل مزبور هم رفته؛ مال را استرداد کرده، به آن شخص داده بود.

ش 175 (پنجشنبه یازدهم رمضان 1270) * 1123/2.

[در گزارشی از کارهای حاجی محمد تاجر تبریزی، برای گسترش کارگاه شکر سازی آورده اند:]

خود حاج مشارالیه [حاجی محمد تاجر تبریزی] از دربار همایون به مازندران معاودت نموده که بنای کارخانه شکرریزی و شکر سازی را در آن جا بگذارد و بسیار امیدوار هستند که دستگاه شکرریزی آن جا طوری بشود که تا عرض مدت دو سال به قدر کفایت همگی ممالک محروسه دولت علیه، شکر مازندران به عمل بیاید و از همان شکر

مازندران در وقتی که به مازندران آمده، صاف کرده بودند. نمونه آن را به حضور جناب جلالتماب صدر اعظم آوردند، بهتر از شکر دوریز بسیار خوب هندی بود.

ش 178 (پنجشنبه سیم شوال 1270) 2. * 1141/2.

چون در این اوقات عیال نواب مستطاب شاهزاده والاتبار مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران فوت شده و عزادار بودند؛ اعلیحضرت پادشاهی محض مرحمت ملوکانه یک ثوب جبه ترمه مخصوص به نواب معزی الیه التفات و انفاذ فرمودند که به امیدواری مشغول انجام خدمات دیوانی باشد.

...

مازندران- از قراری که در روزنامه این ولایت نوشته بودند، نواب مستطاب شاهزاده والاتبار مصطفی قلی میرزا حکمران آن ولایت، به جهت انجام مهمات دیوانی در شهر ساری توقف دارند و به بیلاق نرفته اند و این روزها مشغول دیدن سان نوکر و رساندن موجب نوکر ساخلواسترآباد هستند و در انتظام امر ولایت نیز نهایت مراقبت و اهتمام را معمول دارند و اهالی آن ولایت به سبب مراقبت نواب معزی الیه آسوده خاطر به دعای ذات اقدس همایون اشتغال دارند.

ش 184 (پنجشنبه پازدهم ذیقعه 1270) 3، 1. * 1183/2، 1185.

از جمله کارهای ثواب معظم که خیر عامه خلق در آن [1] است که در [1] این روزها حکم به ساختن آن شده و کم مانده است که تمام بشود. ساختن راه کتل بالای افجه است که راهی [1] است از دارالخلافه به مازندران می رود و بسیار سخت و صعب بود و به جهت عابرین و مترددین زحمت و صعوبت کلی داشت بلکه در کمتر جاهای روی زمین به این سختی راه به هم می رسد و راه مزبور راهی [1] است که تردد زیاد از آن راه می شود و برنج و ذغال و سایر چیزها که از مازندران به دارالخلافه می آید، اغلب از آن راه می آید و هر سال مال زیاد در آن جا تلف می شد بلکه بعضی سال ها آدم نیز تلف می شده. در [1] این سال جناب جلالت مآب اشرف افخم اکرم صدراعظم محض رفاه حال عابرین و حصول دعاگویی مقرر داشته اند که عمله در آن جا گذاشته راه مزبور را به طور خوب ساخته اند سنگ های بزرگ در کنار راه چیده و سنگ های کوچک چفت و بست کرده، مانند سکو، ساخته اند که عبور مال و آدم به سهولت می شود و ساختن راه مزبور باعث دعاگویی کل مردمی [1] است که از آن راه عبور می نمایند.

ش 187 (پنجشنبه ششم رمضان 1270) 2. * 1202/2.

در [۱] این اوقات نواب غفران مآب مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران، داعی حق را لیبیک اجابت گفته، به رحمت ایزدی پیوست. حسب الامراقدس همایون، درمسجد شاه دارالخلافة به جهت مرحوم مزبور تا سه روز مجلس فاتحه خوانی گذاشته. شاهزادگان عظام و علما و فضلا و سادات و امنای دولت علیه و خوانین، هر روزه در مجلس فاتحه خوانی حاضر شده، لازمه تعزیه داری را به عمل آوردند و هم چنین در مازندران هم عموم اهالی آن جا در مجلس فاتحه مرحوم مشارالیه حاضر گردیده. چون از طرز نظم و سلوک و رعیت داری او بسیار رضامندی داشتند، از فوت مرحوم مزبور زیاده از حد متاسف بوده اند.

ش 194 (پنجشنبه بیست و ششم محرم 1271) * 1243/2.

در روز سه شنبه غره ماه صفر، تفنگچی لاریجانی جمعی مقرب الخاقان عباس قلی خان، که حسب الامر احضار به رکاب همایون شده بودند، در میدان ارک حاضر شده صف کشیدند و اعلیحضرت قوی شوکت پادشاهی به میدان مزبور تشریف فرما گردیده. جناب جلالت مآب امجدافخم صدراعظم و سایر مقربان حضرت گردون بسطت سنیه درحضور مبارک بودند. بعد از ملاحظه تفنگچی مزبور، کسر شترو قاطر سرکاری را که تازه ابتیاع نموده و داغ کرده در میدان ارک حاضر کرده بودند، از حضور مبارک گذرانیده. چون همگی درشت و فربه و با اسباب بودند، پسند خاطر همایون گردیدند و از آن جا اعلیحضرت پادشاهی به مدرسه دارالفنون تشریف فرما گردیده. بعد از انقضای تعزیه به عمارت مبارکه سلطانی مراجعت فرمودند.

ش 195 (پنجشنبه سیم صفر 1271) * 1251/2.

در [۱] این اوقات که مرحوم مصطفی قلی میرزا به رحمت ایزدی پیوسته بود نظربه خدمات مرحوم مزبور و ظهور شایستگی نواب احمد میرزا، حکومت مازندران را به نواب معز [ی الیه مرحمت] ۱ فرموده و یک ثوب جبه ترمه زنجیره دارمخصوص، به رسم خلعت به او مرحمت گردید و عالیجاه میرزااسدالله مستوفی را نیز، نظر به خدمات سابقه و شایستگی او، به منصب وزارت و پیشکاری مازندران سرافراز و یک ثوب جبه ترمه نیز به او خلعت مرحمت فرمودند و در [۱] این روزها روانه محل ماموریت می شوند.

1- در چاپ روزنامه افتادگی دارد.

ش 197 (پنجشنبه هفدهم صفر 1271) * 1263/2.

مازندران- از قراری که در روزنامه این ولایت نوشته اند، شب ششم صفر المظفر، که عید مولود سلطانی [1] ستف در رعایت شرایط احترام آن روز کمال اهتمام به عمل آمده. آتش بازی زیاد و شلیک زنبورک نموده اند و بازار و کوچه شهر را چراغان کرده اند و جشنی نمایان و سروری شایان نموده اند.

دیگر نوشته اند، عالیجاه قونسول دولت بهیه روسیه وارد آن جا شده است و قبل از ورود او نواب محمد کریم میرزا، پسر مرحوم شاهزاده مصطفی قلی میرزا، در رعایت شرایط احترام او کمال اهتمام نموده، جمعی را به استقبال عالیجاه مشارالیه فرستاده است و منزلی در باغ به جهت ایشان معین نموده اند و در احترام و مهمانداری او به هیچ وجه مضایقه و فروگذاشت ننموده است.

ش 197 (پنجشنبه هفدهم صفر 1271) 4. * 1266/2.

چون نواب احمد میرزا، حاکم مازندران، از رکاب مبارک مرخصی حاصل نموده، روانه گردیدند. سر کار اعلیحضرت شاهنشاهی، محض مرحمت، یک ثوب جبه ترمه به جهت نواب محمد کریم میرزا، پسر مرحوم شاهزاده مصطفی قلی میرزا، مرحمت فرمودند.

ش 198 (پنجشنبه بیست و چهارم صفر 1271) 1. * 1267/2.

[در گزارشی از معلمین دارالفنون و پاداش به آنان، از " میرزا زکی یاور خارج توپخانه و مترجم علم توپخانه" یادشد].

ش 200 (پنجشنبه نهم ربیع الاول 1271) 2. * 1278/2.

مازندران- از قراری که در روزنامه مازندران نوشته بودند، بعد از وفات مرحوم مصطفی قلی میرزا از بابت نبودن حاکم، فی الجمله اختلالی در نظم امور آن جا حاصل شده بود. سه نفر از متابعین داروغه بلده بارفروش برای اخذ جزیی تنخواه، مشهدی اسمعیل نام عطار بارفروش را کتک زده، صدمه کلی به او وارد آورده بودند که نزدیک به هلاکت بوده، مرده بود. مراتب به عرض نواب شاهزاده احمد میرزا رسید. حکم صادر کرده، آدم فرستادند که رفته مرتکبین را گرفته بیاورد. آنها را گرفته، خدمت نواب معزی الیه آورده. موافق حکم شرع و رضای ورثه مقتول رفتار کرده، قاتلین را به قصاص عمل خود رسانیده اند.

ش 202 (پنجشنبه بیست و سوم ربیع الاول 1271) 3. * 1295/2.

دارالمرز- از قراری که در روزنامه این ولایت نوشته اند، نواب شاهزاده احمد میرزا و عالیجاه مقرب الحضرة العلیه الخاقان میرزا اسدالله در [۱] این اوقات وارد بلده ساری گردیده و به محل حکومت خود قرار گرفته اند و جمیع اهل مازندران از حسن سلوک نواب شاهزاده و عالیجاه میرزا اسدالله نهایت رضامندی و شکرگذاری دارند و امیدوارند که روزبه روز برحسن سلوک خود افزوده، اهالی آن ولایت را قرین آسودگی دارند. دیگر نوشته اند که از هشتم این ماه الی یازدهم، باران بسیار خوب در مازندران آمد به طوری که از جمیع رودخانه ها آب جاری شده و رعایا از [۱] این مرحله زیاده مشعوف و شکرگذار گردیده اند و به کار شیار زمین و تدارک زراعت مشغول می باشند. دیگر نوشته اند که عالیجاه مقرب الخاقان میرزاعلی خان، سرتیپ فوج خواجه وند و عبدالملکی، در امورات متعلقه به خود کمال نظم را معمول دارد و طایفه مزبوره، که همیشه معتاد به شرارت و افساد بودند و به عابرین و مترددین آن سامان دست اندازی می کردند، در [۱] این اوقات از اهتمامات عالیجاه مشارالیه، احدی از آنها یارای حرکت خلاف ندارد و همگی با نهایت انتظام حرکت می کنند و اهالی آن اطراف از [۱] این فقره کمال آسودگی دارند.

ش 206 (پنجشنبه بیست و یکم ربیع الثانی 1271) 2-1. * 1320-1319/2.

نظر به این که در این سنوات مستمری ارباب و وظایف را در مازندران، خوب نمی رساندند و مردم از این جهت ناراضی بودند. مراتب به عرض امنای دولت علیه رسید. قرار دادند که از هذه السنه و ما بعد، مستمری ارباب و وظایف مازندران را عالیجاه میرزا اسدالله وزیر به اتفاق و اطلاع گماشته مقرب الخاقان عضدالملک به ارباب و وظایف، درست برسانند که موجب دعاگویی موظفین شود.

...
دارالمرزمازندران- از قراری که در روزنامه آن ولایت نوشته اند، امورات آن جا، این اوقات از حسن اهتمامات نواب احمد میرزا حکمران مازندران و عالیجاه میرزا اسدالله وزیر، انتظامی کامل دارد و از اینکه به عرایض و مطالب مردم رسیدگی می شود، اهالی آن جا کمال رضامندی و شکرگذاری دارند. دیگر نوشته اند که نواب احمد میرزا و عالیجاه میرزا اسدالله در انتظام امرچاپارخانه های آن جا اهتمام نموده و قرار گذاشته اند که هر کدام خرابی داشته باشد، تعمیر نمایند و در کار تعمیر می باشند و سایر لوازمات چاپارخانه ها را نیز از هر جهت منتظم و مضبوط دارند که برای چاپار هیچگونه معطلی نبوده باشد.

ش 207 (پنجشنبه بیست و هشتم ربیع الثانی 1271) 4، 2. * 1324، 1326/2.

چون شبلات مازندران و استرآباد به عالیجاهان میرعلی اکبرخان دریا بیکی و میرعبدالصمدخان از جانب دیوان اعلی واکذار گردیده، در [۱] این اوقات شرفیاب حضور مهر ظهور خسروانی شده، مورد التفات گردیدند و به هر یک، یک ثوب جبه کرمانی خوب خلعت مرحمت گردید.

...

از قراری که در ضمن روزنامه استرآباد نوشته بودند، محمد تقی نام کردمحلّه، زنی داشته است در [۱] این روزها فرار کرده به خانه پدر خود، که در ساری بوده است، رفته بود. شوهرش رفته او را از ساری راضی کرده آورده بود. در ثانی فرار کرده به استرآباد به خانه یک نفر از ملاهای آن جا رفته بود. شوهرش باز عقب او آمده زن از رفتن ابا نموده؛ گفته بود می خواهم در شهر بمانم و به کردمحلّه نمی آیم. شوهرش نیز قبول کرده؛ رفته بود که اثاث البیت خود را به شهر بیاورد. وقتی که اسباب خود را برداشته، به شهر آمده بود؛ دیده بود زنتش به شوهری دیگر رفته و حامله نیز هست. معلوم نیست که از شوهر اول حمل داشته یا از شوهر ثانی حمل برداشته است.

ش 208 (پنجشنبه ششم جمادی الاول 1271) 1، 2 * 1331، 1332/2.

از قراری که روزنامه مازندران نوشته بودند، آقاچان نامی نعلبند، که از ایام حکومت مرحوم مصطفی قلی میرزا به داروغگی آن جا برقرار بود، این اوقات سه نفر آدم های او به بازار به مطالبه هفتگی رفته بودند. از صاحب دکانی، هفتگی خواسته بودند. او در مقام امتناع برآمده بود. چوبی بر سر او زده بودند فوراً هلاک شده بود. نواب شاهزاده احمد میرزا دو نفر از آنها را تنبیه و سیاست نموده، مرخص کرده اند و یک نفر دیگر را که اصل قاتل بوده، در حبس دارند که به ورثه مقتول داده، به قصاص یا دیه امر آنها را بگذرانند.

ش 210 (پنجشنبه بیستم جمادی الاول 1271) 4 * 1342/2.

استرآباد- ...

دیگر نوشته اند که در [۱] این اوقات یک کمی در دریا در سمت بارفروش طوفانی شده و غرق گردیده به قدر سی نفر از کمی مزبور غرق شده و بقیه به سلامت به ساحل رسیده اند.

مازندران- از قراری که در روزنامه این ولایت نوشته اند، نواب شاهزاده احمد میرزا به گردش بلوکات رفته بوده است. در [۱] این روزها به شهر ساری مراجعت کرده است و

اهالی آن جا کمال رضامندی از حسن سلوک نواب معزی الیه و عالیجاه میرزا اسدالله وزیر دارند.
دیگر از قراری که تسعیر جنس مازندران را نوشته اند در [این اوقات از] این قرار است
برنج پنج من، یک هزار دینار
روغن یک من، دوریال
گوشت یک من، چهار عباسی
نان یک من، پنج شاهی
جو یک من، صد دینار
مرغ چهار قطعه، هزار دینار
شالی چهل من، سه هزار و ده شاهی
قند یک من، پنج هزار دینار
نبات یک من، هشت هزار
ماهی یک زوج، ده شاهی.

ش 215 (پنجشنبه بیست و ششم جمادی الثانی 1271) 3-4. * 1370-1369/2.

مازندران- از جمله اخباری که در ضمن روزنامه مازندران نوشته بودند، این بود که در ماه گذشته بارندگی زیاد شده، باران شدیدی آمده است و تا سه روز علی الاتصال باران آمده. باد سختی وزیدن گرفته که دریا طوفانی شده است. از قراری که نوشته بودند، بیست و هشت فروند کمی تجارتي، که بعضی مال التجاره تبعه دولت علیه و برخی مال تبعه دولت بهیه روسیه بوده است، شکسته. اکثری را طوفان دریا چنان مفقود الاثر ساخته است که تا به حال اثری از آنها ظاهر نشده است و برخی دیگر، که بارسنگین از قبیل آهن و مس داشته اند، در دریا سرنگون و غرق شده اند.

از قراری که نوشته بودند، نواب شاهزاده احمد میرزا حکمران مازندران و مقرب الخاقان میرزا اسدالله وزیر در انتظام و انضباط امور ولایت و تمهید اسباب آسودگی رعیت کمال اهتمام دارند و همچنین در رواج کارخانه شکر و تهیه و جمع آوری اسباب لازمه آن منتهای مراقبت و اهتمام به عمل می آورند و محصل تعیین کرده اند که از جمیع بلوکات آنچه نی شکر به عمل می آید، حمل به کارخانه شکر و قند ریزی کرده، قیمت آن را دریافت نمایند.

ش 216 (پنجشنبه سیم رجب 1271) 2. * 1372/2.

در روز یک شنبه گذشته اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی به میدان ارک سواره تشریف فرما گردیده؛ فوج لاریجانی و فوج جدید شقاقی و سواره چهاردولی که در میدان حاضر شده، صف کشیده بودند. اول به ملاحظه افواج توجه فرموده، بعد از ملاحظه آنها به

میان سواره تشریف بردند. امیرالامراالعظام سردار کل و سایر صاحب منصبان نظام در خدمت اقدس همایون بودند. آراستگی و انتظام سواره و نظام را تحسین فرموده ...
تفنگچی لاریجانی که برحسب امر اعلیحضرت شاهنشاهی سرباز شده و مخصوص سرکار نواب شاهزاده افخم امیر نظام گردیدند، کسر داشتند. کسر آنها را عالیجاه غلام علی خان ولد مقرب الخاقان عباس قلی خان، که سرهنگ فوج است، گرفته به رکاب همایون آورده و در روزی که در صد روزنامه نوشته شده از نظر مبارک گذشته و مقرر شد که به آنها تفنگ سربازی داده شود و داخل فوج باشند.

ش 219 (پنجشنبه بیست و چهارم رجب 1271) 1،3 * 1383/2، 1385.

مازندران- از قراری که در روزنامه مازندران نوشته اند، در روز عید نوروز سلطانی، نواب شاهزاده احمد میرزا حکمران مازندران مجلس عید را بسیار باشکوه و آراستگی ترتیب داده. علما و فضلا و خوانین و اعیان ولایت در آن مجلس حاضر شده اند و خطبه به نام اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی خوانده شده. روز عید و روز بعد عید را هم شب ها چراغان کرده و روزها اساس جشن فراهم آورده اند.
دیگر نوشته بودند که اهالی مازندران کمال رضامندی از حسن سلوک نواب شاهزاده و مراقبت عالیجاه میرزا اسد الله وزیر دارند و نواب معزی الیه همه روزه از طلوع آفتاب تا دو ساعت از شب گذشته، در دیوانخانه نشسته، به عرایض مردم و امور ولایتی رسیدگی می نمایند.

دیگر نوشته اند که در روز سیزدهم ماه رجب، که یوم عید مولود جناب ولایت مآب امیرالمومنین علی ابن ابیطالب علیه السلام بود، نواب شاهزاده مجلس عید مانند اعیاد بزرگ، که رسم این دولت علیه است، منعقد نموده و شهر را آیین بسته و چراغان نموده اند و جمیع اعیان و اشراف ولایت و خوانین عظام و صاحب منصبان نظام به مجلس مزبور حضور به هم رسانده، عید خوبی با کمال شکوه و آراستگی گرفته بودند.
دیگر نوشته بودند که چند روز بعد از عید نوروز باران شدیدی در مازندران باریده و بعد از آن برف زیاد در آن ولایت آمده است به طوری که در همه جا از بلده و بلوکات به قدر یک چارک برف در روی زمین بوده است.

ش 221 (پنجشنبه نهم شعبان 1271) 4 * 1396/2.

مازندران- از قراری که در روزنامه این ولایت نوشته اند، در [1] این اوقات که بشارت جنگ خراسان و شکست قشون اورگنجی را امنای دولت علیه به نواب احمد میرزا حکمران مازندران نوشته بودند، نواب معزی الیه این مژده را گوشزد جمیع اهالی مازندران نموده، لوازم خورسندی و شادمانی را معمول داشته اند.

دیگر نوشته اند که چند نفر دزد در مازندران به هم رسیده اند که به طور غریب سرقت می کنند. اول آمده در خفیه و بی خبر، خانه ای را آتش می زنند. اهل محله که خبردار می شوند به جهت خاموش کردن آتش می روند. در [۱] این بین دزدان فرصت کرده به قدمقدور اسباب از خانه های مردم به سرقت می برند. نواب شاهزاده و احمد میرزا در [۱] این باب قدغن اکید کرده اند که در تجسس باشند و مرتکبین این اعمال را بدست بیاورند ولی تابه حال کسی از [۱] این اشخاص به دست نیامده است و از قرار تقریر بعضی می گفته اند که این اشخاص از طایفه ضاله بابی می باشند.

دیگر نوشته بودند که اهالی مازندران از حسن سلوک و رفتار نواب شاهزاده احمد میرزا و مقرب الخاقان میرزا اسدالله وزیر کمال شرف و رضامندی را دارند. خصوصاً نواب شاهزاده به عرایض مردم رسیدگی می نمایند و اگر نسبت به کسی تعدی و اجحافی شده باشد، در مقام رفع آن برمی آیند.

دیگر در ضمن روزنامه مازندران نوشته بودند در [۱] این اوقات ضعیفه [ای] به حمام رفته، عصر بیرون آمده و به محض رسیدن به خانه فوراً درگذشته بود.

ش 223 (پنجشنبه بیست و سوم شعبان 1271) 4-5 * 1409-1408/2.

[در گزارشی از استرآباد آمد:]

از قراری که در روزنامه این ولایت نوشته اند، در [۱] این اوقات از اهمات مقرب الخاقان محمد ولی خان بیگلربیگی استرآباد، کمال امنیت و انتظام در آن جا حاصل است و احدی از نوکر باب و غیره مصدر حرکتی خلاف حساب نمی تواند بشود و اگر احیاناً از کسی خلاف حسابی ناشی و صادر شده باشد، در مقام تنبیه و تادیب بر می آید. از جمله دو نفر از غلامان ابوابجمعی عالیجاه قلی خان یوز باشی، دو راس مادیان از بلوکات مازندران سرقت کرده بودند. عالیجاه محمد جعفر خان نایب بعد از استحضار، آن دو نفر غلام را تنبیه مضبوط نموده و مادیان ها را به دست امینی سپرده است تا صاحبانشان پیدا بشود.

ش 229 (پنجشنبه ششم شوال 1271) 4 * 1438/2.

امورات قشونی- فوج بندپنی جمعی عالیجاه نصرالله خان سرهنگ که احضار دارالخلافه شده بودند، حسب الامر مأمور ساخلو [ی] اصفهان شدند. انعام به آنها مرحمت گردیده.

ش 233 (پنجشنبه چهارم ذیقعه 1271) 3 * 1461/2.

چون در ماه مبارک رمضان عالیجاه حکیم پولاک معلم به سفر مازندران رفته و امر مریضخانه را که متعلق به مشارالیه بود، به دونفر شاگرد از مرتبه اول که میرزا علی نقی و میرزا حسین باشند، واگذار کرده بود و میرزا علی نقی ناخوش شده؛ رسیدگی امر مریضخانه به میرزا حسین انحصار یافته و خوب از عهده برآمد و از قرار تصدیق عالیجاه جعفر قلی خان سرتیپ بیست و هشت نفر مریض سرباز به اتمام و معالجه مشارالیه صحت یافته. لهذا دو طاقه شال از جانب سنی الجوانب ملوکانه به رسم خلعت مرحمت شد ...

ش 234 (پنجشنبه یازدهم ذی‌قعدة 1271) * 1466/2.

میرزا حسین ولد مرحوم میرزا احمد طبیب تنکابنی که در قواعد طب مهارت دارد و از جمله شاگردهای ارشد از مرتبه اول است، کتابی در امراض نسا که در عهد محمد علی پاشا در مصر [به کمال دقت از فرانسه به عربی ترجمه شده، مشارالیه به فارسی ترجمه می کند و بسیار به کار خواهد آمد و نفعش عام خواهد بود.

ش 235 (پنجشنبه هیجدهم ذی‌قعدة 1271) * 1472/2.

اردوی همایون - اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی از آن محل بیلاق لار که تشریف داشتند در روز 23 ماه گذشته حرکت به سمت پائین رودخانه لار به محل موسوم به بستک فرموده. دوسه روز آن جا تشریف داشتند. باران شدید و تگرگ زیاد در شب بیست و پنجم آمده به طوری که سیل از رودخانه ها و بعضی جای های دیگر جاری گردید. از آن جا موکب همایون به قریه افجه، متعلق به جناب امجد اشرف ارفع صدراعظم، تشریف فرما گردیده. لوازم پای انداز و قربانی و پیشکش از جانب متعلقان جناب معظم به عمل آمد. چون خود جناب امجد ارفع و جناب نظام الملک بر حسب اذن و اجازت اعلیحضرت شاهنشاهی، به جهت رسیدگی امور ولایتی و دیدن متعلقان اهل ولایت از بیلاق لار چند روز مرخص شده. به نور رفته بودند و درروز تشریف فرمایی موکب همایون به افجه، به رکاب نصرت انتساب معاودت نمودند...

ش 238 (پنجشنبه نهم ذیحجه 1271) * 1489/2.

مرحوم میرزا ابوالقاسم خان، که از منسوبان جناب اشرف امجد ارفع صدراعظم بود، در بلده نور به رحمت ایزدی پیوسته. نعش او را به دار الخلافه مبارکه آوردند...

ش 239 (پنجشنبه شانزدهم ذیحجه 1271) * 1498/2.

کرمانشاهان و کردستان وگروس و گیلان و مازندران و نهاوند و همدان ویزد- از [۱] این ولایات نیز در [۱] این هفته اخباری نرسیده است.

ش 241 (پنجشنبه سلخ ذیحجه 1271) 6. * 1516/2.

بروجردو بسطام و خراسان و خمسه و دارالمرزو سمنان- از [۱] این ولایات نیز در این هفته اخباری نرسیده است.

ش 242 (پنجشنبه هفتم محرم 1272) 4. * 1522/2.

بروجردو بسطام و خراسان و خمسه و خوانسار و دارالمرزو عراق و عربستان- از [۱] این ولایات نیز در این هفته اخباری نرسیده است.

ش 243 (پنجشنبه چهاردهم محرم 1272) 4. * ، 1530/2.

[در گزارشی از اصفهان آمد]: ... و سرباز مازندرانی را به دقت تمام، سان دیدند. چون سرباز مازندرانی، زیاده مریض داشتند. وجهی به جهت مداوا، به آنها انعام نموده، مقرر داشتند که اطبا مشغول معالجه و مداوای آنها باشند.

...

دارالمرزودامغان و سمنان- از [۱] این ولایات نیز در این هفته اخباری نرسیده است.

ش 244 (پنجشنبه بیست و یکم محرم 1272) 3، 5. * 1534/2 ، 1535.

قم و کاشان و کرمان و کرمانشاهان وگروس و کردستان و گیلان و مازندران و ملایر و نهاوند و همدان ویزد- از [۱] این ولایات نیز اخباری نبود.

ش 245 (پنجشنبه بیست و هشتم محرم 1272) 4. * 1542/2.

گیلان و مازندران و نهاوند و همدان و یزد- از [۱] این ولایات نیز در این هفته اخباری نرسیده است.

ش 246 (پنجشنبه ششم صفر 1272) 8. * 1550/2.

دارالمرز- از قراری که در روزنامه مازندران نوشته بودند، این اوقات از قرار تقریر اهل کشتی، یک فروند کشتی از میرزا باقر نام گیلانی به جهت خریدن نمکف از دهنه رودخانه سفید رود داخل دریا شده. خود میرزا باقر هم در آن کشتی بوده و یک پسر و یک نوکرو چهار نفر عمه همراه او داشته است. بعد از آن که دو سه روز در دریا رفته اند یک روز نزدیک به غروب یک فروند لٹکا از دور پیدا شده. میرزا باقر به احتیاط اینکه شاید ترکمان دزد باشد توپ و تفنگی که در کشتی داشته مستعد نموده. وقتی که نزدیک شده بودند معلوم شده بود سه نفر ترکمان در آن لٹکا مشرف به غرق هستند و لٹکای آنها شکسته است. میرزا باقر از بابت خلاصی آنها آن سه نفر را به کشتی خود آورده با خود چند روز آنها را در آن کشتی نگاه داشته، متوجه شده بود. در این بین آن چهار نفر عمه مزدور با ترکمانان مزبور کنکاش کرده بودند که میرزا باقر را به قتل برسانند. یک روزی میرزا باقر با پسر و نوکرش هر سه خوابیده بوده اند. اول میرزا باقر را مقتول کرده و به دریا انداخته بعد از آن پسرش را نیز کشته و به دریا افکنده. پس از آن وحشت کرده بودند که شاید کسی در دریا به آنها بر بخورد خود را به کنار کشیده و کشتی را سوراخ کرده، غرق نموده بودند و در خشکی قصد قتل آدم میرزا باقر را کرده. مشارالیه آغاز جزع و فزع و فریاد نموده بود. در آن حین چند نفر سوار عبدالملکی که به جهت محافظت کنار دریا می رفته اند، فریاد و عجز آن شخص را شنیده، آمده آنها را گرفته. مقیدا محبوسا به ساری آورده اند. مراتب به عرض خاکپای همایون رسیده. مقرر فرمودند که آن چند نفر ترکمان را در ساری به سزای عمل خودشان برسانند و در باره آن چند نفر سواره عبدالملکی، که خدمت کرده بودند، بذل التقات شود.

...
[در گزارشی از کرمانشاهان آوردند که در راه خانقین به نجف به زابیرین حمله می برند]
...از جمله از قراری که نوشته بودند این اوقات زیاده از چهارصد نفر زوار مازندرانی ورشتی را در کاروانسرای خانزاد، که در چند فرسخی بغداد است، یکجا برهنه کرده اند و نه مرد و سه زن را مقتول و چند نفر را زخمی کرده اند و اموال و اسباب زیادی، به قدر بیست سی هزار تومان، از آنها را به غارت برده اند. که آنچه داشته اند همه را از دستشان گرفته اند.

ش 247 (پنجشنبه سیزدهم صفر 1272) 5-6. * 1556-1555/2.

خمسه و دارالمرزو سمنان و شاهرود- از [ا]ین ولایات نیز در این هفته اخباری نرسیده است.

ش 248 (پنجشنبه بیستم صفر 1272) 4 * 1562/2.

کردستان و گروس و گیلان و لرستان و مازندران و نهاوند و همدان- از [ا]ین ولایات نیز در این هفته اخباری نبود.

ش 249 (پنجشنبه بیست و هفتم صفر 1272) 8 * 1574/2.

قزوین و قم و کاشان و گروس و کردستان و کرمانشاهان و کرمان و گیلان و مازندران و همدان- از [ا]ین ولایات نیز در این هفته اخباری نبود.

ش 251 (پنجشنبه یازدهم ربیع الاول 1272) 7 * 1589/2.

خمسه و دارالمرز و سمنان و شاهرود- از [ا]ین ولایات نیز در این هفته اخباری نبود.

ش 252 (پنجشنبه هیجدهم ربیع الاول 1272) 6 * 1595/2.

نظر به ظهور مرحمت ملوکانه در باره عالیجاه محمد قلی خان نوری، غلام پیشخدمت و شایستگی و اهتمامات او در انجام خدمات دیوانی، در این اوقات حسب الامر سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی به حکومت تربت حیدریه سرافراز گردید و فرمان مهر لمعان همایون شرف صدور یافته و خلعت حکومت نیز به او مرحمت شد.

ش 253 (پنجشنبه بیست و پنجم ربیع الاول 1272) 2 * 1600/2.

بسطام و خراسان و خمسه و دارالمرز - از [ا]ین ولایات در این هفته اخباری نبود.

ش 253 (پنجشنبه بیست و پنجم ربیع الاول 1272) 4 * 1602/2.

[در گزارشی از تهران، از کسانی یاد شد که غله را انبار کرده و به نانواها نمی دهند. در این میانه " سادات لاریجانی " هم دیده می شود.]

ش 254 (پنجشنبه سیم ربیع الثانی 1272) 3 * 1607/2.

گروس و گیلان و مازندران و ملایر و نهاوند و همدان و یزد- از [این ولایات نیز در این هفته اخباری نرسیده است.

ش 254 (پنجشنبه سیم ربیع الثانی 1272) 8 * 1612/2.

... حکامی که همه ساله در شب عید نوروز در وقت سلام تحویل حمل باید در حضور همایون حاضر باشند... مازندران... .

ش 255 (پنجشنبه دهم ربیع الثانی 1272) 3 * 1615/2.

خمسه و دارالمرز و سمنان و عراق و فارس - از این ولایات نیز در این هفته اخباری نبود.

ش 255 (پنجشنبه دهم ربیع الثانی 1272) 6 * 1618 /2.

خمسه و دارالمرز و سمنان و شاهرود و عراق و فارس و قزوین و قم و کاشان و کردستان و گروس و کرمانشاهان- از [این ولایات نیز در این هفته اخباری نبود.

ش 256 (پنجشنبه هفدهم ربیع الثانی 1272) 3 * 1623 /2.

آذربایجان و اصفهان و استرآباد و بروجرد و بسطام و خراسان و خمسه و دارالمرز و سمنان و شاهرود و عراق- از [این ولایات در این هفته اخباری نبود.

ش 256 (پنجشنبه بیست و چهارم ربیع الثانی 1272) 2 * 1628 /2.

[در گزارشی از آذربایجان از دزدی " خانه عالیجام محمد اسمعیل خان نوری" یاد شد].
ش 258 (پنجشنبه غره جمادی الاول 1272) 3 * 1637 /2.

استرآباد و اسدآباد و بروجرد و بسطام و خراسان و خمسه و دارالمرز و سمنان و عراق- از [۱] این ولایات در این هفته اخباری نبود.

ش 258 (پنجشنبه غره جمادی الاول 1272) 6. * 2 / 1640.

خمسه و دارالمرز و سمنان و شاهرود - از [۱] این ولایات نیز در این هفته اخباری نرسیده است.

ش 259 (پنجشنبه هشتم جمادی الاول 1272) 5. * 2 / 1645.

قم و کاشان و کردستان و گروس و کرمانشاهان و کرمان و گیلان و مازندران و ملایر و نهاوند و همدان- از [۱] این ولایات نیز در این هفته اخباری نرسیده است.

ش 260 (پنجشنبه پانزدهم جمادی الاول 1272) 7. * 2 / 1655.

چون شکر مازندران را اولیای دولت علیه مقرر فرمودند در کارخانه دولتی سفید کنند که به مصارف کافه ناس برسد لهذا امری مقرر فرمودند که دیگر شکر مازندران را برای فروش به خارج نبرند. حکام ولایات اذن دارند که قدغن نمایند در گمرگخانه های عرض راه هر کس بعد از [۱] این شکر مازندران را به ولایات خارجه ببرد، مانع شده نگذارند و برگردانند که شکر برای سفید کردن و فور به هم رسانند.

...

گیلان و مازندران و ملایر و نهاوند و همدان و یزد- از [۱] این ولایات نیز در [۱] این هفته اخباری نبود.

ش 261 (پنجشنبه بیست و دویم جمادی الاول 1272) 1-5، 2. * 3 / 1657-1658، 1661.

خمسه و دارالمرزو عراق و فارس و قزوین و قم و کاشان و کرمانشاهان و کرمان و غیره- از [۱] این ولایات نیز اخباری نبود.

ش 262 (پنجشنبه بیست و نهم جمادی الاولی 1272) 4. * 1669/3.

اسدآباد و اصفهان و بروجرد و خراسان و دارالمرز و سمنان و عراق- از [این ولایات نیز در [این هفته اخباری نبود.

ش 264 (پنجشنبه پانزدهم جمادی الثانی 1272) 4. * 1684/3.

مازندران- از قراری که در روزنامه مازندران نوشته بودند، نواب شاهزاده و الاتبار لطف الله میرزا که از دربار همایون به حکومت آن ولایت مامور گردیدند، در پنجم شهر جمادی الثانی وارد آن جا شده اند. عالیجاه مقرب الخاقان میرزا اسدالله وزیر و اعیان و اشراف و اهالی ولایت لوازم استقبال و احترام را در ورود نواب معزی الیه به عمل آورده اند و بعد از ورود مجلسی به وجود علما و اعزه و اعیان انعقاد داده؛ صرف شربت و شیرینی و مبارکبادی حکومت به عمل آمده، تقدیم به دعاگویی ذات اقدس همایون شاهنشاهی نموده اند.

ش 265 (پنجشنبه بیست و یکم جمادی الثانی 1272) 8. * 1696/3.

مازندران- از قراری که در روزنامه مازندران نوشته اند، قبل از ورود نواب شاهزاده و الاتبار لطف الله میرزا به آن جا، عالیجاه مقرب الخاقان میرزا اسدالله وزیر برای ساختن بروج و قلعت زاع مرز و ناصر آباد به جهت سکنای طایفه عبدالملکی به اتفاق عالیجاه علی خان مهندس به فرح آباد رفته و شش روز در آن جا توقف نموده و مکان بروج و بدنه و غیره آن جاها را تشخیص داده و معمار و بنا و عمله و مصالح کار مهیا نموده و در آن جا به جهت حفر خندق و نهر زاع مرز و اصلاح خندق حسین آباد و حفر خندق جنب قلعه مبارکه ناصر آباد، به سمت ناصر آباد رفتند و قریب پانصد نفر عمله به دستور العمل عالیجاه علی خان مهندس به کار حفر نهر و خندق انداخته و دو شب هم در آن جا توقف کرده، بعد از قرار انتظام امر آنها به ساری مراجعت نموده است و در بیست و پنجم ماه جمادی الاول علی خان مذکور آدمی فرستاده بوده است که خندق قلعه زاع مرز به انجام رسیده و مشغول انجام سایر کارهای محوله می باشند.

دیگر نوشته اند که عالیجاه مشارالیه در انتظام امر ولایت و رفاه و آسودگی رعیت اهتمام زیاد نموده از جمله محمد علی نامی در خارج شهر به شراب فروشی و شرب و شرارت مشغول بوده است. فرستاده خانه او را خراب نموده و خود او را نیز گرفته، بعد از تنبیه اخراج بلد کرده و بعضی اشرار و اوپاش دیگر که در ساری مشغول مناهی و افساد و هرزگی بودند و علما و اعزه ولایت از آنها شکایت داشتند؛ همه را از شهر اخراج نموده و اهالی آن جا کمال شکر گذاری از [این مرحله دارند و همچنین در وصول و ایصال

مالیات دیوانی با رعایا به حسن سلوک رفتار می نماید به طوری که رعایای بدون محصل، هر یک مالیات خود را آورده حساب خود را می پردازند. در باب نوکر آن ولایت نیز برحسب حکم اولیای دولت قاهره سرکردگان پیاده و سواره را احضار و التزام ده روزه از آنها گرفته است که دسته به دسته نوکر را حاضر ساخته، سان بدهند و به موجب و جیره و غایب و متوفای آنها به دقت رسیدگی شود .
ش 266 (پنجشنبه بیست و هشتم جمادی الثانی 1272) 7. * 1703/3.

[از دانشجویان دارالفنون] میرزا نصرالله ولد مرحوم میرزا کوچک نوری ، صاحب نشان مس بود. مستحق نشان نقره گردید و بیست تومان بر شصت تومان موجب سابق او افزوده شد.

ش 269 (پنجشنبه بیستم رجب 1272) 5. * 1723/3.

از شاگردان دارالفنون- مرتبه سیم که در شهر شوال به مدرسه آمده اند و هنوز مستحق نشان و موجب نشده اند، بعد قرار آنها داده خواهد شد... میرزا حسن برادرزاده مرحوم فتح علی خان نوری... باباخان ولد سید حسن خان فیروزکوهی... بدون مرتبه جدید. شهر جمادی الاولی که در امتحان آینده قرار آنها داده خواهد شد- میرزا مهدی ولد میرزا اشرف مازندرانی. میرزا رضا ولد ایضا...
شاگردان توپخانه- مرتبه اول- ... مصطفی قلی خان ولد عالیجاه مرتضی قلی خان نوری صاحب نشان نقره بود. چون در این امتحان خوب ترقی کرده بود ،مستحق نشان طلا گردیده و پنجاه تومان بر شصت تومان موجب سابقش افزوده شد....

...
عالیجاه میرزا زکی مترجم، یاور توپخانه در خدمات خود کوتاهی ننموده است...
گروس و گیلان و مازندران و ملایر و نهاوند- از [] این ولایات نیز در [] این هفته اخباری نبود.

ش 270 (پنجشنبه بیست و هفتم رجب 1272) 2-3، 5، 8. * 1728/3 - 1729، 1731، 1734،

تفصیل باقی شاگردان علم پیاده نظام و سایر اهالی دارالفنون- مرتضی قلی خان ولد عالیجاه محمد اسمیل خان نوری صاحب نشان مس بود. مستحق نشان مطلا شده و پنجاه تومان بر دویست تومان موجب سابق او افزوده گردید...

شاگردان جدیدی سواره نظام که در علم هندسه و توپخانه بودند و ترقی نکرده بودند، چون درس سواره نظام آسان تر بود جزو شاگردان سواره نظام شدند... میرزا باقر نوری... از شاگردان پولاک - مرتبه اول -... میرزا محمد حسین تنکابنی صاحب نشان مس و پنجاه تومان موجب او بود. در [این امتحان نشان نقره باو مرحمت شد... شاگردان جدید که در امتحان آینده قرار آنها داده می شود- میرزا حبیب الله ولد میرزا احمد تنکابنی... قزوین و قم و کاشان و کردستان و گروس و کرمانشاهان و کرمان و گیلان و مازندران و ملایر و نهاوند و همدان- از [این ولایات نیز اخبار تازه ای نبود.

ش 271 (پنجشنبه چهارم شعبان 1272) 3-5، 7 * 1737/3-1739، 1741.

[از دانشجویان زبان فرانسه در دارالفنون که برای آموزش زبان فرانسه برگزیده شدند . از " میرزا نصرالله نوری" نیز یاد شد].

ش 272 (پنجشنبه یازدهم شعبان 1272) 4 * 1746/3.

مازندران- از قراری که در روزنامه مازندران نوشته اند، نواب مستطاب لطف الله میرزا حکمران مازندران و مقرب الخاقان میرزا اسدالله وزیر درانتظام امور نوکرو رعیت آن ولایت نهایت مراقبت را دارند. عالیجاه میرزا حبیب الله که مامور سان نوکر آن جا در رساندن موجب آنها بود، تمامی نوکر آن جا را در حضور نواب معزی الیه به دقت سان دیده و قلیلی که از موجب آنها باقی مانده بود، مقرب الخاقان میرزا اسدالله وزیر در حضور به آنها عاید ساخته است.

ش 272 (پنجشنبه یازدهم شعبان 1272) 7 * 1749/3.

مازندران- از قراری که در روزنامه مازندران نوشته اند، معادن گلوله ریزی آن جا بسیار خوب و منتظم و کارخانه های معادن کلا در کار گلوله ریزی می باشند و نواب مستطاب شاهزاده لطف الله میرزا حکمران مازندران وجه کرایه گلوله را به جهت حمل و نقل از مازندران به قورخانه دارالخلافه مبارکه مقرر داشته اند مقرب الخاقان میرزا اسدالله وزیر مازندران داده است و گلوله حمل و نقل می شود و تنخواهی نیز که سابقا به جهت کرایه حمل گلوله داده شده بود، نواب معزی الیه محصل تعیین کرده، فرستاده اند که اگر مباشر گلوله را تحویل قورخانه مبارکه دارالخلافه نموده است، قبض مباشرین قورخانه را بنماید و الا حکما حمل و نقل دارالخلافه مبارکه نموده به قورخانه تحویل بدهد. و همچنین امور کارخانه شکر سازی و قندریزی مازندران نوشته اند که بسیار خوب رواج به هم رسانده و حاجی یعقوب و استاد نورمحمد قناد را که اولیای دولت قاهره به جهت امر کارخانه مزبور فرستاده بودند، به آن جا رسیده و در کار می باشند. کسانی که شکر داشتند بعضی انبار کرده بوده اند که به قیمت گران بفروشدند. نواب شاهزاده لطف الله

میرزا در [۱] باب قدغن کرده و آدم فرستاده اند که هر کس شکر دارد حکما به قیمت وقت به کارخانه دولتی فروخته، قیمت آن را نقد دریافت نماید و به خارج نیز موافق حکم اولیای دولت قاهره کسی شکر نبرد. از آن وقت شکر در کارخانه مزبور فراوان و امور قندریزی رواج و رونق خوب به هم رسانده و در کاشتن و به عمل آوردن شکر نیز اهتمام زیاد شده و بیشتر از سال های دیگر کاشته اند.

دیگر نوشته اند که در ایام عید در مازندران سه روز لاینقطع بارندگی شدید شد به طوری که عبور و مرور میسر نبود و خبر رسیده بود که در آن ایام بارندگی در دریا طوفان شده، سه فروند کشتی، از مال رعایای سرخه رود، از شدت لطمات امواج غرق شده و اموال و آدمی که در میان آنها بود، همه تلف شده بودند.

دیگر نوشته بودند که حفر نهر زاغ مرز که به جهت سکناى طایفه عبدالملکی وزارت آنها معین شده بود، در این اوقات به مراقبت مقرب الخاقان میرزا اسدالله پیشکار و حسن اهتمام عالیجاه علی خان قاجار مهندس به اتمام رسیده و به قدر دوازده سنگ آب از رودخانه به نهر مزبور جاری کرده اند و طایفه مزبوره در کار تقسیم کردن زمین به جهت زرع و کشت می باشند و نهایت شغف و خرسندی را دارند که زمین و آب آنها بهتر از زمین و آبی است که دریورت سابق داشتند و نواب شاهزاده لطف الله میرزا نیز عزیمت دارند که در این اوقات به سرکشی قلجاتی که برای سکناى طایفه مزبوره ساخته شده، بروند و امور آنها را منتظم کرده سان خانوار و سواره موجودی آنها را به بینند.

ش 273 (پنجشنبه هیجدهم شعبان 1272) 4. * 1754/3.

گروس و کرمانشاهان و کرمان و گیلان و مازندران و ملایر و نهاوند و همدان- از [۱] این ولایات نیز در [۱] این هفته اخباری نبود.

ش 275 (پنجشنبه سیم رمضان 1272) 5. * 1773/3.

مازندران و ملایر و نهاوند و همدان و یزد- از [۱] این ولایات نیز در [۱] این هفته اخباری نبود.

ش 276 (پنجشنبه دهم رمضان 1272) 6. * 1782/3.

مازندران و ملایر و نهاوند و همدان و یزد- از [۱] این ولایات نیز در [۱] این هفته اخباری نبود.

ش 278 (پنجشنبه بیست و چهارم رمضان 1272) 3. * 1795/3.

نظر به قابلیت و شایستگی مرتضی قلی خان ولد عالیجاه مقرب الخاقان محمد اسمعیل خان نوری و اهتمامات او در انجام خدمات محوله به خود، در این اوقات موافق حکم نظامی به منصب سرهنگی سرافراز گردید.

...
مازندران- از قراری که در روزنامه مازندران نوشته اند نواب شاهزاده و الاتبار لطف الله میرزا و مقرب الخاقان میرزا اسدالله وزیر که به جهت بازدید و سان طایفه عبدالملکی و رساندن مواجب و رسیدگی به قلعجات و جاهایی که برای آنها ساخته شده، رفته بودند. بعد از ورود به آن جا، نظم تمام در میان ایل مزبور داده و سان نوکر آنها را دیده، موجبشان را نفر به نفر در حضور دادند و به نهر و آب و قلعجات و زراعت آنها رسیدگی نموده، آنچه لازم زراعت داشتند از بذرو عوامل و سایر مصالح الاملاک قدغن نمودند و برای آنها تدارک شده با کمال فراغت و آسودگی مشغول رعیتی و زراعت می باشند.

...
کاشان و کردستان و گروس و کرمانشاهان و کرمان و گیلان و مازندران و ملایر- از [1] این ولایات نیز در این هفته اخباری نبود.

ش 279 (پنجشنبه غره شوال 1272) 1، 4، 3. * 1799 / 3، 1801، 1808.

دارالمرزمازندران- از قراری که در روزنامه مازندران نوشته اند، کمال امنیت و آسودگی به جهت اهالی و سکنه آن ولایت حاصل است و رعایا و برابرا در عین فراغت و رفاه، به دعای بقا و سلامتی وجود فایض الجود همایون و ازدیاد جاه و شوکت دولت ابد مقرون، مشغول می باشند. نواب شاهزاده لطف الله میرزا در اوایل ماه مبارک رمضان به بلده بارفروش رفته، به امور آن جا رسیدگی نموده و کارهای آن جا را منتظم کرده. در نهم ماه مزبور به بلده ساری مراجعت نموده اند و به کار نوکر و رعیت به دقت رسیدگی می نمایند و عموم اهالی آن ولایت کمال رضامندی از حسن سلوک و غوررسی نواب معزی الیه و مقرب الخاقان میرزا اسدالله پیشکار آن ولایت دارند.
دیگر نوشته اند که در بیست و دویم ماه مبارک رمضان قبل از ظهر، زلزله شدیدی در آن ولایت وقوع یافت ولی بحمدالله خرابی و اذیتی نرساند.
دیگر از قراری که تسعیر اجناس مازندران را نوشته اند نان یک من، ده شاهی و برنج یک من، هفت شاهی و سی صد دینار و روغن یک من، سه هزار و گوشت یک من، چهار عباسی و قند رسمی و جوهری یک من، پنج هزار و شش هزار و سایر ماکولات به این قرار مسعر [1] است.

ش 281 (پنجشنبه پانزدهم شوال 1272) 3-4. * 1813/3-1814.

مازندران و ملایر و نهاوند و همدان و یزد- از [۱] این ولایات نیز در [۱] این هفته اخباری نبود.
ش 282 (پنجشنبه بیست و دویم شوال 1272) * 1822/3.

گروس و کرمان و گیلان و مازندران و ملایر و نهاوند و همدان و یزد- از [۱] این ولایات نیز اخباری نبود.

ش 284 (پنجشنبه هفتم ذیقعدہ 1272) * 1833/3.

مازندران و ملایر و نهاوند و همدان و یزد- از [۱] این ولایات نیز اخباری نبود.

ش 285 (پنجشنبه چهاردهم ذیقعدہ 1272) * 1841/3.

دارالمرزمازندران- از قراری که در روزنامه مازندران نوشته اند، امور آن ولایت از حسن مراقبت نواب مستطاب لطف الله میرزا و مقرب الخاقان میرزا اسدالله وزیر، قرین انتظام و انضباط است و امر کارخانه شکرریزی و قند سازی دولتی خوب و منتظم است و استاد و عمله کارخانه مزبور درکارند و عیب و نقصی در امر آنها نیست و در [۱] این اوقات که محل بورت طایفه عبدالملکی در امیرآباد و حسین آباد مشخص گردیده و قلعات و نهر آب و محل زراعت آنها درست و معین گردیده، آسوده خاطر به امر زراعت و رعیتی خود مشغولند. نواب مستطاب شاهزاده و مقرب الخاقان وزیر آدم فرستادند که بقیه ایل مزبور را که در بلوکات بارفروش و سایر جای ها متفرق بودند، کوچانده به امیرآباد و حسین آباد ببرند که مانند سایرین در آن جا مشغول رعیتی باشند.

ش 288 (پنجشنبه پنجم ذیحجه 1272) * 1859/3.

خوانسارو گلپایگان و سمنان و عراق و فارس و قزوین و قم و کاشان و کرمان و کرمانشاهان و کردستان و گروس و گیلان و مازندران و ملایر و نهاوند و همدان- از [۱] این ولایات نیز در [۱] این هفته اخباری نبود.

ش 289 (پنجشنبه دوازدهم ذیحجه 1272) * 1868/3.

استرآباد- دیگر نوشته اند که شیر محمد نام قرآتیپه، در سال سابق پاره[ای] اسباب از میرزا صادق محرر دریا بیگی سابق تحویل گرفته بود که در ساری به خانه او برساند و نرسانده بود. در این اوقات مراتب به نواب شاهزاده لطف الله میرزا حکمران مازندران عرض شده، محصل گماشتند که اسباب مزبور را حکما تمام و کمال از شیر محمد مزبور بدون کسر و نقصان گرفته، به خانه میرزا صادق بدهند.

ش 291 (پنجشنبه بیست و ششم ذیحجه 1272) 4. * 1878/3.

قزوین و قم و کاشان و کردستان و گروس و کرمانشاهان و کرمان و گیلان و مازندران و ملایر و نهاوند و همدان و یزد- از [ا]ین ولایات نیز در [ا]ین هفته اخباری نبود.

ش 292 (پنجشنبه سیم محرم 1273) 4. * 1886/3.

قزوین و قم و کاشان و کردستان و گروس و کرمانشاهان و کرمان و گیلان و مازندران و ملایر و نهاوند و همدان - از [ا]ین ولایات نیز در [ا]ین هفته اخباری نبود.

ش 293 (پنجشنبه دهم محرم 1273) 3. * 1891/3.

گروس و کرمانشاهان و کرمان و گیلان و مازندران و ملایر و نهاوند و همدان و یزد- از [ا]ین ولایات نیز اخباری نبود.

ش 294 (پنجشنبه هفدهم محرم 1273) 3. * 1897/3.

کردستان و کرمانشاهان و کرمان و نهاوند و ملایر و مازندران و یزد- از [ا]ین ولایات نیز اخباری نبود.

ش 296 (پنجشنبه دوم صفر 1273) 5. * 1913/3.

قزوین و قم و کاشان و گروس و کردستان و کرمانشاهان و کرمان و گیلان و مازندران و ملایر و نهاوند و همدان و یزد- از [ا]ین ولایات نیز در [ا]ین هفته اخباری نبود.

ش 297 (پنجشنبه نهم صفر 1273) 7. * 1923/3.

سمنان و عراق و قزوین و قم و کاشان و کردستان و گروس و کرمانشاهان و کرمان و گیلان و مازندران و ملایر- از [1] این ولایات نیز در [1] این هفته اخباری نبود.

ش 298 (پنجشنبه شانزدهم صفر 1273) 4 * 1928/3.

سمنان و شاهرود و عراق و فارس و قزوین و قم و کاشان و کردستان و گروس و کرمانشاهان و کرمان و گیلان و مازندران و همدان و یزد- از [1] این ولایات نیز اخباری نبود.

ش 300 (پنجشنبه سلخ صفر 1273) 5 * 1945/3.

[درگزارشی از تهران و روابط ایران و انگلیس به "عالیجاه میرزا هاشم خان نوری" اشاره شد].

ش 307 (پنجشنبه نوزدهم ربیع الثانی 1273) 3-4 * 1999/3 - 2000.

مازندران- از قراری که در روزنامه مازندران نوشته اند، نواب مستطاب شاهزاده لطف الله میرزا حکمران آن ولایت در نظم امور ولایتی و رفاه و آسایش رعیت و انجام خدمات دیوانی اهتمام کامل به عمل می آورند.

دیگر نوشته اند که نواب شاهزاده لطف الله میرزا به اتفاق مقرب الخاقان میرزا اسدالله وزیر در بیستم ماه ربیع الاول به جهت رسیدگی امور رعایا و سرکشی کارخانه شکر ریزی دیوانی عزیمت بلده بارفروش نمودند و بعد از ورود به آن جا، فرمان مهر لمعان مبارک که در باب فتح هرات به افتخار نواب شاهزاده و اهالی مازندران شرف صدور یافته بود، دربارفروش پرتو وصول افکنده صغیر و کبیر و ضیعا شریفا آغاز مسرت و شادمانی نموده. حسب الحکم نواب معزی الیه کل اهل آن جا در مسجد جامع بارفروش جمع آمده و نواب معزی الیه خود به آن جا حاضر شدند و خطیب فرمان مهر لمعان مبارک را در بالای منبر خوانده، مضمون آن را گوشزد عموم ناس نموده. همگی زبان به شکرانه و دعا و ثنا گشوده، اظهار فرح و خرمی نمودند. پس از انقضای مجلس مزبور، نواب شاهزاده حکم به چراغان نموده. همه بازارها و دکاکین را آیین بندی و چراغان نموده. کل اهل شهر به لوازم عیش و سرور پرداخته با یکدیگر رسم تهنیت و مبارکباد را به عمل آوردند و در حضور نواب شاهزاده هم شب اسباب آتش بازی خوب فراهم آورده به عیش و سرور و جشن و شادمانی به سر بردند و همچنین در سایر بلده ها و قصبات و بلوکات مازندران اساس چراغانی و آیین بندی فراهم آورده. عالیجاه میرزا شفیع حاکم بارفروش

هم در فراهم آوردن اسباب آتش بازی، اهتمام نموده بود، یک طاقه شال ترمه از جانب نواب شاهزاده به او خلعت مرحمت گردید.

ش 307 (پنجشنبه نوزدهم ربیع الثانی 1273) * 2003/3.

[پشتمانی روحانیون مازندران در جنگ با انگلیس]
از مازندران

جناب عمدة العلماء حاجی ملا عبدالله مجتهد سلمه الله
جناب عمدة العلماء حاجی ملا محمد اشرفی سلمه الله
جناب عمدة العلماء حاجی میرزا محمد تقی مجتهد زید فضلہ
جناب شرایع و دقایق مآب میرزا محمد حسین مجتهد زید فضلہ
شیخ المشایخ شیخ نصرالله فانی
سایر علما و اهالی واعیان مازندران.

ش 314 (پنجشنبه نهم جمادی الثانی 1273) * 2060/3.

[دربخشی از چاره اندیشی دولت و دست اندرکاران برای تثبیت ارزش پول آمد:]
دیگر اینکه به خراسان و فارس و یزد و کرمان و مازندران و کرمانشاهان بخصوصه حکم صادر شود که مالیات دیوانی را اشرفی هیجده نخودی تمام وزن بگیرند و رعیت سخت نگیرند که باید ریال بدهی، بلکه اشرفی را از بابت مالیات بگیرند و قدغن شدید شود که تجار و غیره هیچکس معاملات خود را با ریال نکنند. تمسک که می گیرند و می دهند، با اشرفی قرار بدهند که معامله شود و کل معاملات تجارتنی با اشرفی باشد.

ش 315 (پنجشنبه شانزدهم جمادی الثانی 1273) * 2070/3.

مازندران- از قراری که در روزنامه مازندران نوشته اند، امور آن ولایت از حسن توجهات اولیای دولت قاهره و اهتمامات نواب و الا لطف الله میرزا حکمران مازندران، قرین انتظام و انضباط است و رعایا و برایا آسوده خاطر به دعاگویی ذات اقدس همایون شاهنشاهی خدالله ملکه و سلطانه، اشتغال دارند و سرقت و شرارت بندرت اگر اتفاق بیفتد در مقام رفع آن برمی آیند.

عالیجاه میرزا شفیع که برحسب حکم اولیای دولت علیه، به حکومت بلده بارفروش معین شده بود؛ نواب شاهزاده او را به بارفروش فرستاده و در حکومت آن جا استقلال داده اند. نوکر و ملازم اشرف [و] توابعی را نواب معزی الیه احضار نمودند. ملازم اشرفی، ابواب الجمعی عالیجاه میرزا یوسف خان سرتیپ، در سلخ ماه رجب وارد بلده ساری گردیده؛ سان داده اند ولی سایر ملازم از کلیادی، جمعی عالیجاه رضا قلی خان و نوکر طالبش و غیره، هنوز حاضر سان نشده بودند.

در روز عید مولود مسعود جناب امیرالمومنین علی ابن ابیطالب صلوات و سلامه علیه و علی اولاده الطاهرین، نواب شاهزاده به لوازم احترامات عید سعید پرداخته. شب عید را چراغانی و آتش بازی نموده و روز عید مجلس سلام عام منعقد داشته. اهالی و اعیان و اشراف از علمای ذوی العز و الاحترام و خوانین کرام به مجلس مزبور حاضر شده، ادای تهنیت نمودند و هم چنین در روز عید نوروز فیروز سلطانی نیز به مراسم جشن و شادمانی پرداخته، مجلس سلام منعقد شده ادای خطبه به نام اقدس همایون شاهنشاهی صان الله ایام شوکته عن التتاهی و اختتام به دعای دوام و ازدیاد دولت ابد آیت نموده، سایر لوازم عید را به طور شایسته به عمل آوردند.

از قراری که در ضمن روزنامه مازندران نوشته اند، امسال ناخوشی در میان گاوهای آن ولایت افتاده و در همه جای مازندران این ناخوشی بوده است خصوصاً در آمل و توابع، که خیلی گاو از [این مرض، تلف شده اند.

ش 324 (پنجشنبه بیستم شعبان 1273) * 2132/3.

[در گزارشی از تهران، به چاپ و پخش "شرح قاموس فارسی" نام میرزا عبدالله منشی طبری" را آوردند. وی و چند تن دیگر، پدیدآورندگان این کتاب هستند].

ش 331 (پنجشنبه یازدهم شوال 1273) * 2179/3.

چون بعداز وقوع مصالحه دولتین ایران و انگلیس، وجود شخصی کافی به حکومت بندر بوشهر، لازم بود. لهذا عالیجاه مقرب الخاقان احمد خان نوائی، نایب ایشیک آقاسی باشی دربار همایون، که به کفایت و کاردانی و معقولیت موصوف و از قدیمی خدمتگزاران دولت قوی مکنت علیه است و در هر نوع ماموریت، آثار کفایت و شایستگی او، مشهود خاطر اقدس ملوکانه و ملحوظ اولیای دولت علیه گردیده است. لهذا در این اوقات به موجب فرمان قدرنشان همایون، به حکومت بندر بوشهر سرافراز و یک ثوب جبه ترمه اعلی به رسم خلعت مهرطلعت حکومت در حق مقرب الخاقان مشارالیه، مرحمت گردیده. این روزها به محل حکومت روانه خواهد بود.

...
نظر به خرمی وصفای باغ فردوس، خاطر اقدس همایون خسروانی مایل تفرج آن جا گردیده. در روز سه شنبه شانزدهم، تشریف فرمای باغ مزبور گردیدند... حسب الامر افواج مفصله و سواره که ملتزم رکاب بودند، در خارج دروازه کلا حاضر شده... فوج فیروزکوهی جمعی عالیجاه میرزا قاسم خان سرهنگ... فوج سوادکوهی کوهی جمعی عالیجاه میرزا کریم خان... واز سان حضور مبارک گذشته، هر یک از صاحب منصبان مورد التفات گردیده... .

ش 333 (پنجشنبه بیست و پنجم شوال 1273) * 2190-2189/3، 2192.

مازندران- از قراری که در روزنامه آن ولایت نوشته اند، نواب مستطاب لطف الله میرزا حکمران مازندران و مقرب الخاقان محمد حسن خان پیشکار آن ولایت، در انتظام امر ولایت و رفاه و آسودگی رعایا و برابری [و] انجام خدمات دیوانی مراقبت و اهتمامات وافی به عمل می آورند و نهایت انضباط در امور سرحد و ثغور حاصل است و عشر اول ماه رمضان المبارک، سی نفر سوار و یک صد نفر پیاده اشرف [و] توابعی رابه سرکردگی عالیجاه محمدجعفرخان هزارجریبی، مامور مستخفزی کنار فریضه جات نمودند و از وقت ماموریت آنها، دزدی و هرزگی طایفه ضاله ترکمانیه بالمره موقوف شده و رعایای آن سامان از این معنی، زیاده آسوده و شاکر و دعاگو می باشند.

دیگر نوشته اند که مقرب الخاقان محمد حسن خان پیشکار حاجی یعقوب بارفروشی، مباشر کارخانه شکرریزی دولتی را با استاد نورمحمد قناد از بلده بارفروش به بلده ساری خواسته، حسب الامروالیای دولت قاهره به عمل کارخانه مزبور، دقت و رسیدگی نموده. صورت عمل آنها را مطالبه نمود و بعضی اسبابشان که ناتمامی داشت، تاکید اکید نمود که تمام کنند. انشاءالله کارخانه مزبور در کمال انتظام و عنقریب منافع کلی از او حاصل شده، رواج تمام خواهد یافت و همچنین در امور خالصجات دیوانی، رسیدگی کامل نموده. اشخاص معتبر را متصدی امور خالصجات کرده و قدغن اکید در حسن سلوک با رعایا و ملاحظه رفاه احوال و آسودگی آنها نموده و رعایا و زارعین خالصجات کمال امیدواری را به هم رساندند و نیز یک باب کاروانسرای مشهور به کاروانسرای شاه، واقع در بلده ساری، خراب و قریب سی سال بل متجاوز بود که اجازه و مال دیوان ازان جا حاصل نمی شد. در این اوقات مقرب الخاقان مشارالیه برآورد و تعمیر و بنایی آن جا را نموده. مصالح و اسباب کار فراهم آورده. بنا و عمله مشغول کار شدند که آن جا را به حلیه آبادی درآوردند و هم چنین نهر متعلقه به قریه مرمت که سابقا تیول نواب مستطاب شاهزاده افخم والاتبار رکن الدوله العلیه اردشیر میرزا بود و حال به خالصه دیوان معمول است، به واسطه سیل خراب و در عین زراعت، آب نهر مزبور قطع گردیده بود. مقرب الخاقان مشارالیه در هذد السنه صدتومان به رعایای آن جا تخفیف داد که نهر مزبور را تنقیه کرده، آب آن جا را جاری نموده و زراعت کنند و مبلغ مزبور را در سال آینده کارسازی دیوانیان عظام نمایند.

ش 334 (پنجشنبه سیم ذیقعه 1273) 6-7 * 2202/3 - 2203.

چون قراولی ساخلوی دیوانخانه مبارکه سلطانی و حرم خانه اعلیحضرت شاهنشاهی در نیاوران به عهده مقرب الخاقان حسن علی خان سرتیپ فوج اردبیل و مشکین بود. این اوقات که فوج او مرخصی حاصل نمودند، این خدمت به عهده مقرب الخاقان عباس قلی خان سردارلاریجانی، مفوض و مرجوع گردید که با فوج جمعی خود مشغول انجام این خدمت باشد.

ش 335 (پنجشنبه دهم ذیقعه 1273) 2-3 * 2206/3 - 2207.

در این اوقات که موکب همایون، تشریف فرمای امامه شدند. حکومت و نظم اردوی نیاوران و شمیرانات به عهده کفایت مقرب الخاقان عباس قلی خان سردار لاریجانی، مفوض و مرجوع گردید که در غیاب موکب همایون، اردو و قراول و غیره را منتظم دارد....

ش 336 (پنجشنبه هفدهم ذی‌عده 1273) * 2211/3 .

موکب فیروزی کوکب همایون که از اردوی نیاوران به بیلاق امامه تشریف فرما گردیدند. مقرب الخاقان عباس قلی خان سردار لاریجانی با فوج ابوابجمعی خود و مقرب الخاقان محمد اسمعیل خان خزانه دار نظام، حسب الامر اولیای دولت علیه به نظم اردوی نیاوران و امر کشیک و قراول مامور شدند. کمال اهتمام را در نظم اردو و قراول حرم خانه و غیره و انتظام شمیرانات به عمل آورده ...

ش 337 (پنجشنبه 24 ذی‌عده 1273) * 2221 /3 .

عالیجاه مقرب الحضرت الخاقانیه میرزا عبدالله طبری، منشی خاصه دیوان اعلی، که سال ها در خدمت انشا تحریر فرامین و ارقام و مناشیر و احکام مشغول و به حسن تقریر و لطف تحریر موصوف است، چند وقت قبل کتاب شرح قاموس فارسی را به تقصیلی که در روزنامه آن اوقات اعلان شد، تالیف و ترتیب می نمود. در این اوقات کتاب مزبور صورت اتمام یافته با دیباچه تاریخ الوزرا، که به ترتیب حروف تهجی، احوال وزرای عالم از آدم تا این ایام، نوشته می شود و موسوم به مآثر الوزرا [است]، خدمت جناب اشرف امجد ارفع افخمصدراعظم، برده. در خدمت جناب معظم الیه زایدالوصف موقع قبول و استحسان یافته. از خاضه خود یا طاقه شال کشمیری به او مرحمت نمودند و مراتب استعداد و خدمتگزاری او را معروض پیشگاه اقدس ملوکانه داشته. با دو جلد کتاب شرح قاموس، که مخصوص پیشکش حضور باهرالنور بود، شرفیاب خاکپای مبارک گردید و کتاب مزبور به نظر مهراثر همایون رسیده، تحسین و توصیف فرمودند و یک ثوب جبه ترمه در حق مشارلیه، خلعت مرحمت گردیده، حکم شاهانه شرف نفاذ یافت که کتاب مآثر الوزرا را نیز زود تمام نماید.

ش 346 (پنجشنبه 27 محرم 1274) * 2289 /3 .

مازندران- از قراری که در روزنامه مازندران نوشته اند، از حسن توجهات اولیای دولت قاهره امور آن ولایت قرین انتظام کامل و کمال امنیت و آسودگی برای رعایا و برپایا از هر حیث حاصل است. هرگونه نعمت، نهایت وفور را دارد و تسعیر اجناس ماکولات و

غیره را از قراری که نوشته اند، گندم یک خروار بوقر مازندران، هشت هزار دینار- جو یک خروار، چهار هزارو دو شاهی- شلتوک یک خروار، شش هزار و ده شاهی- برنج سه من تبریز، یک هزار دینار- گوشت یک من، دو عباسی- نان یک من، ده شاهی- روغن یک من، چهار هزارو ده شاهی- شکر یک من، هزار دینار- ابریشم یک من، شش تومان- سایر اجناس نیز به این مظنه مسعر است. اگر چه نسبت به سنوات سابق بعضی اجناس تسعیر به هم رسانده است ولی وفور دارد.

دیگر نوشته اند در باب تعمیر خیابان که حسب الامر اولیای دولت علیه مقرر شده بود که ساخته و تعمیر شود که عابرین در مشقت و صعوبت نباشند، مقرب الخاقان محمد حسن خان وزیر در چهاردهم ماه محرم الحرام به اتفاق عالیجاهان حاجی مصطفی خان و میرزا مسیح عزیمت محال سوادکوه نموده همه آن راه را ملاحظه و رسیدگی کرده به مودیان هر محل قدغن نمود که هرکس سامان و رسد خود را تعمیر نماید و آدم گماشت که اهتمام نموده، به زودی و استحکام به اتمام برسانند. و هم چنین در باب انتظام کارخانه شکرریزی، از جانب نواب کامیاب شاهزاده والاتبای لطف الله میرزا حکمران مازندران و مقرب الخاقان محمد حسن خان وزیر، کمال مراقبت و اهتمام به عمل می آید و حاجی یعقوب مباشر کارخانه مزبور را آنچه مایحتاج و لوازم کارخانه که اتفاق می افتد، به محض اظهار تدارک و انجام داده، به هیچ وجه او را معطل نمی گذارند و کارخانه مزبور خوب دایر شده و عمله جات آن جا همیشه درکارند.

و هم چنین کاروانسرای شاهی که به سبب بی اعتنایی حکام سلف، خراب و به مرور غیر مسکون و بایر شده از کار افتاده بود، مقرب الخاقان محمد حسن خان در تعمیر و آبادی آن لازمه اهتمام را به عمل آورده، در این اوقات چند حجره آن تمام گردیده و سوفال پوشی شده. سایر حجرات دیگر آن هم قریب باتمام است و این روزها در کمال استحکام به انجام و اتمام رسیده، دایر خواهد گردید.

دیگر نوشته اند که امسال محرم را در ساری بهتر از سال های دیگر، ایام عاشورا لوازم تعزیه داری جناب سیدالشهدا علیه آلاف التحية والثناء را به عمل آوردند و به جهت حصول دعاگویی ذات اقدس همایون شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه، اطعام فقرا و مساکین و ضیافت تعزیه داران از جانب نواب شاهزاده به عمل آمد.

ش 348 (پنجشنبه دوازدهم صفر 1274) 5. * 2305 /3.

نظر به شایستگی عالیجاه میرزا سید محمد پسر مرحوم میرزا صادق لشکرنویس نوری، در این اوقات از قرار فرمان مهر لمعان مبارک، به منصب لشکرنویسی سرفراز و در ازای منصب مزبور، یک ثوب جبه ترمه کرمانی از صندوقخانه مبارکه به او خلعت مرحمت گردید.

ش 351 (پنجشنبه سیم ربیع الاول 1274) 1. * 2323 /3.

مازندران- از قراری که در روزنامه مازندران نوشته اند، از حسن توجهات اولیای دولت علیه و کمال مراقبت نواب کامیاب شاهزاده والاتبار لطف الله میرزا حکمران مازندران، امور آن ولایت قرین انتظام و امنیت کامل در آن جا حاصل. عموم اهالی آن ولایت آسوده خاطر و مرفه الحال به دعای دولت ابد اتصال، اشتغال دارند و امور طرق و سرحد و ثغور مضبوط و قصوری در آن، متصور نیست.

دیگر نوشته اند که خلعت مهر طلعت همایون، که از جانب سنی الجوانب ملوکانه به افتخار نواب لطف الله میرزا مرحمت شده بود، در 26 شهر صفر پرتو وصول به آن جا افکنده. نواب معزی الیه با اعیان و اهالی ولایت و چاکران دیوانی به استقبال شتافتف لوام توفیر و احترام خلعت همایون را به عمل آورده. در باغ بهارستان بلده ساری، زیب برودوش مفاخرت و مباحثات خود نموده. بعد از صرف شربت و شیرینی دو ساعت از روز بالا آمده، وارد بلده ساری گردیدند.

دیگر نوشته اند مقرب الخاقان نور محمد خان سرتیپ، کمال مراقبت را در انتظام نوکر ابوابجمعی خود دارد و سان سواره کرد و ترک را یک دفعه دیده. هر قدر از اسباب و اسلحه آنها که ناتمامی داشت، قدغن نمود که تمام کرده و در ثانی، کل سواره ابوابجمعی خود را با کمال شکوه و آراستگی بایراق و اسلحه تمام، در حضور نواب شاهزاده لطف الله میرزا، سان داده و مواجب آنها را از قرار دستور العمل دیوان اعلی به هر یک رسانده. سواره مزبور را در کمال انتظام داشته و در انجام خدمات محوله به خود نهایت اهتمام را دارد.

دیگر نوشته اند که در باب تعمیر خیابان که به مرور خرابی یافته و در اغلب جاهای آن جا، عابرین و مترددین صعوبت می دیدند، مقرب الخاقان محمد حسن خان پیشکار مازندران، حسب الامر اولیای دولت علیه، اهتمام کافی به عمل آورده و اکثر خیابان عرض راه مازندران تعمیر شده و هر جا نیز که ناتمامی دارد بنا و عمله در کارند و عنقریب در کمال خوبی و استحکام صورت اتمام خواهد یافت و وجهی نیز که از جانب اولیای دولت علیه جهت مخارج و صرف تعمیر خیابان مرحمت شده بود، موجب مزید امیدواری و دعاگویی اهالی آن ولایت گردید.

دیگر نوشته اند که عالیجاه علی خان مهندس از دارالخلافة الباهره وارد شده، نواب شاهزاده حسب الامر اولیای دولت علیه در انجام خدمات محوله به او نهایت تاکید و اهتمام را به عمل آورده. مقرب الخاقان محمد حسن خان وجه نقد از بابت مخارج ساختن بروج و قلعات کنار فریضه جهت سکناى ایل عبدالملکی به مشار الیه داده و عمله و مصالح و اسباب کار او را به جهت فراهم آورده، او را به محل مزبور روانه نمود که رفته در آن جا، مشغول ساختن بروج و قلعه جات و انجام و اتمام خدمات محوله به خود باشد.

ش 353 (پنجشنبه هفدهم ربیع الاول 1274) 5. * 3 / 2341.

[در گزارشی از استرآباد، از "چهل نفراسیر از استرآبادی و مازندرانی" نزد ترکمن ها یاد شد.]

ش 355 (پنجشنبه غره ربیع الثانی 1274) 3. * 2363 / 3.

چون عالیجاه مقرب الخاقان نور محمد خان سرتیپ، ملازم کرد و ترک مازندران، در نظم امور نوکر ابوابجمعی خود مراتب کفایت و نیکو بندگی ظاهر ساخته، مراتب اهتمامات او در انضباط امور محوله به خود مقبول و مستحسن خاطر اقدس همایون شاهنشاهی و امنای دولت علیه افتاده، در این اوقات یک ثوب جبه ترمه کرمانی سنگین خوب از جانب سنی الجوانب ملوکانه، به رسم خلعت در حق مقرب الخاقان مشارالیه، مرحمت گردید.

ش 358 (پنجشنبه بیست و دویم ربیع الثانی 1274) 2. * 2386 / 3.

نظر به شایستگی عالیجاه ولی خان، پسر مقرب الخاقان حبیب الله خان سرتیپ تنکابنی، به موجب فرمان همایون، منصب سرهنگی فوج تنکابن به او مرحمت و یک طاقه شال کرمانی اعلی نیز از صندوقخانه مبارکه به او خلعت عنایت گردید.

ش 362 (پنجشنبه بیست و یکم جمادی الاول 1274) 1. * 2415 / 3.

[در گزارشی از تهران به فرهنگ مردم اشاره شد و آن این که از دیدگاه مردم " اولاد مرحوم ملک آرا را مازندرانی می خوانند].

ش 362 (پنجشنبه نوزده جمادی الثانی 1274) 1. * 2441 / 3.

[در گزارشی از بنیادتلگراف در تهران، از میرزا زکی، مترجم، یاد شد.

ش 362 (پنجشنبه بیست و یکم رمضان 1274) 2. * 2544 / 3.

مازندران- از قراری که در روزنامه مازندران نوشته اند، امور آن ولایت قرین امنیت و انتظام کامل است و نواب کامیاب لطف الله میرزا حکمران مازندران و مقرب الخاقان محمد حسن خان پیشکار آن ولایت، در انتظام امر ولایت و رفاه حال رعیت و انضباط سرحد و ثغور و انجام خدمات و مهمات دیوانی کمال اهتمام را بعمل می آورند و اهالی و رعایا آسوده خاطر و مرفه الحال بدعای دوام دولت و از دیداد شوکت ابدالتصال اشتغال دارند. دیگر نوشته اند که درین اوقات نواب شاهزاده لطف الله میرزا نواب امیرزاده فضل الله میرزا را به حکومت بلده بارفروش برقرار و عالیجاه محمد حسین خان، برادر مقرب الخاقان محمد حسن خان وزیر را که به مقبولیت و حسن سلوک معروف است، به

پیشکاری نواب امیرزاده منصوب و در ششم جمادی الثانیه از ساری روانه محل ماموریت نمودند.

دیگر نوشته اند که مقرب الخاقان محمد حسن خان پیشکار و حاجی مصطفی خان و عالیجاه میرزا مسیح، به سرکشی قلعه جات ناصرآباد و کنار فریضه به زاغمرز و سایر محل سکناى ایل عبدالملکی، که حسب الامر اولیای دولت علیه می سازند، رفته و به دقت رسیدگی کردند. تاکنون سه برج مضبوط مستحکم به مباشری میرزا جعفر گماشته مقرب الخاقان محمد حسن خان و استصواب عالیجاه علی خان قاجار مهندس، ساخته شده و باقی ناتمامی کارهای آن جا را نیز اهتمام نموده اند که زود به انجام و اتمام برسانند.

دیگر نوشته اند که چون در غیاب مقرب الخاقان جعفر قلیخان ایلخانی بیگلر بیگی استرآباد، اشرار و اوباش طوایف ترکمان عرصه را خالی دیده، بنای هرزگی و دست اندازی به اطراف استرآباد گذاشته بودند. نواب شاهزاده لطف الله میرزا پس از استحضار بر این معنی معجلا سرکردگان ملازم هزارجریبی و اشرف [و] توابعی را به ساری خواسته و سان نوکر آنها را دیده و مقرب الخاقان نورمحمد خان سرتیپ نوکر کرد و ترک ابوابجمعی خود و سایر ملازم مازندرانی را جمع آوری نموده، نواب معزی الیه حسب الاشاره اولیای دولت علیه مقرب الخاقان مشارالیه را با نوکر ابوابجمعی او سان دیده، به سمت استرآباد روانه نمودند و متعاقب حرکت آنها مقرب الخاقان محمد حسن خان را مامور نمودند که رفته در گلوگاه تهیه و استعداد مامورین را به دقت ملاحظه و رسیدگی نماید که نقصی در اسباب و استعداد آنها نباشد و به دفع اشرار ترکمانیه و امنیت حول و حوش استرآباد و نظم طرق و شوارع آن سرحدات پردازند.

دیگر از قراری که تسعیر اجناس مازندرانی را نوشته اند گندم بوقر مازندرانی، خرواری دوازده هزار دینار و یک تومان و آرد خرواری، سیزده هزار و شانزده هزار دینار و شالی، خرواری شش هزار و سایر اجناس به این مظنه مسعر است.

ش 371 (پنجشنبه بیست و چهارم رجب 1274) * 2482 / 3 .

[در گزارشی از رشت، از کمبود برنج درگیلان و صدور برنج مازندرانی به آن سامان نوشتند:]

دیگر نوشته اند که در این اوقات چون اجناس ماکولات خصوصا برنج در رشت تسعیر به هم رسانده بود و چندی قبل قرار شده بود که دکانی مخصوص در شهر رشت باشد که آنچه برنج از اطراف می آورند به آن دکان بفروشند و آن دکان دار به قیمتی که برنج را می خرد به همان قیمت به خلق بفروشد و به جهت گرفت و گیری که صاحبان برنج با مکاریان می کردند، این معنی سبب مزید علت گردیده، چندی مکاریان آوردن برنج را موقوف کردند و برنج کمیاب گردیده، مردم گرفتار عسرت شدند. مقرب الخاقان عمید الملک بعد از مراجعت از سرحد انزلی، این قرار را به هم زده، قدغن نمود که هرکس از هر جا برنج می آورد خود در شهر به هرکس می خواهد بفروشد و مبلغ یک هزار و پانصد تومان وجه نقد از خود داد که به انزلی برده، برنجی که از مازندرانی به آن جا می آوردند،

خریده به رشت بیاورند و به هر قیمتی که وارد شهر می شود به همان قیمت به مردم بفروشند و نیز باری که از پیر بازار به رشت حمل می شد، به بهانه این که راه لای و گل است، مکاریان در [۱] این قدر مسافت، که یک فرسخ بیشتر نیست، باری پنج هزار و شش هزار کرایه می گرفتند و این کرایه گزاف نیز یک سبب گرانی برنج و سایر ماکولات بود. در [۱] این باب نیز قدغن اکید نموده و آدم بخصوص تعیین نمود که در آن جا مراقب و مواظب باشد که باری دو هزار دینار بیشتر کرایه نگیرند، خواه بارتجارتی باشد یا اجناس ماکولات.

ش 372 (پنجشنبه دویم شعبان 1274) 5. * 2491 / 3

مازندران - از قراری که در روزنامه مازندران نوشته اند، از یمن توجهات اولیای دولت علیه و حسن مراقبت نواب مستطاب شاهزاده والاتبار لطف الله میرزا حکمران دارالمرز مازندران، امور آن ولایت از هر جهت قرین امنیت و انتظام کامل و کمال آسایش و رفاه از برای رعایا و برایا حاصل است و نواب معزی الیه در نظم ولایت و رسیدگی به عرض و داد رعیت و انجام خدمات و مهمات دیوانی نهایت دقت و اهتمام را دارند. تسعیر اجناس و ماکولات آن ولایت را از قراری که نوشته اند: برنج بوقر مازندران خرواری، چهارده هزار دینار و شلتوک، خرواری هفت هزار دینار و گندم، یک تومان و جو، پنج هزار دینار، نان یک من، ده شاهی، گوشت یک من، هزار دینار و روغن یک من، سی شاهی، ماهی چهار قطعه، ده شاهی، شکر یک من، دو هزار دینار، ابریشم یک من، چهار تومان و سایر اجناس نیز از [۱] این قرار مسعر و هر چیزی وفور داشته است. دیگر نوشته اند که امسال ناخوشی در میان گاوهای آن ولایت بروز کرده، گاو بسیار تلف گردید و اهل زراعت زمین های زراعات خشکه و آبی خود را به اسب و ماده گاو شیار کرده، بذر افشانی نمودند و جاهای آن ولایت که گاوهاشان از [۱] این مرض سالم مانده و کمتر تلف شده، بلوکات کجور و نور بوده است که بعضی جای ها جزیی بروز کرده و در اغلب بلوکات هیچ ظهور نداشته است.

دیگر نوشته اند که در باب بنایی قلاع مبارکه که کنار فرضه و سرحد که به عهده اهتمام عالیجاه علی خان قاجار مهندس محول است، نواب معزی الیه مراقبت و مواظبت تام به عمل آورده و عمله و مصالح کار آنچه لازم بوده، متوالیا به جهت عالیجاه مشارالیه از اطراف جمع آوری کرده و روانه نموده اند و اغلب آن مکان ها آنچه تابه حال ساخته شده، در کمال خوبی و استحکام باتمام رسیده و باقی بنایی های آن جا را نیز در کارند و عنقریب به اتمام خواهد رسید و عالیجاه مقرب الخاقان محمد حسن خان پیشکار آن ولایت برای رسیدگی و بازدید کارهای آن جا در اوایل ماه مبارک رمضان المبارک حسب الحکم نواب شاهزاده، عزیمت کنار فرضه و سرحد مزبور نموده بوده است و هم چنین امور کارخانه شکرریزی نیز از حسن مراقبت نواب معزی الیه، منتظم و در کار است.

دیگر نوشته اند شخصی شاهرودی در بلده ساری بنای سرقت گذاشته و در محله میر مشهد از چند خانه اسباب سرقت کرده بود. مستحفظین او را گرفته، خدمت نواب شاهزاده آوردند. بعد از تحقیقات لازمه معلوم شد که به کرات مرتکب سرقت و شرارت شده است. لهذا به موجب اظهار جناب حاجی ملا عبدالله مجتهد نواب معزی الیه، او را سیاست نموده، حبس کردند.

ش 384 (پنجشنبه بیست و هفتم شوال 1274) 6. * 2584/4.

این اوقات که موکب فیروزی کوکب همایون تشریف فرمای نیاوران شمیران هستند. بعضی از روزها را برای تفرج و شکار سوار می شوند. چون در کوه البرز پاره [ای] جاها و مکان های نزهتگاه است. خاطر اقدس همایون مایل سیاحت و تفرج کوه البرز شده. قبل از وقت عالیجاه مقرب الخاقان میرزا زین العابدین مستوفی دیوان اعلی، مامور و سرافراز تدارک ورود موکب همایون به آن جا گردید و فرمایش شد که در مکان خوبی و تفرج گاهی از کوه، لوازمات تهیه و تدارک اردوی همایون را فراهم آورد. مقرب الخاقان مشارالیه حسب الامر، از چند روز قبل اسباب و اوضاع شایسته و فراوان فراهم آورده. در روز پنجشنبه دوازدهم، موکب فیروزی کوکب همایون تشریف فرمای کوه البرز شدند و جناب جلالت مآب نظام الملک و چند نفر از شاهزادگان عظام و جمعی از خواص خدم و حشم در رکاب نصرت انتساب مبارک حاضر بودند و در روز تشریف فرمایی، مقرب الخاقان مشارالیه لوازم تهیه و تدارک را به طوری خوب و طرزی مرغوب که شایسته و لایق بود، از قربانی های متعدد و زیاد که در مکان های معبر موکب همایون آماده کرده بود و مجلسی با روح و صفا ترتیب داده، از شال پانداز و وجه پیشکش و حلویات و سایر ملزومات از میوه و نهار و عصرانه از هر قبیل که در خور آن محفل مبارک بود، مهیا کرده و به جهت هر یک از ملتزمین رکاب فیروزی انتساب جداگانه تدارک مهمانی دیده و مهیا کرده بود و در نظر اقدس ملوکانه زیاد جلوه گر گشته، به وجود مسعود مبارک بسیار خوش گذشته. به مقرب الخاقان مشارالیه نهایت التفات را فرمودند و روز بعد از مراجعت موکب همایون، در ازای خدمت مشارالیه باعطای یک ثوب جبه ترمه کشمیری بسیار اعلی، قرین مفاخرت و مباحاتش فرمودند و فرمایش علیه رفت که همه ساله به قرار استمرار تهیه و تدارک این خدمت به عهده مقرب الخاقان مشارالیه بوده، به جهت مفاخرت خود به لوازم اسباب تشریف فرمایی موکب همایون به تفرج کوه فلک شکوه البرز قیام و اقدام نماید.

ش 387 (پنجشنبه نوزدهم ذیقعد 1274) 2-1. * 2604-2603/4.

[در گزارشی از تهران آوردند] مقرب الخاقان محمد اسمعیل خان نوری که چندی در اصفهان بود. در این اوقات برحسب حکم اولیای دولت علیه به دارالخلافه الباهره، احضار گشته. خدمت جناب اشرف ارفع امجد، صدراعظم دام جلاله، مشرف شده. مورد تلافی و رافت آمده. بعد به حضور لامع النور، سرکار اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی، خلدالله سلطانه، شرفیاب گردیده. مشمول عاطف و مراحم ملوکانه گشت و به اعطای یک ثوب جبه ترمه کرمانی اعلی، به رسم خلعت آفتاب طلعت، سربلند و قرین افتخار آمد و جناب اشرف ارفع امجد، دام جلاله، نیز یک ثوب کلجه ترمه کرمانی مخصوصی خود را به اوالتفات کردند و احکام علیه برای انجام مطالب و انتظام امورات ملکی و تیولی او، در کرمان، صادر آمده. اجازه رخصت حاصل کرده. با کمال امیدواری به الطاف شاهانه و توجهات و مراقبات دولت علیه، برای سرپرستی اهل و عیال و نظم امورات ملکی و تیولی خود، روانه کرمان گردید.

...

[در گزارشی از استرآباد به آزادی بیست تن اسیر استرآبادی و مازندرانی از دست ترکمنان جعفریای یموت/یوموت، اشاره شد].

ش 390 (پنجشنبه یازدهم ذیحجه 1274) 3، 2 * 2624/4، 2625.

[در گزارشی از مهمانان سفارت روس در تهران "از مستوفیان عظام... مقرب الخاقان میرزا تقی نوری" یاد شد].

...

[در گزارش دیدار استادان و شاگردان دارالفنون با ناصرالدین شاه، از میرزا رضا مازندرانی یاد کردند].

ش 395 (پنجشنبه شانزدهم محرم 1275) 3، 6. * 2663/4، 2666.

[در دنباله گزارش دیدار استادان و شاگردان دارالفنون با ناصرالدین شاه، از زکی مازندرانی نام بردند].

عالیجاه میرزا زکی معلم توپخانه به منصب یآوری توپخانه سرافراز بود. چون در مترجمی و خدمات محوله به خود، غفلت و کوتاهی نکرده به منصب سرهنگی توپخانه برقرار شد و یک طاقه شال کرمانی خلعت، مرحمت گردید.

ش 396 (پنجشنبه بیست و سیم محرم 1275) 3. * 2671/4.

از شاگردان مدرسه دارالفنون که در علم هندسه و مساحت، تحصیل در نزد عالیجاه موسیو کرشیش سرتیپ توپخانه و معلم دارالفنون کرده اند، عالیجاهان محمد صادق خان قاجار سرهنگ توپخانه و مصطفی قلی خان یاور توپخانه و میرزا فتح الله پسر مقرب الخاقان نصیر الملک و عسگرخان برادر صاحب جمع را نواب مستطاب شاهزاده افخم اعتضادالسلطنه علی قلی میرزا، چند روز قبل مامور نمودند که رفته ارتفاع قصر مبارکه اقدس همایون را در نیاوران از سطح طهران و بعد از آن ارتفاع کوه دماوند و بعضی جاهای دیگر مشخص نمایند. مشارالیهم حسب الامر معمول داشته، آنچه معلوم کرده اند مفصلاً در هفته آینده نوشته می شود.

ش 398 (پنجشنبه هفتم صفر 1275) 3 * 2687/4.

روزنامه شاگردان علم هندسه که به تشخیص ارتفاع قصر سلطانی نیاوران و کوه دماوند و غیره از سطح دارالخلافه مامور شده بودند. حسب الحکم سرکار نواب اشرف والااعتضادالسلطنه ابن فدویان محمد صادق خان قاجار سرهنگ توپخانه و مصطفی قلی خان یاور توپخانه و میرزا فتح الله پسر مقرب الخاقان نصیرالملک و عسگر خان برادر صاحب جمع به جهت تعیین ارتفاع قله کوه دماوند، موافق طوری که در نزد عالیجاه موسیو کریش سرتیپ توپخانه مبارکه آموخته بودند. روزشنبه هجدهم محرم از طهران عازم نیاوران شده، در باغ نواب والااعتضادالسلطنه که در حصار بوعلی واقع است و محاذی قصر اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی اتفاق افتاده به قاعده که در دست است. درجه ارتفاع ترمومتر که معروف به درجه سرما و گرما است، گرفته شده؛ دویست و ده درجه شد و به قاعده حساب عمل نموده چهارصد و شصت ذرع شد که ارتفاع قصر سلطانی نیاوران از سطح طهران است و از آن جا به سوهانک رفته و صبح را به بومهن و از آن جا روز دیگر به دماوند رفتند. در کنار رودخانه ارتفاع ترمومتر را گرفته، دویست و یازده درجه شد که به قاعده حساب شش صد و سی و چهار ذرع باشد و از آن جا روانه شده از کتل امامزاده هاشم گذشته به آب گرم لاریجان رفته، ارتفاع ترمومتر را گرفته، دویست و پنج درجه شده که به قاعده عمل هشت صد و هفتاد و هفت ذرع ده آب گرم از سطح طهران مرتفع ترمی باشد و از آن جا ده نفر بلد گرفته به همراه برداشته، اول طلوع آفتاب، روانه کوه دماوند شده. در کمال صعوبت تا سه ساعت به غروب مانده قریب دو فرسخ بالا رفته در زیر سنگی که مشهور به بارگاه است، فی الجمله وسعتی دارد، توقف نموده. شب را در آن جا به سر برده. پهلوی آن سنگ نهر آبی به قدر سه چهار سنگ جاری بود. یک ساعت به غروب مانده، نهر آب به آن عظمت منجمد گردید. چون از این معنی غفلت بود، شب بی آبی و تشنگی کشیده از گداخته برف و یخ به سر برده شد و بادی بسیار شدید وزیدن گرفت که قوه طبخ و تحصیل روشنایی باقی نگذاشت و به این حالت شب را به صبح رسانیده. اول طلوع فجر به سمت مقصد به حرکت آمده. بعد از طی نمودن نیم فرسخ به اول برف رسیده و در آن جا نیز ارتفاع ترمومتر را گرفته، صد و پنجاه و دو درجه و به قاعده حساب دو هزار و شش صد و هشتاد و یک ذرع مرتفع تر از سطح

طهران می شود و از آن مکان به قدر یک فرسخ بالا رفته، به جایی که مشهور به بند حکیم صاحب است، رسیده، درجه ترمومتر یک صد و سی و سه درجه شده که چهار هزار و چهارصد و سی و شش ذرع مرتفع تر از سطح طهران می شود و این بندی است که چهار سال قبل یکی از حکمای فرنگ به عزم سیاحت به آن مکان رفته و از آن جا تجاوز نتوانست بکند و به این جهت مشهور به بند حکیم صاحب شده و در همین جا سه نفر از بلدهای فدویان بدحال شده و نتوانستند بیایند و از آن جا بامداد، هفت نفر بلد دیگر به هر نحو بود مسافتی نیز طی کرده، به مکانی که مشهور به بامشی بند است رسیده. درجه ارتفاع ترمومتر را گرفته، یک صد و هیجده درجه شد که به حساب پنج هزار و چهارصد و شصت ذرع مرتفع تر از سطح طهران باشد و از بامشی بند به قدر هزار قدم به استراحت رفته، زحمتی ندارد و به اول دود کوه می رسد و در آن جا تپه مانند جایی [1] است و بخار رقیقی متصاعد است و ارتفاع او به قدر سی صد قدم می باشد و از آن حد به بالا معدن گوگرد است و در آخر دود کوه زاغه هست. کم وسعت به قدر سه قدم گود و به فاصله صد قدم دورتر زاغه دیگری هست از زاغه اول بزرگتر و از هر دو بخار متصاعد است. پشت زاغه دوم گودالی است حوض مانند که از اطراف آن برف آب شده در میان آن حوض جمع می شود و آبش ترش مزه و قدری گوگرد نیز دارد و در میان آن آب گرم های سفید نازک به هم می رسد و بالای کوه جایی [1] است وسیع و وسط آن گودالی است بزرگ و پر از برف و این اوقات به قدر چهار پنج ذرع برفش پایین رفته است و عمق گودال را تا امروز کسی مشاهده ننموده است و سه سمت قله برف دارد و یک سمتش که معدن گوگرد است و بخار دارد، بی برف است و در آن جا زیاده از پنج دقیقه زیستن میسر نشد و از برای فدویان حالت انقلاب دست داده. درجه ارتفاع ترمومتر را در کمال سرعت گرفته و سه نفر از بلدها را امر به کندن گوگرد نموده و مراجعت کرده، در زاغه دوم بلدها به فدویان رسیدند و عمل دیگری که به واسطه چوب و ریسمان باید بشود، از شدت زیادتی باد نتوانستند به عمل بیاورند. دو ساعت و نیم به غروب مانده عود به منزل و در نهایت سرعت و آسانی به قریه کرنا [گرنا]، که در پای کوه است، وارد شدند.

ارتفاع طهران از سطح دریا که از خارج معلوم شده است 1120 ذرع
 ارتفاع قصر نیاوران از طهران 460 ذرع
 ارتفاع نیاوران از دریا 1580 ذرع
 ارتفاع قصبه دماوند از طهران 934 ذرع
 ارتفاع آب گرم از طهران 877 ذرع
 ارتفاع اول برف از طهران 2681 ذرع
 ارتفاع اول برف از دریا 3018 ذرع
 ارتفاع ارتفاع بند حکیم صاحب از طهران 4436 ذرع
 ارتفاع بامشی بند از طهران 5460 ذرع
 ارتفاع قله چاه آتشی دماوند 5898 ذرع
 ارتفاع قله چاه آتشی دماوند از دریا 7018 ذرع

ارتفاع قله چاه آتشی دماوند از آب گرم که دامنه واقعی او محسوب می شود و ارتفاع حقیقی آن 5021
درجه ارتفاع بارومتر از طهران که معروف به درجه انقلاب هوا [1] است هزار و یک متر که ذرع فرانسه است و تقریباً یک گره از ذرع ایران کمتر است 660.
درجه ارتفاع بارومتر از نیاوران هزار و یک متر 625
درجه ارتفاع بارومتر از قله دماوند هزار و یک متر 342
آب در قله دماوند به 79 درجه سانتی گراد به جوش می آید که عبارت از تقسیم صد درجه است
درجه ارتفاع بیودیت که یکی از آلات ارتفاع است از طهران 228 درجه
درجه ارتفاع بیودیت از نیاوران 215 درجه
درجه ارتفاع بیودیت از قله دماوند 112 درجه

ش 399 (پنجشنبه چهاردهم صفر 1275) 4-6 * 2698-2696/4

چون بعضی از ارتفاعات را که در روزنامه هفته سابق نوشته شد کاتب نسخه در وقت استکساب نسخه سهو کرده بود لهذا مجدداً صحیح و بی غلط آنها نوشته می شود که مشتبه نماند.

ارتفاع طهران از سطح دریا
ارتفاع قصر نیاوران از سطح دریا
ارتفاع آب گرم لاریجان از طهران
ارتفاع اول برف کوه دماوند از دریا
ارتفاع قله کوه دماوند از طهران
ارتفاع قله کوه دماوند از سطح دریا

ش 400 (پنجشنبه بیست و یکم صفر 1275) 3 * 2703/4

عالیجاه میرزا کریم خان سرهنگ فوج سواد کوهی که همیشه قراول خاصه حمارات مبارکه و خزانه عامره است، اوقات غیاب موکب جهان گشا در محارست و محافظت لازمه جد و جهد به عمل آورده بود لهذا به اعطاء یک طاقه شال ترمه کرمانی سرافراز گردید.

ش 404 (پنجشنبه بیستم ربیع الاول 1275) 4 * 2732/4

جناب فضایل مآب آقا سید ربیع مجتهد دام فضلہ، که از جمله علما و فضیلاى دارالمرز[است] و این روزها وارد آستان همایون شده بود، شرفیاب حضور اقدس اعلی شده. مورد مراسم ملوکانه گردید. این روزها که رخصت انصراف حاصل نمود به اعطای یک ثوب عبای ترمه قرین مباحات آمد.

ش 407 (پنجشنبه یازدهم ربیع الثانی 1275). 2. * 2750/4.

از اوقاتی که نواب اشرف والا اعتضاد السلطنه در امورات مدرسه دارالفنون و تربیت و تقویت متعلمین آن جا اهتمام نموده اند، ترقی کلی در علوم و تحصیل آنها ظاهر شده، از آن جمله شرح تلگراف سابقاً در روزنامه مرقوم شده و بعد از آن به عمل نقشه کشی پرداختند و متعلمین توپخانه به کوه الوند و البرز رفتند و ارتفاع هر یک را مشخص نمودند و معلم توپخانه در این امر جهد وافی کرد.

ش 408 (پنجشنبه هیجدهم ربیع الثانی 1275). 1. * 2755/4.

مازندران - از قراری که در روزنامه مازندران نوشته اند، امور آن ولایت از حسن مراقبت نواب والا لطف الله میرزا حکمران مازندران منتظم و مضبوط است و در این اوقات نواب معزی الیه به اتفاق عالیجاه محمد حسن خان پیشکار به جهت بازدید قلعه جات کنار دریا و محل سکناى طایفه عبدالملکی و رسیدگی حالات خود طایفه مزبور به آن جا رفته و پس از نظم امور آن صفحات به سرکشی امورات و غوررسی ولایت و رعیت بارفروش و توابع عزیمت بارفروش را نموده اند و از قراری که نوشته اند در این روزها اجناس ماکولات از قبیل برنج و شالی نسبت به سابق فی الجمله تنزل نموده و ارزان گردیده است و رعایا و برابرا آسوده خاطر به امور زراعت و رعیتی خود و دعاگویی ذات اقدس همایون شاهنشاهی اشتغال دارند.

ش 408 (پنجشنبه هیجدهم ربیع الثانی 1275). 3. * 2757/4.

سابقاً سه نفر از شاگردان توپخانه به تعیین ارتفاع کوه البرز رفته بودند و از پایین کوه تا بالا، مدت ده روز به دقت تمام با نمولال و ترومتی ارتفاع آن را مشخص نموده اند که

قواعد آنها در رساله مختصری باسمه خواهد شد و اسامی ایشان از [۱]ین قرار است: عباس قلی خان دنبالی، محمد حسین خان اصفهانی، میرزا اسمعیل خان.

ش 411 (پنجشنبه دهم جمادی الاول 1275) 2. * 2774/4.

مازندران - از قراری که در ضمن روزنامه مازندران نوشته شده بود، این اوقات برف زیادی در آن جا باریده است و از غرایب [۱]ست که در گرمسیر چنین برفی ببارد.

ش 419 (پنجشنبه ششم رجب 1275) 3. * 2827/4.

بندر بوشهر - از قراری که در روزنامه آن جا نوشته اند، احمدخان نوائی، دریابویی بوشهر و توابع را خوب نظم داده است...

ش 420 (پنجشنبه سیزدهم رجب 1275) 4. * 2832/4.

مازندران - از قراری که در روزنامه مشهد سر نوشته بودند، در بیستم شهر جمادی الاخری در کناره دریا باد شدیدی آمده، یک فروندرشوه از مال امام قلی نام تاجر بادکوبه، که بارش پنبه و قیصی و کشمش بوده، غرق می شود و همچنین کرجی که هفت نفر عمله و سرنشین در آن بودند و از لنگرود به مشهد سر می آمده، همین که نزدیک کناره می رسد سه نفر از سرنشین ها از ترس آن که مبادا غرق شوندف خود را به کناره دریا انداختند. جزر و مد دریا آنها را به میان دریا کشیده، هلاک نمود و کرجی داخل دهنه شد. دو نفر دیگر از ترس جان خود را به رودخانه، که آبش تا کمر بود، می اندازند. آن دو نفر را هم کولاک به دریا می برد و غرق می شوند. یک نفر ناخوش و یک نفر سالم در آن کرجی می مانند و دست از جان شسته، منتظر هلاک خود بودند که ناگاه از تفضلات الهی کولاک کرجی را به کنار دریا می اندازد و به هیچ وجه آسیبی به آن دو نفر نمی رسد و کرجی هم صحیح می ماند.

ش 421 (پنجشنبه بیستم رجب 1275) 3. * 2837/4.

چون حاجی مصطفی خان مازندرانی به محض از جهت تقبیل آستان ملایک پاسبان همایون، شرفیاب دربار معدلت مدار گشته بود، این اوقات اذن مرخصی حاصل نموده و یک ثوب جبه ترمه کرمانی به افتخار و سرافرازی مشارالیه عنایت گردید.

نظر به صداقت و امانت و راست قلمی میرزا اسدالله مستوفی و حسن سلوک و رفتار مشارالیه بارعیت مازندران و رضامندی رعیت از او، برحسب امر اعلیحضرت شاهنشاه به منصب وزارت دارالمرز مزبور سرافراز گشته، فرمان همایون صادر شد و یک ثوب جبه ترمه کرمانی خلعت به او مرحمت و عنایت گردید.

ش 423 (پنجشنبه پنجم شعبان 1275) 3. * 2849/4.

چون میرزا محمد رضای نوری در مدت توقف بندر بوشهر، در خدمات دولت کمال صداقت به کار برده. مراتب لیاقت و شایستگی او بر رای جهان آرای اعلیحضرت شاهنشاهی معلوم و معروض افتاد. در این اوقات او را به لقب ارجمند خانی سرافراز و به اعطای یک ثوب ترمه جبه کرمانی، قرین امتیاز فرمودند.

ش 424 (پنجشنبه دوازدهم شعبان 1275) 1. * 2853/4.

در [این اوقات به واسطه اخبار متوالیه به اولیای دولت علیه معلوم گشت و به تحقیق پیوست که ترکمانان ساکنین استرآباد و گرگان و آن نواحی، رعایای این دولت علیه که برای تجارت نفت] و نمک و غیره از دریای مازندران عبور کرده، به بنادر مازندران داخل می شوند. بعد از آن که خرید و فروش خود را تمام کرده، در کار معاودت هستند، مهما ممکن اموال مردم و بلکه در جاهای دور دست هنگام فرصت آدم نیز اسیر گرفته، از راه های غیر معروف داخل دریا شده، می روند. چون نظم بنادر و فرضیات و حفظ مردم از اسیری و خسارت کشتی، برعهده دولت لازم بود. لهذا اولیای دولت علیه قرار دادند که محل عبور و مرور ترکمانان به فرضیات و بنادر استرآباد و مازندران منحصر به دو دهنه باشد: یکی دهنه بندر مشهد سر و یکی دهنه فرح آباد. تا اینکه ترکمانان مزبور نتوانند هنگام بیرون رفتن از خشکی به دریا اسیر همراه خود ببرند و احکام موکده به مستحفظین و سرحداران کناره دریا صادر شده که هرکس از غیر این دو راه خواسته باشد داخل و یا خارج شود، او را ممنوع دارند تا به واسطه این نظم هم امر تجارت و آمد شد ترکمانان کاسب و هم امنیت اهالی ولایت هر دو رواج و رونق داشته باشد.

ش 433 (پنجشنبه پانزدهم شوال 1275) 1. * 2895/4.

مازندران- از قراری که در روزنامه آن جا نوشته اند، میرزا اسدالله وزیر در نظم ولایت و آبادی دهات، نهایت مراقبت و اهتمام را به عمل می آورد و شاهزاده لطف الله میرزا حاکم آن جا نیز کمال تقویت و محبت و موافقت را نسبت به مشارالیه مرعی می دارند و

اهل مازندران بانهایت امیدواری و آسایش به لوازم شکرگذاری و دعاگویی دوام بقای ذات اقدس همایون شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه اشتغال دارند.

قبل از ماموریت میرزا اسدالله در بارفروش، میانه حاجی ملا محمد مجتهد اشرفی و آقا سید ربیع بر سراحکام شرعیه گفتگو و نزاعی بوده است و الواط و اشرار فرصت یافته، بنای هرزگی و فتنه و فساد گذارده بودند به حدی که به خانه ها رفته، اموال مردم را علانیه می بردند. بعد از آن که مراتب مزبور [بر] شاهزاده و میرزا اسدالله معلوم می شود، قلیل جمعیتی برداشته به بارفروش می روند و بی آن که به احدی از رعیت و غیره اذیت و ضرر برسانند یا آن که مطالبه سیورسات و رسومات نمایند، الواط مشهور آن جا را دستگیر نموده، تنبیه می نمایند و آنها را کوچانده به جاهای دیگر سکنی داده اند. منتهای امنیت حاصل شده باعث مزید دعاگویی مردم گردیده است.

دیگر آن که برنج و گوشت و نان در مازندران نهایت تسعیر را داشته است. میرزا اسدالله قراری داده است که نان و گوشت را ارزان بفرشند و تفاوت کلی در قیمت آنها به هم رسیده است و در باب برنج که به محصلی حیدریبیک تفنگدار، نظر به گرانی در مملکت قدغن شده است به خارج نبرند، لازمه مراقبت را دارند که به خارج برده نشود.

و از عجایب اتفاقیه آن که زنی برای آوردن هیمه از دهی به جنگل رفته است. طفل دو ساله داشته، به دنبال مادر می رود طوری که مادرش نمی فهمد. بعد از آن که به خانه می آید، از طفل خود اثری ندیده. آن روز تا شب جستجو می نمایند. دو روز دیگر هم به اتفاق جمع اهل آن ده، صحرا و جنگلها را گردش می نمایند. روز سیم طفل را در زیر درختی میان جنگل یافته اند. از سرما و بی قوتی از قوت افتاده و مدهوش شده اما با آن همه حیوان ضاره که در جنگل است، آسیبی به او نرسیده، در حفظ الهی حیات داشت. او را به خانه آورده، از آب گرم و روغن مالی بدنش را به حال آوردند و به تدریج اغذیه رقیقه دادند و بعد از دو سه روز برخاسته، راه افتاد.

دیگر این که گاوی گوساله زاییده و دو سر داشته است و سایر اعضایش صحیح و درست بوده است. لیکن زنده نمانده بوده است.

ش 435 (پنجشنبه بیست و نهم شوال 1275) 3 * 2905/4

[در گزارشی از دزدی در تهران آوردند]... تا این اوقات چاروادار مازندرانی با دوازده بار برنج از مازندران می آئی و به قدر چهل تومان هم تنخواه نقد همراه داشته. در سرخ حصار، که نزدیک جاجرود است، شش نفر دزد برسر او ریخته، برنج و تنخواه را می برند. خدمت شاهزاده نصرت الدوله عارض می شود. معزی الیه به قراسوران ها قدغن می نمایند که حکما سارق را می خواهم. قراسوران ها به تجسس رفته یک نفر سارق را با بارهای برنج و تنخواه با الاغ هایی که سابق برده بودند، به دست آورده، حاضر می سازند. شاهزاده اشیا را به عینه به صاحبانش رد نموده که آنها به شکرانه این نعمت، به دعای ذات اقدس شهریاری مشغول شوند.

ش 437 (پنجشنبه چهاردهم ذی‌قعدة 1275) 3. * 2913/4.

چون مازندران و استرآباد در غالب امور ولایتی بسته به یکدیگر می باشند و در این مدت که حکومت آن دو ولایت از یکدیگر موضوع بود، طریق تاخت و تاز و راه دست انداز تراکه ضاله به طوری که باید مسدود نمی شد و این مرام که از مهم مهتمه و مکنون ضمیر منیر شاهنشاهی است به عهده تعویق بود. لهذا رای جهان آرای همایون اقتضا فرمود که حکومت آن دو ولایت را به یکی از چاکران باکفایت عنایت فرمایند که درصدد آبادی ولایت و حفظ سرحدات برآید و انشاءالله تعالی طریق دست انداز تراکه را به کلی مسدود نماید و معلوم است که انجام این خدمت بزرگ و سرافرازی به چنین حکومت، شایسته یکی از منسبان سلطنت عظمی است که به مزید کفایت نیز موصوف باشد. بناء علی هذا شاهزاده حاجی کیومرث میرزا ایلخانی ایل جلیل قاجاریه، که حسن سلوک و مزید کفایت و کاردانی خود رادرپایه سریر اعلی ظاهر ساخته بودند، به حکومت و ایالت مازندران و استرآباد مستقلاً سرافراز شدند و به ملک آرا ملقب گردیدند. فرمان جهان مطاع همایون شرف اصدار یافته، خلعت حکومت در حق ایشان مرحمت شد و روانه محل ایالات شدند و نیابت منصب ایشان حسب الامر قدر قدر همایون، به امیرزاده هوشنگ میرزا پسر معزی البیہف واکذار می باشد.

ش 441 (پنجشنبه سیزدهم ذیحجه 1275) 2. * 2928/4.

مازندران- از قراری که در روزنامه آن جا نوشته بودند، در امورات ولایتی طبرستان نظمی کامل حاصل است و اهالی ولایت در نهایت اطمینان و فراغت به دعاگویی دوام دولت ابد آیت اشتغال دارند.

شاهزاده ملک آرا که مامور حکومت و سرپرستی اهالی آن صفحات بودند، وارد گردیده. اعیان و اهالی ولایت، لوازم تهنیت و استقبال را به عمل آورده. روز چهارشنبه بیست و چهارم شهر محرم الحرام وارد محل ایالت گردیدند و در ساریکه مقر حکومت آن سامان است، نزول نموده. عمال و مباشرین دیوانی و ولایتی هر یک را علی قدر مراتبیم لازمه نوازش و مهربانی مبذول داشته، به مراسم و توجه کامله اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه مستظہر و امیدوار نموده. عموم مردم را کمال شکرگزاری حاصل آمده. از حکومت ایشان به نهایت مسرور گردیده، مشغول خدمتگذاری و دعاگویی گردیدند و بعد از ورود شاهزاده معزی الیه تنزل کلی در نرخ اجناس به هم رسیده، به حدی که شلتوک را که سابقاً به یازده هزار دینار می فروختند، در این اوقات به شش هزار دینار به فروش رسیده است.

و در خصوص وظیفه و مستمری ارباب استحقاق، به میرزا عیسی مباشر موقوفات و وظایف قدغن نموده ارباب وظایف را احضار و به حضور ملک آرا حاضر ساخته. قراری مبطوط در رسیدن تنخواه آنها دادند و به میرزا مسیح پیشکار، قدغن اکید نمودند که

به زودی وجه وظیفه آنها را برساند که با نهایت آسایش مشغول دعاگویی دوام بقای دولت قاهره بوده باشند.

نصرالله آقای قاجار را با سی سوار تعیین نموده اند و از کلباد تا بندر مشهد سر، بیست سنگر مشخص نموده و نوکر پیاده اشرف [و] توابعی را مامور حفظ سنگرگاه ها نمودند و از همه سرکردگان التزام گرفتند که شب و روز مدام متوقف سنگر گاه و مشغول مستحفظی باشند و هرگاه وقتی نصرالله آقای سرحددار به سنگرگاه احدی از آنها عبور کند و نوکر مستعد آمده و حاضر خدمت نباشند، آن صاحب منتصب را حبس نموده مراتب را به عرض ملک آرا برساند.

ش 444 (پنجشنبه هفدهم صفر 1276) 4 * 2942/4.

استرآباد- از قراری که در روزنامه آن جا نوشته اند، شاهزاده ملک آرا که مامور حکومت و ایالت مازندران و استرآباد بودند؛ چند روزی در ساری توقف نموده، بعد از قرار کار و نظم و نسق مهم دیوانی مازندران به عزم سرپرستی اهالی استرآباد و انتظام امور آن سرحد، حرکت نموده. روز سیم شهر ربیع الاول وارد استرآباد گردیده اند. میرزا محمد پیشکار با جمعی از اعیان و اشراف ولایت، لوازم استقبال و تهنیت را معمول داشته. شاهزاده معزی الیه نیز در حق هریک به فراخور احوال، کمال ملاطفت و مهربانی میذول داشته اند.

خوانین و روسا و ریش سفیدان طوایف یموت تا ساری، به عزم خدمتگذاری رفته و شاهزاده ملک آرا آنها را انعام و خلعت داده، معاودت نمودند و در روز ورود شاهزاده به استرآباد نیز تمامی ایل یموت، که در گرگان و کنار قراسو می باشند و دسته دسته وجوقه جوقه [جوخه جوخه] استقبال می آمده و تا ورود به استرآباد همه جابه خدمت شاهزاده رسیده، به انواع التفات و مهربانی مفتخر می گردیدند.

و شاهزاده معزی الیه، ملک اسمعیل را مامور نمودند که رفته، تمامی خوانین و ریش سفیدان طوایف یموت را به خدمتگذاری اعلام نمایند و ابلاغ دارد که اسرا و اموالی که سابقا برده اند، آورده، رد نمایند.

و همچنین آقا علی اکبر کلانتر را مامور نموده اند که رفته، ایل حسن قلی نشین و گمش تپه و چرکن و اوخ و غیره را مطمئن ساخته به استرآباد بیاورد که قرار خدمتگذاری خود را بدهند.

شاهزاده ملک آرا یک روز بعد از ورود به استرآباد، جمیع نوکر پیاده و سواره آن جا را اعلام و احضار نموده و همه روزه باکمال دقت دسته به دسته سان می بینند و بعد از تصحیح جیره و مواجب آنها را معلوم نموده، در وجه آحاد و افراد نوکر نقد کارسازی می نمایند و سنگرهای ولایت استرآباد را کلا آباد کرده، در همه جا نوکر گذارده اند و از

سرکردگان التزام گرفته اند که هر یک از مامورین سنگر گاه ها یک ساعت برسر خدمت نباشند، مورد مواخذه باشند.

میرزا محمد وزیر همه روزه از طلوع آفتاب تا غروب در دفتر خانه معینه نشسته، مشغول رسیدگی معاملات و محاسبات و سایر خدمات می باشد و به هیچ وجه از لوازم خدمتگذاری تغافل و خودداری نمی نماید.

ش 448 (پنجشنبه پانزدهم ربیع الاول 1276) 3-4 * 2958-2957/4

[در گزارشی از استرآباد(گرگان امروزی) به سفر ملک آرا ، حکمران مازندران و استرآباد ، به این سامان اشاره شد].

...

مازندران- از قراری که در روزنامه آن جا نوشته اند، مدتی بوده است که باران نیامده بود بحمدالله تعالی در دهم ماه ربیع الثانی از صبح تا شامف باران خوبی آمده. تمام اهل آن جا کمال امیدواری به هم رسانده مشغول دعاگویی ذات اقدس همایون می باشند و نایب الحکومه و میرزا مسیح پیشکار، در غیاب ملک آرا مشغول انتظام امورات ولایتی می باشند و از همه جهت نهایت نظم را دارد و محصلین چندی از جانب نایب الحکومه و میرزا مسیح پیشکار به جهت گرفتن دزد مامور گردیدند. چهار پنج نفر از دزدهای مشهور مازندران را دستگیر کرده به بلده ساری برده، محبوس کردند و قریب سی فرد گاومیش و بیست راس اسب و مادیان مردم را که همین سارقین برده بودند، استرداد نموده به صاحبانش رد نمودند.

ش 451 (پنجشنبه هفتم ربیع الثانی 1276) 2-4 * 2972-2970 /4

[در گزارشی از تهران "احمدخان نوائی" را یکی از کسانی برشمرده که "برای مشورتخانه عامه دولتی" برگزیده شدند].

ش 452 (پنجشنبه بیست و یکم ربیع الثانی 1276) 4 * 2976 /4

مازندران- از قراری که در روزنامه آن جا نوشته بودند، بعد از عزیمت شاهزاده ملک آرا به سرپرستی استرآباد، امیرزاده سلطان حسین میرزا و میرزا مسیح وزیر مازندران، در نظم و نسق مهمات دیوانی و ولایتی آن جا لازمه مراقبت و مواظبت به عمل می آورند و در رسیدگی محاسبات و رفع مواد فساد از میرزا مسیح وزیر مراقبات کافیه به ظهور می رسد.

امیرزاده سلطان حسین میرزا برحسب دستورالعمل شاهزاده ملک آرا، پانصد نفر پیاده اشرفی جمعی عباس قلی خان و محسن خان سورتی را که مامور به مستحفظی سنگرگاه

های کنار فریضه بودند، ده روزه احضار نموده اند و نوکر پیاده طالش و یخ کشی را عوض آنها مامور و روانه سنگرگاه های مزبوره داشته اند و چون از دسته اشرفی بعضی مواجیشان باقی بود، میرزا مقیم لشکر نویس را روانه قصبه اشرف نمودند که این وجه جزئی باقی را بدست آحاد و افراد نوکر داده، قبض و طومار پایه مهر، مثل سایر دستجات گرفته، بیاورد و پیاده مزبوره را بعد از دیدن سان و دادن مواجب روانه استرآباد می دارند که به جهت جمع مالیات گوکلان و ممیزی بدهی آنها به اتفاق امیرزاده ادریس میرزا مامور روانه بسازند.

و از قراری که در روزنامه آمل نوشته بودند، در قریه ایزد اران، محل مواجب فوج لاریجان نزاعی واقع شده و میرزا ابراهیم آجودان فوج مزبور، فضل الله نامی را به تیرزده و به جهت تفریغ حساب به ساری آمده بود و حساب را پرداخته، روانه لاریجان شد. همان روز از امل اخبار رسید که فضل الله نام مذکور از همان زخم تیر فوت شده است. امیرزاده سلطان حسین میرزا، آدم به تعاقب او فرستاده او را از بارفروش برمی گردانند و در ساری نگاه می دارند تا بعد از ثبوت شرعی احقاق حق بشود.

ش 454 (پنجشنبه پنجم جمادی الاول 1276) 4 * 2984/4

چهار دسته فوج سوادکوهی جمعی میرزا کریم خان سرهنگ که زمان خدمت آنها سرآمده بود، آنچه مواجب و جیره طلب داشتند، در دیوانخانه نظام داده، مرخص شدند.

ش 457 (پنجشنبه بیست و ششم 1276 جمادی الاول 1276) 2 * 2994/4

وقایعات دارالمرز-مازندران- در این هفته، از آن جا روزنامه ای نیامده بود و خبری نیست.

ش 458 (پنجشنبه یازدهم جمادی الآخر 1276) 3 * 2999/4

چون عباس قلی خان سردار لاریجانی که مرحوم شده بود؛ غلام علی خان سرهنگ ولد مرحوم مزبور، فوج لاریجانی را با کمال نظم و آراستگی از نظر انور همایون شاهنشاهی گذرانید. مراتب شایستگی و کاردانی مشارالیه مشهود رای جهان آرای اقدس آمد. او را به منصب سرتیپی اول سرافراز و به جهت آن که اسم مرحوم عباس قلی خان از میان نرود، غلام علی خان را به عباس قلی خان مخاطب و موسوم فرموده، به اعطای یک ثوب جبه ترمه کرمانی، سرافراز فرمودند.

وقایع و اخبار دارالمرز- مازندران- در این هفته بغیر امنیت ولایت از آن جا خبری نیست.

ش 459 (پنجشنبه هجدهم جمادی الاخر 1276) 2، 6. * 3005/4، 3008.

دارالمرز- مازندران- جز امنیت ولایت، خبری نیست.

ش 460 (پنجشنبه بیست و سیم جمادی الاخر 1276) 6. * 3017/4.

وقایع و اخبار دارالمرز- گیلان و مازندران- از این دو ولایت، خبر تازه ای نرسیده است که نوشته شود.

ش 461 (پنجشنبه هفتم رجب 1276) 8. * 3024/4.

وقایع دارالمرز- مازندران- در این هفته، روزنامه ای نرسیده است.

ش 463 (پنجشنبه ششم رمضان 1276) 5. * 3033/4.

اخبار دارالمرز- مازندران- از قراری که نوشته بودند، امر آن ولایت از اهمات کافیة شاهزاده ملک آرا حکمران مازندران و استرآباد، کمال انتظام را دارد و در ماه شوال بارندگی بسیار خوبی شده است و مردم آسوده خاطر، مشغول دعاگویی می باشند.

وقایع اخبار سیستان- در ضمن روزنامجات سابقه نوشته شده بود که از جانب سنی الجوانب همایون، غلام حسین خان غلام پیشخدمت لاریجانی، مامور شده برای خوانین سیستان و بلوچ خلع مهر شعاع و فرمان مرحمت توامان برده بود. بعد از ورود او سردار تاج محمد خان حاکم سیستان با خوانین سربندی و سردار محمد شریف خان و سردار کمال خان بلوچ متفقا و متحدا لوازم استقبال و احترامات را به خلعت دولت نموده، به زیارت فرامین قضا آمین تشریف جسته، زبان به دعای بقای دولت جاوید آیت گشودند و با کمال استظهار به مراحم ملوکانه مشغول خدمتگذاری بودند. یک روز در قلعه سردشت، که مابین خوانین سربندی و بلوچ سرحدات، همگی اجماع نموده به عهده مراسم جان نثاری و عقد مراتب خدمتگذاری دولت جاوید قرار متفق اللفظ والعهد گردیدند و سردار تاج محمد خان با جمعی از خوانین بلوچ و سیستان به همراهی غلام حسین خان برای تنبیه امام خان بلوچ، که در آن طرف هیرمند واقع است و از طایفه او به تاخت هفتاد راه آمده، بعضی اموال و ائقال از قافله کرمانی زده و برده بودند، رفته آنچه را که از اموال مزبور تلف نشده بود، گرفتند و بعد از آن خوانین سیستان محمد امین خان را که از خوانین معتبر

آن جا] است به اتفاق غلام حسین خان روانه رکاب نصرت انتساب همایون نموده. در مقام عرض و استدعا برآمدند که از دولت بند قدیم هیرمند را که مشهور است به بند طرقوا بیندازند و آن املاک را که خالصه است، آباد نمایند که از آبادی آنها سد راه تاخت و تاز اشرا بلوچیه از هفتاد راه و آن صفحات بشود و موجب شرمندگی و انفعال اهالی سیستان از خدمت دولت نگردد و در وقتی که موکب فیروزی کوکب همایون در داودیه به جهت عزیمت بیلاقات تشریف فرما بود، غلام حسین خان با محمد امین خان و سایر خاندگان سیستانی، شرف اندوز حضور مهرظهور همایون گردیده، مورد شمول الطاف خسروانه شدند.

ش 467 (پنجشنبه غره ذی الحجه 1276) 7. * 3057/4.

دارالمرز- مازندران و استرآباد- از قراری که نوشته اند، شاهزاده ملک آرا حکمران مازندران و استرآباد، در نظم ولایت و نوکر و منتظم نمودن سرحدات و رفع خودسری تراکمه و اجرای قواعد عدلیه، که حسب الامر قدر قدراعلی مقرر می باشد، اقدام و اهتمام کلی دارند و خلایق آسوده خاطر به دعای دوام دولت سرکارعالیحضرت شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه قیام و اقدام دارند و از تفضلات الهی از ماه شوال به این طرف باران های نافع آمده، باعث اطمینان مردم شده است.

از قراری که نوشته بودند، سردار تاج محمد خان حاکم سیستان و خوانین و اهالی آن سامان در خدمتگذاری دولت علیه اتفاق و اتحاد تمام دارند و علی حسب المقدور در خفنه معابر و مسالک کوشش می نمایند که از طایف بلوچیه دست اندازی و دزدی نسبت به قوافل و مترددین روی ندهد و بعد از آن که غلام حسین خان از آن جا به دربار همایون معاودت نموده است، سردار تاج محمد خان مهیا و عازم شده است که برود سد بندسیستان را به بندد لیکن از تفضلات الهی باران های متواتر آمده است، به طوری که جمیع رودخانه ها مملو گشته، از بستن سد مستغنی شده اند و جمیع مردم باخوشوقتی، مشغول رعیتی و دعاگویی و جود مبارک همایون می باشند.

ش 468 (پنجشنبه پانزدهم ذیحجه 1276) 5، 7. * 3062/4، 3064.

اخبار دارالمرز- استرآبادو مازندران- از این دو ولایت، تازه خبری نرسیده است که روزنامه شود.

ش 471 (پنجشنبه بیست و هشتم محرم 1277) 4. * 3079/4.

پایان

+++++

به درگاهی گرانمایه

خش بویی

مازندران در روزنامه وقایع اتفاقیه را می فرستم . امیدوارم به یکی از دو نام داده شده
چاپ کنی. نخست بمون تپوری. اگر نپذیرفتند به نام اباذر سلیم چاپ کن.
یک فتو از روزنامه ، ورد و پی دی اف را می بینی.
از این پس ، تو دانی و این کار .
چشم به راهم تا ببینم چه می کنی؟
خار تن داری و سرخش بموندی

+++++
++++

+++++
++++

مازندران در روزنامه وقایع اتفاقیه



بمون تپوری ابادر سلیم

+++++

مازندران در روزنامه وقایع اتفاقیه

بمون تپوری
ابادر سلیم
بهار 1394 خ / 2015 م

+++++

برای شناخت درست از رویدادهای هر دوره، نیاز به سند های به جا مانده از آن زمان است. وقایع اتفاقیه از اسنادگران سنگ سنجش دوره ناصرالدین شاه قاجار / قاجاریان / این روزگار است. از همین رو / برای همین دوره روزنامه وقایع اتفاقیه را پالیدم و هر آنچه را که از مازندران و مازندرانی در آن یافتم، سوا نمودم و پیش روی خواستاران تاریخ این سرزمین نهادم. در بزرگداشت این روزنامه، در یادکردهای کاغذی و اینترنت، بسیار نوشته اند.

در شناخت این سند برجسته همین بس که نخستین روزنامه دولتی ایران به شمار می رود. در تاریخ مطبوعات، سومین نشریه ای است که در ایران چاپ شد تا 471 شماره رسید.

بر پایه داشته ها ، ناصرالدین شاه ، پادشاه خودکامه، ظل الله قاجاری، برآن شد رسانه ای ملی پدید آورد. باصدراعظمش، امیرکبیر نوگرا، که خودی می نمود و گوش به فرمان شاه بود، در میان نهاد. بزرگمرد دینی و سیاسی، با این امید که روزنه تازه ای رو سوی غرب بگشاید. دین و دانش بپرورد و نیز داد و ستد بازرگانی و صنعتی بگسترده، به خرسندی و خوش دلی، خود راهبری نخستین هفته نامه را به دست گرفت. بدین گونه امیرکبیر، تا آخرین روز نخست وزیری اش (1277) ، مدیر مسئول وقایع اتفاقیه یا همان گزارش دربار و دستگاه دربار ناصرالدین شاه هم بود.

نخستین شماره این روزنامه 5 ربیع الاول 1267 ه.ق پخش شد. این شماره با نام "روزنامه اخبار دارالخلافه تهران" چاپ شد. از شماره 2 نام "وقایع اتفاقیه" را برگزیدند. شماره پایانی تاریخ 5شنبه 28 محرم 1277 ه.ق دارد. ناگفته نماند از میانه کار، زمان چاپ و پخش، بیش از یک هفته است.

*آنچه که پیش رو نهادم گزارش رویدادهای مازندران است که در روزنامه آمد. از اینرو به یاد بیاورم که پیگیر زندگی و کارنامه سپاهیان و کار بدستان مازندرانی، مانای عباس قلی خان لاریجانی، در دیگر جای ها نیز شدم. برای پویندگانی که جویای کارنامه چنین کسانی هستند. نام و برگ شمار آنان را در برچیده ها آوردم.

*باید گفت که نمایه های پایانی دوره چهارجلدی وقایع اتفاقیه کاستی چشمگیر دارند. ترکمن را آگاهانه در فهرست نگنجاندم زیرا در آن روزگار قلمرو جابجایی ترکمنان بیشتر از استان نوساخته گلستان امروزی بود. به دو نمونه فیروزکوه و دارالمرز بسنده می کنم. نخست فیروزکوه.

تا جایی که تاریخ سینه به سینه به یاد می آورد فیروزکوه بخشی از تیرستان بوده است. رویکردهای تاریخی و فرهنگی نیز گواه این پیوستگی هستند. با استان سازی های تازه، پیکره جغرافیای مازندران را بریدند و فیروز کوه را تهرانی ساختند!! از آنجا که نخواستم استان گلستان نخوانده را در این گزارش بیاورم بهتر آن دیدم که فیروزکوه را هم ننگارم و به آوردن نمایه فیروزکوه و فیروزکوهی بسنده کنم. به هررو گمان دارم با خواندن و روبرو نهادن آنچه که در پایانی دوره 4جلدی روزنامه آورده اند و گرد آورده این قلم، به خوبی نشان می دهند که در این دست پویش ها نمی باید به نمایه های پایانی چنین گنجینه هایی، دل خوش داشت.

بی تردید شناختن یکایک مازندرانی هایی که در روزنامه از آنان یاد نام برده شده، کار دشواری است. کوشیده ام که دست کم نام جای ها را به درستی بیابم و نشان دهم. امید که تاریخ نگاران بیسندند و بهره به جا برند.

فیروز کوه بر پایه نمایه کتاب:

اکرم خان فیروزکوهی 303

قاسم خان (سر هنگ فوج فیروز کوهی) 1144، 2622، 2655

فیروزکوه: فوج- 97، 161، 728، 2632، 2655، 2744 ترکمنان- 512

بی گمان " ترکمنان- 512 " نادرست است. در گزارش درگیری نیروهای دولتی با ترکمنان که در استرآباد روی داده بود، آورده اند که: " ترکمنان را شکست داد و تا فیروزآباد آنها را تعاقب نموده... " نامی از فیروزکوه مازندران در میانه نیست! (نگ ش 86 (پنجشنبه هشتم ذیحجه 1268) 4. * (512/1).

همچنین آنچه را که من یافته ام، بایدبر نمایه فیروزکوه و فیروزکوهی، افزود:

باباخان فرزند سید حسین خان فیروزکوهی از دانشجویان دارالفنون 1728، 2668

سید علی خان سرتیپ فوج فیروز کوهی و حکومت آن جا 2744

سیدمحسن خان سر هنگ فیروزکوهی 58

فیروزکوه. فیروزکوهی (فوج . سرباز) 58، 392، 531، 664، 999، 1029، 1693، 1728، 1836، 2192

قاسم خان (سر هنگ فوج فیروز کوهی) 2732

نمونه دیگر از کاستی نمایه های چاپ دوم، دارالمرز است که اشاره به گیلان و مازندران دارد. آماج روزنامه نگاران به یکی از دو سامان است که در جای خود نوشته ام. در نمایه تنها دو بار از اینجا یاد شد: دارالمرز: 1319 مالیات در- 3020.

حال آن که بارها از دارالمرز یاد شد که در برچیده هایم می خوانید. جز از این باید اشاره کنم برخی آبادی ها، مانند اشرف (بهشهر امروزی)، افرابیل، بندپی، چهاردانگه، زاغمرز، شیرگاه، علی آباد (در گذر زمان شاهی و اکنون قائم شهر)، کارکنده، کجور، کلباد و نور را در نمایه جای نمی یابیم.

* هر جا که کاستی دیدم میانه [] افزودم.
* واژه هایی چون تعین و جهت را تعیین و جهت نگاشتم. همچنین چاپارخانهها، رودخانهها وماننده را به شیوه امروزی چاپارخانه ها ، رودخانه ها آوردم.

*پایان سخن این که دوره چهار جلدی روزنامه وقایع اتفاقیه را تبرستان جا ی دارد. در رویه هایی، نشانه و اشاره هایی به مازندران ، گیلان و گلستان امروزه شده است.
<http://www.tabarestan.info/iran/i12r.html>

روزنامه وقایع اتفاقیه. 4 جلد. [471 شماره. از 5 ربیع الاول 1267 تا 28 محرم 1277 ه.ق.].

قرارداد جدیدی که اولیای دولت قاهر گذاشتند این است که در اول ماه و پانزدهم چاپارها از دار الخلافه به ممالک ذیل: آذربایجان، فارس، رشت، کرمان، استرآباد، مازندران، خراسان، کرمانشاهان بروند و در چهاردهم و بیست [و] نهم دو دفعه وارد شوند مگر کرمان، چون که دور است، ماهی یک چاپار در پنجم می رود.

از اول ماه صفر قرار بر این شده است¹ که در چاپارخانه ها، اسب را فرسخی ده شاهی کرایه بگیرند و اسب بدهند. اگر از تجار و غیره بخواهند با اسب چاپاری به هرجا بروند با اذن و حکم دیوان، در هر جا اسب به آنها می دهند و هر قدر اسب بخواهند حاضر است.

...

میرزا قوما که در بهبهان بود چند سال در آن جا خودسری می کرد، این روزها عالیجاه عباس قلی خان سردار لاریجانی، او را گرفته با مالیات دیوانی که به خزانه عامره می آوردند، روانه دار الخلافه نموده ...

...

سابقا حکم شده بود که نواب شاهزاده مهدی قلی میرزا حاکم مازندران، اشخاصی را که قابل هستند تربیت و ترغیب نماید که شکر مازندران را مانند شکر هندوستان سفید نمایند. در [این] روزها استاد عبدالحمید نام مامور شده رفت و در [این] هفته به قدر سی من شکر آن جا را که سفید کرده بود آوردند مانند شکر هندوستان است و از هر قسم حلویات از [این] ساختند و بسیار خوب شده بود و آن بهتر از شکر جزایر ینگگی دنیا، که هند العربی می نامند، است و حکم شد که باز هم درست نمایند و چون که به عمل آمدن این شکر نفع ممالک ایران [است]. در جاهای دیگر هم که ممکن است به عمل بیاید. قرار شده است که سعی نموده به عمل بیاورند از آن جمله در خوزستان نیز که سابقا شکر آن جا مشهور بود حکم شده است که باز بکارند و شکر سفید به عمل بیاورند.

1- در روزنامه: شده ا شده است.

ش 1 (پنجشنبه پنجم ربیع الثانی 1267) 3-2 * 3-2/1

در مازندران شال چوخای پشمین به جهت ملبوس خود می بافند و چندان در جای دیگر به فروش نمی رسد و آن قدر خوب هم نبود. لکن اولیای دولت قاهره حکم فرمودند که به اهتمام نواب مهدی قلی میرزا حاکم مازندران از آن شال بسیار خوش قماش و زیاد بافته، سرمه [ای] رنگ کرده؛ ملبوس برای قشون نظامی دوخته. قماش و رنگ او به نوعی است که در قماش همه کس تصدیق بر این دارد که از ماهوت های وسط پر دوام تر و لطیف تر است و در رنگ مطلقا معلوم نمی شود که ماهوت است یا شال. تا حال به قدر دو هزار ثوب کلیچه نظامی از [این] شال دوخته شده و حکم شد که سالی پانزده هزار ثوب کلیچه نظام از شال مزبور بدوزند و قیمت آن به همه به جهت ثوبی چهار هزار دینار چیزی بالا می شود.

...

عالیجاه محمد حسن خان نوری، به حکومت مشکین و ایلات آن جا مامور شد.

ش 2 (جمعه یازدهم ربیع الثانی 1267). 2. * 8/1.

مازندران و استرآباد - در صفحات مازندران و استرآباد کمال امنیت حاصل است و مردم نهایت آسایش را دارند. نواب شاهزاده مهدی قلی میرزا، حاکم مازندران، هم در انتظام امورات ولایات متعلقه به خود، بسیار سعی می باشند. سواره عبدالملکی و خواجه وند و نوکر طالش را این روزها به ساری احضار نموده؛ سان دیده، مواجب داده، مرخص نمود.

ش 2 (پنجشنبه یازدهم ربیع الثانی 1267). 4. * 10/1.

[در زمینه بیماری آبله در ایران و دارالمرز آوردند]:
در ممالک محروسه ناخوشی آبله عمومی است که اطفال را عارض می شود که اکثری را هلاک می کند یا کور و معیوب می شوند. چنان که بسیار دیده شده و حالا می شود اشخاصی که در کودکی این آبله را بیرون نیاورده اند، در بزرگی بیرون می آورند به هلاکت می رسند [به] خصوص اهل دارالمرز، که در همین دارالخلافه ملاحظه می شود که از قشون قراول آنها در سن پنجاه سالگی، آبله بیرون آورده و بعضی هلاک می شوند....

ش 3 (جمعه نوزدهم ربیع الثانی 1267). 1. * 13/1.

در اخبار فارس نوشته بودند که عباس قلی خان لاریجانی حاکم بهباهان، در آن صفحات بسیار با نظم و تسلط راه می رود و آن صفحات را خیلی امن کرده است. محمدباقر خان نونی که از جمله خوانین الوار پشت کوه و سابقه خیانت و جنایت که به اقتضای خبائث فطری نسبت به دولت در ذمه او بود، در قلعه محکم صعبی که داشت، متحصن شده و به خدمت دیوان اقدام نمی کرد. مالیات دیوان را نمی داد. منشا فتنه و فساد و قتل نفس شده بود. عباس قلی خان سردار لاریجانی حاکم بهباهان از نوکر لاریجانی و صاحب منصبان آنها که به پشت کوه مامور کرده بود به آنها حکم داده بود که قلعه محمدباقر خان را به غلبه گرفته و خودش رازنجیر کرده، پیش عباس قلی خان آوردند و به پاداش خلاف و خیانت های سابق و تمرد و سرپیچی و شیطنت که این روزها داشت، عباسقلی خان او را به سیاست رسانده است.

ش 5 (جمعه سیم جمادی الثانی 1267). 2. * 24/1.

[ناصرالدین شاه] مقرب الخاقان عزیز خان آجودان باشی را به جهت نظم قشون و شهر و ارک دارالخلافه باهره معین فرمودند و افواج متوقف دارالخلافه کمافی السابق هر روزه مشغول مشق می باشند و افواج متوقف این اوقات از این قرارند
افواج سمنانی و دامغانی ابوابجمع عالیجاه پاشا خان سرتیپ فوج سوادکوهی. قراول عمارات مبارکه ابوابجمع عالیجاه علی خان سوادکوهی...

ش 14 (جمعه هفتم رجب 1267) 1. * 67/1.

در باب مال بارکش مازندرانی ولاریچانی و لواسانی و شمیرانی و سایر حول و حوش دارالخلافه که همیشه بار برنج و ذغال و غیره می آوردند و باعث ارزانی اجناس دارالخلافه می شد، چون گاهی اوقات دیوان به جهت حمل و نقل قورخانه و غیره مال های آنها را می گرفتند با اینکه کرایه بیشتر از سایرین می دادند باز موجب توهم آنها شده، چندی بار به شهر آوردن را موقوف می کردند و گرانی در اجناس به هم می رسید. مراتب به کارگذاران دولت علیه عرض شده، مقرب الخاقان آجودان باشی حکم نظامی دادند که احدی از دیوانیان به جهت حمل و نقل قورخانه و غیره متعرض این اشخاص نشوند و حکم مزبور را به درواز[ه]های شهر رسانده، قدغن نمودند و به این سبب برنج و ذغال و غیره که چند روزگرا شده بود، باز مثل اول ارزان گردید.

ش 17 (پنجشنبه بیست و هفتم رجب 1267) 2-1. * 82/1.

امورات قشونی
سربازان فوج سوادکوهی را که نواب مهدی قلی میرزا فرستاده بودند عالیجاهان میرزا عنایت الله لشکر نویس، محمود خان نایب اول آجودان باشی، در هفته گذشته سان دیدند.

ش 18 (پنجشنبه پنجم شعبان 1267) 2. * 88/1.

اسرایی که ترکمانان از کنار دریای مازندران از اهل آن جا برده بودند، چهارده نفر را صحیحا سالما آورده به محمد ولی خان بیگلر بیگی استرآباد دادند و چند نفر هم که قرار است بیاورند.

ش 18 (پنجشنبه پنجم شعبان 1267) 4-3. * 90-89/1.

جمعی از سادات تنکابن ازدست هادی خان سرهنگ تنکابنی به شکایت آمده بودند که نسبت به آنها بی اعتدالی کرده است. اولیای دولت علیه، محصل تعیین کردند که رفته، به صوابدید نواب شاهزاده مهدی قلی میرزا، خسارت آنها را از مرتکبین گرفته، به صاحبانشان رد نمایند و مرتکبین را نیز تنبیه بلیغ بکنند.

امورات قشونی :

سیصد نفر نوکر دودانگه را از قراری که در روزنامه اردوی همایون نوشته اند نواب مهدی قلی میرزا حاضر کرده و سان دیده نفر به نفر آنها را خود موجب داده، لباس و اوضاعشان را درست کرده، مرخص نموده اند و در انتظام امر نوکر بسیار اهتمام دارند. فوج جدید خواجه وندعبدالملکی را به قدر هفت صد و پنجاه نفر تا بیستم ماه رجب در ساری حاضر کرده بودند و نواب شاهزاده همه را جیره و ملبوس داده صبح و شام مشغول مشق بوده اند لکن از قراری که نوشته بودند به طوری که نواب شاهزاده در گرفتن این فوج ساعی بوده اند البته تا حال تمام کرده خواهند بود. خانکشی بیک حاکم اشرف را نواب مهدی قلی میرزا منصب یوزباشی گری داده و سلطان حسین میرزا پسر مرحوم ملک آرا را که بسیار با سلوک و رفتار است به حکومت اشرف مامور نموده اند و مردم آن جا از رفتار او کمال رضامندی را دارند.

ش 21 (پنجشنبه بیست و ششم شعبان 1267) 2،3 * 100/1 - 101.

از قراری که از مازندران نوشته اند، امسال باران در آن جا مثل هر سال نیامده و برای آب مردم زیاد در اضطراب بوده اند. شاهزاده مهدی قلی میرزا، میراب های چند بر سر رودخانه ها گذاشته اند که حقا به هر کسی را موافق معمول بدهند که زیادتی به یکدیگر نکنند که باعث فساد و نزاعی بشوند.

کربلایی عوزا 1 محمد آبله کوب که حسب الامر اولیای دولت علیه مامور صفحات مازندران بود از قراری که نوشته اند متجاوزانه سی صد [و] چهار نفر را آبله کوبیده است و خوب شده اند و از این جهت که دیده اند بسیار فایده بخشیده، مردم زیاد طالب و راغب شده اند.

1- از نام های ترکی. اوز، عوض و عیوض نیز نوشته می شود. (گزارنده)
ش 22 (پنجشنبه سوم رمضان 1267) 2-3 * 104/1 - 105.

فوج خواجه وند و عبدالملکی که حسب الامر مقرر شده بود گرفته شود، محمود خان سرهنگ فوج مزبور را گرفته و به درالخلافة آورده است. فوج خوب و جوان های نمایان اند.

ش 23 (پنجشنبه دهم رمضان 1267) * 108/1.

جميع ممالک محروسه بحمدالله درکمال امنیت و آسایش می باشند و ازقراری که در روزنامه استرآباد نوشته بودند، عالیجاه محمولی خان بیگلربیگی استرآباد با قشون در میان طایفه خواجه نفس ترکمان می باشند و در آن جا چهار عراده توپ و هزار نفر سواره از غلامان قاجار و سواره استرآبادی و مازندرانی و هزار و پانصد نفر پیاده استرآبادی و هزار جریبی بوده اند. سوای قشونی که همراه عالیجاه جعفر قلی خان میرپنجه رفته اند و در آن جا به جهت سد شرارت ترکمان، قلعه بنا کرده اند. حال طایفه ترکمانیه و سایط و وسایل برانگیخته اند که به عفو و اغماض از آنها بگذرند که آنها هم مانند سایر رعایای ممالک محروسه آمده، به کار رعیتی خود اقدام نمایند و اسیری که طایفه ضاله ترکمان برده بودند، قدری از آنها را رد کرده اند و باقی آنها را هم متعهد شده اند که رد نمایند و همچنین اموال و اسرای استرآبادی و مازندرانی آنچه آن طایفه برده بودند رد کرده و می کنند و متعهد دادن گروهی و پیشکش و مالیات شده اند. بسیار از امنیت آن جا نوشته اند که سابق بر این هیچ عهدی به این امنیت نبوده است. از اتفاقات نوشته بودند که محمد حسین بیگ، آدم عالیجاه جعفر علیخان میرپنجه، برای بردن خبر قشون به تنهایی رفته بوده، راه را گم کرده و از میان طایفه ترکمانیه آن جا سر در آورده و آنها اوبه به اوبه او را مهمانداری کرده و آدم همراه نموده تا آورده به اردوی عالیجاه محمد ولی خان بیگلر بیگی رسانده بودند.

عالیجاه جعفر قلی خان میرپنجه در روز جمعه سیزدهم شهر شعبان با قشون ابوابجمعی خود وارد گرمادشت، که چهار فرسخی استرآباد است، گردیده و هم چنین هادی خان تنکابنی نیز با نوکر تنکابن، ابوابجمعی خود، وارد استرآباد شده است.

ش 24 (پنجشنبه هفدهم رمضان 1267) * 114/1.

در مازندران امسال به سبب نیامدن باران مردم بسیار مضطرب بوده اند به طوری که دست از زراعت برداشته بوده اند لکن در اواخر ماه شعبان بحمدالله بارانی آمده است که رفع اضطراب رعایای آن جا گردیده و امیدواری به هم رسانده اند. در روزنامه مازندران نوشته اند که از دهات علی آباد، شخصی به جهت آوردن هیزم تبر برداشته و به جنگل رفته بوده تا دو روز پیدا نشده. بعد از دو روز، که کسانش به تجسس

او به جنگل رفته اند، او را در جنگل یافته اند که تیر را در زیر سر خود گذاشته و شال کمر خود را نیز حلقه کرده و بر روی تیر گذاشته و سر بر روی آنها نهاده، چنانکه شخصی بخوابد، خوابیده است. نزدیک که رفته اند او را مرده یافته اند و جانورها نیز مطلقاً به او نزدیک نرفته بوده اند و آثار اذیت جانور در بدن او هیچ نبوده است و سبب فوت او معلوم نشده.

مرگ مفاجات امسال در بعضی جای ها زیاد شده است از جمله اشرف سلطان لاریجانی و یک نفر دختر دیگر به مرگ مفاجات بدون ناخوشی و مرضی دیگر در لاریجان وفات یافته اند.

ملا اسماعیل نامی مازندرانی در یکی از قراء لاهیجان، در خانه ملا علی نام معلم اطفال بوده است. صاحب خانه به جهت دریافت وجه طلبی او را به قریه دیگر روانه نموده، معلم مذکور در حضور جمعی چاقویی از جیب خود بیرون آورده و خواسته است گلوی خود را ببرد. کسانی که آن جا بوده اند، او را ممانعت نموده و دستش را گرفته به خانه ملا علی آورده اند و سبب این حرکت را هر چه از او جویا شده اندف حرفی نزده است. مردم احتمال داده اند که شاید به دختر ملا علی میل به هم رسانده باشد. ملا علی گفته بوده است که اگر بخواهی دختر خود را به تو می دهم؛ باز هم جوابی نداده بوده و شب که همه خوابیده بوده اند و چاقو و کاردی در نزد معلم مزبور نگذاشته بوده اند نصف شب برخاسته و با داسی که درخت با اومی اندازندف پیدا کرده و حلق خود را بریده است و خون بسیاری از او جاری شده و قریب به هلاکت بوده. در آن بین فریادی زده صاحب خانه مطلع گردیده است که آخوند معلم سر خود را بریده. همان شبانه آدم به نزد میرزا محمد علی خان، حاکم لاهیجان، فرستاده؛ عالیجاه مشارالیه صبح دو نفر جراح روانه نمود و حلق او را بخیه زده اند. پانزده بخیه خورده و دو روز او را در همان جا متوجه بوده اند و بعد از آن او را به لاهیجان آورده اند. همین که فی الجمله به هوش آمده باز بخیه های زخم خود را شکافته. از او سوال کرده اند که تو را چه می شود؟ گفته است که باید خود را هلاک نمایم! عالیجاه میرزا محمد علیخان مستحفظ به جهت او قرار داده است که دست های او را بسته اند و زخم او را مرهم می گذارند که التیام به هم رساند و هنوز به مداوای او مشغول بوده اند.

...

میرزا محمد نام تاجر بارفروشی با مال التجاره عزیمت حاجی ترخان داشته است. حاجی ملا علی بارفروشی، پسر میرزا محمدعلی میاشر، تذکره نوشته است که میرزا محمد بارفروشی مدیون من است اگر بخواهد تذکره بگیرد به او تذکره ندهید تا عمل مرا تمام نماید. میرزا محمد که پی تذکره آمده بود مباشر تذکره او را با یک نفر آدم خود به نزد حاجی مزبور فرستاد که حساب خود را با او بپردازد، بعد از آن بیاید تذکره بگیرد. از فواید تذکره که معلوم می شود یکی این فقره است که کسی تنخواه و طلب کسی را بی استحصار و استرضای صاحب طلب نمی تواند برداشته به ولایتی دیگر برود و یا بهدولتی دیگر فرار بکند تا قرار درستی در طلب او نگذارد.

1- در روزنامه : برخواسته.

ش 25 (پنجشنبه بیست و چهارم رمضان 1267) 3-4 * 122-121/1.

امورات قشونی :

حسب الحکم دیوانیان عظام یک فوج سرباز از طایفه خواجه وند و عبدالملکی گرفته و برای سان به طهران آوردند. چون فوج مزبور در بیلاقات مازندران بار آمده اند و در [۱] این موسم طهران کمی گرم بود، بسیاری ناخوش شدند و محمود خان، سرهنگ فوج مزبور، به همین ناخوشی فوت شد. لهذا به جهت محافظت قشون نظام، مقرب الخاقان اجودان باشی عالیجاه نوراالله خان نایب خود را مامور پرستاری مریض های فوج مزبور نموده؛ قرار دادند که طبیب و چادر و سایر لوازمات آنها را مهیا نموده به بیلاقات شمیران ببرند و مشارالیه در نزدیکی تجریش به جهت آنها چادر زده و از وقتی که به آنجا رفته اند اکثری صحت یافته اند و مابقی را نیز معالجه می نمایند.

از قراری که از انزلی گیلان خبر رسید ملا رسول باد کوبه [ای] از مازندران به قدر ده هزار تومان مال التجاره از حاجی ملاعلی اصغر و کینیار تاجر دولت روس و سایرین بار بسته و باد کوبه رفته بود. در نزدیکی بادکوبه طوفان شدید شده، ضرب امواج کشتی را وارونه کرده هر چه جنس و اسباب داشت غرق گردیده اما اهل کشتی به لنگه نشسته، به سلامت در آمده اند.

ش 27 (پنجشنبه نهم شوال 1267) 3 * 131/1.

نواب مهدی قلی میرزا در [۱] این روزها از حکومت مازندران معزول گردیده و به دارالخلافه طهران آمده اند.

مقرب الخاقان جان محمد خان قاجار به حکومت مازندران مباحی و مامور گردیده اند.

...

فوج بندپئی که در یزد بوده اند یاورشان وفات کرده است. امنای دولت علیه شیرعلی سلطان مرندی را به منصب یآوری برقرار و روانه یزد فرموده اند که مرتبه امور سرباز مزبور باشند.

از سلوک و رفتار فوج بندپئی نیز نوشته بودند که اهل یزد بسیار رضامندی از آنها دارند.

ش 29 (پنجشنبه بیست و سوم شوال 1267) 5، 2 * 142/1، 145.

عالیجاه طامسین صاحب بزرگ نایب اول جناب جلالت مآب ایلیچی مخصوص و وزیر مختار دولت بهیه انگلیس که مامور مازندران اند، در روز دوشنبه گذشته از دارالخلافه روانه مقصد شدند.

نواب مهدی قلی میرزا حاکم سابق مازندران در [۱] این روزها روانه اردوی همایون گردیده اند.

مقرب الخاقان جان محمد خان نایب الحکومه مازندران در [۱] این اوقات محل ماموریت خود وارد شده اند و مشغول انتظام امورات دیوانی آن جا می باشند.

...

امورات قشونی

فوج خواجه وند و عبدالملکی چنانکه در روزنامه سابق نوشته شده بود به جهت اینکه در سردسیرات مازندران پرورش یافته بودند، گرمای تابستان دارالخلافه طهران مناسب مزاج آنها نبود و بسیاری ناخوش شده بودند. مقرب الخاقان آجودان باشی، فوج مزبور را به دهات شمیران روانه کردند و در آن جا مریض های فوج معالجه و مداوا شدند و در هوای خوب شمیرانات اکثرشان به حال آمدند و خوب شدند. در [۱] این اوقات حکم شده که به دارالخلافه طهران مراجعت بکنند و در بالای باغ ایلخانی چادر بزنند.

ش 30 (پنجشنبه سلخ شوال 1267) 3، 2. * 148/1، 149.

در روزنامه های سابق نوشته شده بود که یک کشتی از اهل بادکوبه که از مازندران بار تجارتي می برده است، در نزدیکی بادکوبه طوفان او را وارونه کرده بود. در [۱] این روزها اهل بادکوبه جمعیت کرده، کشتی مزبور را بیرون آورده اند و لکن از اموال تجارتي که در او بوده، چیزی بدست نیامده.

...

امورات قشونی

فوج خواجه وند و عبدالملکی که در هفته گذشته نوشته شده بود اغلب مریض های آنها در شمیرانات صحت و بهبودی یافته الان در بالای نگارستان اردو زده اند و همه روزه صبح و عصر مشغول مشق اند.

ش 31 (پنجشنبه هفت ذیقعه 1267) 3. * 155/1.

[درس سخن شماره 33 از کوشش کارگزاران برای گردآوری خبر و پخش روزنامه از " حکام مازندران و استرآباد و بعضی ولایات دیگر " یاد کردند.]
ش 33 (پنجشنبه بیست و یکم ذیقعه 1267) 1-2. * 165/1 - 166.

نواب مصطفی قلی میرزا را که سابقا حاکم ارومی آذربایجان بود به حکومت دارالمرز مازندران مامور و خلعت حکومت مرحمت نمودند. در این روزها روانه خواهند شد.

ش 36 (پنجشنبه سیزدهم ذیحجه 1267) 2. * 184/1.

[ناصرالدین شاه پس از آن که از سفر درون کشور به تهران بازگشت ، شماری از کارگزاران را خلعت بخشید. از آن میان چند تن را مازندرانی یافتیم که در آن روزگار در تهران کار می کردند:]
در وجه متوفقین دارالخلافة
عالیجاه علی خان سرهنگ سوادکوهی را جبه کرمانی اهلی مرحمت گردید.
عالیجاه لطف علی خان کلبادی را شال ابره مرحمت شد.
عالیجاه محسن خان سورتی را شال ابره مرحمت شد.
عالیجاه شکرالله خان نوایی را شال ابره مرحمت شد.

...
نواب شاهزاده مصطفی قلی میرزا که در هفته گذشته نوشته شده بود که مامور حکومت مازندران گردیدند نظر به اینکه در ایام حکومت ارومی کمال حسن سلوک و رعیت داری و نظم ایشان ملحوظ نظر اولیای دولت علیه گردیده، لهادر [1] این اوقات ایشان را به حکومت مازندران سرافراز فرمودند و یک ثوب جبه ترمه از ملبوس و تن مبارک به جهت افتخار ایشان مرحمت گردیده و در [1] این روزها به مقر حکومت روانه خواهند گردید.

ش 37 (پنجشنبه بیست ذیحجه 1267) 3، 2. * 191-190/1.

[درگزارشی از استرآباد و گرگان آورده اند]
... مقرب الخاقان جان محمد خان نیز به قدر هزار سوار در توابع اشرف جمع و آماده کرده بوده است که اگر لازم باشد به طرف گرگان روانه نماید. تا حال به سواره مزبور احتیاج نیفتاده و همان قشون متوقف گرگان خوب از عهده بر آمده اند.

ش 38 (پنجشنبه بیست هفتم ذیحجه 1267) 2. * 196/1.

امورات قشونی
فوج خواجهوند و عبدالملکی، که مدتی بود در رکاب مشغول مشق و قراولی بودند، از رکاب همایون مرخص خانه شدند.

ش 39 (پنجشنبه چهارم محرم 1268) 3. * 203/1.

عالیجاه نورالله خان شاطرانلو، نایب مقرب الخاقان آجودان باشی را به سرهنگی فوج خواجهوند و عبدالملکی منصوب و خلعت و حکم مرحمت فرمودند.

ش 40 (پنجشنبه یازدهم محرم 1268) 2. * 208/1.

نواب مصطفی قلی میرزا حاکم ارومی را که به حکومت مازندران مامور فرمودند. عالیجاه جان محمد خان که در مازندران نایب الحکومه بود، نظر به اینکه خوب از عهده خدمات آن جا برآمده و مراتب شایستگی و قابلیت خود را ظاهر ساخت، لهذا اعلیحضرت پادشاهی او را به حکومت ارومی منصوب و فرمان و خلعت مرحمت فرمودند.

ش 41 (پنجشنبه نوزدهم محرم 1268) 2-3. * 212/1-213.

امورات قشونی
افواج حاضر رکاب ظفر انتساب همایون که در خارج شهر در میدان مشق هر روزه با کمال انتظام مشغول مشق نظام می باشند یازده فوج اند از این قرار
فوج سوادکوهی ...

ش 42 (پنجشنبه بیست و ششم محرم 1268) 2. * 218/1.

امورات قشونی
در روز دوشنبه سلخ محرم سواره مقدم را لشکر نویسان عظام سی صد و سی و هفت نفر سان دیدند
ملازم اشرف و توابعی مازندران در یوم بیست و نهم محرم بدین موجب
ملازم اشرفی به سرکردگی رضا قلی سلطان صدو بیست نفر
ملازم طالبی به سرکردگی خان بابا خان پنجاه نفر
ملازم عمرانلو به سرکردگی شاهقلی خان صدنفر
ملازم یخ کشی سی نفر
حاضر رکاب همایون گردیده به جهت مستحفظی درواز[ه]های شهر دارالخلافه برقرار شدند.

در یوم سلخ محرم نوکر ابوابجمعی محسن خان سورتیچ و لطف علی خان کلبادی و شکرالله خان نوایی و چلاوی که مستحفظ درواز[ه]ها بودند، مرخص خانه گردیدند.

ش 43 (پنجشنبه سوم صفر 1268) 2-3. * 224/1-225.

امورات قشونی
افواج حاضر دارالخلافة طهران از قدیم و جدید به اینکه فصل زمستان است اما چون هوای دارالخلافة خوش می گذرد هر روزه دو ساعت بدین موجب به مشق حاضر می شوند ... فوج سوادکوه ...

ش 49 (پنجشنبه شانزدهم ربیع الاول 1268) 3 * 261/1.

پیشتر در بلوک نایب مازندران، آهن را به قدری که بعضی اسباب و آلات آهنی به جهت مصارف زراعتی و رعیتی و غیره از آن ساخته شود، صاف می کردند ولی به آن مرتبه و درجه نرسیده بود که به مصارف کلیه اسباب آهنی از قبیل تفنگ و سایر اسباب حرب برآید. این اوقات به اهتمام امنای دولت علیه، آهن نایب را مثل آهن حاجی ترخان تخته کرده و به دارالخلافة طهران آورده اند و از قرار تصدیق عالیجاه حاج محمدحسین جبهه دارباشی از آهن حاجی ترخان نرم تر و به استعمال نزدیک تر است و از آهن مزبور تفنگ هم در جبهه دارالخلافة طهران ساخته شده و بسیار ممتاز و خوب درآمده. امنای دولت علیه قرار دادند که چند نفر استاد قابل در نایب مشغول صاف نمودن آهن گردیده و تا شب عید چندین خروار آهن صاف و تخته نموده به دارالخلافة طهران بفرستند و امید هست که از [این آهن منافع کلی به جهت دولت علیه ایران حاصل شود و بعد از خوب به عمل آوردن آهن مزبور مستغنی از خریدن آهن از حاجی ترخان و غیره باشند و هر چه اسباب آهنی از آلات حرب و غیره که در دولت علیه ایران لازم باشد از آهن همان جا بسازند چون که معادن آهن در آن جا بسیار است. اگر خوب به راه بیفتد بیش از قدر کفایت به عمل خواهد آمد.

و هم چنین کارخانه های شکرریزی که شکر مازندران را مانند شکر خوب صندوقی سفید می نمایند، نوشته بودند که از اهتمام نواب شاهزاده والا تبار مصطفی قلی میرزا صاحب اختیار مازندران کارخانه های متعدد در کارند و نیشکر بسیار به کارخانه های مزبور آورده اند به قدری که ازین کارخانه ها زیاد آمده و می باید کارخانه های دیگر به راه بیفتند و استاد عبد الحمید قنادی که استادی قابل و حسب الحکم امنای دولت علیه مشغول صاف کردن شکر و ریختن قند می باشند، اهتمام کامل در انتظام کارخانه های مزبور دارد و انشاءالله عنقریب به قدر کفایت این دولت علیه قند و شکر سفید از آنجا به عمل خواهد آمد.

مدتی بود که در مازندران بارندگی نشده بود و زراعت کاران آن جا از [این مرحله در تشویش بودند از قراری که نوشته اند، در آخر ماه صفر باران نافع فراوان در مازندران و بلوکات و توابع آمده و زارعین همه حاصل دیمی خود را کاشتند.

در روزنامه مازندران نوشته بودند که در یکی از قراء بارفروش زنی وضع حملش شده به یک شکم دو پسر و یک دختر زاییده و یکی سقط گردیده است.

دیگر نوشته بودند که دلاکی در خانه خود شام خواسته بود زنش غذا آورده. چند لقمه که صرف کرده بود درد شدید به شکم او پیچیده، بنیاد فریاد کرده بود همسایه هایش آمده او را

به چرخ بسته تاب داده بودند بعد از قی بسیار فی الجمله تخفیفی در وجع او حاصل شده اما به همان درد درگذشته است و از قراری که میگفته اند زنش غذای او را مسموم کرده است.

ش 49 (پنجشنبه شانزدهم ربیع الاول 1268). 4. * 262/1.

نواب مستطاب شاهزاده مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران چون بعد از ماموریت خود امر آن جا را بیش از پیش منتظم و مضبوط داشته است، مراتب اهتمامات او، در انتظام مهام ولایت و رعیت، به عرض پیشگاه حضور اقدس همایون پادشاهی رسیده. مستحسن افتاده، مستوجب شمول مرحمت شاهانه آمده بود، لهذا یک ثوب جبه ترمه اعلی با فرمان مرحمت نشان به افتخار نواب معزی الیه مرحمت و این روزها ارسال شد.

ش 50 (پنجشنبه بیست و سوم ربیع الاول 1268). 1. * 265/1.

امورات قشونی
نظر به لیاقت و شایستگی عالیجاه نصرالله خان پسر میرزا اسماعیل بندپی، این روزها اولیای دولت قاهره حسب الاشاره العلیه او را به سرهنگی فوج بندپی سر افراز فرمودند.

ش 53 (پنجشنبه چهاردهم ربیع الثانی 1268). 2. * 284/1.

[در گزارشی از عربستان، خوزستان امروزی، آمد]:
از قراری که در روزنامه آن جا نوشته شده است، نواب مستطاب احتشام الدوله خانلر میرزا حسب الحکم اولیای دولت علیه از مازندران فرستاده بودند، نی شکر برده و در بلوک شوشتر که موسوم به عقلی است، داده اند کاشته اند و امسال نیشکرها هر یک به قدر سه ذرع شده اند و به حسب اندازه نیم ذرع از نیشکر مازندران بلندتر شده اند و تا به حال قریب بیست بار از آنها به عمل آمده و این بیست بار را در زیر خاک پنهان کرده اند که در سال آینده بکارند و انشاءالله حاصل شکر در آن ولایت خوب به عمل خواهد آمد و از اهتمامات اولیای دولت علیه، عربستان، شکرستان خواهد شد.

ش 55 (پنجشنبه بیست و هشتم ربیع الثانی 1268). 3. * 297/1.

[در گزارشی از امورات قشونی در تهران، روز 12 ج 1، از سپاهیان " اشرف توابعی" و "فوج سوادکوهی" یادکردند.]

اشرف [و] توابعی
عمرانلو، هشتادونه نفر
اشرفی، صدونوزده نفر
طاهر [شاید. نتوانستم به درستی بخوانم]، چهل و پنج نفر
بخ کشی، سی نفر

...
فوج سوادکوهی، چهارصد و هفتاد و دونفر

...
ش 58 (پنجشنبه نوزده جمادی الاول 1268). * 314/1.

مازندران- این اوقات از اهتمامات امنای دولت علیه و حسن مراقبت و سعی نواب شاهزاده مصطفی قلی میرزا حاکم مازندران، شکر آن جا را به طوری خوب سفید کرده اند که مثل شکر لاهور است و همیشه از آن شکر به کارخانه مبارکه می آوردند و از بس که خیلی خوب سفید کرده اند نزدیک [1] است که به ولایات بعیده نیز برای فروش ببرند .
از قراری که در روزنامه مازندران نوشته بودند، اهالی آن جا به سبب قلت بارندگی اضطراب و تشویش داشته اند و لکن این روزها از فضل خداوندی بارندگی زیاد شده است و تشویشی که مردم از [1] این رهگذر داشته اند رفع گردیده و غلات آن جا از قبیل گندم و جو و باقلا، خوب به عمل آمده است.

ش 66 (پنجشنبه شانزدهم رجب 1268). * 370/1.

عالیجاه مقرب الخاقان محمد یوسف خان سرتیپ افواج خواجه وند و عبدالملکی در روز نوزدهم این ماه از رکاب نصرت انتساب جهت گرفتن باقی سرباز و پادار نمودن سواره خواجه وند و رساندن مواجب آنها مرخصی حاصل ساخته و روانه شد.

ش 67 (پنجشنبه بیست و سوم رجب 1268). * 377/1.

چون که منظور اعلحضرت پادشاهی از راه انداختن این روزنامه ها در دولت علیه ایران استحضر و آگاهی اهالی ممالک محروسه از احکام دیوانی و مناصب و ماموریت و عزل و نصب حکام و اخبار داخله و خارجه است و در باب انتظام کار روزنامه به کرات فرمایش ملوکانه فرموده اند. لهذا اولیای دولت قاهره حسب الاشاره العلیه مقرر داشتند که

هر یک از حکام ولایات که تقویت در پیشرفت کار روزنامه ها کرده باشند اسامی آنها بخصوصه در [1] این روزنامه ها نوشته شود از جمله نواب شاهزاده مهدی قلی میرزا در ایام حکومت مازندران در رساندن تنخواه روزنامه و زیاد نمودن صاحبان روزنامه اهتمام نموده اند و هم چنین نواب مصطفی قلی میرزا در مازندران و عالیجاه میرزا محمدعلی درگیلان و نواب سیف الله میرزا در همدان و حکام شاهرود و بسطام و سمنان و دامغان، به محض ملاحظه قبض مباشر روزنامه تنخواه آن را بدون معطلی داده اند. ولایت گروس با اینکه چندان وسعتی ندارد و در اول راه افتادن این روزنامه ها پنج نفر بیشتر روزنامه نداشتند حال از اهتمام عالیجاه زین العابدین خان حاکم گروس، قریب سی نفر در آن جا روزنامه می برند. اگر هر یک از حکام و صاحب اختیاران ممالک محروسه مانند این اشخاص تقویت در کار روزنامه می کردند هم باعث تربیت خلق و آگاهی آنها و هم نفع دیوان اعلی و انتظام کار روزنامه بود.

ش 70 (پنجشنبه چهاردهم شعبان 1268) * 400/1.

چون همواره اوقات منظور نظر اولیای دولت قاهره این است که هر یک از حکام و مباشرین ولایات محروسه ایران که در خدمات دیوان به خوبی و درستی از عهده بر آیند که هم منال دیوان بدون عیب و نقص به حیظه وصول برسد و هم رعیت مورد رعایت گردد، او را مورد اعطاف خسروانی سازند و بر عزت و احترامش بیفزایند بنابراین نواب شاهزاده مهدی قلی میرزا حاکم سابق مازندران که این روزها، با دیوانیان عظام حساب سه ساله خود را پرداخت، به طریقی که مورد تحسین همه مستوفیان و امنای دیوان قضا بنیان گردیده، مورد اشفاق سرکار اقدس شهریاری شد لهذا برای استحضار همه حکام و مباشرین ولایات محروسه، این مراتب مسطور آمد که هر کس از عهده خدمت دیوان خوب برآید و در محاسبه باقی نداشته باشد پاداش اعطاف و اشفاق خسروانی خواهد دید و هر کس اغفال نماید مستوجب سخط و مواخذه خواهد شد.

ش 71 (پنجشنبه بیست و یکم شعبان 1268) * 407/1-408.

جناب جلالت مآب ایلچی مخصوص وزیرمختار دولت بهیه انگلیس 1 با بعضی از صاحب منصبان سفارتخانه، در روز سه شنبه هفته گذشته به سمت آب گرم اسک لاریجان روانه شدند و چند وقت در آن جا توقف خواهند داشت.

1- آماجش تامسن است. برای آگاهی از وی و گزارش دیدارش از مازندران به پیوست بنگرید.

ش 75 (پنجشنبه بیست رمضان 1268) * 441/1.

مازندران- از قراری که در روزنامه مازندران نوشته بودند، امر آن جا انتظام و انضباط دارد و نواب شاهزاده مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران به جهت حصول رفاه و امنیت رعیت بامور عامه مردم رسیدگی می نمایند و خود بنفسه دقت و غوررسی می کنند از قراری که نوشته بودند به جهت نیامدن باران زراعت کاران در تشویش بوده اند. نواب معزی اغلب روزها به سر رود تجن می روند و آب را موافق عدالت به زراعت آنها تقسیم می نمایند که کسی زیادتی به کسی نکند.

و هم چنین به جهت کمی آنوقه و غله نان در شهر ساری یک من به یک هزار دینار شده بود. مراتب به عرض نواب معزی الیه رسیده، صنف خباز را خواسته، بعد از تحقیق و مواخذة نانوایان متعهد و ملتزم گردیده اند که تا رفع محصول نان را دومن و نیم به یک هزار دینار بفروشند و بعد از رفع محصول سه من یک هزار دینار بدهند و نیز به جهت کمی محصول که تشویش گرانی و عسرت به جهت اهل آن ولایت بود قرار دادند که شلتوک و غیره به خارج آن ولایت فروخته نشود و در خود آن ولایت به مصرف برسد که اهل آن جا در تنگی و عسرت نباشد مگر اگر زیاده از قدر مصارف خود داشته باشند به دارالخلافه طهران اذن دارند که حمل و نقل نمایند و بفروشند و به جای دیگر اذن فروش ندارند.

نواب معزی الیه نواب مسعود میرزا را بر حسب استدعای اهل شهر بارفروش، حاکم آن جا کرده و روانه نموده اند.

عالیجاه مقرب الخاقان محمد یوسف خان سرتیپ که به جهت ترتیب و انتظام ملازم خواجه وند و عبدالملکی و رساندن موجب آنها از دربار همایون پادشاهی مامور گردیده بود، از قراری که در روزنامه آن جا نوشته بودند، در وقت ورود به آن جا نواب شاهزاده مصطفی قلی میرزا جمعی را به استقبال فرستاده و لوازم اعزاز و احترام را معمول داشته اند و تنخواهی که از دیوان اعلی به جهت موجب ملازم مزبور حواله مازندران بود، تمام و کمال موجود و کارسازی کرده اند و مقرب الخاقان مشارالیه رخصت حاصل نموده و به میان ملازم مزبور رفته است که امر آنها را انتظام داده، مواجیشان را برساند. در باب کارخانه های شکرریزی که حسب الامر اولیای دولت قاهره مقرر شده بود که در مازندران متعدد در شهرهای ساری و بارفروش ساخته شود؛ از قراری که این روزنامه ها نوشته بودند کارخانه شهرساری، که در میدان ارک واقع و جای با صفایی [۱] است، در [۱] این روزها به اتمام رسیده و بسیار خوب و بزرگ است و در اوایل ماه شعبان، قند سفیدی که از شکر سرخ آن جا ریخته شده بوده است، با قند کنارسکه و روسی چندان تمیز داده نمی شده است و به جهت فروش در دکان آقا محمد اسماعیل نامی بنکدار گذاشته اند که هر کس بخواهد یک من پنج هزار دینار بخرد و کارخانه شهر بارفروش نیز از قراری که نوشته بودند در [۱] این روزها نزدیک به اتمام است.

ش 75 (پنجشنبه بیست و یکم رمضان 1268) 4-3 * 442-441/1

در روز دوشنبه غره این ماه، که در روز عید ماه مبارک رمضان بود، اعلیحضرت پادشاهی به قاعده معمولی این دولت علیه، در عمارت جدید سلطانی نیاوران سلام عید

فرمودند و امانا و اعیان و چاکران دربار شوکت‌مدار به حضور مهرظهور خسروانی شرفیاب گردیده، هر یک در جای خود قرار گرفتند و شلیک توپ و زنبورک به جهت عید، چنانچه در دولت علیه ایران رسم و متداول [۱] است، نمودند و جناب جلالت مآب وزیرمختار دولت بهیه روس و عالیجاه بلند جایگاه عاصم بیگ، مصلحتگذار دولت علیه عثمانیه، نیز به جهت مبارکبادی عید صیام شرفیاب حضور شاهنشاهی گردیدند و جناب جلالت مآب ایلچی مخصوص وزیرمختار دولت بهیه انگلیس، چون در [۱] این اوقات به جهت گردش به سمت اسک لاریجان و آب گرم آن جا رفته بودند، در روز عید رمضان، در حضور اعلحضرت پادشاهی حاضر نبودند.

ش 77 (پنجشنبه چهارم شوال 1268) 1. * 447/1.

استرآباد- از قراری که در روزنامه آن جا نوشته شده بود، این روزها یک شبانه روز بارندگی زیاد در مازندران و استرآباد شده است به طوری که در هیچ وقت چنین بارندگی در آن جا مشاهده نشده بوده است و آب رودخانه های آن جا نیز ف به سبب این بارندگی زیادتر گردیده است .

ش 77 (پنجشنبه چهارم شوال 1268) 5. * 450/1.

مازندران- چون نواب شاهزاده مصطفی قلی میرزا، حکمران مازندران، بعد از ماموریت به مازندران از عهده تقدیم خدمات محوطه به طور خوب برآمده و امرولایت و نوکران حدود را به طوری که منظور نظر اقدس اعلیحضرت پادشاهی و اولیای دولت قاهره بود، منتظم و مضبوط داشته بود، خاصه در امر شکر مازندران که بسیار اهتمام نموده شکر را خوب به عمل آورده و بسیار نمودند. بنابراین در ازاء خدمات نواب معزی الیه یک قطعه نشان از مرتبه اول سرهنگی و یک بند حمایل سفید، که مخصوص این مرتبه است، به افتخار نواب معزی الیه مرحمت و عنایت شد و به شمول این موهبت عظمی، قرین مفاخرت و اعزاز آمد.

ش 79 (پنجشنبه هیجدهم شوال 1268) 4. * 466/1.

[در گزارشی از سرکوب بابیان در تهران، از کارزار بابیان در مازندران هم یاد کردند همچنین رفیع نوری را از کشته شدگان بابی در تهران نوشتند]:
میرزا رفیع نوری را سواره نظام با طپانچه و غداره ، ب [ه] درک واصل کردند.

ش 82 (پنجشنبه دهم ذیقعد 1268) 3. * 482/1.

از قراری که در روزنامه مازندران نوشته شده بود، از اهتمامات اولیای دولت قاهره و حسن مراقبت نواب شاهزاده والاتبار مصطفی قلی میرزا، حکمران مازندران، امر آن جا در کمال نظم و انضباط است و بعد از رسیدن مژده صحت وجود مسعود اعلیحضرت شاهنشاهی نواب معزی الیه و اهالی آن ولایت عموماً به شکرانه این نعمت عظمی و بشارت کبری بساط عشرت و انبساط منبسط داشته جشن و شادمانی نمودند و نواب معزی الیه حکم کردند که سه شبانه روز شهر و بازار را آیین بسته چراغان نمایند. مردم هم از روی کمال شوق و رغبت به تهیه اسباب شادمانی و آتش بازی و چراغانی مشغول شده و قواعد انبساط و عشرت معمول داشتند و چند نفر از محبوسین را که تقصیر کلی نداشتند، به شکرانه صحت و سلامت وجود فایض الجود از محبس مرخص نمودند.

و همچنین از قراری که نوشته بودند، این روزها نواب شاهزاده مصطفی قلی میرزا سان نوکر سواره مازندران را دیده و به نوکر پیاده هم اخبار کرده اند که به شهر ساری آمده سان بدهند. چون اندک ناتمامی در نوکر طایفه سواره مدانلو بود که بعد از مراجعت از سفر گرگان اسب اکثر آنها اسقاط و تلف شده بود، التزام از جمیع سرکردگان گرفته اند که در دوازدهم ماه ذیقعدة الحرام در صحرای سرخه کلا، نوکر را با تفنگ و پراک و اسب و لباس خوب حاضر نمایند که هر کس اسب نداشته و مجدداً گرفته است داغ شود.

دیگر از قراری که نوشته بودند، امسال از ولایت مازندران قریب به ده هزار نفر زوار به زیارت مشهد مقدس رفته اند و این روزها همگی وارد شاهرود گردیده اند.

ش 82 (پنجشنبه دهم ذیقعدة 1268) 4. * 483/1.

امورات قشونی
نوکر تنکابنی به جهت قراولی درواز[ه]های دارالخلافه طهران چهارصد نفر حاضر رکاب مبارک شده و مقرر شده است که سان آنها دیده شود.
یکصد و هشتادو دو نفر از نوکر لاریجانی حاضر رکاب مبارک شده اند که قرار نوکر آنها داده شود.

ش 85 (پنجشنبه اول ذیحجه 1268) 2. * 502/1.

امورات قشونی
نوکر پیاده تنکابنی را به تاریخ بوم دوشنبه پنجم ماه ذیحجه مقرب الخافان لشکر نویس باشی و امین لشکر و لشکر نویسان، در نگارستان حاضر نموده و سان آنها دیده شده. سی صد و هفتاد و هفت نفر حضری آنها بود.

ش 86 (پنجشنبه هشتم ذیحجه 1268) 2. * 510/1.

از قراری که در روزنامه قزوین نوشته بودند، حاجی نصیر نامی از اهل قزوین که در بدو ادعای بابیه خود را سرخیل این طایفه ضاله می دانست و از قرار مذکور اول هم به شیراز عقب باب او رفته بوده است و در دعوی بابی در مازندران هم بوده است. چون شخص مزبور در [این باب معروف و مشهور بوده است بعد از ظهور تهور و جسارت این فرقه ضاله، مقرب الخاقان خسرو خان والی، مشارالیه را در قزوین حکم کرده است گرفته اند و الان در آن جا محبوس است.

ش 89 (پنجشنبه بیست و نهم 1268) 4. * 532/1.

در روز شنبه غره ماه صفر اعلیحضرت پادشاهی به میدان مشق بیرون دروازه دولت، که کل قشون حاضر رکاب همایون حاضر بودند، تشریف بردند و به مشق یکان یکان توپچی و افواج حاضر میدان و ارسی فرمودند و بدین موجب توپچی و افواج ... فوج سوادکوهی ... حاضر میدان مشق بودند و در کمال آراستگی و انتظام مشق در حرکت نمودند. اعلیحضرت پادشاهی درباره هر یک مرحمت و التفات نمودند.

ش 94 (پنجشنبه ششم صفر 1269) 1. * 553/1.

مازندران - از قراری که در روزنامه آن جا نوشته بودند، نواب شاهزاده والاتبیار مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران در انتظام امور ولایت و رفاه رعیت لازمه اهتمام را دارند و این اوقات به سان دستجات سواره کرد و ترک متوقف آن جا رسیدگی نموده اند. به قدر دوپست نفر که اسبهاشان داغ نداشته است قدغن کرده بود که اسب های خود را داغ نموده با لباس های الوان و شلوارهای نو که برای خود ترتیب داده بودند، مجدداً به سان حاضر شده و هزار نفر یک دفعه با اسباب تمام و اسب های داغ کرده سان داده بودند و هم چنین دو باب کارخانه شکرریزی که حسب الحکم مقرر شده بود یکی دربارفروش و یکی در ساری ساخته شود، این اوقات به اهتمام نواب معزی الیه باتمام رسیده و همچنین چاپارخانه [ای] که در ساری و اشرف حکم شده بود ساخته شود، این اوقات معماران طرح آنها را ریخته اند و بنا و عمل در کارند که به اتمام برسانند.

ش 95 (پنجشنبه سیزدهم صفر 1269) 3. * 563/1.

معلم علم معادن موسیو چرنطای نمساوی و مترجم میرزا رضای کاشانی [است بعد از دو ماه از تعلیم شاگردان خودمامور به بازدید معادن شد و شاگردان خود را همراه برد و از دولت علیه مخارج زیاد و انعام به آنها مرحمت شد و اکنون سنگ های گوناگون از معادن

دماوند و مازندران آورده اند و می خواهند در دارالخلافه امتحان نمایند تا هر یک مقرون به صرفه باشد در آن معدن کار نمایند و شاگردان مشارالیه پنج نفرند.

ش 98 (پنجشنبه پنجم ربیع الاول 1269) 3. * 583/1.

دارالمرز - در [۱] این هفته از مازندران و گیلان اخباری که در روزنامه نوشته شود، نبود.

ش 101 (پنجشنبه بیست و پنجم ربیع الاول 1269) 3. * 607/1.

[از میان دانشجویان رشته پزشکی دارالفنون، چند دانشجوی کوشا را نام بردند که یکی تنکابنی است:]
میرزا محمد حسین، ولد میرزا احمد تنکابنی، بسیار خوب است.

ش 102 (پنجشنبه سیم ربیع الثانی 1269) 3. * 611/1.

مازندران و گیلان - در [۱] این هفته اخباری از [۱] این ولایت نرسیده است.

ش 102 (پنجشنبه سیم ربیع الثانی 1269) 4. * 612/1.

چون عالیجاه احمدخان نوایی، کارپرداز سابق تفلیس، در اوقات ماموریت آن جا از عهده خدمات محوله به خود خوب برآمده و بطریق معقولیت و حسن سلوک رفتار نموده بود و خدمات او مقبول و مستحسن خاطر اعلیحضرت پادشاهی افتاده، درین اوقات از جانب سنی الجوانب همایون یک ثوب جبه ترمه خلعت، در حق عالیجاه مشارالیه، مرحمت و عنایت گردید.

ش 103 (پنجشنبه دهم ربیع الثانی 1269) 2. * 618/1.

کرمانشاهان - دیگر نوشته بودند که برنج عنبربو در کرمانشاهان تا حال نکاشته بودند و نمی دانستند که به عمل می آید. در [۱] این اوقات نواب عمادالدوله از مازندران فرستاده، برنج عنبربو برده و در آن جا کاشته اند و بسیار خوب به عمل آمده است و از نمونه آن قدری به نزد اولیای دولت قاهره فرستاده بودند. در این جا طبخ کردند. به مراتب از جمیع برنج های خوب مازندران بهتر شده بود... .

ش 103 (پنجشنبه دهم ربیع الثانی 1269) 4. * 620/1.

دارالمرز - مازندران - از قراری که در روزنامه مازندران نوشته شده بود، این اوقات نواب مستطاب شاهزاده مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران، به جهت انتظام مهمات دیوانی و امور ولایتی، از بلده ساری عزیمت بارفروش و محالات بلده آمل کرده بودند که در امور آن جا نظمی کامل بدهند و قریب پانزده روز در آن جاها توقف کرده اند و بعد از ورود به بلده آمل به سر معادن آن جا تشریف برده، کدخدایان ناپیچ و مباشرین گلوله را حاضر نموده اند که در حضور نواب معزی الیه گلوله بریزید. از قراری که نوشته بودند به طوری گلوله ریخته بودند که هیچ تفاوت با گلوله فرنگستان، که به درجه کمال ریخته می شود، نداشت. نواب معزی الیه به عمله و مباشرین انعام خلعت داده و امر گلوله ریزی را از هر جهت منتظم و مضبوط کرده اند و از کدخدایان و مباشرین التزام گرفته اند که در ریختن گلوله و خوبی آن، اهتمام تمام به عمل آوردند و از قراری که نوشته شده بود، از اهتمامات اولیای دولت علیه، امر گلوله ریزی آن جا، بسیار ترقی کرده است.

ش 104 (پنجشنبه هفدهم ربیع الثانی 1269) 3. * 623/1.

میرزا [محمد] حسین ولد مرحوم میرزا احمد [تنکابنی] که شاگرد خوب حکیم پولاک معلم طب است در [این هفته به تعلیم معلم کتابی در معالجه وبا نوشته، به حضور اقدس همایون برده، بسیار مستحسن افتاده. پانزده تومان انعام به او مرحمت شد.

ش 105 (پنجشنبه بیست و چهارم ربیع الثانی 1269) 2. * 630/1.

مازندران - از این ولایت نیز در [این هفته اخباری نرسیده است.

ش 105 (پنجشنبه بیست و چهارم ربیع الثانی 1269) 3. * 631/1.

دارالمرز - در [این هفته از [این ولایت اخباری نبود که در روزنامه نوشته شود.

ش 106 (پنجشنبه غره جمادی الاول 1269) 2. * 638/1.

دارالمرز - در [این هفته از مازندران و گیلان، اخباری نبود که در روزنامه نوشته شود.

ش 107 (پنجشنبه هشتم جمادی الاول 1269). 3. * 643/1.

[در گزارشی از تهران آمد:]
عالیجاه عبدالحسین خان اشرفی، این اوقات به منصب نیابت ایشک آفاسی باشی، سرافراز گردیده، یک طاقه شال ابره و یک ثوب قبا ی پولک، در وجه او، خلعت مرحمت فرمودند.

...
دارالمرز - و همچنین از مازندران و گیلان نیز در [ا]ین هفته اخباری نرسیده.

ش 108 (پنجشنبه پانزدهم جمادی الاول 1269). 2. * 650/1.

تفصیل مختصر افواج حاضر رکاب همایون و سایر که مشغول مشق شده، اذن مرخصی از رکاب همایون به خانه های خودشان حاصل خواهند کرد، از [ا]ین قرار است سواره به انضمام پیاده لاریجانی ...
افواج ترک و کرد مازندران...
خواجه وند...
لاریجانی...
فوج خاجه وند... 1
فوج بنده پی... 2

1- خاجه وند /خواجه وند.

2- تاکنون جایی بندپی را "بنده پی" ندیده ام.

ش 109 (پنجشنبه بیست و دوم جمادی الاول 1269). 2. * 658/1.

دارالمرز - مازندران - از قراری که در روزنامه این ولایت نوشته بودند، درعشراول شهرجمادی الاول در آن جا بارندگی زیاد شده به قسمی که کوهستان های بیلاقی آن جا جمیعا از برف و باران زیادی که آمده است، مایه دار شده و از رودخانه های آن جا سیل آمده و آب انبارهای منازل آن جا مملو از آب شده و برای زارعین از [ا]ین رهگذر رفاه و آسودگی حاصل است و امید دارند که در سال آینده حاصل زراعتشان انشاءالله بسیار خوب بشود.

دیگر از قراری که نوشته بودند، نواب شاهزاده والاتبار مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران در آبادی ولایت، خاصه در آباد داشتن دهات خالصه دیوانی، کمال اهتمام دارند و رعایایی که در سنوات سابقه از دهات خالصه متفرق شده به جای دیگر رفته بودند، همه را قدغن کرده اند که آمده در خالصه جات آن جا مشغول رعیتی و زراعت باشند و در محل زراعت قدیمی خود زراعت کنند که روزبه روز خالصه جات دیوانی آباد و معمور

شود و هم چنین در امر شکر ریزی مازندران کمال اهتمام را دارند که این اوقات شکر مازندران را مثل شکر لاهور درست می نمایند و از کارخانه نیشکرریزی در هر ماهی هزار من شکر به دارالخلافه طهران حمل و نقل می شود. از جمله در این ماه ده خروار شکر آن جا را به دارالخلافه آوردند و تجار و اصناف به طور رغبت خریداری نمودند.

ش 110 (پنجشنبه بیست و نهم جمادی الاول 1269) 3-2 * 663-662/1.

امورات قشونی

چون رای جهان آرای ملوکانه به سان عساکر قاهره ملترمین رکاب همایون قرار یافته بود لهذا در روز سه شنبه بیست و هفتم ماه جمادی الاول، امیر الامراء العظام اجودان باشی و مقرب الخاقان لشکر نویس باشی و امین لشکر و سایر لشکر نویسان عظام، در میدان مشق حاضر شده از این قرار سان آنها را دیدند

... فوج سوادکوهی . فوج فندرسکی . تفنگچی تنکابانی. 1.

...

آذربایجان و دارالمرز و فارس- در [ا] این هفته از [ا] این ممالک نبود.

1- بیشتر تنکابین پس از چندی شهسوار و اینک به هر دو نام می خوانندولی این گونه (تنکابانی) دیده نشد!

ش 111 (پنجشنبه ششم جمادی الثانی 1269) 3 * 671/1.

دارالمرز- از [ا] این مملکت در [ا] این هفته اخباری نبود که در روزنامه نوشته شود.

ش 112 (پنجشنبه سیزدهم جمادی الثانی 1269) 3 * 679/1.

دارالمرز- در [ا] این هفته از [ا] این ولایت اخباری به مباشرین روزنامه نرسیده است.

ش 113 (پنجشنبه بیستم جمادی الثانی 1269) 3 * 683/1.

دارالمرز- در [ا] این هفته اخباری از [ا] این ولایات به مباشرین روزنامه نرسیده است.

ش 114 (پنجشنبه بیست و هفتم جمادی الثانی 1269) 3 * 687/1.

دارالمرز - از [۱]ین ولایات در [۱]ین هفته اخباری نبود که در روزنامه نوشته شود.

ش 115 (پنجشنبه پنجم رجب 1269) * 695/1.

نظر به وفور مرآح ملوکانه در باره نواب شاهزاده مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران و ظهور مراتب خدمتگذاری و صداقت نواب معزی الیه، اعلیحضرت پادشاهی از ابتدای هذا السنه اودنیل مبلغ پانصد تومان بر مواجب او علاوه فرمودند که در انتظام امر ولایت و رعیت مراتب اهتمامات خود را بیش از پیش ظاهر سازد.

ش 116 (پنجشنبه دوازدهم رجب 1269) * 701/1.

دارالمرز - در [۱]ین هفته نیز از [۱]ین ولایت اخباری نبود که در روزنامه نوشته شود.

ش 116 (پنجشنبه دوازدهم رجب 1269) * 703/1.

دارالمرز - در [۱]ین هفته نیز از [۱]ین ولایت اخباری نبود که در روزنامه نوشته شود.

ش 117 (پنجشنبه نوزدهم رجب 1269) * 711/1.

دارالمرز - گیلان و مازندران - از [۱]ین دو ولایت در [۱]ین هفته اخباری نبود.

ش 119 (پنجشنبه سوم شعبان 1269) * 727/1.

امورات قشونی

در [۱]ین اوقات مرحوم علی خان سوادکوهی به جوار رحمت الهی پیوسته و نواب مستطاب شاهزاده والاتبار اردشیر میرزا حکمران دارالخلافة طهران حکم نمودند که نعلش او را با کمال اعزاز و احترام بردارند و چاکران دیوان و میر پنجه گان و سرنئییان و سرهنگان و سایر صاحب منصبان نظامی در تشییع جنازه او حاضر گردیده و لوازم احترام را معمول داشتند و نظر به خدمات مرحوم مشارالیه، اولیای دولت قاهره حسب الاشارة العلیه عالیجاه میرزا کریم خان را که به سرهنگی فوج سوادکوهی سرافراز بود، به جای مرحوم مشارالیه رابرقرار نمودند و دستخط مبارک به جهت سرافرازی و مباحات و امیدواری او شرف صدور یافته و یک ثوب قبای زری و یک طاقه شال ترمه به رسم خلعت به مشارالیه مرحمت و عنایت گردیده و مقرر شد که خدماتی که به مرحوم علی خان محول بود از قبیل

قراولی عمارات ارک سلطانی و خزانه و حفظ وجود مبارک، کماکان به عالیجاه میرزا کریم خان محول باشد و هم چنین محل سرباز و مواجب و تیول، که در حق مرحوم مزبور برقرار بود، در وجه عالیجاه مشارالیه مرحمت و واگذار باشد و کمال التفات و دلجویی از جانب اولیای دولت قاهره حسب الاشارة العلیه در حق او مبذول آمد.

در اوایل بروزکردن ناخوشی و با چنانچه در روزنامه سابق نوشته شده است امنای دولت قاهره چند فوج را که در دارالخلافه متوقف بودند ماذون نمودند که به جاهای خوش و خرم، که نزدیک به دارالخلافه باشد، رفته اردو بزنند. از [۱] این افواج حالا اکثر شان مرخص شده اند و از قشون متوقف دارالخلافه ... فوج سوادکوهی چنانچه نوشته شد قراول عمارات مبارکه ارک و خزانه و غیره می باشند ...

ش 123 (پنجشنبه غره رمضان 1269) 2-3 * 755-754/1

[در پیدایی و با در تهران و دیگر آبادی ها]

در بعضی از سایر ممالک محروسه ایران نیز می گویند که این ناخوشی بروز کرده است از جمله در قم و کاشان و اصفهان و مازندران و در مملکت مازندران چند وقت سابق کمال شدت را داشته است و تفصیلی غیر از اینکه نوشته شده هنوز به مباشرین روزنامه نرسیده است.

ش 124 (پنجشنبه هشتم رمضان 1269) 1-2 * 762-761/1

مازندران- از قراری که در روزنامه این ولایت نوشته شده بود، خلعت عیدی نواب مستطاب شاهزاده والاتبار مصطفی والاتبار قلی میرزا حکمران مازندران که از دربار همایون مرحمت و ارسال شده بود به قریه سرخ کلا که در دو فرسخی شهر واقع است رسیده نواب معزی الیه با جمیع اعیان و اشراف و عمال به استقبال خلعت رفته، در قریه مزبوره خلعت مهر طلعت را به احترام و توقیر تمام پوشیده، مراجعت به شهر ساری کرده اند و در باغ ملک آرا صرف شربت و شیرینی نموده، انواع تهنیت و شادمانی را معمول داشته اند و لازمه توقیر و احترام را از خلعت همایون به عمل آورده، زیب برو دوش اعتبار و افتخار خود ساخته اند.

ش 125 (پنجشنبه پانزدهم رمضان 1269) 3 * 771/1

[در پیدایی و گسترش و با در آبادی های ایران]

از مازندران هم نوشته بودند که این ناخوشی در آن جا نیز بوده و به اکثر جای های آن ولایت افتاده بود ولیکن مانند سال های پیش شدت نداشته است .

ش 126 (پنجشنبه بیست و دوم رمضان 1269) * 777/1.

مازندران- در روزنامه این ولایت نوشته اند که چون در عشر آخر شعبان آثار ناخوشی و با درساری مازندران به ظهور رسیده، نواب شاهزاده مصطفی قلی میرزا عزیمت بیلاق آن جا نموده، محمد حسن خان آدم خود را به جای خود نایب کرده اند که مشغول انتظام امر ساری باشد .

ش 127 (پنجشنبه بیست و نهم رمضان 1269) * 783/1.

دارالمرز- و همچنین از [این ولایت نیز در] این هفته اخباری نبود.

ش 128 (پنجشنبه هفتم شوال 1269) * 790/1.

دارالمرز- از [این ولایت نیز در] این هفته اخباری نرسیده است.

ش 129 (پنجشنبه چهاردهم شوال 1269) * 795/1.

دارالمرز- از [این ولایت نیز در] این هفته اخباری به مباشرین روزنامه نرسیده است.

ش 130 (پنجشنبه بیست و یکم شوال 1269) * 803/1.

دارالمرز- از [این ولایت در] این هفته اخباری نبود که در روزنامه نوشته شود.

ش 131 (پنجشنبه بیست و هشتم شوال 1269) * 811/2.

[در گزارشی از تیپ سواره نظام دامغان و سمنان ، به فرماندهی پاشا خان سرتیپ، آوردند که "هزار کرد و ترک مازندران" را هم برسپاهیان او افزودند].

ش 132 (پنجشنبه پنجم ذیقعدہ 1269) * 819/2.

چنانچه در روزنامه هفته گذشته اجمالاً در باب خلعت اشخاصی که در غیبت موکب همایون مصدر خدمات شده بودند، نوشته شده بود؛ در [۱] بن هفته مفصلاً مسطور می گردد. هنگام حرکت موکب همایون از این قرار خلعت و نشان به اشخاص مفصله ذیل مرحمت گردیده است...

عالیجاه حبیب الله سرتیپ تنکابنی نشان سرتیپی با حمایل
عالیجاه میرزا کریم خان سرهنگ فوج سوادکوهی شال کرمانی
یاور فوج سوادکوهی یک طاقه شال کرمانی

ش 135 (پنجشنبه بیست و ششم ذی‌قعدة 1269) * 839-837/2.

دارالمرز - از قراری که در روزنامه مازندران نوشته بودند، نواب شاهزاده والاتبار مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران، که به سبب ناخوشی آن جا به بیلاقات هزار جریب رفته بودند، این اوقات در محالات چهاردانگه هستند و باحکام و مباشرین جزو قرار داده و قدغن کرده اند که از رعایای آن جا به هیچ وجه به اسم اخراجات نواب معزی الیه و همراهانش چیزی مطالبه نکنند مگر این که خودشان بعضی جزییات به طیب نفس بدهند و آنچه اخراجات گرفته می شود، قبض داده، به خرج رعیت بیاورند که رعایا از [۱] این رهگذر آسوده باشند و اهالی آن جا از حسن سلوک نواب معزی الیه کمال رضامندی دارند. حالات غریبه از چشمه سورت مازندران در روزنامه آن جا نوشته اند که چشمه مزبوره در قله یکی از کوه های سورت هزار جریب واقع است و از میان آن کوه جوشیده جاری می شود و آنچه جاری می شود به فاصله سی صد قدم منجمد شده، به مثل نمک سنگ می شود و به روی هم بالا آمده می بندد و شور هم است و همین که در نزدیکی چشمه کسی صدا بلند کند، قریب نیم ذرع آبش بلند شده به هیجان می آید و هر وقت خاک بر او بپاشند، به تلاطم آمده و جوشیده، آن قدر بلند می شود تا آن خاک را بر طرف کند و بعد از آن فرو می نشیند.

ش 136 (پنجشنبه چهارم ذیحجه 1269) * 846/2.

مازندران - از قراری که از [۱] بن ولایت نوشته بودند، نواب شاهزاده والاتبار مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران در انتظام امر آن ولایت نهایت اهتمام را دارند و در [۱] این اوقات به جهت سان دیدن و روانه کردن سواره کرد و ترک مازندران، به شیرگاه آمده بوده اند و در آن جا سواره مزبور راسان دیده اند و با کمال ارادتگی و تهیه و تدارک تمام آنها راروانه رکاب نصرت انتساب اعلیحضرت پادشاهی نموده و از آن جا به شهر ساری مراجعت کرده اند و در انتظام امر ولایت و حصول رفاه و آسودگی رعیت و انجام خدمات دیوانی سعی و اهتمام تمام دارند و عموم اهالی و سکنه آن جا از حسن سلوک و رفتار نواب معزی

الیه، راضی و شاکر و دعاگوی این دولت قوی شوکت علیه اندو کسی مصدر حرکت خلاف حساب و تعدی نسبت به احدی نمی تواند بشود.

ش 138 (پنجشنبه هیجدهم ذیحجه 1269) 4 * 860/2.

ناخوشی و با چنانچه در روزنامه های گذشته نوشته شده حال چندی [1] است که الله الحمد از دارالخلافه طهران به کلی رفع گردیده و مطلقاً ظهوری ندارد و در [1] این ایام ناخوشی بعضی اشخاص که در طبابت تربیت شده بودند بسیار به کار خلق از نظام و غیر نظام و نوکر و رعیت آمده و خیلی مردم را معالجه کرده اند از جمله میرزا محمد 1 پسر بزرگ مرحوم میرزا احمد تنکابنی ...

...
عالیجاه قنبرعلی حان ، که دیوان بیکی و حاکم شهر تبریز بود، احضار به رکاب همایون شده. عالیجاه احمدخان نوائی، که دیوان بیکی اردوی همایون بود، در جای او برقرار و مامور و روانه شد.

1- نام وی به درستی محمد حسین است.

ش 140 (پنجشنبه دوم محرم 1270) 2، 3 * 874/2، 875.

چون نواب مستطاب شاهزاده والاتبار مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران، در انتظام امر آن ولایت و انجام خدمات دیوانی اهتمام نموده و نوکر مازندرانی را با تهیه و تدارک تمام زود و خوب روانه دربار همایون نموده بود، خدمات نواب معزی الیه مقبول و مستحسن خاطر اقدس همایون افتاده در این اوقات یک توب کلیجه ملبوس تن مبارک به رسم خلعت به جهت مزید مفاخرت و مباحات نواب معزی الیه مرحمت و ارسال گردید.

امورات قشونی

یک هزار نفر سواره کرد و ترک مازندران که در [1] این اوقات به رکاب مبارک احضار شده بودند در روز سه شنبه چهاردهم این ماه، امیرالامراء العظام سردار کل عساکره قاهره به نگارستان رفته و سوار را خواسته، در حضور لشکر نویسان به سان آنها رسیدگی کرده؛ همه سوار با کمال آراستگی و اسب و اسلحه شایسته از سان گذشته و مرخص خانه شدند. چون فوج خواجه وند و عبدالملکی از دربار معدلت مدار مستدعی شدند که در سلک سواره برقرار شوند و بر اولیای دولت قاهره محقق شد که در خدمت سواری بهتر به کار خدمت و جان نثاری می آیند لهذا آنها را از سرباری اخراج کرده و در سلک سوار منسلک و برقرار فرمودند.

از قراری که در روزنامه مازندران نوشته بودند، در اواخر ماه ذیحجه الحرام به سبب انقلاب هوا و کثرت بارندگی ناخوشی معروف باز در شهرسازی جسته ، بروز کرده است.

مازندران- از قراری که نوشته بودند نواب شاهزاده مصطفی قلی میرزا این اوقات از شهر ساری به سمت علیا و شیرگاه رفته و شب در آن جا توقف نموده و به جمیع خوانین که نوکر را خوب آراسته ساخته بودند، خلعت داده اند.

دیگر نوشته بودند که یک نفر از رعا [یا] ی افرایل من اعمال کار کننده مازندران، شب را صحیحا و سالما به خانه خود رفته بوده و صبح او را نیافته بودند و در مقام تفحص برآمده، او را در میان چاهی مقتول دیده بودند. مراتب به عرض نواب شاهزاده رسیده بود. اهالی قریه مزبوره را برای تحقیق این مطلب احضار کرده بودند. زوجه مقتول اسناد قتل را به شخصی که شب به خانه شوهرش آمده بوده است، داده بود که شوهرم در مقام دفع او برآمده و او شوهرم را به قتل رسانده است. شخص مزبور جواب داده بود که مباشر و متصدی قتل خود این ضعیفه است و بر من تهمت و افترا می زند. به جهت رفع غائله، که مابین این ضعیفه و شوهرش اتفاق افتاده بود، به خانه آنها رفتم که اصلاح نمایم. شوهرش را مقتول دیدم. نواب معزی الیه در جواب آن شخص گفته بودند که اگر مصلح بودی نعش مقتول بیچاره را چرا از خانه اش بیرون برده به چاه انداختی؟ بالجمله بالاخره، معلوم شده بود که زوجه مقتول و آن شخص هر دو در قتل او شریک بوده اند. لهذا نواب معزی الیه هم به ملاحظه اینکه قاتل بسیار بی بضاعت بوده است، در عوض دیه، انعام و احسانی از خود به ورثه مقتول کرده و آن شخص قاتل را به سزای عمل خود رسانیده بودند.

ش 142 (پنجشنبه شانزدهم محرم 1270) 2-3. * 887-886/2.

دارالمرز- از [ا]ین ولایات در [ا]ین هفته اخباری نبود که در روزنامه نوشته شود.

ش 143 (پنجشنبه بیست و سوم محرم 1270) 2. * 894/2.

مازندران- از قراری که در روزنامه این ولایت نوشته اند، نواب مستطاب شاهزاده و الاتیار مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران در انتظام امر ولایت و رفاه حال رعیت کمال اهتمام دارند از جمله به عرض نواب شاهزاده رسیده بود که عالیجاه میرزا اسمعیل خان دو هزار گوسفند از رعایای آمل و توابع گرفته است. نواب معزی الیه به مجرد استحضار، تفنگداری تعیین کرده اند و رفته؛ به حقیقت رسیده و گوسفندهای رعایای مزبور را گرفته، به صاحبانشان رد نموده است و رعایای مزبور کمال شکرگذاری از عاطفت این دولت علیه نموده اند.

ش 145 (پنجشنبه هشتم صفر 1270) 2. * 908/2.

مازندران- از قراری که در روزنامه این ولایت نوشته اند، ناخوشی ویا که در آن جا بروز کرده بود از غره ماه صفر بالمره رفع گردیده است و نواب مستطاب شاهزاده و الاتیار مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران، که به سبب ناخوشی به سرحدات و بیلاقات رفته

بود، در دویم این ماه به جهت پوشیدن خلعت همایون، که به افتخار نواب معزی الیه از دربار جهانمدار ارسال شده بود، به قصبه اشرف آمده و خلعت مهر طلعت پادشاهی را استقبال نموده و لوازم احترام را معمول داشته اند و در قصر صفی آباد خلعت پوشیده و صرف شربت و شیرینی نموده اند.

دیگر نوشته اند که در ششم این ماه، که عید مولود اعلیحضرت پادشاهی بود، نواب شاهزاده مصطفی قلی میرزا حکم نمودند که در جمیع شهرها و بلوکات مازندران چراغان نموده و آیین بسته و همه مردم به لوازم عیش و شادمانی پرداخته اند.

ش 148 (پنجشنبه بیست و نهم صفر 1270). 3. * 932/2.

مازندران- از قراری که در روزنامه این ولایت نوشته اند، نواب مستطاب شاهزاده مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران، در انجام خدمات دیوانی اهتمامی کامل دارند از جمله نوکر اشرف و توابعی و سورتی و یخ کشی را که احضار به دربار همایون شده بودند، تدارکات لازمه آنها را تمام و کمال سرانجام و سان آنها را دیده، روانه رکاب نصرت انتساب همایون داشته اند و همچنین نوکر عمرانلو را تدارک دیده، به سرحد استر آباد فرستاده اند و نوکر عرب را نیز تدارک دیده به ساخلوی بار فروش فرستاده اند. دیگر نوشته اند که ناخوشی وبا که دربار فروش باز بروز کرده و شدت به هم رسانده بود در [این] اوقات تخفیف کلی یافته است و بعضی مردم که از آن جا متفرق شده بودند، حال اطمینان از کم شدن ناخوشی مزبور به هم رسانده و به اوطان خود مراجعت کرده اند. دیگر نوشته بودند که در [این] اوقات در مازندران چهار روز و چهار شب بارندگی شدید شده و به طوری برف آمده است که در شهر ساری و در بعضی جای های کنار دریا تا نیم ذرع برف به زمین افتاده است و هوای آن جاها در [این] اوقات نهایت برودت را دارد.

ش 158 (پنجشنبه یازدهم جمادی الاول 1270). 3. * 1006/2.

مازندران - از قراری که در روزنامه این ولایت نوشته اند، در زمستان امسال در آن ولایت نیز بارندگی زیاد شده و برف بسیار آمده و هوا به شدتی تا چند روز سرد شده بوده است که اکثر درخت های نارنج و لیمو و سایر مرکبات را سرما ضایع کرده و راه های مازندران به سمت دارالخلافه همه جا تا سرخ حصار برف سنگین بوده و در گردنه فیروزکوه چند نفر مکاری را با چند راس قاطر سرما و بوران و کولاک تلف نموده بوده است.

ش 161 (پنجشنبه دویم جمادی الثانی 1270). 2. * 1029/2.

مازندران - از قراری که در روزنامه این ولایت نوشته اند، ناخوشی و با که در شهر بارفروش بروز و اشتدادی داشته است در غره جمادی الاول موقوف و بالمره تمام شده است و باینکه امسال به واسطه ناخوشی و با، که متوالی در آن ولایت بروز کرده بود، مردم زراعت درستی مانند سال های سابق نکرده بودند، مع ذلک هر چیزی کمال وفور و ارزانی را دارد.

دیگر نوشته بودند که در یازدهم ماه گذشته، نواب مستطاب شاهزاده و الاتبار مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران، به سمت بندر مشهد سررفته و به امورات آن جا رسیدگی نموده و انتظام کامل داده اند و امر گمرکخانه آن جا را مضبوط نموده و به مباشر گمرکخانه آن جا نیز خلعت داده اند.

دیگر نوشته بودند که در اوقات توقف نواب شاهزاده مصطفی قلی میرزا در مشهد سر، رعایای قریه ملاکلای دابو، تیولی عالیجاه میرزا محمد خان قاجار، به نزد نواب شاهزاده آمده از تعدیات علی محمدخان نام، ضابط قریه مزبوره، شاکی شدند که یک نفر را در زیر چوب مقتول نموده و نهایت اجحاف و تعدی با سایر رعایا و سکنه آن جا نیز کرده است. نواب معزی الیه او را احضار و بعد از تحقیق معلوم نمودند که عرض عارضین مقرون به صدق است. اولاً او را از ضابطی قریه مزبوره معزول و قریه مزبوره را برحسب استدعای اهالی آن جا به نواب اسدالله میرزا و اگذار نمودند که درصدد آبادی آن جا برآمده و به حسن سلوک تفرقه آن جا را جمع آوری نموده رفع شکستگی و پریشانی رعایا و سکنه آنجا را نماید و ثانیاً درباب قتل یک نفر از اهالی آن جا نیز حکم فرمودند که علی محمدخان باورته مقتول به محکمه حاکم شرع حاضر شده؛ در صورت رضایت ورثه مقتول به دیه بگذرانند و بعد از [این] علی محمدخان ملتزم خدمت نواب شاهزاده بوده به قریه مزبوره و آن اطراف مطلقاً رجوعی و سرو کاری نداشته باشد. دیگر نوشته اند که در [این] اوقات که نواب شاهزاده به مشهد سرآمده بودند حکومت بارفروش را برحسب استدعای اهالی بارفروش حکومت را به عالیجاه قهار قلی خان مفوض و خلعت حکومت او را داده، روانه نمودند.

ش 162 (پنجشنبه نهم جمادی الثانیه 1270) 2-3 * 1036-1035/2.

چون نواب مستطاب شاهزاده و الاتبار مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران، در انتظام امور ولایت و انجام خدمات دیوانی مراتب اهتمامات خود را مشهود رای امنای دولت علیه داشته و خاطر اقدس همایون را از حسن اهتمامات خود خورسند داشته بود، لهادبه ملاحظه کفایت و کفالت و حسن خدمتگذاری و صداقت نواب معزی الیه، در این اوقات از جانب سنی الجوانب ملوکانه یک قطعه نشان سرتیپی از مرتبه اول باحمایل مخصوص این مرتبه، مرحمت و فرمان مهرلمعان مبارک مبنی بر التفات بهسرافرازی نواب معزی الیه شرف صدور یافته، ارسال گردید.

مازندران- از قراری که در روزنامه این ولایت نوشته اند، نواب شاهزاده و الاتبار مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران در اوقاتی که به سمت مشهد سرآمده بودند، از آن جا به معادن گلوله ریزی نایب رفته و امر گلوله ریزی معادن مزبور را انتظام کامل داده

اند که کارخانه های گلوله ریزی همیشه در کار باشند و معطلی در کار آنها روی ندهد و خود نواب معزی الیه به سرکارخانه ها رفته و رسیدگی درکار آنها نموده؛ گلوله ریزها درحضور نواب شاهزاده گلوله و ساچمه توپ ریخته بودند و بسیار صاف و خوب و بی عیب ریخته شده بود. به هر یک از آنها انعام و خلعت مرحمت نموده اند. دیگر نوشته اند که در ایام شدت و با چند نفر دزد به هم رسیده، در آمل دوسه خانه را بریده بودند. در [این اوقات که نواب شاهزاده به آمل آمده اند سه نفر از دزدهای مزبور به دست آمده؛ حسب الحکم نواب معزی الیه آنها را زنجیر نموده به ساری فرستاده اند که بعد از استرداد اموال مسروقه حکم به سیاست آنها بشود. دیگر نوشته اند که نواب شاهزاده کمال اهتمام و رسیدگی به جزیی و کلی امور آن ولایت دارند. از جمله قاپوچی را از درب دیوانخانه برداشته و قدغن کرده اند که هر کس عرضی داشته باشد از اعالی و ادانی بدون ممانعت و مزاحمت حاجب و دربان آمده، به خود نواب معزی الیه عرض نماید که درکار عارض از روی حقیقت و غوررسی رسیدگی نموده، به اقتضای عدالت و احقاق حق حکم آن را نمایند و روزها، از صبح تا دو ساعت به غروب آفتاب مانده، اوقات خود را صرف رسیدگی به عرایض مردم و انتظام امور ولایتی می نمایند.

ش 163 (پنجشنبه شانزدهم جمادی الثانی 1270) * 1043/2.

[در گزارشی از " فوج سدهی ابواب جمعی مقرب الخاقان محمد ابراهیم خان سرتیپ نوری " یاد شد که به تهران آمد.]
ش 165 (پنجشنبه غره رجب 1270) * 1056/2.

مازندران- در روزنامه این ولایت نوشته اند که فرمان همایون که به جهت عید مولود جناب ولایت مآب، به افتخارنواب شاهزاده والا تبارمصطفی قلی میرزا حکمران مازندران، شرف صدور یافته بود. فرمان مبارک را زیارت و به جناب حاجی ملامحمد تقی مجتهد داده، در بالای منبر مضمون آن را گوشزد خاص و عام اهالی آن ولایت کرده، کمال شکرگذاری را به عمل آورده اند و در روز سیزدهم، کل اهالی آن جا عید گرفته و اظهار مسرت و شادمانی بسیار نموده اند.

ش 168 (پنجشنبه بیست و دوم رجب 1270) * 1077/2.

مازندران- از قراری که در روزنامه این ولایت نوشته اند، نواب مستطاب شاهزاده و الاتبار مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران، درانتظام امر نوکرو رعیت و انجام خدمات دیوانی اهتمام تمام دارند و از حسن مراقبت نواب معزی الیه، کمال امنیت در آن ولایت

حاصل است و عموم سکنه آن جا در نهایت آسودگی و امیدواری به عواطف این دولت علیه مشغول رعیتی و کار و کسب خود می باشند و نواب معزی الیه در جزیی و کلی امور آن ولایت رسیدگی کامل دارد. دیگر نوشته بودند که نشانی که از جانب سنی الجوانب ملوکانه به نواب معزی الیه مرحمت شده بود. یک روز به عید نوروزمانده، نشان مرحمتی به آن جا رسیده و نواب معزی الیه لوازم استقبال و توقیر و احترام را به عمل آورده، نشان مزبور را زیب پیکر افتخار خود نموده اند.

ش 169 (پنجشنبه بیست و نهم رجب 1270) * 1083/2.

و هم در [این روزها که آب رودخانه جاجرود شدت دارد شخصی تاجر، بار تجارتي داشته و از مازندران به دارالخلافه می آمده است و چند کیسه پول نیز به رسم امانت از تجار دیگر در میان بار او بوده. در عبور از رودخانه بار او را آب برده و به دست نیآورده بود. چون ایل هداوند، که ابواب الجمع عالیجاه حاجی مبارک خان سرتیپ می باشند، در اطراف رودخانه مزبوسکنی دارند از گذارش مستحضر شده، آدم به میان ایل مزبور فرستاده بود. اموال آن شخص را نقدا خیسا از میان آب بیرون آورده، تماما به صاحبش تسلیم و قبض رسید از او دریافت کرده بودند.

...

مازندران- از قراری که در روزنامه مازندران نوشته اند، نواب شاهزاده و الاتبار مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران، در انتظام امر ولایت و تقدیم مهمات آن جا کمال اهتمام را دارند و خلعتی که از جانب سنی الجوانب اعلیحضرت پادشاهی به افتخار نواب معزی الیه مرحمت شده بود، در اواسط شعبان مژده آن به شاهزاده رسیده. روز هفدهم برای خلعت پوشان ساعت سعد تعیین کرده با جمعی از خوانین و سرکردگان برای حفظ شرایط احترام خلعت آفتاب طلعت، تا دو فرسخ به استقبال رفته. بعد از ادای لوازم جشن و شادی خلعت همایون را زیب دوش خود ساخته، معاودت به شهر کرده بودند.

از قراری که نوشته بودند، در هذمه السنه به قدر سه چهار هزار من شکر در کارخانه های دولتی بلده ساری و بارفروش سفید شده و به مصرف رسیده است و شکر مزبور رواجی تام تمام در آن ولایت دارد و مردم با میل و رغبت به اطراف می برند. از قراری که نوشته بودند یک نفر از جماعت اوصائلو به نواب شاهزاده عرض کرده بود که بعضی اجناس از دارالخلافه ابتیاع کرده، آورده بودم که در بلده ساری به فروش رسانیده منتفع شوم. شب را در بازار توقف کردم. اسباب مزبور را از من سرقت کرده، تمام و کمال برده اند. نواب معزی الیه نیز بعد از استحضار براین معنی محصلی معین کردند که رفته مال را از داروغه بازار گرفته به صاحبش ردکنند. محصل مزبور هم رفته؛ مال را استرداد کرده، به آن شخص داده بود.

ش 175 (پنجشنبه یازدهم رمضان 1270) * 1123/2.

[در گزارشی از کارهای حاجی محمد تاجر تبریزی، برای گسترش کارگاه شکرسازی آورده اند:]

خود حاج مشارالیه [حاجی محمد تاجر تبریزی] از دربار همایون به مازندران معاودت نموده که بنای کارخانه شکرریزی و شکر سازی را در آن جا بگذارد و بسیار امیدوار هستند که دستگاه شکرریزی آن جا طوری بشود که تا عرض مدت دو سال به قدر کفایت همگی ممالک محروسه دولت علیه، شکر مازندران به عمل بیاید و از همان شکر مازندران در وقتی که به مازندران آمده، صاف کرده بودند. نمونه آن را به حضور جناب جلالتماب صدر اعظم آوردند، بهتر از شکر دوریز بسیار خوب هندی بود.

ش 178 (پنجشنبه سیم شوال 1270) * 1141/2.

چون در این اوقات عیال نواب مستطاب شاهزاده والاتبار مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران فوت شده و عزادار بودند؛ اعلیحضرت پادشاهی محض مرحمت ملوکانه یک ثوب جبه ترمه مخصوص به نواب معزی الیه التفات و انفاذ فرمودند که به امیدواری مشغول انجام خدمات دیوانی باشد.

...

مازندران- از قراری که در روزنامه این ولایت نوشته بودند، نواب مستطاب شاهزاده و الاتبار مصطفی قلی میرزا حکمران آن ولایت، به جهت انجام مهمات دیوانی در شهر ساری توقف دارند و به بیلاق نرفته اند و این روزها مشغول دیدن سان نوکر و رساندن موجب نوکر ساخلواسترآباد هستند و در انتظام امر ولایت نیز نهایت مراقبت و اهتمام را معمول دارند و اهالی آن ولایت به سبب مراقبت نواب معزی الیه آسوده خاطر به دعای ذات اقدس همایون اشتغال دارند.

ش 184 (پنجشنبه پازدهم ذیقعه 1270) * 1183/2، 1185.

از جمله کارهای ثواب معظم که خیر عامه خلق در آن [است که در] این روزها حکم به ساختن آن شده و کم مانده است که تمام بشود. ساختن راه کنل بالای افجه است که راهی [است از دارالخلافه به مازندران می رود و بسیار سخت و صعب بود و به جهت عابرین و مترددین زحمت و صعوبت کلی داشت بلکه در کمتر جاهای روی زمین به این سختی راه به هم می رسد و راه مزبور راهی [است که تردد زیاد از آن راه می شود و برنج و ذغال و سایر چیزها که از مازندران به دارالخلافه می آید، اغلب از آن راه می آید و هر سال مال زیاد در آن جا تلف می شد بلکه بعضی سال ها آدم نیز تلف می شده. در] این

سال جناب جلالت مآب اشرف افخم اکرم صدراعظم محض رفاه حال عابریں و حصول دعاگویی مقرر داشته اند که عمله در آن جا گذاشته راه مزبور را به طور خوب ساخته اند سنگ های بزرگ در کنار راه چیده و سنگ های کوچک چفت و بست کرده، مانند سکو، ساخته اند که عبور مال و آدم به سهولت می شود و ساختن راه مزبور باعث دعاگویی کل مردمی [1]ست که از آن راه عبور می نمایند.

ش 187 (پنجشنبه ششم رمضان 1270) 2. * 1202/2.

در [1] این اوقات نواب غفران مآب مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران، داعی حق را لبیک اجابت گفته، به رحمت ایزدی پیوست. حسب الامر اقدس همایون، در مسجد شاه دارالخلافت به جهت مرحوم مزبور تا سه روز مجلس فاتحه خوانی گذاشته. شاهزادگان عظام و علما و فضلا و سادات و امنای دولت علیه و خوانین، هر روزه در مجلس فاتحه خوانی حاضر شده، لازمه تعزیه داری را به عمل آوردند و هم چنین در مازندران هم عموم اهالی آن جا در مجلس فاتحه مرحوم مشارالیه حاضر گردیده. چون از طرز نظم و سلوک و رعیت داری او بسیار رضامندی داشتند، از فوت مرحوم مزبور زیاده از حد متاسف بوده اند.

ش 194 (پنجشنبه بیست و ششم محرم 1271) 1. * 1243/2.

در روز سه شنبه غره ماه صفر، تفنگچی لاریجانی جمعی مقرب الخاقان عباس قلی خان، که حسب الامر احضار به رکاب همایون شده بودند، در میدان ارک حاضر شده صف کشیدند و اعلیحضرت قوی شوکت پادشاهی به میدان مزبور تشریف فرما گردیده. جناب جلالت مآب امجدافخم صدراعظم و سایر مقریان حضرت گردون بسطت سنیه در حضور مبارک بودند. بعد از ملاحظه تفنگچی مزبور، کسر شترو قاطر سرکاری را که تازه ابتیاع نموده و داغ کرده در میدان ارک حاضر کرده بودند، از حضور مبارک گذرانیده. چون همگی درشت و فربه و با اسباب بودند، پسند خاطر همایون گردیدند و از آن جا اعلیحضرت پادشاهی به مدرسه دارالفنون تشریف فرما گردیده. بعد از انقضای تعزیه به عمارت مبارکه سلطانی مراجعت فرمودند.

ش 195 (پنجشنبه سیم صفر 1271) 1. * 1251/2.

در [1] این اوقات که مرحوم مصطفی قلی میرزا به رحمت ایزدی پیوسته بود نظریه خدمات مرحوم مزبور و ظهور شایستگی نواب احمد میرزا، حکومت مازندران را به نواب معز [ی الیه مرحمت] 1 فرموده و یک ثوب جبه ترمه زنجیره دارمخصوص، به رسم خلعت

به او مرحمت گردید و عالیجاه میرزا اسدالله مستوفی را نیز، نظر به خدمات سابقه و شایستگی او، به منصب وزارت و پیشکاری مازندران سرافراز و یک ثوب جبه ترمه نیز به او خلعت مرحمت فرمودند و در [۱] این روزها روانه محل ماموریت می شوند.

1- در چاپ روزنامه افتادگی دارد.
ش 197 (پنجشنبه هفدهم صفر 1271) * 1. 1263/2.

مازندران- از قراری که در روزنامه این ولایت نوشته اند، شب ششم صفر المظفر، که عید مولود سلطانی [۱] ستف در رعایت شرایط احترام آن روز کمال اهتمام به عمل آمده. آتش بازی زیاد و شلیک زنبورک نموده اند و بازار و کوچه شهر را چراغان کرده اند و جشنی نمایان و سروری شایان نموده اند.
دیگر نوشته اند، عالیجاه قونسول دولت بهیه روسیه وارد آن جا شده است و قبل از ورود او نواب محمد کریم میرزا، پسر مرحوم شاهزاده مصطفی قلی میرزا، در رعایت شرایط احترام او کمال اهتمام نموده، جمعی را به استقبال عالیجاه مشارالیه فرستاده است و منزلی در باغ به جهت ایشان معین نموده اند و در احترام و مهمانداری او به هیچ وجه مضایقه و فرو گذاشت ننموده است.

ش 197 (پنجشنبه هفدهم صفر 1271) * 4. 1266/2.

چون نواب احمد میرزا، حاکم مازندران، از رکاب مبارک مرخصی حاصل نموده، روانه گردیدند. سر کار اعلیحضرت شاهنشاهی، محض مرحمت، یک ثوب جبه ترمه به جهت نواب محمد کریم میرزا، پسر مرحوم شاهزاده مصطفی قلی میرزا، مرحمت فرمودند.

ش 198 (پنجشنبه بیست و چهارم صفر 1271) * 1. 1267/2.

[در گزارشی از معلمین دارالفنون و پاداش به آنان، از " میرزا زکی یاور خارج توپخانه و مترجم علم توپخانه" یادشد].

ش 200 (پنجشنبه نهم ربیع الاول 1271) * 2. 1278/2.

مازندران- از قراری که در روزنامه مازندران نوشته بودند، بعد از وفات مرحوم مصطفی قلی میرزا از بابت نبودن حاکم، فی الجمله اختلالی در نظم امور آن جا حاصل شده بود. سه نفر از متابعین داروغه بلده بارفروش برای اخذ جزیی تنخواه، مشهدی اسمعیل نام عطار بارفروش را کتک زده، صدمه کلی به او وارد آورده بودند که نزدیک

به هلاکت بوده، مرده بود. مراتب به عرض نواب شاهزاده احمد میرزا رسید. حکم صادر کرده، آدم فرستادند که رفته مرتکبین را گرفته بیاورد. آنها را گرفته، خدمت نواب معزی الیه آورده. موافق حکم شرع و رضای ورثه مقتول رفتار کرده، قاتلین را به قصاص عمل خود رسانیده اند.

ش 202 (پنجشنبه بیست و سوم ربیع الاول 1271) 3. * 1295/2.

دارالمرز - از قراری که در روزنامه این ولایت نوشته اند، نواب شاهزاده احمد میرزا و عالیجاه مقرب الحضرة العلیه الخاقان میرزا اسدالله در [۱] این اوقات وارد بلده ساری گردیده و به محل حکومت خود قرار گرفته اند و جمیع اهل مازندران از حسن سلوک نواب شاهزاده و عالیجاه میرزا اسدالله نهایت رضامندی و شکرگذاری دارند و امیدوارند که روزبه روز برحسن سلوک خود افزوده، اهالی آن ولایت را قرین آسودگی دارند. دیگر نوشته اند که از هشتم این ماه الی یازدهم، باران بسیار خوب در مازندران آمد به طوری که از جمیع رودخانه ها آب جاری شده و رعایا از [۱] این مرحله زیاده مشعوف و شکرگذار گردیده اند و به کار شیار زمین و تدارک زراعت مشغول می باشند. دیگر نوشته اند که عالیجاه مقرب الخاقان میرزاعلی خان، سرتیپ فوج خواجه وند و عبدالملکی، در امورات متعلقه به خود کمال نظم را معمول دارد و طایفه مزبور، که همیشه معتاد به شرارت و افساد بودند و به عابرین و مترددین آن سامان دست اندازی می کردند، در [۱] این اوقات از اهتمامات عالیجاه مشارالیه، احدی از آنها یارای حرکت خلاف ندارد و همگی با نهایت انتظام حرکت می کنند و اهالی آن اطراف از [۱] این فقره کمال آسودگی دارند.

ش 206 (پنجشنبه بیست و یکم ربیع الثانی 1271) 2-1. * 1320-1319/2.

نظر به این که در این سنوات مستمری ارباب و وظایف را در مازندران، خوب نمی رساندند و مردم از این جهت ناراضی بودند. مراتب به عرض امنای دولت علیه رسید. قرار دادند که از هذه السنه و ما بعد، مستمری ارباب و وظایف مازندران را عالیجاه میرزا اسدالله وزیر به اتفاق و اطلاع گماشته مقرب الخاقان عضدالملک به ارباب و وظایف، درست برسانند که موجب دعاگویی موظفین شود.

دارالمرز مازندران - از قراری که در روزنامه آن ولایت نوشته اند، امورات آن جا، این اوقات از حسن اهتمامات نواب احمد میرزا حکمران مازندران و عالیجاه میرزا اسدالله وزیر، انتظامی کامل دارد و از اینکه به عرایض و مطالب مردم رسیدگی می شود، اهالی آن جا کمال رضامندی و شکرگذاری دارند. دیگر نوشته اند که نواب احمد میرزا و عالیجاه میرزا اسدالله در انتظام امرچاپارخانه های آن جا اهتمام نموده و قرار گذاشته اند که هر کدام خرابی داشته باشد، تعمیر نمایند و در

کار تعمیر می باشند و سایر لوازمات چاپارخانه ها را نیز از هر جهت منظم و مضبوط دارند که برای چاپار هیچگونه معطلی نبوده باشد.

ش 207 (پنجشنبه بیست و هشتم ربیع الثانی 1271) 4،2 * 1324،1326/2.

چون شیلات مازندران و استرآباد به عالیجاهان میرعلی اکبرخان دریا بیکی و میرعبدالصمدخان از جانب دیوان اعلی واکذار گردیده، در [این اوقات شرفیاب حضور مهر ظهور خسروانی شده، مورد التفات گردیدند و به هر یک، یک ثوب جبه کرمانی خوب خلعت مرحمت گردید.

...
از قراری که در ضمن روزنامه استرآباد نوشته بودند، محمد تقی نام کردمحلّه، زنی داشته است در [این روزها فرار کرده به خانه پدر خود، که در ساری بوده است، رفته بود. شوهرش رفته او را از ساری راضی کرده آورده بود. در ثانی فرار کرده به استرآباد به خانه یک نفر از ملاهای آن جا رفته بود. شوهرش باز عقب او آمده. زن از رفتن ایا نموده؛ گفته بود می خواهم در شهر بمانم و به کردمحلّه نمی آیم. شوهرش نیز قبول کرده؛ رفته بود که اثاث البیت خود را به شهر بیاورد. وقتی که اسباب خود را برداشته، به شهر آمده بود؛ دیده بود زنش به شوهری دیگر رفته و حامله نیز هست. معلوم نیست که از شوهر اول حمل داشته یا از شوهر ثانی حمل برداشته است.

ش 208 (پنجشنبه ششم جمادی الاول 1271) 1،2 * 1332،1331/2.

از قراری که روزنامه مازندران نوشته بودند، آقاچان نامی نعلبند، که از ایام حکومت مرحوم مصطفی قلی میرزا به داروغگی آن جا برقرار بود، این اوقات سه نفر آدم های او به بازار به مطالبه هفتگی رفته بودند. از صاحب دکانی، هفتگی خواسته بودند. او در مقام امتناع برآمده بود. چوبی بر سر او زده بودند فوراً هلاک شده بود. نواب شاهزاده احمد میرزا دو نفر از آنها را تنبیه و سیاست نموده، مرخص کرده اند و یک نفر دیگر را که اصل قاتل بوده، در حبس دارند که به ورثه مقتول داده، به قصاص یا دیه امر آنها را بگذرانند.

ش 210 (پنجشنبه بیستم جمادی الاول 1271) 4،2 * 1342/2.

استرآباد- ...
دیگر نوشته اند که در [این اوقات یک کمی در دریا در سمت بارفروش طوفانی شده و غرق گردیده به قدر سی نفر از کمی مزبور غرق شده و بقیه به سلامت به ساحل رسیده اند.

مازندران- از قراری که در روزنامه این ولایت نوشته اند، نواب شاهزاده احمد میرزا به گردش بلوکات رفته بوده است. در [۱] این روزها به شهر ساری مراجعت کرده است و اهالی آن جا کمال رضامندی از حسن سلوک نواب معزی الیه و عالیجاه میرزا اسدالله وزیر دارند.

دیگر از قراری که تسعیر جنس مازندران را نوشته اند در [۱] این اوقات از [۱] این قرار است
برنج پنج من، یک هزار دینار
روغن یک من، دوریال
گوشت یک من، چهار عباسی
نان یک من، پنج شاهی
جو یک من، صد دینار
مرغ چهار قطعه، هزار دینار
شالی چهل من، سه هزار و ده شاهی
قند یک من، پنج هزار دینار
نبات یک من، هشت هزار
ماهی یک زوج، ده شاهی.

ش 215 (پنجشنبه بیست و ششم جمادی الثانی 1271) 4-3 * 1369/2-1370.

مازندران- از جمله اخباری که در ضمن روزنامه مازندران نوشته بودند، این بود که در ماه گذشته بارندگی زیاد شده، باران شدیدی آمده است و تا سه روز علی الاتصال باران آمده. باد سختی وزیدن گرفته که دریا طوفانی شده است. از قراری که نوشته بودند، بیست و هشت فروند کمی تجارتي، که بعضی مال التجاره تبعه دولت علیه و برخی مال تبعه دولت بهیه روسیه بوده است، شکسته. اکثری را طوفان دریا چنان مفقود الاثر ساخته است که تا به حال اثری از آنها ظاهر نشده است و برخی دیگر، که بارسنگین از قبیل آهن و مس داشته اند، در دریا سرنگون و غرق شده اند.

از قراری که نوشته بودند، نواب شاهزاده احمد میرزا حکمران مازندران و مقرب الخاقان میرزا اسدالله وزیر در انتظام و انضباط امور ولایت و تمهید اسباب آسودگی رعیت کمال اهتمام دارند و همچنین در رواج کارخانه شکر و تهیه و جمع آوری اسباب لازمه آن منتهای مراقبت و اهتمام به عمل می آورند و محصل تعیین کرده اند که از جمیع بلوکات آنچه نی شکر به عمل می آید، حمل به کارخانه شکر و قند ریزی کرده، قیمت آن را دریافت نمایند.

ش 216 (پنجشنبه سیم رجب 1271) 2 * 1372/2.

در روز یک شنبه گذشته اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی به میدان ارک سواره تشریف فرما گردیده؛ فوج لاریجانی و فوج جدید شقاقی و سواره چهاردولی که در میدان

حاضر شده، صف کشیده بودند. اول به ملاحظه افواج توجه فرموده، بعد از ملاحظه آنها به میان سواره تشریف بردند. امیرالامراالعظام سردار کل و سایر صاحب منصبان نظام در خدمت اقدس همایون بودند. آراستگی و انتظام سواره و نظام را تحسین فرموده ...

تفنگچی لاریجانی که برحسب امر اعلیحضرت شاهنشاهی سرباز شده و مخصوص سرکار نواب شاهزاده افخم امیر نظام گردیدند، کسر داشتند. کسر آنها را عالیجاه غلام علی خان ولد مقرب الخاقان عباس قلی خان، که سرهنگ فوج است، گرفته به رکاب همایون آورده و در روزی که در صد روزنامه نوشته شده از نظر مبارک گذشته و مقرر شد که به آنها تفنگ سربازی داده شود و داخل فوج باشند.

ش 219 (پنجشنبه بیست و چهارم رجب 1271) 3، 1. * 1383/2، 1385.

مازندران- از قراری که در روزنامه مازندران نوشته اند، در روز عید نوروز سلطانی، نواب شاهزاده احمد میرزا حکمران مازندران مجلس عید را بسیار باشکوه و آراستگی ترتیب داده. علما و فضلا و خوانین و اعیان ولایت در آن مجلس حاضر شده اند و خطبه به نام اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی خوانده شده. روز عید و روز بعد عید را هم شب ها چراغان کرده و روزها اساس جشن فراهم آورده اند.

دیگر نوشته بودند که اهالی مازندران کمال رضامندی از حسن سلوک نواب شاهزاده و مراقبت عالیجاه میرزا اسد الله وزیر دارند و نواب معزی الیه همه روزه از طلوع آفتاب تا دو ساعت از شب گذشته، در دیوانخانه نشسته، به عرایض مردم و امور ولایتی رسیدگی می نمایند.

دیگر نوشته اند که در روز سیزدهم ماه رجب، که یوم عید مولود جناب ولایت مآب امیرالمومنین علی ابن ابیطالب علیه السلام بود، نواب شاهزاده مجلس عید مانند اعیاد بزرگ، که رسم این دولت علیه است، منعقد نموده و شهر را آیین بسته و چراغان نموده اند و جمیع اعیان و اشراف ولایت و خوانین عظام و صاحب منصبان نظام به مجلس مزبور حضور به هم رسانده، عید خوبی با کمال شکوه و آراستگی گرفته بودند.

دیگر نوشته بودند که چند روز بعد از عید نوروز باران شدیدی در مازندران باریده و بعد از آن برف زیاد در آن ولایت آمده است به طوری که در همه جا از بلده و بلوکات به قدر یک چارک برف در روی زمین بوده است.

ش 221 (پنجشنبه نهم شعبان 1271) 4. * 1396/2.

مازندران- از قراری که در روزنامه این ولایت نوشته اند، در [1] این اوقات که بشارت جنگ خراسان و شکست قشون اورگنجی را امنای دولت علیه به نواب احمد میرزا حکمران مازندران نوشته بودند، نواب معزی الیه این مژده را گوشزد جمیع اهالی مازندران نموده، لوازم خورسندی و شادمانی را معمول داشته اند.

دیگر نوشته اند که چند نفر دزد در مازندران به هم رسیده اند که به طور غریب سرقت می کنند. اول آمده در خفیه و بی خیر، خانه ای را آتش می زنند. اهل محله که خیردار می شوند به جهت خاموش کردن آتش می روند. در [۱] این بین دزدان فرصت کرده به قدرمقدور اسباب از خانه های مردم به سرقت می برند. نواب شاهزاده و احمد میرزا در [۱] این باب قدغن اکید کرده اند که در تجسس باشند و مرتکبین این اعمال را بدست بیاورند ولی تابه حال کسی از [۱] این اشخاص به دست نیامده است و از قرار تقریر بعضی می گفته اند که این اشخاص از طایفه ضاله بابی می باشند.

دیگر نوشته بودند که اهالی مازندران از حسن سلوک و رفتار نواب شاهزاده احمد میرزا و مقرب الخاقان میرزا اسدالله وزیر کمال شرف و رضامندی را دارند. خصوصاً نواب شاهزاده به عرایض مردم رسیدگی می نمایند و اگر نسبت به کسی تعدی و اجحافی شده باشد، در مقام رفع آن برمی آیند.

دیگر در ضمن روزنامه مازندران نوشته بودند در [۱] این اوقات ضعیفه [ای] به حمام رفته، عصر بیرون آمده و به محض رسیدن به خانه فوراً درگذشته بود.

ش 223 (پنجشنبه بیست و سوم شعبان 1271) 4-5 * 1409-1408/2.

[در گزارشی از استرآباد آمد:]

از قراری که در روزنامه این ولایت نوشته اند، در [۱] این اوقات از اهمات مقرب الخاقان محمد ولی خان بیگلربیگی استرآباد، کمال امنیت و انتظام در آن جا حاصل است و احدی از نوکر باب و غیره مصدر حرکتی خلاف حساب نمی تواند بشود و اگر احیاناً از کسی خلاف حسابی ناشی و صادر شده باشد، در مقام تنبیه و تادیب بر می آید. از جمله دو نفر از غلامان ابوابجمعی عالیجاه قلی خان یوز باشی، دو راس مادیان از بلوکات مازندران سرقت کرده بودند. عالیجاه محمد جعفر خان نایب بعد از استحضار، آن دو نفر غلام را تنبیه مضبوط نموده و مادیان ها را به دست امینی سپرده است تا صاحبانشان پیدا بشود.

ش 229 (پنجشنبه ششم شوال 1271) 4 * 1438/2.

امورات قشونی- فوج بندپی جمعی عالیجاه نصرالله خان سرهنگ که احضار دارالخلافه شده بودند، حسب الامر مأمور ساخلو [ی] اصفهان شدند. انعام به آنها مرحمت گردیده.

ش 233 (پنجشنبه چهارم ذیقعد 1271) 3 * 1461/2.

چون در ماه مبارک رمضان عالیجاه حکیم پولاک معلم به سفر مازندران رفته و امر مریضخانه را که متعلق به مشارالیه بود، به دونفر شاگرد از مرتبه اول که میرزا علی نقی و میرزا حسین باشند، واگذار کرده بود و میرزا علی نقی ناخوش شده؛ رسیدگی امر مریضخانه به میرزا حسین انحصار یافته و خوب از عهده برآمد و از قرار تصدیق عالیجاه جعفر قلی خان سرتیپ بیست و هشت نفر مریض سرباز به اهتمام و معالجه مشارالیه صحت یافته. لهذا دو طاقه شال از جانب سنی الجوانب ملوکانه به رسم خلعت مرحمت شد ...

ش 234 (پنجشنبه یازدهم ذیقعده 1271) 2. * 1466/2.

میرزا حسین ولد مرحوم میرزا احمد طبیب تنکابنی که در قواعد طب مهارت دارد و از جمله شاگردهای ارشد از مرتبه اول است، کتابی در امراض نسا که در عهد محمد علی پاشا در مصر [به] کمال دقت از فرانسه به عربی ترجمه شده، مشارالیه به فارسی ترجمه می کند و بسیار به کار خواهد آمد و نفعش عام خواهد بود.

ش 235 (پنجشنبه هیجدهم ذیقعده 1271) 2. * 1472/2.

اردوی همایون- اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی از آن محل بیلاق لار که تشریف داشتند در روز 23 ماه گذشته حرکت به سمت پائین رودخانه لار به محل موسوم به بستک فرموده. دوسه روز آن جا تشریف داشتند. باران شدید و تگرگ زیاد در شب بیست و پنجم آمده به طوری که سیل از رودخانه ها و بعضی جای های دیگر جاری گردید. از آن جا موکب همایون به قریه افجه، متعلق به جناب امجد اشرف ارفع صدراعظم، تشریف فرما گردیده. لوازم پای انداز و قربانی و پیشکش از جانب متعلقان جناب معظم به عمل آمد. چون خود جناب امجد ارفع و جناب نظام الملک بر حسب اذن و اجازت اعلیحضرت شاهنشاهی، به جهت رسیدگی امور ولایتی و دیدن متعلقان اهل ولایت از بیلاق لار چند روز مرخص شده. به نور رفته بودند و درروز تشریف فرمایی موکب همایون به افجه، به رکاب نصرت انتساب معاودت نمودند ...

ش 238 (پنجشنبه نهم ذیحجه 1271) 1. * 1489/2.

مرحوم میرزا ابوالقاسم خان، که از منسوبان جناب اشرف امجد ارفع صدراعظم بود، در بلده نور به رحمت ایزدی پیوسته. نعش او را به دارالخلافه مبارکه آوردند...

ش 239 (پنجشنبه شانزدهم ذیحجه 1271) 2. * 1498/2.

کرمانشاهان و کردستان وگروس و گیلان و مازندران و نهاوند و همدان ویزد- از [۱] این ولایات نیز در [۱] این هفته اخباری نرسیده است.

ش 241 (پنجشنبه سلخ ذیحجه 1271) 6 * 1516/2.

بروجردو بسطام و خراسان و خمسه و دارالمرزو سمنان- از [۱] این ولایات نیز در این هفته اخباری نرسیده است.

ش 242 (پنجشنبه هفتم محرم 1272) 4 * 1522/2.

بروجردو بسطام و خراسان و خمسه وخوانسارو دارالمرزوعراق و عربستان- از [۱] این ولایات نیز در این هفته اخباری نرسیده است.

ش 243 (پنجشنبه چهاردهم محرم 1272) 4 * ، 1530/2.

[در گزارشی از اصفهان آمد]: ... و سرباز مازندرانی را به دقت تمام، سان دیدند. چون سرباز مازندرانی، زیاده مریض داشتند. وجهی به جهت مداوا، به آنها انعام نموده، مقرر داشتند که اطبا مشغول معالجه و مداوای آنها باشند.

...

دارالمرزودامغان و سمنان- از [۱] این ولایات نیز در این هفته اخباری نرسیده است.

ش 244 (پنجشنبه بیست و یکم محرم 1272) 3، 5 * 1534/2 ، 1535.

قم و کاشان و کرمان و کرمانشاهان وگروس و کردستان و گیلان و مازندران و ملایر و نهاوند و همدان ویزد- از [۱] این ولایات نیز اخباری نبود.

ش 245 (پنجشنبه بیست و هشتم محرم 1272) 4 * 1542/2.

گیلان و مازندران ونه‌اوند و همدان ویزد- از [ا]ین ولایات نیز در این هفته اخباری نرسیده است.

ش 246 (پنجشنبه ششم صفر 1272) * 8. 1550/2.

دارالمرز- از قراری که در روزنامه مازندران نوشته بودند، این اوقات از قرار تقریر اهل کشتی، یک فروند کشتی از میرزا باقر نام گیلانی به جهت خریدن نمکف از دهنه رودخانه سفید رود داخل دریا شده. خود میرزا باقرهم در آن کشتی بوده و یک پسر و یک نوکرو چهار نفر عمله همراه او داشته است. بعد از آن که دو سه روز در دریا رفته اند یک روز نزدیک به غروب یک فروند لتکا از دور پیدا شده. میرزا باقر به احتیاط اینکه شاید ترکمان دزد باشد توپ و تفنگی که در کشتی داشته مستعد نموده. وقتی که نزدیک شده بودند معلوم شده بود سه نفر ترکمان در آن لتکا مشرف به غرق هستند و لتکای آنها شکسته است. میرزا باقر از بابت خلاصی آنها آن سه نفر را به کشتی خود آورده با خود چند روز آنها را در آن کشتی نگاه داشته، متوجه شده بود. در این بین آن چهار نفر عمله مزدور با ترکمانان مزبور کنکاش کرده بودند که میرزا باقر را به قتل برسانند. یک روزی میرزا باقر با پسر و نوکرش هر سه خوابیده بوده اند. اول میرزا باقر را مقتول کرده و به دریا انداخته بعد از آن پسرش را نیز کشته و به دریا افکنده. پس از آن وحشت کرده بودند که شاید کسی در دریا به آنها بر بخورد خود را به کنار کشیده و کشتی را سوراخ کرده، غرق نموده بودند و در خشکی قصد قتل آدم میرزا باقر را کرده. مشارالیه آغاز جزع و فزع و فریاد نموده بود. در آن حین چند نفر سوار عبدالملکی که به جهت محافظت کنار دریا می رفته اند، فریاد و عجز آن شخص را شنیده، آمده آنها را گرفته. مقیدا محبوسا به ساری آورده اند. مراتب به عرض خاکپای همایون رسیده. مقرر فرمودند که آن چند نفر ترکمان را در ساری به سزای عمل خودشان برسانند و در باره آن چند نفر سواره عبدالملکی، که خدمت کرده بودند، بذل التقات شود.

...
[در گزارشی از کرمانشاهان آوردند که در راه خانقین به نجف به زایرین حمله می برند]
...از جمله از قراری که نوشته بودند این اوقات زیاده از چهارصد نفر زوار مازندرانی ورشتی را در کاروانسرای خانزاد، که در چند فرسخی بغداد است، یکجا برهنه کرده اند و نه مرد و سه زن را مقتول و چند نفر را زخم‌دار کرده اند و اموال و اسباب زیادی، به قدر بیست سی هزار تومان، از آنها را به غارت برده اند. که آنچه داشته اند همه را از دستشان گرفته اند.

ش 247 (پنجشنبه سیزدهم صفر 1272) * 6. 1556-1555/2.

خمسه و دارالمرزو سمنان و شاهرود- از [ا]ین ولایات نیز در این هفته اخباری نرسیده است.

ش 248 (پنجشنبه بیستم صفر 1272) 4 * 1562/2.

کردستان وگروس و وگیلان ولرستان و مازندران ونهوند و همدان- از [ا]ین ولایات نیز در این هفته اخباری نبود.

ش 249 (پنجشنبه بیست و هفتم صفر 1272) 8 * 1574/2.

قزوین و قم و کاشان و گروس و کردستان و کرمانشاهان و کرمان و گیلان و مازندران و همدان- از [ا]ین ولایات نیز در این هفته اخباری نبود.

ش 251 (پنجشنبه یازدهم ربیع الاول 1272) 7 * 1589/2.

خمسه و دارالمرز و سمنان و شاهرود- از [ا]ین ولایات نیز در این هفته اخباری نبود.

ش 252 (پنجشنبه هیجدهم ربیع الاول 1272) 6 * 1595/2.

نظر به ظهور مرحمت ملوکانه در باره عالیجاه محمد قلی خان نوری ، غلام پیشخدمت و شایستگی و اهتمامات او در انجام خدمات دیوانی، در این اوقات حسب الامر سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی به حکومت تربت حیدریه سرافراز گردیدو فرمان مهر لمعان همایون شرف صدور یافته و خلعت حکومت نیز به او مرحمت شد.

ش 253 (پنجشنبه بیست و پنجم ربیع الاول 1272) 2 * 1600/2.

بسطام و خراسان و خمسه و دارالمرز - از [ا]ین ولایات در این هفته اخباری نبود.

ش 253 (پنجشنبه بیست و پنجم ربیع الاول 1272) 4 * 1602/2.

[در گزارشی از تهران ، از کسانی یاد شد که غله را انبار کرده و به نانواها نمی دهند. در این میانه " سادات لاریجانی " هم دیده می شود.]

ش 254 (پنجشنبه سیم ربیع الثانی 1272) 3 * 1607/2.

گروس و گیلان و مازندران و ملایر و نهاوند و همدان و یزد- از [ا] این ولایات نیز در این هفته اخباری نرسیده است.

ش 254 (پنجشنبه سیم ربیع الثانی 1272) 8 * 1612/2.

... حکامی که همه ساله در شب عید نوروز در وقت سلام تحویل حمل باید در حضور همایون حاضر باشند... مازندران....

ش 255 (پنجشنبه دهم ربیع الثانی 1272) 3 * 1615/2.

خمسه و دارالمرز و سمنان و عراق و فارس - از این ولایات نیز در این هفته اخباری نبود.

ش 255 (پنجشنبه دهم ربیع الثانی 1272) 6 * 1618 /2.

خمسه و دارالمرز و سمنان و شاهرود و عراق و فارس و قزوین و قم و کاشان و کردستان و گروس و کرمانشاهان- از [ا] این ولایات نیز در این هفته اخباری نبود.

ش 256 (پنجشنبه هفدهم ربیع الثانی 1272) 3 * 1623 /2.

آذربایجان و اصفهان و استرآباد و بروجرد و بسطام و خراسان و خمسه و دارالمرز و سمنان و شاهرود و عراق- از [ا] این ولایات در این هفته اخباری نبود.

ش 256 (پنجشنبه بیست و چهارم ربیع الثانی 1272) 2 * 1628 /2.

[در گزارشی از آذربایجان از دزدی " خانه عالیجام محمد اسمعیل خان نوری" یاد شد].
ش 258 (پنجشنبه غره جمادی الاول 1272) 3 * 1637 /2

استرآباد و اسدآباد و بروجرد و بسطام و خراسان و خمسه و دارالمرز و سمنان و عراق- از [ا] این ولایات در این هفته اخباری نبود.

ش 258 (پنجشنبه غره جمادی الاول 1272) 6 * 1640 /2.

خمسه و دارالمرز و سمنان و شاهرود - از [۱] این ولایات نیز در این هفته اخباری نرسیده است.

ش 259 (پنجشنبه هشتم جمادی الاول 1272) 5. * 1645 / 2.

قم وکاشان وکردستان وگروس وکرمانشاهان وکرمان و گیلان و مازندران و ملایر و نهاوند وهمدان- از [۱] این ولایات نیز در این هفته اخباری نرسیده است.

ش 260 (پنجشنبه پانزدهم جمادی الاول 1272) 7. * 1655 / 2.

چون شکر مازندران را اولیای دولت علیه مقرر فرمودند در کارخانه دولتی سفید کنند که به مصارف کافه ناس برسد لهذا امر و مقرر فرمودند که دیگر شکر مازندران را برای فروش به خارج نبرند. حکام ولایات اذن دارند که قدغن نمایند در گمرگخانه های عرض راه هر کس بعد از [۱] این شکر مازندران را به ولایات خارجه ببرد، مانع شده نگذارند و برگردانند که شکر برای سفید کردن و فور به هم رساند.

گیلان و مازندران و ملایر و نهاوند وهمدان و یزد- از [۱] این ولایات نیز در [۱] این هفته اخباری نبود.

ش 261 (پنجشنبه بیست و دویم جمادی الاول 1272) 1-2، 5. * 1658-1657/3، 1661.

خمسه و دارالمرزو عراق و فارس و قزوین و قم وکاشان و کرمانشاهان وکرمان و غیره- از [۱] این ولایات نیز اخباری نبود.

ش 262 (پنجشنبه بیست و نهم جمادی الاولی 1272) 4. * 1669/3.

اسدآباد و اصفهان و بروجرد و خراسان و دارالمرز و سمنان و عراق- از [۱] این ولایات نیز در [۱] این هفته اخباری نبود.

ش 264 (پنجشنبه پانزدهم جمادی الثانی 1272) 4. * 1684/3.

مازندران- از قراری که در روزنامه مازندران نوشته بودند، نواب شاهزاده و الایبار لطف الله میرزا که از دربار همایون به حکومت آن ولایت مامور گردیدند، در پنجم شهر جمادی الثانی وارد آن جا شده اند. عالیجاه مقرب الخاقان میرزا اسدالله وزیر و اعیان و اشراف و اهالی ولایت لوازم استقبال و احترام را در ورود نواب معزی الیه به عمل آورده اند و بعد از ورود مجلسی به وجود علما و اعزه و اعیان انعقاد داده؛ صرف شربت و شیرینی و مبارکبادی حکومت به عمل آمده، تقدیم به دعاگویی ذات اقدس همایون شاهنشاهی نموده اند.

ش 265 (پنجشنبه بیست و یکم جمادی الثانی 1272) 8. * 1696/3.

مازندران- از قراری که در روزنامه مازندران نوشته اند، قبل از ورود نواب شاهزاده و الایبار لطف الله میرزا به آن جا، عالیجاه مقرب الخاقان میرزا اسدالله وزیر برای ساختن بروج و قلعتات زاغ مرز و ناصر آباد به جهت سکناى طایفه عبدالملکی به اتفاق عالیجاه علی خان مهندس به فرح آباد رفته و شش روز در آن جا توقف نموده و مکان بروج و بدنه و غیره آن جاها را تشخیص داده و معمار و بنا و عمله و مصالح کار مهیا نموده و در آن جا به جهت حفر خندق و نهر زاغ مرز و اصلاح خندق حسین آباد و حفر خندق جنب قلعه مبارکه ناصر آباد، به سمت ناصر آباد رفتند و قریب پانصد نفر عمله به دستور العمل عالیجاه علی خان مهندس به کار حفر نهر و خندق انداخته و دو شب هم در آن جا توقف کرده، بعد از قرار انتظام امر آنها به ساری مراجعت نموده است و در بیست و پنجم ماه جمادی الاول علی خان مذکور آدمی فرستاده بوده است که خندق قلعه زاغ مرز به انجام رسیده و مشغول انجام سایر کارهای محوله می باشند.

دیگر نوشته اند که عالیجاه مشارالیه در انتظام امر ولایت و رفاه و آسودگی رعیت اهتمام زیاد نموده از جمله محمد علی نامی در خارج شهر به شراب فروشی و شرب و شرارت مشغول بوده است. فرستاده خانه او را خراب نموده و خود او را نیز گرفته، بعد از تنبیه اخراج بلد کرده و بعضی اشرار و اوباش دیگر که در ساری مشغول مناهی و افساد و هرزگی بودند و علما و اعزه ولایت از آنها شکایت داشتند؛ همه را از شهر اخراج نموده و اهالی آن جا کمال شکر گذاری از [این] مرحله دارند و همچنین در وصول و ایصال مالیات دیوانی با رعایا به حسن سلوک رفتار می نمایند به طوری که رعایای بدون محصل، هر یک مالیات خود را آورده حساب خود را می پردازند. در باب نوکر آن ولایت نیز برحسب حکم اولیای دولت قاهره سرکردگان پیاده و سواره را احضار و التزام ده روزه از آنها گرفته است که دسته به دسته نوکر را حاضر ساخته، سان بدهند و به موجب و جیره و غایب و متوفای آنها به دقت رسیدگی شود.

ش 266 (پنجشنبه بیست و هشتم جمادی الثانی 1272) 7. * 1703/3.

[از دانشجویان دارالفنون] میرزا نصرالله ولد مرحوم میرزا کوچک نوری ، صاحب نشان مس بود. مستحق نشان نقره گردید و بیست تومان بر شصت تومان موجب سابق او افزوده شد.

ش 269 (پنجشنبه بیستم رجب 1272) * 5. 1723/3.

از شاگردان دارالفنون- مرتبه سیم که در شهر شوال به مدرسه آمده اند و هنوز مستحق نشان و موجب نشده اند، بعد قرار آنها داده خواهد شد... میرزا حسن برادرزاده مرحوم فتح علی خان نوری... باباخان ولد سید حسن خان فیروزکوهی... بدون مرتبه جدید. شهر جمادی الاولی که در امتحان آینده قرار آنها داده خواهد شد- میرزا مهدی ولد میرزا اشرف مازندرانی. میرزا رضا ولد ایضا...

شاگردان توپخانه- مرتبه اول- ... مصطفی قلی خان ولد عالیجاه مرتضی قلی خان نوری صاحب نشان نقره بود. چون در این امتحان خوب ترقی کرده بود ،مستحق نشان طلا گردیده و پنجاه تومان بر شصت تومان موجب سابقش افزوده شد... .

...
عالیجاه میرزا زکی مترجم، یاور توپخانه در خدمات خود کوتاهی ننموده است...
گروس و گیلان و مازندران و ملایر و نهاوند- از [] این ولایات نیز در [] این هفته اخباری نبود.

ش 270 (پنجشنبه بیست و هفتم رجب 1272) 2-3، 5، 8. * 1728/3-1729، 1731، 1734،

تفصیل باقی شاگردان علم پیاده نظام و سایر اهالی دارالفنون- مرتضی قلی خان ولد عالیجاه محمد اسمیل خان نوری صاحب نشان مس بود. مستحق نشان مطلا شده و پنجاه تومان بر دویست تومان موجب سابق او افزوده گردید...

شاگردان جدیدی سواره نظام که در علم هندسه و توپخانه بودند و ترقی نکرده بودند، چون درس سواره نظام آسان تر بود جزو شاگردان سواره نظام شدند... میرزا باقر نوری...

از شاگردان پولاک - مرتبه اول-... میرزا محمد حسین تنکابنی صاحب نشان مس و پنجاه تومان موجب او بود. در [] این امتحان نشان نقره باو مرحمت شد... شاگردان جدید که در امتحان آینده قرار آنها داده می شود- میرزا حبیب الله ولد میرزا احمد تنکابنی...

قزوین و قم و کاشان و کردستان و گروس و کرمانشاهان و کرمان و گیلان و مازندران و ملایر و نهاوند و همدان- از [] این ولایات نیز اخبار تازه ای نبود.

ش 271 (پنجشنبه چهارم شعبان 1272) 3-5، 7. * 1737/3 - 1739، 1741.

[از دانشجویان زبان فرانسه در دارالفنون که برای آموزش زبان فرانسه برگزیده شدند. از " میرزا نصرالله نوری" نیز یاد شد].

ش 272 (پنجشنبه یازدهم شعبان 1272) 4. * 1746/3.

مازندران- از قراری که در روزنامه مازندران نوشته اند، نواب مستطاب لطف الله میرزا حکمران مازندران و مقرب الخاقان میرزا اسدالله وزیردرانتظام امورنوکر و رعیت آن ولایت نهایت مراقبت را دارند. عالیجاه میرزا حبیب الله که مامور سان نوکر آن جا در رساندن مواجب آنها بود، تمامی نوکر آن جا را در حضور نواب معزی الیه به دقت سان دیده و قلیلی که از مواجب آنها باقی مانده بود، مقرب الخاقان میرزا اسدالله وزیر در حضور به آنها عاید ساخته است.

ش 272 (پنجشنبه یازدهم شعبان 1272) 7. * 1749/3.

مازندران- از قراری که در روزنامه مازندران نوشته اند، معادن گلوله ریزی آن جا بسیار خوب و منتظم و کارخانه های معادن کلا در کار گلوله ریزی می باشند و نواب مستطاب شاهزاده لطف الله میرزا حکمران مازندران وجه کرایه گلوله را به جهت حمل و نقل از مازندران به قورخانه دارالخلافه مبارکه مقرر داشته اند مقرب الخاقان میرزا اسدالله وزیر مازندران داده است و گلوله حمل و نقل می شود و تنخواهی نیز که سابقا به جهت کرایه حمل گلوله داده شده بود، نواب معزی الیه محصل تعیین کرده، فرستاده اند که اگر مباشر گلوله را تحویل قورخانه مبارکه دارالخلافه نموده است، قبض مباشرین قورخانه را بنماید والا حکما حمل و نقل دارالخلافه مبارکه نموده به قورخانه تحویل بدهد. و همچنین امور کارخانه شکر سازی و قندریزی مازندران نوشته اند که بسیار خوب رواج به هم رسانده و حاجی یعقوب و استاد نورمحمد قناد را که اولیای دولت قاهره به جهت امر کارخانه مزبور فرستاده بودند، به آن جا رسیده و در کار می باشند. کسانی که شکر داشتند بعضی انبار کرده اند که به قیمت گران بفروشدند. نواب شاهزاده لطف الله میرزا در [این باب] قدغن کرده و آدم فرستاده اند که هر کس شکر دارد حکما به قیمت وقت به کارخانه دولتی فروخته، قیمت آن را نقد دریافت نماید و به خارج نیز موافق حکم اولیای دولت قاهره کسی شکر نبرد. از آن وقت شکر در کارخانه مزبور فراوان و امور قندریزی رواج و رونق خوب به هم رسانده و در کاشتن و به عمل آوردن شکر نیز اهتمام زیاد شده و بیشتر از سال های دیگر کاشته اند.

دیگر نوشته اند که در ایام عید در مازندران سه روز لاینقطع بارندگی شدید شد به طوری که عبور و مرور میسر نبود و خبر رسیده بود که در آن ایام بارندگی در دریا طوفان شده،

سه فروند کشتی، از مال رعایای سرخه رود، از شدت لطمات امواج غرق شده و اموال و آدمی که در میان آنها بود، همه تلف شده بودند. دیگر نوشته بودند که حفر نهر زاغ مرز که به جهت سکناى طایفه عبدالملکی وزارت آنها معین شده بود، در این اوقات به مراقبت مقرب الخاقان میرزا اسدالله پیشکار و حسن اهتمام عالیجاه علی خان قاجار مهندس به اتمام رسیده و به قدر دوازده سنگ آب از رودخانه به نهر مزبور جاری کرده اند و طایفه مزبوره در کار تقسیم کردن زمین به جهت زرع و کشت می باشند و نهایت شغف و خرسندی را دارند که زمین و آب آنها بهتر از زمین و آبی است که در یورت سابق داشتند و نواب شاهزاده لطف الله میرزا نیز عزیمت دارند که در این اوقات به سرکشی قلجیاتی که برای سکناى طایفه مزبوره ساخته شده، بروند و امور آنها را منتظم کرده سان خانوار و سواره موجودی آنها را به بینند.

ش 273 (پنجشنبه هیجدهم شعبان 1272) 4. * 1754/3.

گروس و کرمانشاهان و کرمان و گیلان و مازندران و ملایر و نهاوند و همدان- از [۱] این ولایات نیز در [۱] این هفته اخباری نبود.

ش 275 (پنجشنبه سیم رمضان 1272) 5. * 1773/3.

مازندران و ملایر و نهاوند و همدان و یزد- از [۱] این ولایات نیز در [۱] این هفته اخباری نبود.

ش 276 (پنجشنبه دهم رمضان 1272) 6. * 1782/3.

مازندران و ملایر و نهاوند و همدان و یزد- از [۱] این ولایات نیز در [۱] این هفته اخباری نبود.

ش 278 (پنجشنبه بیست و چهارم رمضان 1272) 3. * 1795/3.

نظر به قابلیت و شایستگی مرتضی قلی خان ولد عالیجاه مقرب الخاقان محمد اسمعیل خان نوری و اهتمامات او در انجام خدمات محوله به خود، در این اوقات موافق حکم نظامی به منصب سرهنگی سرافراز گردید.

...
مازندران- از قراری که در روزنامه مازندران نوشته اند نواب شاهزاده و الایثار لطف الله میرزا و مقرب الخاقان میرزا اسدالله وزیر که به جهت بازدید و سان طایفه عبدالملکی و

رساندن مواجب و رسیدگی به قلعجات و جاهایی که برای آنها ساخته شده، رفته بودند. بعد از ورود به آن جا، نظم تمام در میان ایل مزبور داده و سان نوکر آنها را دیده، موجبشان را نفر به نفر در حضور دادند و به نهر و آب و قلعجات و زراعت آنها رسیدگی نموده، آنچه لازم زراعت داشتند از بذرو عوامل و سایر مصالح الاملاک قدغن نمودند و برای آنها تدارک شده با کمال فراغت و آسودگی مشغول رعیتی و زراعت می باشند.

...
کاشان و کردستان و گروس و کرمانشاهان و کرمان و گیلان و مازندران و ملایر - از [۱] این ولایات نیز در این هفته اخباری نبود.

ش 279 (پنجشنبه غره شوال 1272) 1، 4، 3 * 3 / 1799، 1801، 1808.

دارالمرزمازندران - از قراری که در روزنامه مازندران نوشته اند، کمال امنیت و آسودگی به جهت اهالی و سکنه آن ولایت حاصل است و رعایا و برابرا در عین فراغت و رفاه، به دعای بقا و سلامتی وجود فایض الجود همایون و ازدیاد جاه و شوکت دولت ابد مقرون، مشغول می باشند. نواب شاهزاده لطف الله میرزا در اوایل ماه مبارک رمضان به بلده بارفروش رفته، به امور آن جا رسیدگی نموده و کارهای آن جا را منتظم کرده. در نهم ماه مزبور به بلده ساری مراجعت نموده اند و به کار نوکر و رعیت به دقت رسیدگی می نمایند و عموم اهالی آن ولایت کمال رضامندی از حسن سلوک و غوررسی نواب معزی الیه و مقرب الخاقان میرزا اسدالله پیشکار آن ولایت دارند.

دیگر نوشته اند که در بیست و دویم ماه مبارک رمضان قبل از ظهر، زلزله شدیدی در آن ولایت وقوع یافت ولی بحمدالله خرابی و اذیتی نرساند.

دیگر از قراری که تسعیر اجناس مازندران را نوشته اند نان یک من، ده شاهی و برنج یک من، هفت شاهی و سی صد دینار و روغن یک من، سه هزار و گوشت یک من، چهارعباسی و قند رسمی و جوهری یک من، پنج هزار و شش هزار و سایر ماکولات به این قرار مسعر [۱] است.

ش 281 (پنجشنبه پانزدهم شوال 1272) 3-4 * 3 / 1813-1814.

مازندران و ملایر و نهاوند و همدان و یزد - از [۱] این ولایات نیز در [۱] این هفته اخباری نبود.

ش 282 (پنجشنبه بیست و دویم شوال 1272) 6 * 3 / 1822.

گروس و کرمان و گیلان و مازندران و ملایر و نهاوند و همدان و یزد - از [۱] این ولایات نیز اخباری نبود.

ش 284 (پنجشنبه هفتم ذیقعد 1272) 5 * 3 / 1833.

مازندران و ملایر و نهاوند و همدان و یزد- از [۱] این ولایات نیز اخباری نبود.

ش 285 (پنجشنبه چهاردهم ذیقعدہ 1272) .7 * 1841/3.

دارالمرزمازندران- از قراری که در روزنامه مازندران نوشته اند، امور آن ولایت از حسن مراقبت نواب مستطاب لطف الله میرزا و مقرب الخاقان میرزا اسدالله وزیر، قرین انتظام و انضباط است و امر کارخانه شکرریزی و قند سازی دولتی خوب و منتظم است و استاد و عمله کارخانه مزبور درکارند و عیب و نقصی در امر آنها نیست و در [۱] این اوقات که محل یورت طایفه عبدالملکی در امیرآباد و حسین آباد مشخص گردیده و قلعات و نهر آب و محل زراعت آنها درست و معین گردیده، آسوده خاطر به امر زراعت و رعیتی خود مشغولند. نواب مستطاب شاهزاده و مقرب الخاقان وزیر آدم فرستادند که بقیه ایل مزبور را که در بلوکات بارفروش و سایر جای ها متفرق بودند، کوچانده به امیرآباد و حسین آباد ببرند که مانند سایرین در آن جا مشغول رعیتی باشند.

ش 288 (پنجشنبه پنجم ذیحجه 1272) .3 * 1859/3.

خوانسار و گلپایگان و سمنان و عراق و فارس و قزوین و قم و کاشان و کرمان و کرمانشاهان و کردستان و گروس و گیلان و مازندران و ملایر و نهاوند و همدان- از [۱] این ولایات نیز در [۱] این هفته اخباری نبود.

ش 289 (پنجشنبه دوازدهم ذیحجه 1272) .6 * 1868/3.

استرآباد- دیگر نوشته اند که شیر محمد نام قرآتی، در سال سابق پاره [ای] اسباب از میرزا صادق محرر دریا بیگی سابق تحویل گرفته بود که در ساری به خانه او برساند و نرسانده بود. در این اوقات مراتب به نواب شاهزاده لطف الله میرزا حکمران مازندران عرض شده، محصل گماشتند که اسباب مزبور را حکما تمام و کمال از شیر محمد مزبور بدون کسر و نقصان گرفته، به خانه میرزا صادق بدهند.

ش 291 (پنجشنبه بیست و ششم ذیحجه 1272) .4 * 1878/3.

قزوین و قم وکاشان وکردستان و گروس و کرمانشاهان وکرمان و گیلان و مازندران و ملایر و نهاوند و همدان و یزد- از [۱] این ولایات نیز در [۱] این هفته اخباری نبود.

ش 292 (پنجشنبه سیم محرم 1273) * 4.1886/3.

قزوین و قم وکاشان وکردستان و گروس و کرمانشاهان وکرمان و گیلان و مازندران و ملایر و نهاوند و همدان - از [۱] این ولایات نیز در [۱] این هفته اخباری نبود.

ش 293 (پنجشنبه دهم محرم 1273) * 3.1891/3.

گروس و کرمانشاهان وکرمان و گیلان و مازندران و ملایر و نهاوند و همدان و یزد- از [۱] این ولایات نیز اخباری نبود.

ش 294 (پنجشنبه هفدهم محرم 1273) * 3.1897/3.

کردستان وکرمانشاهان وکرمان و نهاوند و ملایر و مازندران و یزد- از [۱] این ولایات نیز اخباری نبود.

ش 296 (پنجشنبه دوم صفر 1273) * 5.1913/3.

قزوین و قم وکاشان و گروس وکردستان و کرمانشاهان وکرمان و گیلان و مازندران و ملایر و نهاوند و همدان و یزد- از [۱] این ولایات نیز در [۱] این هفته اخباری نبود.

ش 297 (پنجشنبه نهم صفر 1273) * 7.1923/3.

سمنان و عراق و قزوین و قم وکاشان وکردستان و گروس و کرمانشاهان وکرمان و گیلان و مازندران و ملایر- از [۱] این ولایات نیز در [۱] این هفته اخباری نبود.

ش 298 (پنجشنبه شانزدهم صفر 1273) * 4.1928/3.

سمنان و شاهرود و عراق و فارس و قزوین و قم و کاشان و کردستان و گروس و کرمانشاهان و کرمان و گیلان و مازندران و همدان و یزد- از [1] این ولایات نیز اخباری نبود.

ش 300 (پنجشنبه سلخ صفر 1273) * 5. 1945/3.

[درگزارشی از تهران و روابط ایران و انگلیس به "عالیجاه میرزا هاشم خان نوری" اشاره شد].

ش 307 (پنجشنبه نوزدهم ربیع الثانی 1273) * 4-3. 1999/3 - 2000.

مازندران- از قراری که در روزنامه مازندران نوشته اند، نواب مستطاب شاهزاده لطف الله میرزا حکمران آن ولایت در نظم امور ولایتی و رفاه و آسایش رعیت و انجام خدمات دیوانی اهتمام کامل به عمل می آورند.

دیگر نوشته اند که نواب شاهزاده لطف الله میرزا به اتفاق مقرب الخاقان میرزا اسدالله وزیر در بیستم ماه ربیع الاول به جهت رسیدگی امور رعایا و سرکشی کارخانه شکر ریزی دیوانی عزیمت بلده بارفروش نمودند و بعد از ورود به آن جا، فرمان مهر لمعان مبارک که در باب فتح هرات به افتخار نواب شاهزاده و اهالی مازندران شرف صدور یافته بود، دربارفروش پرتو وصول افکنده صغیر و کبیر و ضیعا شریفا آغاز مسرت و شادمانی نموده. حسب الحکم نواب معزی الیه کل اهل آن جا در مسجد جامع بارفروش جمع آمده و نواب معزی الیه خود به آن جا حاضر شدند و خطیب فرمان مهر لمعان مبارک را در بالای منبر خوانده، مضمون آن را گوشزد عموم ناس نموده. همگی زبان به شکرانه و دعا و ثنا گشوده، اظهار فرح و خرمی نمودند. پس از انقضای مجلس مزبور، نواب شاهزاده حکم به چراغان نموده. همه بازارها و دکاکین را آیین بندی و چراغان نموده. کل اهل شهر به لوازم عیش و سرور پرداخته با یکدیگر رسم تهنیت و مبارکباد را به عمل آوردند و در حضور نواب شاهزاده هم شب اسباب آتش بازی خوب فراهم آورده به عیش و سرور و جشن و شادمانی به سر بردند و همچنین در سایر بلده ها و قصبات و بلوکات مازندران اساس چراغانی و آیین بندی فراهم آورده. عالیجاه میرزا شفیع حاکم بارفروش هم در فراهم آوردن اسباب آتش بازی، اهتمام نموده بود، یک طاقه شال ترمه از جانب نواب شاهزاده به او خلعت مرحمت گردید.

ش 307 (پنجشنبه نوزدهم ربیع الثانی 1273) * 7. 2003/3.

[پشٹیانی روحانیون مازندران در جنگ با انگلیس]
از مازندران

جناب عمدة العلماء حاجی ملا عبدالله مجتهد سلمه الله
جناب عمدة العلماء حاجی ملا محمد اشرفی سلمه الله

جناب عمدة العلماء حاجی میرزا محمد تقی مجتهد زید فضلہ
جناب شرایع ودقایق مآب میرزا محمد حسین مجتهد زید فضلہ
شیخ المشایخ شیخ نصرالله فانی
سایر علما و اهالی واعیان مازندران.
ش 314 (پنجشنبه نهم جمادی الثانی 1273) * 2060/3

[دربخشی از چاره اندیشی دولت و دست اندرکاران برای تثبیت ارزش پول آمد:]
دیگر اینکه به خراسان و فارس و یزد و کرمان و مازندران و کرمانشاهان بخصوصه حکم صادر شونده مالیات دیوانی را اشرفی هیجده نخودی تمام وزن بگیرند و بر رعیت سخت نگیرند که باید ریال بدهی، بلکه اشرفی را از بابت مالیات بگیرند و قدغن شدید شود که تجار و غیره هیچکس معاملات خود را با ریال نکنند. تمسک که می گیرند و می دهند، با اشرفی قرار بدهند که معامله شود و کل معاملات تجارتنی با اشرفی باشد.
ش 315 (پنجشنبه شانزدهم جمادی الثانی 1273) * 2070/3

مازندران- از قراری که در روزنامه مازندران نوشته اند، امور آن ولایت از حسن توجهات اولیای دولت قاهره و اهتمامات نواب والا لطف الله میرزا حکمران مازندران، قرین انتظام و انضباط است و رعایا و برابرا آسوده خاطر به دعاگویی ذات اقدس همایون شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه، اشتغال دارند و سرقت و شرارت بندرت اگر اتفاق بیفتد در مقام رفع آن برمی آیند.

عالیجاه میرزا شفیع که برحسب حکم اولیای دولت علیه، به حکومت بلده بارفروش معین شده بود؛ نواب شاهزاده او را به بارفروش فرستاده و در حکومت آن جا استقلال داده اند. نوکر و ملازم اشرف [و] توابعی را نواب معزی الیه احضار نمودند. ملازم اشرفی، ابواب الجمعی عالیجاه میرزا یوسف خان سرتیپ، در سلخ ماه رجب وارد بلده ساری گردیده؛ سان داده اند ولی سایر ملازم از کلبادی، جمعی عالیجاه رضا قلی خان و نوکر طالش و غیره، هنوز حاضر سان نشده بودند.

در روز عید مولود مسعود جناب امیرالمومنین علی ابن ابیطالب صلوات و سلامه علیه و علی اولاده الطاهرین، نواب شاهزاده به لوازم احترامات عید سعید پرداخته. شب عید را چراغانی و آتش بازی نموده و روز عید مجلس سلام عام منعقد داشته. اهالی و اعیان و اشراف از علمای ذوی العز والاحترام و خوانین کرام به مجلس مزبور حاضر شده، ادای تهنیت نمودند و هم چنین در روز عید نوروز فیروز سلطانی نیز به مراسم جشن و شادمانی پرداخته، مجلس سلام منعقد شده ادای خطبه به نام اقدس همایون شاهنشاهی صان الله ایام شوکته عن التناهی و اختتام به دعای دوام و ازدیاد دولت ابد آیت نموده، سایر لوازم عید را به طور شایسته به عمل آوردند.

از قراری که در ضمن روزنامه مازندران نوشته اند، امسال ناخوشی در میان گاوهای آن ولایت افتاده و در همه جای مازندران این ناخوشی بوده است خصوصا در آمل و توابع، که خیلی گاو از [این مرض، تلف شده اند.

ش 324 (پنجشنبه بیستم شعبان 1273) * 2132/3

[در گزارشی از تهران، به چاپ و پخش "شرح قاموس فارسی" نام میرزا عبدالله منشی طبری" را آوردند. وی و چند تن دیگر، پدیدآورندگان این کتاب هستند].

ش 331 (پنجشنبه یازدهم شوال 1273) * 2179/3.

چون بعد از وقوع مصالحه دولتین ایران و انگلیس، وجود شخصی کافی به حکومت بندر بوشهر، لازم بود. لهذا عالیجاه مقرب الخاقان احمد خان نوائی، نایب ایشیک آقاسی باشی دربار همایون، که به کفایت و کاردانی و معقولیت موصوف و از قدیمی خدمتگزاران دولت قوی مکنت علیه است و در هر نوع ماموریت، آثار کفایت و شایستگی او، مشهود خاطر اقدس ملوکانه و ملحوظ اولیای دولت علیه گردیده است. لهذا در این اوقات به موجب فرمان قدرنشان همایون، به حکومت بندر بوشهر سرافراز و یک ثوب جبه ترمه اعلی به رسم خلعت مهرطلعت حکومت در حق مقرب الخاقان مشارالیه، مرحمت گردیده. این روزها به محل حکومت روانه خواهد بود.

...
نظر به خرمی و صفای باغ فردوس، خاطر اقدس همایون خسروانی مایل تفرج آن جا گردیده. در روز سه شنبه شانزدهم، تشریف فرمای باغ مزبور گردیدند... حسب الامر افواج مفصله و سواره که ملتزم رکاب بودند، در خارج دروازه کلا حاضر شده... فوج فیروزکوهی جمعی عالیجاه میرزا قاسم خان سرهنگ... فوج سوادکوهی کوهی جمعی عالیجاه میرزا کریم خان... واز سان حضور مبارک گذشته، هر یک از صاحب منصبان مورد التفات گردیده... .

ش 333 (پنجشنبه بیست و پنجم شوال 1273) * 2190-2189/3، 2192.

مازندران- از قراری که در روزنامه آن ولایت نوشته اند، نواب مستطاب لطف الله میرزا حکمران مازندران و مقرب الخاقان محمد حسن خان پیشکار آن ولایت، در انتظام امر ولایت و رفاه و آسودگی رعایا و برابری [و] انجام خدمات دیوانی مراقبت و اهتمامات وافی به عمل می آورند و نهایت انضباط در امور سرحد و ثغور حاصل است و عشر اول ماه رمضان المبارک، سی نفر سوار و یک صد نفر پیاده اشرف [و] توابعی رابه سرکردگی عالیجاه محمدجعفرخان هزارجریبی، مامور مستخفطی کنار فریضه جات نمودند و از وقت ماموریت آنها، دزدی و هرزگی طایفه ضاله ترکمانیه بالمره موقوف شده و رعایای آن سامان از این معنی، زیاده آسوده و شاکر و دعاگو می باشند.
دیگر نوشته اند که مقرب الخاقان محمد حسن خان پیشکار حاجی یعقوب بارفروشی، مباشر کارخانه شکرریزی دولتی را با استاد نورمحمد قناد از بلده بارفروش به بلده ساری خواسته، حسب الامراولیای دولت قاهره به عمل کارخانه مزبور، دقت و رسیدگی نموده. صورت عمل آنها را مطالبه نمود و بعضی اسبابشان که ناتمامی داشت، تاکید اکید نمود که تمام کنند. انشاءالله کارخانه مزبور در کمال انتظام و عنقریب منافع کلی از او حاصل شده

،رواج تمام خواهد یافت و همچنین در امور خالصجات دیوانی ،رسیدگی کامل نموده. اشخاص معتبر را متصدی امور خالصجات کرده و قدغن اکید در حسن سلوک با رعایا و ملاحظه رفاه احوال و آسودگی آنها نموده و رعایا و زارعین خالصجات کمال امیدواری را به هم رساندند و نیز یک باب کاروانسرای مشهور به کاروانسرای شاه ،واقع در بلده ساری، خراب و قریب سی سال بل متجاوز بود که اجاره و مال دیوان ازان جا حاصل نمی شد. در این اوقات مقرب الخاقان مشارالیه برآورد و تعمیر و بنایی آن جا را نموده. مصالح و اسباب کار فراهم آورده. بنا و عمله مشغول کار شدند که آن جا را به حلیه آبادی درآوردند و هم چنین نهر متعلقه به قریه مرمت که سابقا تیول نواب مستطاب شاهزاده افخم والاتبار رکن الدوله العلیه اردشیر میرزا بود و حال به خالصه دیوان معمول است، به واسطه سیل خراب و در عین زراعت، آب نهر مزبور قطع گردیده بود. مقرب الخاقان مشارالیه در هذ السنه صدتومان به رعایای آن جا تخفیف داد که نهر مزبور را تنقیه کرده، آب آن جا را جاری نموده و زراعت کنند و مبلغ مزبور را در سال آینده کارسازی دیوانیان عظام نمایند.

ش 334 (پنجشنبه سیم ذیقعه 1273) 6-7 * 2202/3 - 2203.

چون قراولی ساخلوی دیوانخانه مبارکه سلطانی و حرم خانه اعلیحضرت شاهنشاهی در نیاوران به عهده مقرب الخاقان حسن علی خان سرتیپ فوج اردبیل و مشکین بود. این اوقات که فوج او مرخصی حاصل نمودند، این خدمت به عهده مقرب الخاقان عباس قلی خان سردارلاریجانی، مفوض و مرجوع گردید که با فوج جمعی خود مشغول انجام این خدمت باشد.

ش 335 (پنجشنبه دهم ذیقعه 1273) 2-3 * 2206/3 - 2207 .

در این اوقات که موکب همایون، تشریف فرمای امامه شدند. حکومت و نظم اردوی نیاوران و شمیرانات به عهده کفایت مقرب الخاقان عباس قلی خان سردارلاریجانی، مفوض و مرجوع گردید که در غیاب موکب همایون ، اردو و قراول و غیره را منتظم دارد....

ش 336 (پنجشنبه هفدهم ذیقعه 1273) 1. * 2211/3 .

موکب فیروزی کوکب همایون که از اردوی نیاوران به بیلاق امامه تشریف فرما گردیدند. مقرب الخاقان عباس قلی خان سردارلاریجانی با فوج ابوابجمعی خود و مقرب الخاقان محمد اسمعیل خان خزانه دار نظام، حسب الامر اولیای دولت علیه به نظم اردوی نیاوران و امر کشیک و قراول مامور شدند. کمال اهتمام را در نظم اردو و قراول حرم خانه و غیره و انتظام شمیرانات به عمل آورده ...

ش 337 (پنجشنبه 24 ذی‌قعدة 1273) 5 * 3 / 2221.

عالیجاه مقرب الحضرت الخاقانیه میرزا عبدالله طبری، منشی خاصه دیوان اعلی، که سال‌ها در خدمت انشا تحریر فرامین و ارقام و مناشیر و احکام مشغول و به حسن تقریر و لطف تحریر موصوف است، چند وقت قبل کتاب شرح قاموس فارسی را به تفصیلی که در روزنامه آن اوقات اعلان شد، تالیف و ترتیب می نمود. در این اوقات کتاب مزبور صورت اتمام یافته با دیباچه تاریخ الوزرا، که به ترتیب حروف تهجی، احوال وزرای عالم از آدم تا این ایام، نوشته می شود و موسوم به مآثر الوزرا [است]، خدمت جناب اشرف امجد ارفع افخمصدر اعظم، برده. در خدمت جناب معظم الیه زایدالوصف موقع قبول و استحسان یافته. از خاضه خود یا طاقه شال کشمیری به او مرحمت نمودند و مراتب استعداد و خدمتگزاری او را معروض پیشگاه اقدس ملوکانه داشته. با دو جلد کتاب شرح قاموس، که مخصوص پیشکش حضور باهرالنور بود، شرفیاب خاکپای مبارک گردید و کتاب مزبور به نظر مهراثر همایون رسیده، تحسین و توصیف فرمودند و یک ثوب جبه ترمه در حق مشارلیه، خلعت مرحمت گردیده، حکم شاهانه شرف نفاذ یافت که کتاب مآثر الوزرا را نیز زود تمام نماید.

ش 346 (پنجشنبه 27 محرم 1274) 3 * 3 / 2289.

مازندران- از قراری که در روزنامه مازندران نوشته اند، از حسن توجهات اولیای دولت قاهره امور آن ولایت قرین انتظام کامل و کمال امنیت و آسودگی برای رعایا و برابری از هر حیث حاصل است. هرگونه نعمت، نهایت وفور را دارد و تسعیر اجناس ماکولات و غیره را از قراری که نوشته اند، گندم یک خروار بوقر مازندران، هشت هزار دینار- جو یک خروار، چهار هزار دو شاهی- شلتوک یک خروار، شش هزار و ده شاهی- برنج سه من تبریز، یک هزار دینار- گوشت یک من، دو عیاسی- نان یک من، ده شاهی- روغن یک من، چهار هزار ده شاهی- شکر یک من، هزار دینار- ابریشم یک من، شش تومان- سایر اجناس نیز به این مظنه مسعر است. اگر چه نسبت به سنوات سابق بعضی اجناس تسعیر به هم رسانده است ولی وفور دارد. دیگر نوشته اند در باب تعمیر خیابان که حسب الامر اولیای دولت علیه مقرر شده بود که ساخته و تعمیر شود که عابری در مشقت و صعوبت نباشند، مقرب الخاقان محمد حسن خان وزیر در چهاردهم ماه محرم الحرام به اتفاق عالیجاهان حاجی مصطفی خان و میرزا مسیح عزیمت محال سوادکوه نموده همه آن راه را ملاحظه و رسیدگی کرده به مودیان هر محل قدغن نمود که هرکس سامان و رسد خود را تعمیر نماید و آدم گماشت که اهتمام نموده، به زودی و استحکام به اتمام برسانند. و هم چنین در باب انتظام کارخانه شکرریزی، از جانب نواب کامیاب شاهزاده والاتبیار لطف الله میرزا حکمران مازندران و مقرب الخاقان محمد حسن خان وزیر، کمال مراقبت و اهتمام به عمل می آید و حاجی یعقوب مباشر کارخانه مزبور را آنچه مایحتاج و لوازم کارخانه که اتفاق می افتد، به

محض اظهار تدارک و انجام داده، به هیچ وجه او را معطل نمی گذارند و کارخانه مزبور خوب دایر شده و عمله جات آن جا همیشه درکارند.

و هم چنین کاروانسرای شاهی که به سبب بی اعتنایی حکام سلف، خراب و به مرور غیر مسکون و بایر شده از کار افتاده بود، مقرب الخاقان محمد حسن خان در تعمیر و آبادی آن لازمه اهتمام را به عمل آورده، در این اوقات چند حجره آن تمام گردیده و سوفال پوشی شده. سایر حجرات دیگر آن هم قریب باتمام است و این روزها در کمال استحکام به انجام و اتمام رسیده، دایر خواهد گردید.

دیگر نوشته اند که امسال محرم را در ساری بهتر از سال های دیگر، ایام عاشورا لوازم تعزیه داری جناب سیدالشهدا علیه آلاف التحية والثناء را به عمل آوردند و به جهت حصول دعاگویی ذات اقدس همایون شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه، اطعام فقرا و مساکین و ضیافت تعزیه داران از جانب نواب شاهزاده به عمل آمد.

ش 348 (پنجشنبه دوازدهم صفر 1274) 5. * 3 / 2305.

نظر به شایستگی عالیجاه میرزا سید محمد پسر مرحوم میرزا صادق لشکرنویس نوری، در این اوقات از قرار فرمان مهر لمعان مبارک، به منصب لشکرنویسی سرفراز و در ازای منصب مزبور، یک ثوب جبه ترمه کرمانی از صندوقخانه مبارکه به او خلعت مرحمت گردید.

ش 351 (پنجشنبه سیم ربیع الاول 1274) 1. * 3 / 2323.

مازندران- از قراری که در روزنامه مازندران نوشته اند، از حسن توجهات اولیای دولت علیه و کمال مراقبت نواب کامیاب شاهزاده والاتبار لطف الله میرزا حکمران مازندران، امور آن ولایت قرین انتظام و امنیت کامل در آن جا حاصل. عموم اهالی آن ولایت آسوده خاطر و مرفه الحال به دعای دولت ابد اتصال، اشتغال دارند و امور طرق و سرحد و ثغور مضبوط و قصوری در آن، متصور نیست.

دیگر نوشته اند که خلعت مهر طلعت همایون، که از جانب سنی الجوانب ملوکانه به افتخار نواب لطف الله میرزا مرحمت شده بود، در 26 شهر صفر پرتو وصول به آن جا افکنده. نواب معزی الیه با اعیان و اهالی ولایت و چاکران دیوانی به استقبال شتافتف لوازم توفیر و احترام خلعت همایون را به عمل آورده. در باغ بهارستان بلده ساری، زیب برودوش مفاخرت و مباحثات خود نموده. بعد از صرف شربت و شیرینی دو ساعت از روز بالا آمده، وارد بلده ساری گردیدند.

دیگر نوشته اند مقرب الخاقان نور محمد خان سرتیپ، کمال مراقبت را در انتظام نوکر ابوابجمعی خود دارد و سان سواره کرد و ترک را یک دفعه دیده. هر قدر از اسباب و اسلحه آنها که ناتمامی داشت، قدغن نمود که تمام کرده و در ثانی، کل سواره ابوابجمعی خود را با کمال شکوه و آراستگی بایراق و اسلحه تمام، در حضور نواب شاهزاده لطف الله میرزا، سان داده و مواجب آنها را از قرار دستور العمل دیوان اعلی به هر یک

رسانده. سواره مزبور را در کمال انتظام داشته و در انجام خدمات محوله به خود نهایت اهتمام را دارد.

دیگر نوشته اند که در باب تعمیر خیابان که به مرور خرابی یافته و در اغلب جاهای آن جا، عابرین و مترددین صعوبت می دیدند، مقرب الخاقان محمد حسن خان پیشکار مازندران، حسب الامر اولیای دولت علیه، اهتمام کافی به عمل آورده و اکثر خیابان عرض راه مازندران تعمیر شده و هر جا نیز که ناتمامی دارد بنا و عمله در کارند و عنقریب در کمال خوبی و استحکام صورت اتمام خواهد یافت و وجهی نیز که از جانب اولیای دولت علیه جهت مخارج و صرف تعمیر خیابان مرحمت شده بود، موجب مزید امیدواری و دعاگویی اهالی آن ولایت گردید.

دیگر نوشته اند که عالیجاه علی خان مهندس از دارالخلافه الباهره وارد شده، نواب شاهزاده حسب الامر اولیای دولت علیه در انجام خدمات محوله به او نهایت تاکید و اهتمام را به عمل آورده. مقرب الخاقان محمد حسن خان وجه نقد از بابت مخارج ساختن بروج و قلعات کنار فریضه جهت سکناى ایل عبدالملکی به مشار الیه داده و عمله و مصالح و اسباب کار او را به جهت فراهم آورده، او را به محل مزبور روانه نمود که رفته در آن جا، مشغول ساختن بروج و قلعه جات و انجام و اتمام خدمات محوله به خود باشد.

ش 353 (پنجشنبه هفدهم ربیع الاول 1274) 5. * 3 / 2341.

[در گزارشی از استرآباد، از "چهل نفراسیر از استرآبادی و مازندرانی" نزد ترکمن ها یاد شد.]

ش 355 (پنجشنبه غره ربیع الثانی 1274) 3. * 3 / 2363.

چون عالیجاه مقرب الخاقان نور محمد خان سرتیپ، ملازم کرد و ترک مازندران، در نظم امور نوکر ابوابجمعی خود مراتب کفایت و نیکو بندگی ظاهر ساخته، مراتب اهتمامات او در انضباط امور محوله به خود مقبول و مستحسن خاطر اقدس همایون شاهنشاهی و امنای دولت علیه افتاده، در این اوقات یک ثوب جبه ترمه کرمانی سنگین خوب از جانب سنی الجوانب ملوکانه، به رسم خلعت در حق مقرب الخاقان مشارالیه، مرحمت گردید.

ش 358 (پنجشنبه بیست و دویم ربیع الثانی 1274) 2. * 3 / 2386.

نظر به شایستگی عالیجاه ولی خان، پسر مقرب الخاقان حبیب الله خان سرتیپ تنکابنی، به موجب فرمان همایون، منصب سرهنگی فوج تنکابن به او مرحمت و یک طاقه شال کرمانی اعلی نیز از صندوقخانه مبارکه به او خلعت عنایت گردید.

ش 362 (پنجشنبه بیست و یکم جمادی الاول 1274). 1. * 2415 / 3.

[در گزارشی از تهران به فرهنگ مردم اشاره شد و آن این که از دیدگاه مردم " اولاد مرحوم ملک آرا را مازندرانی می خوانند].

ش 362 (پنجشنبه نوزده جمادی الثانی 1274). 1. * 2441 / 3.

[در گزارشی از بنیادتلگراف در تهران ، از میرزا زکی ، مترجم، یاد شد.

ش 362 (پنجشنبه بیست و یکم رمضان 1274). 2. * 2544 / 3.

مازندران- از قراری که در روزنامه مازندران نوشته اند، امور آن ولایت قرین امنیت و انتظام کامل است و نواب کامیاب لطف الله میرزا حکمران مازندران و مقرب الخاقان محمد حسن خان پیشکار آن ولایت، در انتظام امر ولایت و رفاه حال رعیت و انضباط سرحد و ثغور و انجام خدمات و مهمات دیوانی کمال اهتمام را بعمل می آورند و اهالی و رعایا آسوده خاطر و مرفه الحال بدعای دوام دولت و از دیداد شوکت ابدالتصال اشتغال دارند. دیگر نوشته اند که درین اوقات نواب شاهزاده لطف الله میرزا نواب امیرزاده فضل الله میرزا را به حکومت بلده بارفروش برقرار و عالیجاه محمد حسین خان، برادر مقرب الخاقان محمد حسن خان وزیر را که به مقبولیت و حسن سلوک معروف است، به پیشکاری نواب امیرزاده منصوب و در ششم جمادی الثانیه از ساری روانه محل ماموریت نمودند.

دیگر نوشته اند که مقرب الخاقان محمد حسن خان پیشکار و حاجی مصطفی خان و عالیجاه میرزا مسیح ، به سرکشی قلعه جات ناصراباد و کنار فریضه به زاغمرز و سایر محل سکناى ایل عبدالملکی، که حسب الامر اولیای دولت علیه می سازند، رفته و به دقت رسیدگی کردند. تاکنون سه برج مضبوط مستحکم به مباشری میرزا جعفر گماشته مقرب الخاقان محمد حسن خان و استصواب عالیجاه علی خان قاجار مهندس، ساخته شده و باقی ناتمامی کارهای آن جا را نیز اهتمام نموده اند که زود به انجام و اتمام برسانند.

دیگر نوشته اند که چون در غیاب مقرب الخاقان جعفر قلیخان ایلخانی بیگلر بیگی استرآباد، اشرار و اوباش طوایف ترکمان عرصه را خالی دیده، بنای هرزگی و دست اندازی به اطراف استرآباد گذاشته بودند. نواب شاهزاده لطف الله میرزا پس از استحضار بر این معنی معجلا سرکردگان ملازم هزارجریبی و اشرف [و]توابعی را به ساری خواسته و سان نوکر آنها را دیده و مقرب الخاقان نورمحمد خان سرتیپ نوکر کرد و ترک ابوابجمعی خود و سایر ملازم مازندرانی را جمع آوری نموده، نواب معزی الیه حسب الاشاره اولیای دولت علیه مقرب الخاقان مشارالیه را با نوکر ابوابجمعی او سان دیده، به سمت استرآباد روانه نمودند و متعاقب حرکت آنها مقرب الخاقان محمد حسن خان را مامور نمودند که رفته در گلوگاه تهیه و استعداد مامورین را به دقت ملاحظه و رسیدگی نماید که نقصی در اسباب و استعداد آنها نباشد و به دفع اشرار ترکمانیه و امنیت حول و حوش استرآباد و نظم طرق و شوارع آن سرحدات پردازند.

دیگر از قراری که تسعیر اجناس مازندران را نوشته اند گندم بوقر مازندران، خرواری دوازده هزار دینار و یک تومان و آرد خرواری، سیزده هزار و شانزده هزار دینار و شالی، خرواری شش هزار و سایر اجناس به این مظنه مسعر است.

ش 371 (پنجشنبه بیست و چهارم رجب 1274) 6. * 2482 / 3 .

[در گزارشی از رشت، از کمبود برنج درگیلان و صدور برنج مازندران به آن سامان نوشتند:]

دیگر نوشته اند که در این اوقات چون اجناس ماکولات خصوصا برنج در رشت تسعیر به هم رسانده بود و چندی قبل قرار شده بود که دکانی مخصوص در شهر رشت باشد که آنچه برنج از اطراف می آورند به آن دکان بفروشند و آن دکان دار به قیمتی که برنج را می خرد به همان قیمت به خلق بفروشد و به جهت گرفت و گیری که صاحبان برنج با مکاریان می کردند، این معنی سبب مزید علت گردیده، چندی مکاریان آوردن برنج را موقوف کردند و برنج کمیاب گردیده، مردم گرفتار عسرت شدند. مقرب الخاقان عمید الملک بعد از مراجعت از سرحد انزلی، این قرار را به هم زده، قدغن نمود که هرکس از هرجا برنج می آورد خود در شهر به هرکس می خواهد بفروشد و مبلغ یک هزار و پانصد تومان وجه نقد از خود داد که به انزلی برده، برنجی که از مازندران به آن جا می آوردند، خریده به رشت بیاورند و به هر قیمتی که وارد شهر می شود به همان قیمت به مردم بفروشند و نیز باری که از پیر بازار به رشت حمل می شد، به بهانه این که راه لای و گل است، مکاریان در [این قدر مسافت، که یک فرسخ بیشتر نیست، باری پنج هزار و شش هزار کرایه می گرفتند و این کرایه گزاف نیز یک سبب گرانی برنج و سایر ماکولات بود. در [این باب نیز قدغن اکید نموده و آدم بخصوص تعیین نمود که در آن جا مراقب و مواظب باشد که باری دو هزار دینار بیشتر کرایه نگیرند، خواه بارتجارتی باشد یا اجناس ماکولات.

ش 372 (پنجشنبه دویم شعبان 1274) 5. * 2491 / 3 .

مازندران - از قراری که در روزنامه مازندران نوشته اند، از یمن توجهات اولیای دولت علیه و حسن مراقبت نواب مستطاب شاهزاده والاتبار لطف الله میرزا حکمران دارالمرز مازندران، امور آن ولایت از هر جهت قرین امنیت و انتظام کامل و کمال آسایش و رفاه از برای رعایا و برایا حاصل است و نواب معزی الیه در نظم ولایت و رسیدگی به عرض و داد رعیت و انجام خدمات و مهمات دیوانی نهایت دقت و اهتمام را دارند. تسعیر اجناس و ماکولات آن ولایت را از قراری که نوشته اند: برنج بوقر مازندران خرواری، چهارده هزار دینار و شلتوک، خرواری هفت هزار دینار و گندم، یک تومان و

جو، پنج هزار دینار، نان یک من، ده شاهی، گوشت یک من، هزار دینار و روغن یک من، سی شاهی، ماهی چهار قطعه، ده شاهی، شکر یک من، دو هزار دینار، ابریشم یک من، چهار تومان و سایر اجناس نیز از [۱] این قرار مسعر و هر چیزی وفور داشته است. دیگر نوشته اند که امسال ناخوشی در میان گاوهای آن ولایت بروز کرده، گاو بسیار تلف گردید و اهل زراعت زمین های زراعت خشکه و آبی خود را به اسب و ماده گاو شیار کرده، بذر افشانی نمودند و جاهای آن ولایت که گاوهاشان از [۱] این مرض سالم مانده و کمتر تلف شده، بلوکات کجور و نور بوده است که بعضی جای ها جزیی بروز کرده و در اغلب بلوکات هیچ ظهور نداشته است.

دیگر نوشته اند که در باب بنایی قلاع مبارکه که کنار فرضه و سرحد که به عهده اهتمام عالیجاه علی خان قاجار مهندس محول است، نواب معزی الیه مراقبت و مواظبت تام به عمل آورده و عمله و مصالح کار آنچه لازم بوده، متوالیا به جهت عالیجاه مشارالیه از اطراف جمع آوری کرده و روانه نموده اند و اغلب آن مکان ها آنچه تابه حال ساخته شده، در کمال خوبی و استحکام باتمام رسیده و باقی بنایی های آن جا را نیز در کارند و عنقریب به اتمام خواهد رسید و عالیجاه مقرب الخاقان محمد حسن خان پیشکار آن ولایت برای رسیدگی و بازدید کارهای آن جا در اوایل ماه مبارک رمضان المبارک حسب الحکم نواب شاهزاده، عزیزت کنار فرضه و سرحد مزبور نموده بوده است و هم چنین امور کارخانه شکرریزی نیز از حسن مراقبت نواب معزی الیه، منتظم و در کار است.

دیگر نوشته اند شخصی شاهرودی در بلده ساری بنای سرقت گذاشته و در محله میر مشهد از چند خانه اسباب سرقت کرده بود. مستحفظین او را گرفته، خدمت نواب شاهزاده آوردند. بعد از تحقیقات لازمه معلوم شد که به کرات مرتکب سرقت و شرارت شده است. لهذا به موجب اظهار جناب حاجی ملا عبدالله مجتهد نواب معزی الیه، اورا سیاست نموده، حبس کردند.

ش 384 (پنجشنبه بیست و هفتم شوال 1274) 6. * 2584/4

این اوقات که موکب فیروزی کوکب همایون تشریف فرمای نیاوران شمیران هستند. بعضی از روزها را برای تفرج و شکار سوار می شوند. چون در کوه البرز پاره [ای] جاها و مکان های نزهتگاه است. خاطر اقدس همایون مایل سیاحت و تفرج کوه البرز شده. قبل از وقت عالیجاه مقرب الخاقان میرزا زین العابدین مستوفی دیوان اعلی، مامور و سرافراز تدارک ورود موکب همایون به آن جا گردید و فرمایش شد که در مکان خوبی و تفرج گاهی از کوه، لوازمات تهیه و تدارک اردوی همایون را فراهم آورد. مقرب الخاقان مشارالیه حسب الامر، از چند روز قبل اسباب و اوضاع شایسته و فراوان فراهم آورده. در روز پنجشنبه دوازدهم، موکب فیروزی کوکب همایون تشریف فرمای کوه البرز شدند و جناب جلالت مآب نظام الملک و چند نفر از شاهزادگان عظام و جمعی از خواص خدم و حشم در رکاب نصرت انتساب مبارک حاضر بودند و در روز تشریف فرمایی، مقرب الخاقان مشارالیه لوازم تهیه و تدارک را به طوری خوب و طرزی مرغوب که شایسته و

لایق بود، از قربانی های متعدد و زیاد که در مکان های معبر موکب همایون آماده کرده بود و مجلسی با روح و صفا ترتیب داده، از شال پانداز و وجه پیشکش و حلویات و سایر ملزومات از میوه و نهار و عصرانه از هر قبیل که در خور آن محفل مبارک بود، مهیا کرده و به جهت هر یک از ملتزمین رکاب فیروزی انتساب جداگانه تدارک مهمانی دیده و مهیا کرده بود و در نظر اقدس ملوکانه زیاد جلوه گر گشته، به وجود مسعود مبارک بسیار خوش گذشته. به مقرب الخاقان مشارالیه نهایت التفات را فرمودند و روز بعد از مراجعت موکب همایون، در ازای خدمت مشارالیه باعطای یک ثوب جبه ترمه کشمیری بسیار اعلی، قرین مفاخرت و مباحاتش فرمودند و فرمایش علیه رفت که همه ساله به قرار استمرار تهیه و تدارک این خدمت به عهده مقرب الخاقان مشارالیه بوده، به جهت مفاخرت خود به لوازم اسباب تشریف فرمایی موکب همایون به تفرج کوه فلک شکوه البرز قیام و اقدام نماید.

ش 387 (پنجشنبه نوزدهم ذیقعده 1274) 1-2. * 2603/4-2604.

[در گزارشی از تهران آوردند] مقرب الخاقان محمد اسمعیل خان نوری که چندی در اصفهان بود. در این اوقات برحسب حکم اولیای دولت علیه به دارالخلافه الباهره، احضار گشته. خدمت جناب اشرف ارفع امجد، صدراعظم دام جلاله، مشرف شده. مورد تطف و رافت آمده. بعد به حضور لامع النور، سرکار اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی، خلدالله سلطانه، شرفیاب گردیده. مشمول عاطف و مراحم ملوکانه گشت و به اعطای یک ثوب جبه ترمه کرمانی اعلی، به رسم خلعت آفتاب طلعت، سربلند و قرین افتخار آمد و جناب اشرف ارفع امجد، دام جلاله، نیز یک ثوب کلجه ترمه کرمانی مخصوصی خود را به اولتفات کردند و احکام علیه برای انجام مطالب و انتظام امورات ملکی و تیولی او، در کرمان، صادر آمده. اجازه رخصت حاصل کرده. با کمال امیدواری به الطاف شاهانه و توجهات و مراقبات دولت علیه، برای سرپرستی اهل و عیال و نظم امورات ملکی و تیولی خود، روانه کرمان گردید.

...

[در گزارشی از استرآباد به آزادی بیست تن اسیر استرآبادی و مازندرانی از دست ترکمنان جعفریای یموت/یوموت، اشاره شد].

ش 390 (پنجشنبه یازدهم ذیحجه 1274) 2،3 * 2624/4، 2625.

[در گزارشی از مهمانان سفارت روس در تهران "از مستوفیان عظام... مقرب الخاقان میرزا تقی نوری" یاد شد].

...

[در گزارش دیدار استادان و شاگردان دارالفنون با ناصرالدین شاه، از میرزا رضا مازندرانی یاد کردند].

ش 395 (پنجشنبه شانزدهم محرم 1275) 3، 6. * 2663/4، 2666.

[در دنباله گزارش دیدار استادان و شاگردان دارالفنون با ناصرالدین شاه، از زکی مازندرانی نام بردند].
عالیجاه میرزا زکی معلم توپخانه به منصب یآوری توپخانه سرافراز بود. چون در مترجمی و خدمات محوله به خود، غفلت و کوتاهی نکرده به منصب سرهنگی توپخانه برقرار شد و یک طاقه شمال کرمانیخلعت، مرحمت گردید.

ش 396 (پنجشنبه بیست و سیم محرم 1275) 3. * 2671/4.

از شاگردان مدرسه دارالفنون که در علم هندسه و مساحت، تحصیل در نزد عالیجاه موسیو کرشیش سرتیب توپخانه و معلم دارالفنون کرده اند، عالیجاهان محمد صادق خان قاجار سرهنگ توپخانه و مصطفی قلی خان یاور توپخانه و میرزا فتح الله پسر مقرب الخاقان نصیر الملک و عسگرخان برادر صاحب جمع را نواب مستطاب شاهزاده افخم اعتضادالسلطنه علی قلی میرزا، چند روز قبل مامور نمودند که رفته ارتفاع قصر مبارکه اقدس همایون را در نیاوران از سطح طهران و بعد از آن ارتفاع کوه دماوند و بعضی جاهای دیگر مشخص نمایند. مشارالیهم حسب الامر معمول داشته، آنچه معلوم کرده اند مفصلاً در هفته آینده نوشته می شود.

ش 398 (پنجشنبه هفتم صفر 1275) 3. * 2687/4.

روزنامه شاگردان علم هندسه که به تشخیص ارتفاع قصر سلطانی نیاوران و کوه دماوند و غیره از سطح دارالخلافه مامور شده بودند. حسب الحکم سرکار نواب اشرف والاعتضادالسلطنه این فدویان محمد صادق خان قاجار سرهنگ توپخانه و مصطفی قلی خان یاور توپخانه و میرزا فتح الله پسر مقرب الخاقان نصیرالملک و عسگر خان برادر صاحب جمع به جهت تعیین ارتفاع قله کوه دماوند، موافق طوری که در نزد عالیجاه موسیو کریشش سرتیب توپخانه مبارکه آموخته بودند. روزشنبه هیجدهم محرم از طهران عازم نیاوران شده، در باغ نواب والاعتضادالسلطنه که در حصار بوعلی واقع است و محاذی قصر اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی اتفاق افتاده به قاعده که در دست است. درجه ارتفاع ترمومتر که معروف به درجه سرما و گرما [است]، گرفته شده؛ دویست و ده درجه شد و به قاعده حساب عمل نموده چهارصد و شصت ذرع شد که ارتفاع قصر سلطانی نیاوران از سطح طهران است و از آن جا به سوهانک رفته و صبح را به بومهن و از آن جا روز دیگر به دماوند [رفتند]. در کنار رودخانه ارتفاع ترمومتر را گرفته، دویست و یازده درجه شد که به قاعده حساب شش صد و سی و چهار ذرع باشد و از آن جا

روانه شده از کتل امامزاده هاشم گذشته به آب گرم لاریجان رفته، ارتفاع ترمومتر را گرفته، دویست و پنج درجه شده که به قاعده عمل هشت صد و هفتاد و هفت ذرع ده آب گرم از سطح طهران مرتفع ترمی باشد و از آن جا ده نفر بلد گرفته به همراه برداشته، اول طلوع آفتاب، روانه کوه دماوند شده. در کمال صعوبت تا سه ساعت به غروب مانده قریب دو فرسخ بالا رفته در زیر سنگی که مشهور به بارگاه است، فی الجمله وسعتی دارد، توقف نموده. شب را در آن جا به سر برده. پهلوی آن سنگ نهر آبی به قدر سه چهار سنگ جاری بود. یک ساعت به غروب مانده، نهر آب به آن عظمت منجمد گردید. چون از این معنی غفلت بود، شب بی آبی و تشنگی کشیده از گداخته برف و یخ به سر برده شد و بادی بسیار شدید وزیدن گرفت که قوه طیخ و تحصیل روشنایی باقی نگذاشت و به این حالت شب را به صبح رسانیده. اول طلوع فجر به سمت مقصد به حرکت آمده. بعد از طی نمودن نیم فرسخ به اول برف رسیده و در آن جا نیز ارتفاع ترمومتر را گرفته، صد و پنجاه و دو درجه و به قاعده حساب دو هزار و شش صد و هشتاد و یک ذرع مرتفع تر از سطح طهران می شود و از آن مکان به قدر یک فرسخ بالا رفته، به جایی که مشهور به بند حکیم صاحب است، رسیده، درجه ترمومتر یک صد و سی و سه درجه شده که چهار هزار و چهار صد و سی و شش ذرع مرتفع تر از سطح طهران می شود و این بندی است که چهار سال قبل یکی از حکمای فرنگ به عزم سیاحت به آن مکان رفته و از آن جا تجاوز نتوانست بکند و به این جهت مشهور به بند حکیم صاحب شده و در همین جا سه نفر از بلدهای فدویان بدحال شده و نتوانستند بیایند و از آن جا بامداد، هفت نفر بلد دیگر به هر نحو بود مسافتی نیز طی کرده، به مکانی که مشهور به بامشی بند است رسیده. درجه ارتفاع ترمومتر را گرفته، یک صد و هیجده درجه شد که به حساب پنج هزار و چهار صد و شصت ذرع مرتفع تر از سطح طهران باشد و از بامشی بند به قدر هزار قدم به استراحت رفته، زحمتی ندارد و به اول دود کوه می رسد و در آن جا تپه مانند جایی [۱] است و بخار رقیقی متصاعد است و ارتفاع او به قدرسی صد قدم می باشد و از آن حد به بالا معدن گوگرد است و در آخر دود کوه زاغه هست. کم وسعت به قدرسه قدم گود و به فاصله صد قدم دورتر زاغه دیگری هست از زاغه اول بزرگتر و از هر دو بخار متصاعد است. پشت زاغه دوم گودالی است حوض مانند که از اطراف آن برف آب شده در میان آن حوض جمع می شود و آبش ترش مزه و قدری گوگرد نیز دارد و در میان آن آب گرم های سفید نازک به هم می رسد و بالای کوه جایی [۱] است وسیع و وسط آن گودالی است بزرگ و پر از برف و این اوقات به قدر چهار پنج ذرع برفش پایین رفته است و عمق گودال را تا امروز کسی مشاهده ننموده است و سه سمت قله برف دارد و یک سمتش که معدن گوگرد است و بخار دارد، بی برف است و در آن جا زیاده از پنج دقیقه زیستن میسر نشد و از برای فدویان حالت انقلاب دست داده. درجه ارتفاع ترمومتر را در کمال سرعت گرفته و سه نفر از بلدها را امر به کندن گوگرد نموده و مراجعت کرده، در زاغه دوم بلدها به فدویان رسیدند و عمل دیگری که به واسطه چوب و ریسمان باید بشود، از شدت زیادتی باد نتوانستند به عمل بیاورند. دو ساعت و نیم به غروب مانده عود به منزل و در نهایت سرعت و آسانی به قریه کرنا [گرنا]، که در پای کوه است، وارد شدند.

ارتفاع طهران از سطح دریا که از خارج معلوم شده است 1120 ذرع

ارتفاع قصر نیاوران از طهران 460 ذرع
ارتفاع نیاوران از دریا 1580 ذرع
ارتفاع قصبه دماوند از طهران 934 ذرع
ارتفاع آب گرم از طهران 877 ذرع
ارتفاع اول برف از طهران 2681 ذرع
ارتفاع اول برف از دریا 3018 ذرع
ارتفاع ارتفاع بند حکیم صاحب از طهران 4436 ذرع
ارتفاع بامشی بند از طهران 5460 ذرع
ارتفاع قله چاه آتشی دماوند 5898 ذرع
ارتفاع قله چاه آتشی دماوند از دریا 7018 ذرع
ارتفاع قله چاه آتشی دماوند از آب گرم که دامنه واقعی او محسوب می شود و ارتفاع حقیقی آن 5021
درجه ارتفاع بارومتر از طهران که معروف به درجه انقلاب هوا [1] است هزار و یک متر که ذرع فرانسه است و تقریباً یک گره از ذرع ایران کمتر است 660.
درجه ارتفاع بارومتر از نیاوران هزار و یک متر 625
درجه ارتفاع بارومتر از قله دماوند هزار و یک متر 342
آب در قله دماوند به 79 درجه سانتی گراد به جوش می آید که عبارت از تقسیم صد درجه است
درجه ارتفاع بیودیت که یکی از آلات ارتفاع است از طهران 228 درجه
درجه ارتفاع بیودیت از نیاوران 215 درجه
درجه ارتفاع بیودیت از قله دماوند 112 درجه

ش 399 (پنجشنبه چهاردهم صفر 1275) 4-6 * 2698-2696/4.

چون بعضی از ارتفاعات را که در روزنامه هفته سابق نوشته شد کاتب نسخه در وقت استکساب نسخه سهو کرده بود لهذا مجدداً صحیح و بی غلط آنها نوشته می شود که مشتبّه نماند.

ارتفاع طهران از سطح دریا
ارتفاع قصر نیاوران از سطح دریا
ارتفاع آب گرم لاریجان از طهران
ارتفاع اول برف کوه دماوند از دریا
ارتفاع قله کوه دماوند از طهران
ارتفاع قله کوه دماوند از سطح دریا

ش 400 (پنجشنبه یست و یکم صفر 1275) 3 * 2703/4.

عالیجاه میرزا کریم خان سرهنگ فوج سواد کوهی که همیشه قراول خاصه حمارات مبارکه و خزانه عامره است، اوقات غیاب موکب جهان گشا در محارست و محافظت لازمه جد و جهد به عمل آورده بود لهذا به اعطاء یک طاقه شال ترمه کرمانی سرافراز گردید.

ش 404 (پنجشنبه بیستم ربیع الاول 1275) 4. * 2732/4.

جناب فضایل مآب آقا سید ربیع مجتهد دام فضله، که از جمله علما و فضایی دارالمرز[است] و این روزها وارد آستان همایون شده بود، شرفیاب حضور اقدس اعلی شده. مورد مراسم ملوکانه گردید. این روزها که رخصت انصراف حاصل نمود به اعطای یک ثوب عبای ترمه قرین مباحات آمد.

ش 407 (پنجشنبه یازدهم ربیع الثانی 1275) 2. * 2750/4.

از اوقاتی که نواب اشرف والا اعتضاد السلطنه در امورات مدرسه دارالفنون و تربیت و تقویت متعلمین آن جا اهتمام نموده اند، ترقی کلی در علوم و تحصیل آنها ظاهر شده، از آن جمله شرح تلگراف سابقاً در روزنامه مرقوم شده و بعد از آن به عمل نقشه کشی پرداختند و متعلمین توپخانه به کوه الوند و البرز رفتند و ارتفاع هر یک را مشخص نمودند و معلم توپخانه در این امر جهد وافی کرد.

ش 408 (پنجشنبه هیجدهم ربیع الثانی 1275) 1. * 2755/4.

مازندران - از قراری که در روزنامه مازندران نوشته اند، امور آن ولایت از حسن مراقبت نواب والا لطف الله میرزا حکمران مازندران منتظم و مضبوط است و در این اوقات نواب معزی الیه به اتفاق عالیجاه محمد حسن خان پیشکار به جهت بازدید قلعه جات کنار دریا و محل سکنا طایفه عبدالملکی و رسیدگی حالات خود طایفه مزبور به آن جا رفته و پس از نظم امور آن صفحات به سرکشی امورات و غوررسی ولایت و رعیت بارفروش و توابع عزیمت بارفروش را نموده اند و از قراری که نوشته اند در این روزها اجناس ماکولات از قبیل برنج و شالی نسبت به سابق فی الجمله تنزل نموده و ارزان

گردیده است و رعایا و برایا آسوده خاطر به امور زراعت و رعیتی خود و دعاگویی ذات اقدس همایون شاهنشاهی اشتغال دارند.

ش 408 (پنجشنبه هیجدهم ربیع الثانی 1275) 3 * 2757/4.

سابقاً سه نفر از شاگردان توپخانه به تعیین ارتفاع کوه البرز رفته بودند و از پایین کوه تا بالا، مدت ده روز به دقت تمام با نمولال و ترومتی ارتفاع آن را مشخص نموده اند که قواعد آنها در رساله مختصری باسمه خواهد شد و اسامی ایشان از [1] این قرار است: عباس قلی خان دنبالی، محمد حسین خان اصفهانی، میرزا اسمعیل خان.

ش 411 (پنجشنبه دهم جمادی الاول 1275) 2 * 2774/4.

مازندران - از قراری که در ضمن روزنامه مازندران نوشته شده بود، این اوقات برف زیادی در آن جا باریده است و از غرایب [1] است که در گرمسیر چنین برفی بیارد.

ش 419 (پنجشنبه ششم رجب 1275) 3 * 2827/4.

بندر بوشهر - از قراری که در روزنامه آن جا نوشته اند، احمدخان نوائی، دریابگی بوشهر و توابع را خوب نظم داده است...

ش 420 (پنجشنبه سیزدهم رجب 1275) 4 * 2832/4.

مازندران - از قراری که در روزنامه مشهد سر نوشته بودند، در بیستم شهر جمادی الاخری در کناره دریا باد شدیدی آمده، یک فروندرشوه از مال امام قلی نام تاجر بادکوبه، که بارش پنبه و قیصی و کشمش بوده، غرق می شود و همچنین کرجی که هفت نفر عمله و سرنشین در آن بودند و از لنگرود به مشهد سر می آمده، همین که نزدیک کناره می رسد سه نفر از سرنشین ها از ترس آن که مبادا غرق شوندف خود را به کناره دریا انداختند. جزر و مد دریا آنها را به میان دریا کشیده، هلاک نمود و کرجی داخل دهنه شد. دو نفر دیگر از ترس جان خود را به رودخانه، که آبش تا کمر بود، می اندازند. آن دو نفر را هم کولاک به دریا می برد و غرق می شوند. یک نفر ناخوش و یک نفر سالم در آن کرجی می ماندند و دست از جان شسته، منتظر هلاک خود بودند که ناگاه از تفضلات الهی کولاک کرجی را به کنار دریا می اندازد و به هیچ وجه آسیبی به آن دو نفر نمی رسد و کرجی هم صحیح می ماند.

ش 421 (پنجشنبه بیستم رجب 1275) 3 * 2837/4.

چون حاجی مصطفی خان مازندرانی به محض از جهت تقبیل آستان ملایک پاسبان همایون، شرفیاب دربار معدلت مدار گشته بود، این اوقات اذن مرخصی حاصل نموده و یک ثوب جبه ترمه کرمانی به افتخار و سرافرازی مشارالیه عنایت گردید. نظر به صداقت و امانت و راست قلمی میرزا اسدالله مستوفی و حسن سلوک و رفتار مشارالیه بارعیت مازندران و رضامندی رعیت از او، برحسب امر اعلیحضرت شاهنشاه به منصب وزارت دارالمرز مزبور سرافراز گشته، فرمان همایون صادر شد و یک ثوب جبه ترمه کرمانی خلعت به او مرحمت و عنایت گردید.

ش 423 (پنجشنبه پنج شعبان 1275) 3 * 2849/4.

چون میرزا محمد رضای نوری در مدت توقف بندر بوشهر، در خدمات دولت کمال صداقت به کار برده. مراتب لیاقت و شایستگی او بر رای جهان آرای اعلیحضرت شاهنشاهی معلوم و معروض افتاد. در این اوقات او را به لقب ارجمند خانی سرافراز و به اعطای یک ثوب ترمه جبه کرمانی، قرین امتیاز فرمودند.

ش 424 (پنجشنبه دوازدهم شعبان 1275) 1 * 2853/4.

در [این اوقات به واسطه اخبار متوالیه به اولیای دولت علیه معلوم گشت و به تحقیق پیوست که ترکمانان ساکنین استرآباد و گرگان و آن نواحی، رعایای این دولت علیه که برای تجارت نطف [نفت] و نمک و غیره از دریای مازندران عبور کرده، به بنادر مازندران داخل می شوند. بعد از آن که خرید و فروش خود را تمام کرده، در کار معاودت هستند، مهما ممکن اموال مردم و بلکه در جاهای دور دست هنگام فرصت آدم نیز اسیر گرفته، از راه های غیر معروف داخل دریا شده، می روند. چون نظم بنادر و فرضیات و حفظ مردم از اسیری و خسارت کشی، برعهده دولت لازم بود. لهذا اولیای دولت علیه قرار دادند که محل عبور و مرور ترکمانان به فرضیات و بنادر استرآباد و مازندران منحصر به دو دهنه باشد: یکی دهنه بندر مشهد سر و یکی دهنه فرح آباد. تا اینکه ترکمانان مزبور نتوانند هنگام بیرون رفتن از خشکی به دریا اسیر همراه خود ببرند و احکام موکده به مستحفظین و سرحداران کناره دریا صادر شده که هرکس از غیر این دو راه خواسته باشد داخل و یا خارج شود، او را ممنوع دارند تا به واسطه این نظم هم امر تجارت و آمد شد ترکمانان کاسب و هم امنیت اهالی ولایت هر دو رواج و رونق داشته باشد.

ش 433 (پنجشنبه پانزدهم شوال 1275) 1 * 2895/4.

مازندران- از قراری که در روزنامه آن جا نوشته اند، میرزا اسدالله وزیر در نظم ولایت و آبادی دهات، نهایت مراقبت و اهتمام را به عمل می آورد و شاهزاده لطف الله میرزا حاکم آن جا نیز کمال تقویت و محبت و موافقت را نسبت به مشارالیه مرعی می دارند و اهل مازندران بانهایت امیدواری و آسایش به لوازم شکرگذاری و دعاگویی دوام بقای ذات اقدس همایون شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه اشتغال دارند.

قبل از ماموریت میرزا اسدالله در بارفروش، میانه حاجی ملا محمد مجتهد اشرفی و آقا سید ربیع بر سراحکام شرعیه گفتگو و نزاعی بوده است و الواط و اشرار فرصت یافته، بنای هرزگی و فتنه و فساد گذارده بودند به حدی که به خانه ها رفته، اموال مردم را علانیه می بردند. بعد از آن که مراتب مزبور [بر] شاهزاده و میرزا اسدالله معلوم می شود، قلیل جمعیتی برداشته به بارفروش می روند و بی آن که به احدی از رعیت و غیره اذیت و ضرر برسانند یا آن که مطالبه سیورسات و رسومات نمایند، الواط مشهور آن جا را دستگیر نموده، تنبیه می نمایند و آنها را کوچانده به جاهای دیگر سکنی داده اند. منتهای امنیت حاصل شده باعث مزید دعاگویی مردم گردیده است.

دیگر آن که برنج و گوشت و نان در مازندران نهایت تسعیر را داشته است. میرزا اسدالله قراری داده است که نان و گوشت را ارزان بفرشند و تفاوت کلی در قیمت آنها به هم رسیده است و در باب برنج که به محصلی حیدربیک تفنگدار، نظر به گرانی در مملکت قدغن شده است به خارج نبرند، لازمه مراقبت را دارند که به خارج برده نشود.

و از عجایب اتفاقیه آن که زنی برای آوردن هیمه از دهی به جنگل رفته است. طفل دو ساله داشته، به دنبال مادر می رود طوری که مادرش نمی فهمد. بعد از آن که به خانه می آید، از طفل خود اثری ندیده. آن روز تا شب جستجو می نمایند. دو روز دیگر هم به اتفاق جمع اهل آن ده، صحرا و جنگلها را گردش می نمایند. روز سیم طفل را در زیر درختی میان جنگل یافته اند. از سرما و بی قوتی از قوت افتاده و مدهوش شده اما با آن همه حیوان ضاره که در جنگل است، آسیبی به او نرسیده، در حفظ الهی حیات داشت. او را به خانه آورده، از آب گرم و روغن مالی بدنش را به حال آوردند و به تدریج اغذیه رقیقه دادند و بعد از دو سه روز برخاسته، راه افتاد.

دیگر این که گاوی گوساله زاییده و دو سر داشته است و سایر اعضایش صحیح و درست بوده است. لیکن زنده نمانده بوده است.

ش 435 (پنجشنبه بیست و نهم شوال 1275) 3 * 2905/4

[در گزارشی از دزدی در تهران آوردند]... تا این اوقات چاروادار مازندرانی با دوازده بار برنج از مازندران می آمی و به قدر چهل تومان هم تنخواه نقد همراه داشته. در سرخ حصار، که نزدیک جاجرود است، شش نفر دزد برسر او ریخته، برنج و تنخواه را می برند. خدمت شاهزاده نصرت الدوله عارض می شود. معزی الیه به قراسوران ها قدغن می نمایند که حکما سارق را می خواهم. قراسوران ها به تجسس رفته یک نفر سارق را با

بارهای برنج و تنخواه با الاغ هایی که سابق برده بودند، به دست آورده ، حاضر می سازند. شاهزاده اشیا را به عینه به صاحبانش رد نموده که آنها به شکرانه این نعمت ، به دعای ذات اقدس شهریاری مشغول شوند.

ش 437 (پنجشنبه چهاردهم ذیقعده 1275) 3. * 2913/4.

چون مازندران و استرآباد در غالب امور ولایتی بسته به یکدیگر می باشند و در این مدت که حکومت آن دو ولایت از یکدیگر موضوع بود، طریق تاخت و تاز و راه دست انداز تراکه ضاله به طوری که باید مسدود نمی شد و این مرام که از مهام مهمته و مکنون ضمیر منیر شاهنشاهی است به عهده تعویق بود. لهذا رای جهان آرای همایون اقتضا فرمود که حکومت آن دو ولایت را به یکی از چاکران باکفایت عنایت فرمایند که درصدد آبادی ولایت و حفظ سرحدات برآید و انشاءالله تعالی طریق دست انداز تراکه را به کلی مسدود نماید و معلوم است که انجام این خدمت بزرگ و سرافرازی به چنین حکومت، شایسته یکی از منسبان سلطنت عظمی است که به مزید کفایت نیز موصوف باشد. بناء علی هذا شاهزاده حاجی کیومرث میرزا ایلخانی ایل جلیل قاجاریه ، که حسن سلوک و مزید کفایت و کاردانی خود رادرپایه سریر اعلی ظاهر ساخته بودند، به حکومت و ایالت مازندران و استرآباد مستقلاً سرافراز شدند و به ملک آرا ملقب گردیدند. فرمان جهان مطاع همایون شرف اصدار یافته، خلعت حکومت در حق ایشان مرحمت شد و روانه محل ایالات شدند و نیابت منصب ایشان حسب الامر قدر قدر همایون، به امیرزاده هوشنگ میرزا پسر معزی البیہف واکذار می باشد.

ش 441 (پنجشنبه سیزدهم ذیحجه 1275) 2. * 2928/4.

مازندران- از قراری که در روزنامه آن جا نوشته بودند، در امورات ولایتی طبرستان نظمی کامل حاصل است و اهالی ولایت در نهایت اطمینان و فراغت به دعاگویی دوام دولت ابد آیت اشتغال دارند. شاهزاده ملک آرا که مامور حکومت و سرپرستی اهالی آن صفحات بودند، وارد گردیده. اعیان و اهالی ولایت، لوازم تهنیت و استقبال را به عمل آورده. روز چهارشنبه بیست و چهارم شهر محرم الحرام وارد محل ایالت گردیدند و در ساریکه مقر حکومت آن سامان است، نزول نموده. عمال و مباشرین دیوانی و ولایتی هر یک را علی قدر مراتبهم لازمه نوازش و مهربانی میذول داشته، به مراسم و توجه کامله اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه مستظهر و امیدوار نموده. عموم مردم را کمال شکرگزاری حاصل آمده. از حکومت ایشان به نهایت مسرور گردیده، مشغول خدمتگذاری و دعاگویی گردیدند و بعد از ورود شاهزاده معزی الیه تنزل کلی در نرخ اجناس به هم رسیده، به حدی که شلتوک را که سابقاً به یازده هزار دینار می فروختند، در این اوقات به شش هزار دینار به فروش رسیده است.

و در خصوص وظیفه و مستمری ارباب استحقاق، به میرزا عیسی مباشر موقوفات و وظایف قدغن نموده ارباب وظایف را احضار و به حضور ملک آرا حاضر ساخته. قراری مطبوع در رسیدن تنخواه آنها دادند و به میرزا مسیح پیشکار، قدغن اکید نمودند که به زودی وجه وظیفه آنها را برساند که با نهایت آسایش مشغول دعاگویی دوام بقای دولت قاهره بوده باشند.

نصراالله آقای قاجار را با سی سوار تعیین نموده اند و از کلباد تا بندر مشهد سر، بیست سنگر مشخص نموده و نوکر پیاده اشرف [و] توابعی را مامور حفظ سنگرگاه ها نمودند و از همه سرکردگان التزام گرفتند که شب و روز مدام متوقف سنگر گاه و مشغول مستحفظی باشند و هرگاه وقتی نصراالله آقای سرحددار به سنگرگاه احدی از آنها عبور کند و نوکر مستعد آماده و حاضر خدمت نباشند، آن صاحب منتصب را حبس نموده مراتب را به عرض ملک آرا برساند.

ش 444 (پنجشنبه هفدهم صفر 1276) 4 * 2942/4.

استرآباد- از قراری که در روزنامه آن جا نوشته اند، شاهزاده ملک آرا که مامور حکومت و ایالت مازندران و استرآباد بودند؛ چند روزی در ساری توقف نموده، بعد از قرار کار و نظم و نسق مهام دیوانی مازندران به عزم سرپرستی اهالی استرآباد و انتظام امور آن سرحد، حرکت نموده. روز سیم شهر ربیع الاول وارد استرآباد گردیده اند. میرزا محمد پیشکار با جمعی از اعیان و اشراف ولایت، لوازم استقبال و تهنیت را معمول داشته. شاهزاده معزی الیه نیز در حق هریک به فراخور احوال، کمال ملاطفت و مهربانی مبذول داشته اند.

خوانین و روسا و ریش سفیدان طوایف یموت تا ساری، به عزم خدمتگذاری رفته و شاهزاده ملک آرا آنها را انعام و خلعت داده، معاودت نمودند و در روز ورود شاهزاده به استرآباد نیز تمامی ایل یموت، که در گرگان و کنار قراسو می باشند و دسته دسته و جوقه جوقه [جوقه جوقه] استقبال می آمده و تا ورود به استرآباد همه جابه خدمت شاهزاده رسیده، به انواع التقات و مهربانی مفتخر می گردیدند.

و شاهزاده معزی الیه، ملک اسمعیل را مامور نمودند که رفته، تمامی خوانین و ریش سفیدان طوایف یموت را به خدمتگذاری اعلام نمایند و ابلاغ دارد که اسرا و اموالی که سابقا برده اند، آورده، رد نمایند.

و همچنین آقا علی اکبر کلانتر را مامور نموده اند که رفته، ایل حسن قلی نشین و گمش تپه و چرکن و اوخ و غیره را مطمئن ساخته به استرآباد بیاورد که قرار خدمتگذاری خود را بدهند.

شاهزاده ملک آرا یک روز بعد از ورود به استرآباد، جمیع نوکر پیاده و سواره آن جا را اعلام و احضار نموده و همه روزه باکمال دقت دسته به دسته سان می بینند و بعد از تصحیح جیره و مواجب آنها را معلوم نموده، در وجه آحاد و افراد نوکر نقد کارسازی می

نمایند و سنگرهای ولایت استرآباد را کلا آباد کرده، در همه جا نوکر گذارده اند و از سرکردگان التزام گرفته اند که هر یک از مامورین سنگر گاه ها یک ساعت برسرخدمت نباشند، مورد مواخذه باشند.

میرزا محمد وزیر همه روزه از طلوع آفتاب تا غروب در دفتر خانه معینه نشسته، مشغول رسیدگی معاملات و محاسبات و سایر خدمات می باشد و به هیچ وجه از لوازم خدمتگذاری تغافل و خودداری نمی نماید.

ش 448 (پنجشنبه پانزدهم ربیع الاول 1276) 3-4 * 2958-2957/4.

[در گزارشی از استرآباد(گرگان امروزی) به سفر ملک آرا ، حکمران مازندران و استرآباد ، به این سامان اشاره شد].

...

مازندران- از قراری که در روزنامه آن جا نوشته اند، مدتی بوده است که باران نیامده بود بحمدالله تعالی در دهم ماه ربیع الثانی از صبح تا شامف باران خوبی آمده. تمام اهل آن جا کمال امیدواری به هم رسانده مشغول دعاگویی ذات اقدس همایون می باشند و نایب الحکومه و میرزا مسیح پیشکار، در غیاب ملک آرا مشغول انتظام امورات ولایتی می باشند و از همه جهت نهایت نظم را دارد و محصلین چندی از جانب نایب الحکومه و میرزا مسیح پیشکار به جهت گرفتن دزد مامور گردیدند. چهار پنج نفر از دزدهای مشهور مازندران را دستگیر کرده به بلده ساری برده، محبوس کردند و قریب سی فرد گاو میش و بیست راس اسب و مادیان مردم را که همین سارقین برده بودند، استرداد نموده به صاحبانش رد نمودند.

ش 451 (پنجشنبه هفتم ربیع الثانی 1276) 2-4 * 2972-2970 /4 .

[در گزارشی از تهران "احمدخان نوائی" را یکی از کسانی برشمرده که "برای مشورتخانه عامه دولتی" برگزیده شدند].

ش 452 (پنجشنبه بیست و یکم ربیع الثانی 1276) 4 * 2976 /4 .

مازندران- از قراری که در روزنامه آن جا نوشته بودند، بعد از عزیمت شاهزاده ملک آرا به سرپرستی استرآباد، امیرزاده سلطان حسین میرزا و میرزا مسیح وزیر مازندران، در نظم و نسق مهمات دیوانی و ولایتی آن جا لازمه مراقبت و مواظبت به عمل می آورند و در رسیدگی محاسبات و رفع مواد فساد از میرزا مسیح وزیر مراقبات کافیه به ظهور می رسد.

امیرزاده سلطان حسین میرزا برحسب دستورالعمل شاهزاده ملک آرا، پانصد نفر پیاده اشرفی جمعی عباس قلی خان و محسن خان سورتی را که مامور به مستحفظی سنگرگاه

های کنار فریضه بودند، ده روزه احضار نموده اند و نوکر پیاده طالش و یخ کشی را عوض آنها مامور و روانه سنگرگاه های مزبوره داشته اند و چون از دسته اشرفی بعضی مواجیشان باقی بود، میرزا مقیم لشکر نویس را روانه قصبه اشرف نمودند که این وجه جزئی باقی را بدست آحاد و افراد نوکر داده، قبض و طومار پابه مهر، مثل سایر دستجات گرفته، بیاورد و پیاده مزبوره را بعد از دیدن سان و دادن مواجب روانه استرآباد می دارند که به جهت جمع مالیات گوکلان و ممیزی بدهی آنها به اتفاق امیرزاده ادريس میرزا مامور روانه بسازند.

و از قراری که در روزنامه آمل نوشته بودند، در قریه ایزد اران، محل مواجب فوج لاریجان نزاعی واقع شده و میرزا ابراهیم آجودان فوج مزبور، فضل الله نامی را به تیرزده و به جهت تفریغ حساب به ساری آمده بود و حساب را پرداخته، روانه لاریجان شد. همان روز از امل اخبار رسید که فضل الله نام مذکور از همان زخم تیر فوت شده است. امیرزاده سلطان حسین میرزا، آدم به تعاقب او فرستاده او را از بارفروش برمی گردانند و در ساری نگاه می دارند تا بعد از ثبوت شرعی احقاق حق بشود.

ش 454 (پنجشنبه پنجم جمادی الاول 1276) 4 * 2984/4.

چهار دسته فوج سوادکوهی جمعی میرزا کریم خان سرهنگ که زمان خدمت آنها سرآمده بود، آنچه مواجب و جیره طلب داشتند، در دیوانخانه نظام داده، مرخص شدند.

ش 457 (پنجشنبه بیست و ششم 1276 جمادی الاول 1276) 2 * 2994/4.

وقایعات دارالمرز-مازندران- در این هفته، از آن جا روزنامه ای نیامده بود و خبری نیست.

ش 458 (پنجشنبه یازدهم جمادی الاخر 1276) 3 * 2999/4.

چون عباس قلی خان سردار لاریجانی که مرحوم شده بود؛ غلام علی خان سرهنگ ولد مرحوم مزبور، فوج لاریجانی را با کمال نظم و آراستگی از نظر انور همایون شاهنشاهی گذرانید. مراتب شایستگی و کاردانی مشارالیه مشهود رای جهان آرای اقدس آمد. او را به منصب سرتیپی اول سرافراز و به جهت آن که اسم مرحوم عباس قلی خان از میان نرود، غلام علی خان را به عباس قلی خان مخاطب و موسوم فرموده، به اعطای یک ثوب جبه ترمه کرمانی، سرافراز فرمودند.

...

وقایع و اخبار دارالمرز - مازندران - در این هفته بغیر امنیت ولایت از آن جا خبری نیست.

ش 459 (پنجشنبه هجدهم جمادی الاخر 1276) 2، 6 * 3005/4، 3008.

دارالمرز - مازندران - جزامنیت ولایت، خبری نیست.

ش 460 (پنجشنبه بیست و سیم جمادی الاخر 1276) 6 * 3017/4.

وقایع و اخبار دارالمرز - گیلان و مازندران - از این دو ولایت، خبر تازه ای نرسیده است که نوشته شود.

ش 461 (پنجشنبه هفتم رجب 1276) 8 * 3024/4.

وقایع دارالمرز - مازندران - در این هفته، روزنامه ای نرسیده است.

ش 463 (پنجشنبه ششم رمضان 1276) 5 * 3033/4.

اخبار دارالمرز - مازندران - از قراری که نوشته بودند، امر آن ولایت از اهتمامات کافیه شاهزاده ملک آرا حکمران مازندران و استرآباد، کمال انتظام را دارد و در ماه شوال بارندگی بسیار خوبی شده است و مردم آسوده خاطر، مشغول دعاگویی می باشند.

وقایع اخبار سیستان - در ضمن روزنامجات سابقه نوشته شده بود که از جانب سنی الجوانب همایون، غلام حسین خان غلام پیشخدمت لاریجانی، مامور شده برای خوانین سیستان و بلوچ خلاع مهر شعاع و فرمان مرحمت توامان برده بود. بعد از ورود او سردار تاج محمد خان حاکم سیستان با خوانین سربندی و سردار محمد شریف خان و سردار کمال خان بلوچ متفقا و متحدا لوازم استقبال و احترامات را به خلعت دولت نموده، به زیارت فرامین قضا امین تشریف جسته، زبان به دعای بقای دولت جاوید آیت گشودند و با کمال استظهار به مراحم ملوکانه مشغول خدمتگذاری بودند. یک روز در قلعه سردشت، که مابین خوانین سربندی و بلوچ سرحدات، همگی اجماع نموده به عهده مراسم جان نثاری و عقد مراتب خدمتگذاری دولت جاوید قرار متفق اللفظ والعهد گردیدند و سردار تاج محمد خان با جمعی از خوانین بلوچ و سیستان به همراهی غلام حسین خان برای تنبیه امام خان بلوچ، که در آن طرف هیرمند واقع است و از طایفه او به تاخت هفتاد راه آمده، بعضی اموال و ائقال از قافله کرمانی زده و برده بودند، رفته آنچه را که از اموال مزبور تلف نشده بود، گرفتند و بعد از آن خوانین سیستان محمد امین خان را که از خوانین معتبر آن جا [1] است به اتفاق غلام حسین خان روانه رکاب نصرت انتساب همایون نموده. در مقام

عرض و استدعا برآمدند که از دولت بند قدیم هیرمند را که مشهور است به بند طرقوا بیندازند و آن املاک را که خالصه است، آباد نمایند که از آبادی آنها سد راه تاخت و تاز اشرا بلوچیه از هفتاد راه و آن صفحات بشود و موجب شرمندگی و انفعال اهالی سیستان از خدمت دولت نگردد و در وقتی که موکب فیروزی کوکب همایون در داودیه به جهت عزیمت بیلاقات تشریف فرما بود، غلام حسین خان با محمد امین خان و سایر خانزادگان سیستانی، شرف اندوز حضور مهرظهور همایون گردیده، مورد شمول الطاف خسروانه شدند.

ش 467 (پنجشنبه غره ذی الحجه 1276) 7 * 3057/4.

دارالمرز- مازندران و استرآباد- از قراری که نوشته اند، شاهزاده ملک آرا حکمران مازندران و استرآباد، در نظم ولایت و نوکر و منتظم نمودن سرحدات و رفع خودسری تراکمه و اجرای قواعد عدلیه، که حسب الامر قدر قدر اعلی مقرر می باشد، اقدام و اهتمام کلی دارند و خلائق آسوده خاطر به دعای دوام دولت سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه قیام و اقدام دارند و از تفضلات الهی از ماه شوال به این طرف باران های نافع آمده، باعث اطمینان مردم شده است.

از قراری که نوشته بودند، سردار تاج محمد خان حاکم سیستان و خوانین و اهالی آن سامان در خدمتگذاری دولت علیه اتفاق و اتحاد تمام دارند و علی حسب المقدور در خفنه معابر و مسالک کوشش می نمایند که از طایف بلوچیه دست اندازی و دزدی نسبت به قوافل و مترددین روی ندهد و بعد از آن که غلام حسین خان از آن جا به دربار همایون معاودت نموده است، سردار تاج محمد خان مهیا و عازم شده است که برود سد بندسیستان را به بندد لیکن از تفضلات الهی باران های متواتر آمده است، به طوری که جمیع رودخانه ها مملو گشته، از بستن سد مستغنی شده اند و جمیع مردم باخوشوقتی، مشغول رعیتی و دعاگویی و جود مبارک همایون می باشند.

ش 468 (پنجشنبه پانزدهم ذیحجه 1276) 5، 7 * 3062/4، 3064.

اخبار دارالمرز- استرآباد و مازندران- از این دو ولایت، تازه خبری نرسیده است که روزنامه شود.

ش 471 (پنجشنبه بیست و هشتم محرم 1277) 4 * 3079/4.

پایان